

حکمرانی رشد ساز



با آثار و مطالبی از:

- حسین عبده تبریزی ● علی میرزاخانی ● روح اله دهقانی فیروزآبادی ● حسین قربان زاده ● حسین سلاح ورزی
- ایراهیم متقی ● محسن جلال پور ● علیرضا توکلی کاشی ● محمد مهدی مومن زاده ● علی فرنام ● مهدی طحانی
- بهزاد بهمن نژاد ● مجتبی نظری ● فاطمه اسماعیلی ● نگین دوستدار ● سروش بهرامی ● آرمان علایی
- ستاره منصوری ● نسیم علایی ● غزاله طائفه ● مهتاب رحمتعلی ● امیرمحمد مهرداد



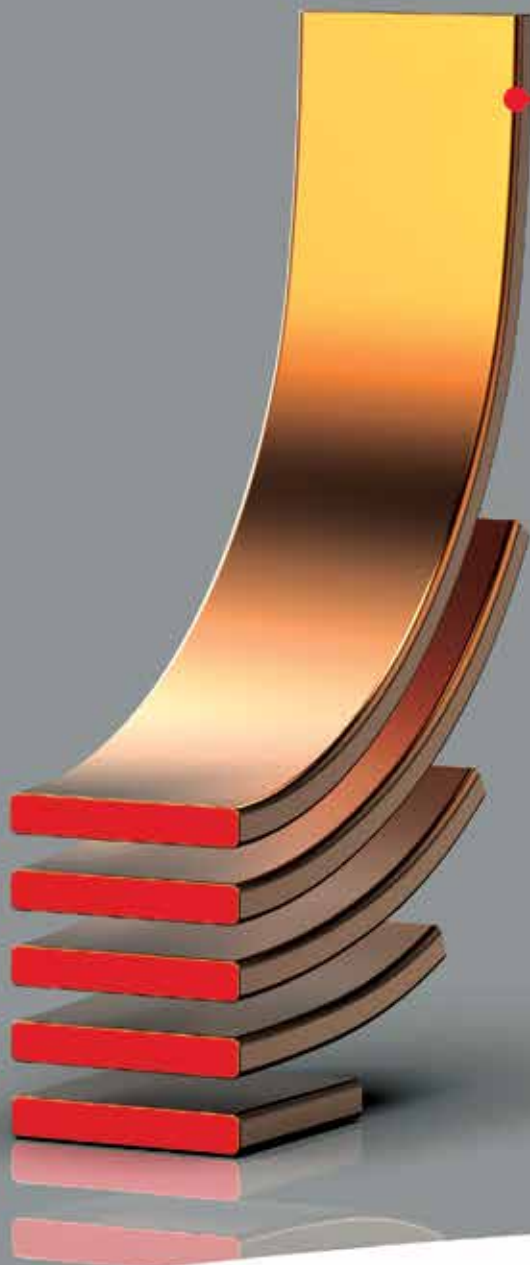
فرصت‌های نو



تامین سرمایه لوتوس پارسیان؛ فرصت ساز قابل اتکا



تامین سرمایه بانک ملت
mellat investment bank



پیشرو در
تامین مالی
صنایع کشور

تامین سرمایه بانک ملت
مشاور تامین مالی از طریق بازار سرمایه

www.mellatib.ir

بان تجارت

پیشرو در ارائه خدمات به فعالان بازار سرمایه و سهام



● **انعقاد تفاهم نامه همکاری با شرکت تامین سرمایه تمدن**
موضوع: گسترش سطح همکاری در زمینه ارائه خدمات بانکی ارزی،
ریالی در حوزه های مختلف خدمات در بازار سرمایه

● **انعقاد تفاهم نامه با گروه مالی کاریزما**
موضوع: فروش واحدهای صندوق درآمد ثابت



نشست های تخصصی رویداد کیش اینوکس ۲۰۲۲

عنوان پنل تخصصی:

فرصت متقابل بازار پول و بازار سرمایه

روز سه شنبه: ۱۴۰۱/۰۷/۲۶

زمان: ۱۳:۳۰ الی ۱۴:۳۰

بان تجارت

تیپسی =

در نمایشگاه کیش اینوکس،
سالن A میزبان شما هستیم.

تیپسی اولین استارتآپ بورسی ایران

we are
growing
in a different way

زمان: ۲۵ الی ۲۸ مهر ماه
مکان: مرکز نمایشگاه‌ها و همایش‌های بین‌المللی کیش



مروری بر افتخارات شرکت صنایع معدنی فولاد سنگان خراسان

- ۱ ۶ سال متوالی واحد نمونه صنعتی استان خراسان رضوی
- ۲ کسب تندیس پلاتین در حوزه مسئولیت های اجتماعی
- ۳ کسب تندیس بلورین صنعت سلامت محور
- ۴ کسب تقدیرنامه ۳ ستاره عالی منابع انسانی
- ۵ کسب تندیس برنزی C۳ مدل ۳۴۰۰۰ منابع انسانی
- ۶ دریافت گواهینامه های مدیریت کیفیت: ISO 17025 - [IMS ISO(9001 - 45001 - 14001)]
- ۷ اشتغالزایی بیش از ۲۰۰۰ نفر مستقیم و ۶۵۰۰ نفر غیر مستقیم
- ۸ کسب رتبه ۶۴ در لیست صد شرکت برتر ایران IMI - 100
- ۹ سهم ۱۰ درصدی در تولید گندله کشور در سال ۱۴۰۰
- ۱۰ مقدار تجمیعی تولید ۱۵ میلیون تن گندله تا پایان سال ۱۴۰۰
- ۱۱ تولید ۲/۵ میلیون تن کنسانتره از زمان تاسیس کارخانه کنسانتره سازی تا پایان سال ۱۴۰۰
- ۱۲ دریافت نشان عالی مدیر سال در همایش مدیران و واحد های صنعتی برتر کشوری
- ۱۳ شرکت نمونه و دریافت لوح تقدیر از دانشگاه علوم پزشکی خراسان رضوی به پاس اقدامات ارزشمند در پیشگیری و مبارزه با ویروس کرونا
- ۱۴ دریافت لوح توسعه پایدار و حفظ محیط زیست از دانشگاه تهران و سازمان محیط زیست کشور





23th

**Chemical Co.
In the World**



2021
ICIS

فراوری معدنی اپال کانی پارس (سهامی عام)

OPAL KANI PARS MINING AND PROCESSING

www.opalkanipars.com



OPAL
KANI PARS



دماوند
در اوج با



صندوق سرمایه گذاری
شکوه اوج دماوند

بالاترین نرخ صندوق‌های سرمایه‌گذاری

پرداخت سود مهر ماه ۲۲/۳۵٪
معادل ۲۴/۷۸٪ سالانه شده

با پرداخت سود

۲۱/۷٪ ماهانه

بدون نرخ شکست

۲۴٪

نرخ موثر سالانه
در صورت سرمایه‌گذاری
مجدد سودهای دریافتی

ضامن نقد شوندگی: تامین سرمایه دماوند

سرمایه‌گذاری آنلاین از طریق سامانه معاملات
اورنگ دماوند با مراجعه به تارنمای
www.owrang.damavand-ib.ir



گل گهر

رویش باورها در دل کویر



شرکت معدنی و صنعتی گل گهر

GOLGOHAR MINING & INDUSTRIAL COMPANY

روابط عمومی و امور بین الملل

www.geg.ir

شرکت صنایع لاستیکی سهند (سهامی عام)



SRIC

تولید تسمه نقاله سیمی
تسمه نقاله‌های لاستیکی با آج گریپ (grip)
تسمه نقاله‌های لاستیکی با آج V شکل
تسمه نقاله‌های مقاوم در مقابل سایش
تسمه نقاله‌های مقاوم در مقابل حرارت
تسمه نقاله‌های مقاوم در مقابل اسید، باز و مواد شیمیایی
انواع کفپوش
ورق‌های لاستیکی با پارچه و بدون پارچه



اولین و بزرگترین تولید کننده
تسمه نقاله در کشور و دارنده
نشان استاندارد ملی ایران

کارخانه : اشتهارد، شهرک صنعتی اشتهارد،
بلوار دکتر حسابی غربی، سوسن دوم، سنبل یکم
☎ ۰۲۶-۳۷۷۷۸۳۵۵-۹ 📠 ۰۲۶-۳۷۷۷۴۸۷۳

دفتر مرکزی : تهران، خیابان سیدجمال اسد آبادی،
کوچه سوم (امیر جهانبخش)، پلاک ۱۴، طبقه چهارم
☎ ۰۲۱-۸۷۷۰۰۴۴۰ 📠 ۰۲۱-۸۹۷۸۴۸۱۳
www.sahandrubber.com ✉



iBpay

iBtrader^{Plus}

این تمدن، هوشمند است.



www.tamadonib.com

سود مجمع

یک روز پس از مجمع

پرداخت سود سهامداران زیر یک درصد از طریق سامانه سجام و در سریعترین زمان



واریز پایا از طرف
سپرده گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه



گروه توسعه مالی مهر آیندگان

فهرست

۱۶	اجماع نخبگانی برای عبور از چالش ها
۱۸	حکمرانی رشدساز
۲۲	بازارهای مالی در میانه اقتصاد در تلاطم
۲۶	گناه بخت پریشان و دست کوتاه ماست
۲۸	الگوی بهینه واگذاری ها در خصوصی سازی
۳۲	پیامد تشدید تحریم ها
۳۴	فسادزدایی از پایین به بالا
۳۸	تعظیم بازارهای جهانی مقابل فدرال رزرو
۴۲	سناریوهای دیپلماسی هسته ای در فضای ابهام و عدم اطمینان
۴۶	آخرین تصویر از شاخص های کلان اقتصادی
۵۰	جهت یابی دلار پس از رکورد شکنی
۵۶	اقتصاد دانش بنیان در ایران
۵۸	رمزریال چه چشم اندازی دارد؟
۶۱	بازار، مهمترین نیاز زیست بوم نوآوری
۶۲	جایگاه رمزارزها در ایران و جهان
۶۶	پایان دوران نزول بیت کوین؟!
۷۰	چالش های پیش روی نظام بانکی
۷۲	دشواری های تأمین مالی
۷۴	گامی در جهت تغییر ساختار بازار اوراق بدهی
۷۶	کارنامه تأمین سرمایه ها در تجهیز نقدینگی شرکت ها
۷۸	چالش های پیش روی تأمین مالی در ایران
۸۰	سرنوشت بورس چه می شود؟
۸۴	سهامداران و سازمان بورس
۹۰	پرنوسان ترین سال بازار نفت در سه دهه
۹۳	شرح حال نیمسال اول تجارت خارجی
۹۶	قصه ۵ سال تلاطم ملکی
۱۰۲	سه گانه سرنوشت ساز خودرو در ابهام
۱۰۸	توسعه و ارزش آفرینی پایدار در گروه صنایع پتروشیمی خلیج فارس
۱۱۲	عملکرد با ثبات پتروشیمی شهید تندگویان
۱۱۴	روزهای روشن «حکشتی»
۱۱۵	ایران خودرو در مسیر پیشرفت و تحول
۱۱۹	تپسی، تخت گاز وارد بازار سرمایه شد
۱۲۰	فولاد مبارکه بر مدار نوآوری و توسعه پایدار
۱۲۶	"میدکو" به سوی توسعه پایدار

اقتصاد کارا

ماهنامه تحلیلی اقتصاد ایران و جهان

● **صاحب امتیاز و مدیرمسئول:** داریوش عباسی

● **زیر نظر:** شورای سردبیری

● **با همکاری واحد توسعه بازار "فردای اقتصاد":** مهتاب رحمتعلی، زهرا مسافر، آزاده حسینی و زهرا مجتهد

● **نشانی:** تهران، خیابان سهروردی شمالی، خیابان ابن یمن، نبش کوچه شانزدهم، ساختمان شماره ۱۸، واحد ۲

● **تلفن:** ۸۸۷۵۳۸۱۳

● **نمبر:** ۸۸۵۳۰۴۹۱

● **WWW.EGHTESADKARA.COM**





در جهان امروز، مناطق آزاد و ویژه از اهمیت مضاعفی برخوردار است. در ایران نیز تعداد مناطق آزاد و ویژه به عدد ۱۰۰ نزدیک می‌شود؛ به طوری که در حال حاضر، به جز استان‌های خراسان و مازندران، تمام نقاط مرزی (خشکی و دریایی) کشورمان دارای مناطق آزاد شده‌اند؛ موضوعی که بیانگر اهمیت همکاری منطقه‌ای براساس فهم بین‌المللی نسبت به کارویژه و کارکردهای مناطق آزاد در دوران جهانی شدن است. با تغییرات دوباره در دبیرخانه شورای عالی

مناطق آزاد به نظر می‌رسد سیاستگذاری و بازنگری در اهداف و ساختار مناطق آزاد بار دیگر اولویت قرار گرفته‌است. ضمن آنکه ارتقاء جایگاه شورایی مناطق آزاد و ویژه قواعد جدیدی را در این حوزه رقم خواهد زد. نزدیک به سه دهه از آغاز فعالیت‌های مناطق آزاد می‌گذرد و امید می‌رود پس از این همه فراز و فرود و آزمون و خطا، شرایط برای فعالیت اقتصادی در این مناطق بهتر و مطلوب‌تر گردد.

در جهان امروز، مناطق آزاد و ویژه از اهمیت مضاعفی برخوردار است. در ایران نیز تعداد مناطق آزاد و ویژه به عدد ۱۰۰ نزدیک می‌شود؛ به طوری که در حال حاضر، به جز استان‌های خراسان و مازندران، تمام نقاط مرزی (خشکی و دریایی) کشورمان دارای مناطق آزاد شده‌اند؛ موضوعی که بیانگر اهمیت همکاری منطقه‌ای براساس فهم بین‌المللی نسبت به کارویژه و کارکردهای مناطق آزاد در دوران جهانی شدن است. با تغییرات دوباره در دبیرخانه شورای عالی



در بزرگترین رویداد بازارهای مالی ایران صورت می‌گیرد

اجماع نخبگانی برای عبور از چالش‌ها

جریان اطلاع‌رسانی از این رخداد تاثیرگذار، تلویزیون اینترنتی کیش اینوکس نیز با هدف کمک به اعتلا اقتصاد کشور و بهبود محیط کسب و کار راه‌اندازی شده است.

برنامه ریزی دقیق جهت مواجهه با فرصت‌ها و چالش‌هایی نظیر تقویت سرمایه‌گذاری در اقتصاد مولد و تسهیل توسعه و تجارت، ساماندهی سیاست‌های پولی و مالی کشور، توسعه مناطق آزاد و ویژه و نقش این مناطق در توسعه اقتصادی کشور، مواجهه با ابرچالش‌های زیست‌محیطی، تقویت شفافیت اقتصادی کشور، تقویت و اصلاح شبکه بانکی کشور، تکمیل زنجیره‌های تولید ملی، امنیت سرمایه‌گذاری و رفع موانع، بهبود فضای کسب و کار، بازسازی و تقویت مناسبات بین‌المللی به ویژه منطقه‌ای در راستای جذب سرمایه‌گذاری خارجی و تقویت و توجه بیش از پیش به اقتصاد دانش‌بنیان و برنامه ریزی جهت تأمین نیازمندی‌های فناورانه داخلی و افزایش میزان صادرات این محصولات، تقویت بازار سرمایه و روش‌های نوین تأمین مالی و بهره‌برداری و مواجهه با فرصت‌ها و تهدیدهای ناشی از تحولات اخیر بین‌المللی و بسیاری مباحث کلیدی دیگر همگی موکد ضرورت این همفکری، همکاری و تعامل بین کلیه ارکان اقتصادی در بخش‌های خصوصی و دولتی کشور می‌باشد. کیش اینوکس به عنوان یکی از بزرگترین رویداد‌های اقتصادی کشور در طی سالیان گذشته با حمایت و مشارکت نهادها، سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی و خصوصی فعال در زیست‌بوم بازار سرمایه و سرمایه‌گذاری کشور به محلی جهت ارائه تصویری کامل از قابلیت‌ها، ظرفیت‌ها و شرایط کلان اقتصادی کشور، تقارن و تبادل اطلاعات فعالان اقتصادی کشور و ایجاد زمینه‌های تحول در مسیر توسعه اقتصادی کشور تبدیل گردیده است.

سرمایه، پول و بیمه کشور، کمک به تشکیل سرمایه در اقتصاد ملی، افزایش ظرفیت‌ها برای رقابت بازار پول و سرمایه کشور با بازارهای مشابه منطقه و معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری در طرح‌های کلان ملی، جلب مشارکت بخش خصوصی و سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی، ارائه جدیدترین روش‌های تأمین مالی برای طرح‌های سرمایه‌گذاری و تبادل اطلاعات فنی و تجاری بین سرمایه‌گذاران و مجریان طرح‌های سرمایه‌گذاری از مهم‌ترین اهداف برگزاری کیش اینوکس است.

بزرگترین رویداد بازارهای مالی ایران با هدف بررسی تازه‌ترین فرصت‌ها و تهدیدهای حوزه‌های بورس، بانک، بیمه، خصوصی‌سازی و فرصت‌های سرمایه‌گذاری ۲۵ مهرماه در جزیره کیش، آغاز به کار کرد.

کیش اینوکس ۲۰۲۲، در نهمین دوره برگزاری خود، چالش‌ها و اساسی‌ترین موضوعات بازار پول و سرمایه در شرایط کنونی امروز ایران و جهان را به بحث و تبادل نظر می‌گذارد تا با اجماع‌گفتمانی میان سیاست‌گذاران، صاحب‌نظران و فعالان اقتصادی، چراغ امید به بهبود شرایط اقتصادی کشور روشن نگاه داشته شده و پرفروغ گردد.

بر این اساس، در نهمین نمایشگاه بین‌المللی بورس، بانک، بیمه و خصوصی‌سازی و چهاردهمین نمایشگاه معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری کشور که به مدت ۴ روز در دو بخش نمایشگاهی و همایشی برپا خواهد بود، بیش از ۲۰۰ بنگاه بزرگ حضور داشته و پیش‌بینی می‌گردد علاوه بر مشارکت‌کنندگان، با بازدید ۵۰۰۰ نفر بازدیدکننده تخصصی همراه باشد. سازمان بورس و اوراق بهادار و سایر ارکان بازار سرمایه، بانک‌ها، معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، صندوق توسعه ملی، بیمه مرکزی، شورای عالی مناطق آزاد تجاری، اتاق‌های بازرگانی ایران و تهران، سازمان خصوصی‌سازی، سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های فنی اقتصادی به عنوان نهادها و سازمان‌های سیاستگذار و رگولاتور در کنار بنگاه‌های خصوصی و دولتی حضور دارند.

آریا حمیدیان مدیرعامل شرکت بهاران تدبیر کیش و مجری برگزاری رویداد به خبرنگار ما گفت: با اهتمام به ارتقاء خط مشی و اثرگذاری همایش و نمایشگاه کیش اینوکس، امسال شورای سیاست‌گذاری محتوای رویداد، با همفکری صورت گرفته با صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران، ۳۲ پنل و نشست تخصصی و کارشناسی با موضوعات حکمرانی رشدساز، سناریوهای پیش‌روی اقتصاد ایران در صورت توافق و یا عدم توافق اقتصادی، چشم‌انداز بازار سرمایه، چالش‌های بخش خصوصی در شرایط کنونی، تأمین مالی طرح‌ها از طریق بازارهای مالی، فین‌تک‌ها و چالش‌های رگولاتوری را طراحی نموده است.

گفتنی است امسال نمایندگان ۱۵۰ رسانه داخلی و خارجی به طور زنده و از نزدیک، اخبار، گزارش‌ها، تصاویر و ویدئو ژورنال‌های اختصاصی از این رویداد را پوشش داده و منعکس می‌کنند. همچنین در راستای تقویت

راهبره



حکمرانی رشد ساز

● علی میرزاخانی

سردبیر "فردای اقتصاد"

ارائه شد. شاید بهترین تبیین را دارون عجم اوغلو، اقتصاددان نهادگرای معاصر با طرح متفاوت همان سوال اولیه علم اقتصاد یعنی منشأ ثروت جوامع ارائه کرد؛ به این صورت که چرا برخی کشورها در مسیر حرکت به سمت مقصد توسعه (رشد تولید ملی و خلق ثروت) شکست می‌خورند؟ پیش‌فرض حاکم بر سوال عجم اوغلو به درستی این است که وضعیت یا تنظیمات اولیه همه کشورها فقر است اما برخی کشورها در حرکت به سمت گریز از فقر و خلق ثروت می‌توانند تا مقصد به پیش بروند اما برخی‌ها از حرکت در این مسیر باز می‌مانند. تلاش وی معطوف به پاسخ‌یابی برای این پرسش بوده است که چه عاملی باعث موفقیت گروه اول و برعکس، شکست گروه دوم می‌شود. عجم اوغلو همه پاسخ‌های رایج غیرعلمی اعم از نقش فرهنگ، نژاد، جغرافیا و از این قبیل عوامل را که اتفاقاً در کشور ما خیلی طرفدار دارد زیر سوال می‌برد و به شواهد متعددی از جمله کشورهای کره شمالی و کره جنوبی اشاره می‌کند که شبیه‌ترین فرهنگ و نژاد و جغرافیا را دارند اما یکی در قعر جدول توسعه و دیگری در قله آن قرار گرفته است. وی اثبات می‌کند که تبیین این تفاوت جز با تمرکز روی نقش «نهاد»‌ها یا قواعد حاکم بر فعالیت‌های اقتصادی امکان‌پذیر نیست. به اعتقاد عجم اوغلو، همه شواهد تجربی گویای آن است که کشورهای دارای «نهاد»‌ها و «قواعد

موانع رشد اقتصادی پایدار در نیم قرن اخیر را می‌توان در سه دسته موانع ۱-تئوریک ۲-سیاست‌گذاری و ۳-مدیریتی شناسایی کرد.

اول- موانع تئوریک: غفلت نظام حکمرانی اقتصادی از توجه به مبانی تئوریک در سیاست‌گذاری معطوف به رشد اقتصادی در نیم قرن اخیر باعث انحراف در تخصیص منابع به مقصد ضدتولید شده است. واقعیت آن است که اگرچه کشورها از تکنیک‌های سیاستی مختلفی برای وصول به هدف رشد اقتصادی پایدار بهره برده‌اند اما شواهد تجربی نشان می‌دهد که همه این سیاست‌گذاری‌ها از تئوری واحدی سرچشمه گرفته است. تبیین این «تئوری واحد» مهم‌ترین دغدغه نحله‌های مختلف اقتصادی از زمان آدام اسمیت تا عصر حاضر بوده است. البته آدام اسمیت به عنوان پدر علم اقتصاد نتوانست تبیین قانع‌کننده‌ای از این تئوری ارائه کند و صرفاً نسخه سیاستی استخراج شده از این تئوری یعنی عدم مداخله حاکمیت در امور اقتصادی و تمرکز حکومت بر تولید کالاهای عمومی (تامین امنیت و برپایی نظام داوری عادلانه) را تجویز کرد. اما به تدریج توصیف‌های دقیق‌تر و اقناع‌کننده‌تری از این تئوری واحد توسط نحله‌های مختلف اقتصادی

**برای جلوگیری
از انحراف در
ماموریت اقتصادی
حاکمیت، پیشنهاد
علم اقتصاد همواره
این بوده است
که این ماموریت
به جای اینکه در
قالب «فهرستی از
بایدها» تعریف شود
«فهرستی از نبایدها»
باشد تا مسیر انحراف
از این ماموریت
حتی الامکان
مسدود شود**

اقتصادی، مفهوم حمایت از تولید، تفاوت تورم و گرانی و ... وجود نداشته باشد لایه‌های تکنوکراسی و بوروکراسی قادر به حرکت دادن اقتصاد در ریل توسعه نخواهد بود.

دوم- مانع سیاست‌گذاری: بحران تئوریک در فهم مسائل اقتصادی نتیجه‌ای جز ریل‌گذاری غلط سیاستی به دنبال ندارد. به همین دلیل، برآیند سیاست‌گذاری‌های اقتصادی کشور (سیاست مالی، پولی، ارزی و تجاری) طی نیم قرن اخیر به‌رغم شعار حمایت از صنایع داخلی در جهتی کاملاً معکوس یعنی «صنعت‌زدایی» بوده است.

افزایش شدید دلارهای نفتی از اوایل دهه پنجاه، سیاست‌گذاری غلط اقتصادی را سرعت بخشید و با ایجاد گسست بین سیاست ارزی و دو سیاست مهم پولی و مالی، انسجام ضروری بین اضلاع این مثلث را از بین برد و سیاست ارزی را وابسته به دلارهای نفتی کرد.

این نوع سیاست‌گذاری با شدت و ضعف‌های متفاوت، الگوی اصلی سیاست‌گذاری اقتصادی در نیم قرن اخیر بوده است که نتیجه محتوم خود یعنی بیماری هلندی (نام دیگر صنعت‌زدایی) را بر اقتصاد ایران تحمیل کرده و باعث عقب‌نشینی مداوم تولید داخلی در برابر واردات (با پشتوانه دلارهای نفتی) شده است.

می‌توان ثابت کرد که چنانچه کشورهای مصرف‌کننده نفت در نیم قرن گذشته (به‌ویژه آمریکا) اراده می‌کردند که دلارهای خارج شده از چرخه اقتصادی خود برای خرید نفت را مجدداً به چرخه اقتصادی خود بازگردانند دقیقاً همین سیاست ارزی را که در پنجاه سال اخیر بر اقتصاد ایران حاکم بود در دستور کار قرار دادند.

دقیقاً در همین برش زمانی که سیاست ارزی ایران بر ضد تولید داخلی به کار گرفته شده است کشور چین استراتژی کاملاً معکوسی را به کار گرفته و الگوی بسیار موفق‌تری را در زمینه جهش تولید ملی به نمایش گذاشته است. به‌گونه‌ای که به سه هدف همزمان کاهش میل به واردات، افزایش گرایش به کالای چینی در داخل چین و مهم‌تر از این دو، فتح روزافزون بازارهای جهانی به‌ویژه بازار غرب دست یافته است. آمریکایی‌ها همواره پیشروی

همه‌شمول» در خلق ارزش افزوده و رشد اقتصادی پایدار موفق بوده‌اند و برعکس، کشورهای دارای نهادها و قواعد استثنایپذیر و تبعیض‌آمیز در مسیر دستیابی به این هدف شکست خورده‌اند. به عبارت دقیق‌تر، موفقیت یا شکست کشورها در وصول به هدف خلق ثروت یا تولید سرانه بالاتر، قبل از آنکه به مشکلات سیاست‌گذاری یا مدیریتی ربط داشته باشد در «اصول حکمرانی اقتصادی» ریشه دارد که استخراج «ماموریت حاکمیت» جز با رجوع به این اصول امکان‌پذیر نیست.

ماموریت حاکمیت در خلق ثروت یا همان ایجاد رشد اقتصادی و جهش تولید که در ادبیات پیشینیان تحت عنوان عدم تخطی حاکمیت از تولید کالاهای عمومی (تامین امنیت و برپایی دادگستری عادلانه) تبیین می‌شد از سوی عجم اوغلو با ادبیاتی متفاوت‌تر ارایه شد: حاکم‌سازی «قواعد همه‌شمول» بر محیط فعالیت‌های اقتصادی و تضمین محافظت از این قواعد.

در واقع، پیش‌فرض همه این تبیین‌ها آن است که تکنیک‌های جهش تولید در هر جایی که اختراع شود میل به سرایت به عموم جوامع را دارد مگر آنکه مانعی داخلی از ورود آن ممانعت کند که عمده این موانع از تعریف غلط ماموریت اقتصادی حاکمیت ناشی می‌شود.

برای جلوگیری از انحراف در ماموریت اقتصادی حاکمیت، پیشنهاد علم اقتصاد همواره این بوده است که این ماموریت به جای اینکه در قالب «فهرستی از بایدها» تعریف شود «فهرستی از نبایدها» باشد تا مسیر انحراف از این ماموریت حتی‌الامکان مسدود شود.

نکته بسیار مهم آن است که انحراف از اصول حکمرانی اقتصادی مشکلات و چالش‌هایی را ایجاد می‌کند که در لایه‌های پایین‌تر تصمیم‌گیری یعنی حوزه‌های سیاست‌گذاری و مدیریتی هیچ راهکار علاجی ندارد و به همین دلیل چنانچه در اصول حکمرانی اقتصادی، چارچوب روشنی از ماموریت حاکمیت و نحوه تفکیک فعالیت‌های حاکمیتی از فعالیت‌های اقتصادی و نیز درک درستی از مفاهیم مختلفی همانند ارزش پول، تورم و نحوه مهار آن، خلق ثروت، بانکداری، نرخ سود، ورشکستگی اقتصادی، سازوکار ریزش و رویش فعالیت‌های

**واقعیت آن است که
اگرچه کشورها از
تکنیک‌های سیاستی
مختلفی برای
وصول به هدف رشد
اقتصادی پایدار
بهره برده‌اند اما
شواهد تجربی نشان
می‌دهد که همه این
سیاست‌گذاری‌ها
از تئوری واحدی
سرچشمه
گرفته است**

دست سیاست‌گذار در برش‌های زمانی چند ساله و به تبع آن وقوع شوک ارزی بوده است که به صورت سلسله‌وار شوک‌های دیگری را در بازارهای طلا، مسکن و سایر دارایی‌های واقعی و مالی به دنبال داشته و ثبات اقتصادی را از بین برده است. پیامد این جهش‌ها، منحرف کردن انرژی نیروهای اقتصادی از فعالیت‌های مولد به فعالیت‌های سفته‌بازانه است که تخریب مضاعف تولید را در پی دارد.

به نظر می‌رسد تکرار مرتب این نوع سیاست غلط ارزی بیش از آنکه ریشه در ناآگاهی سیاست‌گذار داشته باشد ممکن است ریشه در شکل‌گیری اقتصاد سیاسی خاصی داشته باشد که سیاست‌گذاری ارزی را تحت تاثیر «اعمال نفوذ ذی‌نفعان» قرار داده است. به هر حال، شکل‌گیری ذی‌نفعان سیاست‌گذاری غلط اقتصادی باعث تکمیل موانع سه‌گانه جهش تولید در ایران شده و ضلع موانع مدیریتی را در کنار موانع سیاسی و موانع تئوریک قرار داده است که در ادامه به این ضلع سوم می‌پردازیم.

سوم- موانع مدیریتی: همانطور که اشاره شد سیاست‌گذاری‌های غلط ناشی از بحران تئوریک باعث شکل‌گیری مناسبات ضدتولیدی خاصی در اقتصاد ایران شده است که ذی‌نفعان مخصوص به خود را ایجاد کرده است. این ذی‌نفعان که عمدتاً

در لایه‌های میانی مدیریت اقتصادی کشور تکثیر شده‌اند اگرچه در شکل‌گیری اولیه سیاست‌های غلط نقشی نداشتند اما به دلیل منتفع شدن از این سیاست‌ها به موتور اصلی بازتولید این سیاست‌ها و جلوگیری از اصلاحات اقتصادی تبدیل شده‌اند. کاسبان و ذی‌نفعان سیاست‌های ضدتولیدی همواره از دشمن موهوم دلان سخن می‌گویند که مانع رونق تولید داخلی می‌شود. این تصویر ساده از تقابل نیروهای اقتصادی در ایران اگرچه در عمق خود پیوندهایی با واقعیت دارد و به همین دلیل مقبولیت عامه نیز یافته است اما تصویر ساخته و پرداخته جریان ضدتولید است تا توجهات را از جریان اصلی سرکوب تولید دور کند.

کاسبان رانت و تورم، ذی‌نفعان اصلی سرکوب تولید داخلی هستند که دو ماشین عظیم توزیع رانت و خلق تورم را به نوعی کنترل می‌کنند که

چین در بازار غرب را نوعی اعلان جنگ توصیف کرده‌اند که چین با اسلحه ارزی وارد آن شده است. اگر سوال شود که جنگ ارزی چیست پاسخ خیلی ساده است این است: متضاد سیاست ارزی ایران. باور صحیح چینی‌ها این بود که تعرفه‌های بالا یا ممنوع‌سازی واردات، سیاستی ناکارآمد است که اثربخشی لازم را برای تحقق بخشیدن به اهداف تعیین شده ندارد و به همین دلیل استراتژی متفاوتی برگزیدند. در این مسیر، چینی‌ها برای از توجیه انداختن واردات و گران‌سازی کالاهای وارداتی، سیاست ارزی را جایگزین سیاست تعرفه‌ای کردند. امتیاز سیاست ارزی به سیاست تعرفه‌ای در این است که نه تنها توجیه اقتصادی واردات رسمی را از بین می‌برد، بلکه قاچاق را هم از رونق می‌اندازد.

در واقع، چینی‌ها به این نتیجه رسیدند که «تقاضا برای کالاهای وارداتی» با «تقاضای ارزهای خارجی» دو روی یک سکه هستند و به جای بستن تعرفه بر کالاهای وارداتی به گران‌سازی خزنده و مستمر ارزهای خارجی روی آوردند. البته وقتی از سیاست‌گذاری ارادی صحبت می‌کنیم باید به تفاوت‌های ظریف آن با بی‌عملی و سپس مغلوب شدن در مقابل قانون اقتصاد به صورت شوک ارزی و نهایتاً انفعال سیاستگذار توجه کنیم که الگوی ایرانی سیاست ارزی است.

سخن بر سر این نیست که الزاما باید از الگوی چینی تقلید کرد؛ اما قطعاً نباید اسلحه ارزی را به سمت نیروهای خودی نشانه گرفت و می‌توان ثابت کرد که سیاست‌گذار اقتصادی در ایران دهه‌هاست که اسلحه را معکوس گرفته است. به‌عنوان مثال در برش زمانی سال ۸۴ تا ۸۹ که شاهد روند روزافزون واردات هستیم همزمان با دو برابر شدن شاخص قیمت‌ها، نرخ ارز تثبیت شده است. مفهوم ساده این سیاست معکوس آن است که قیمت خرید سبد کالای ایرانی در این مدت دو برابر شده اما قیمت خرید سبد کالای وارداتی ثابت مانده و نتیجه این معادله مشخص است. این الگو در دوره ۹۲ تا ۹۶ نیز کم و بیش تکرار شد.

عارضه سوء دیگری که گسستگی سیاست ارزی از سیاست پولی بر اقتصاد ایران تحمیل کرده است خارج شدن کنترل بازار ارز از

به نظر می‌رسد عدم وحدت فکری در اصول حکمرانی اقتصادی باعث سیاست‌گذاری نادرست، غیر علمی و متناقضی شده است که در لایه‌های میانی مدیریت اقتصادی باعث فساد و شکل‌گیری ذی‌نفعان متنفدی برای حفظ مناسبات غلط حاکم بر اقتصاد کشور شده است

تصمیم‌گیری یعنی سیاستگذاری را تحت تاثیر قرار دهد به راحتی در قالب فسادهای موردی همانند سایر کشورها قابل شناسایی خواهد بود اما ریشه‌کن کردن «فساد مدیریتی ناشی از سیاستگذاری فسادزا» جز با رجوع به لایه بالاتر تقریباً محال است چرا که ذینفع برخورد با یک مدیر فاسد بدون اصلاح ریل سیاستگذاری، بیش از آنکه مردم باشند ممکن است مدیر فاسد دیگری باشد که در کمین نشسته است و این همان تمثیل ازدهای هفت‌سری است که مقام معظم رهبری از این نوع فساد ارایه کردند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد عدم وحدت فکری در اصول حکمرانی اقتصادی باعث سیاستگذاری نادرست، غیرعلمی و متناقضی شده است که در لایه‌های میانی مدیریت اقتصادی باعث فساد و شکل‌گیری ذی‌نفعان متنفدی برای حفظ مناسبات غلط حاکم بر اقتصاد کشور شده است که در یک چرخه باطل با تاثیرگذاری بر روند سیاستگذاری باعث تداوم وضعیت موجود می‌شوند. به همین دلیل، انتظار اصلاحات اقتصادی از لایه‌های مدیریتی و حتی بعضاً سیاستگذاری تقریباً احاله به محال است. اصلاحات اقتصادی معطوف به ریل‌گذاری برای جهش تولید باید از اجماع حاکمیت بر سر اصول حکمرانی اقتصادی و استخراج سیاستگذاری‌های اقتصادی از دل این اصول آغاز شود؛ راهی که عموم کشورهای دارای رشد اقتصادی پایدار یا دارای تجربه جهش تولید آن را طی کرده‌اند.

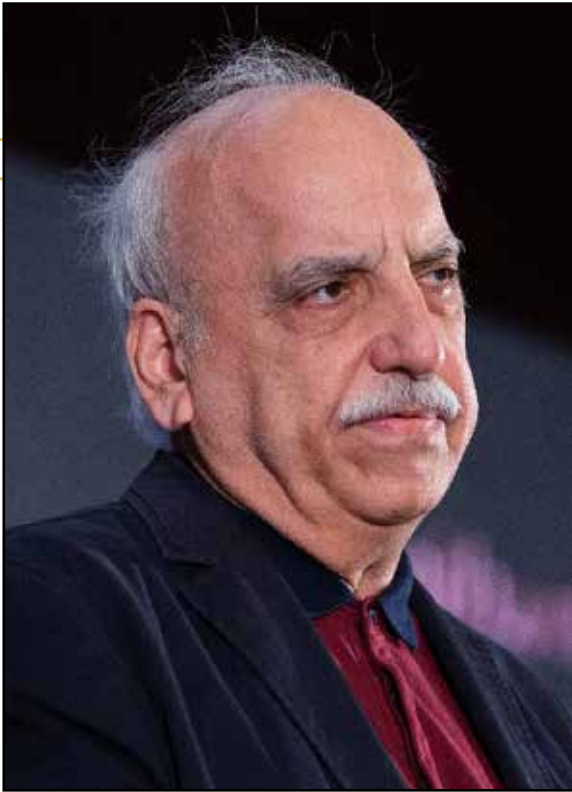
تنها در این صورت است که لایه‌های میانی مدیریت که متأسفانه در مناسبات رانتهی درگیر شده‌اند قادر به اثرگذاری بر سیاست‌ها نخواهند بود و مجبور خواهند شد که در چارچوب سیاستگذاری‌های جدید عمل کنند. این تغییر سیستمی دقیقاً عکس حالت قبلی عمل خواهد کرد؛ یعنی همانطور که سیاستگذاری غلط باعث می‌شود حتی مدیر سالم نیز در مناسبات مفسده‌آمیز غرق شود تغییر ریل سیاستگذاری به مسیر استخراج شده از تئوری‌های کارشناسی باعث می‌شود که افراد اشتباهی هم مجبور شوند کار درست را انجام دهند.

امکان خلق ثروت جز از طریق این دو ماشین غیرممکن شود تا همگان در خدمت این دو ماشین باشند. موج‌های جهش قیمت ارز و مسکن و سایر دارایی‌ها نتیجه طبیعی سواری گرفتن از این دو ماشین است که سفته‌بازی‌های گسترده را جانشین فعالیت‌های تولیدی می‌کند؛ یعنی همان چیزی که در شکل و ظاهر دلالتی برای عموم مردم جلوه‌گر می‌شود. در واقع، دلالتی مورد اشاره مردم معلول کارکرد دو ماشین توزیع رانت و خلق تورم است که قسمت پیدای فعالیت‌های ضدتولیدی است و به همین دلیل، آدرس مناسبی برای ایجاد انحراف در افکار عمومی از ریشه‌های اصلی است.

طنز تلخ ماجرا آن است که سوخت اصلی ماشین رانت و تورم با شعارهای حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان و کنترل قیمت‌ها فراهم می‌شود و کمتر کسی متعرض این تناقض در شعار و عمل می‌شود که مگر رانت باعث خلق ارزش افزوده می‌شود که به تولید منجر شود؟ مگر رانت باعث کاهش قیمت‌ها می‌شود؟ مگر می‌شود تورم خلق کرد و گرانی ناشی از آن را بتوان کنترل کرد؟ پاسخ همه این سوالات منفی است ولی همه منابع اقتصادی مکرراً در همین فرآیندها حیف و میل می‌شود. همین تناقضات ساده باعث شده است که نتیجه قریب به اتفاق سیاست‌های حمایتی در ایران (چه به اسم حمایت از

مصرف‌کننده و چه به اسم حمایت از تولیدکننده و چه به اسم تنظیم بازار از طریق واردات با دلار ارزان) سرکوب تولید داخلی باشد. مصیبت بزرگ آن است که ذی‌نفعان رانت و تورم علاوه بر دادن آدرس غلط از ریشه سرکوب تولید، توانسته‌اند با شگردهای مختلف، نوعی «این‌همانی» بین منافع خود و منافع عمومی به اکثریت ایرانیان القا کنند و به همین دلیل در عرصه محافظت از این دو ماشین تنها نیستند. این مساله البته چندان هم عجیب نیست؛ چراکه هر سیاست غلط اقتصادی، نیروی اجتماعی و سیاسی پشتیبان خود را به وجود می‌آورد که با تولید انبوه ضدآگاهی و تحلیل کاذب سعی در انحراف توجهات عمومی از آدرس اصلی را دارند. البته به فهرست موانع مدیریتی جهش تولید می‌توان موارد متعدد دیگری هم افزود اما زمانی که چنین مواردی نتواند لایه بالاتر

سیاستگذاری‌های غلط ناشی از بحران تئوریک باعث شکل‌گیری مناسبات ضدتولیدی خاصی در اقتصاد ایران شده است. کاسبان و ذی‌نفعان سیاست‌های ضدتولیدی همواره از دشمن موهوم دلالتان سخن می‌گویند که مانع رونق تولید داخلی می‌شود



بازارهای مالی در میانه اقتصاد در تلاطم

● حسین عبده تبریزی
استاد دانشگاه
و صاحب‌نظر اقتصادی

۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ در وضعیت بسیار دشواری بودند، و تنها پس از پرش ارز و افزایش چند برابری قیمت دارایی‌هایشان توانستند ترازنامه‌هایشان را تا حدی سامان بخشند. تقویت ترازنامه بانک‌ها در دستور کار مدیریت بانک‌ها و بانک مرکزی است، و در شرایط دشوار فعلی انجام این مهم به آسانی میسر نیست. کاهش تدریجی از حجم دارایی‌های پر ریسک، اعطای تسهیلات کم ریسک، و تخصیص‌های کارآمد شناسایی سریع اعتبارات غیرجاری، ارتقای مدیریت ریسک، و تقویت دانش و مهارت نیروی انسانی از جمله سیاست‌هایی است که باید دنبال شود.

بازار سرمایه بیش از بازار پول در تیررس شرایط بحرانی جاری قرار گرفته است. سیاست‌گذاری که در شرایط اوج بازار مردم را به ورود به بازار ترغیب می‌کرد، حالا در کناری ایستاده است. این اقدامی شایسته است؛ وظیفه سیاست‌گذار نیست که سرمایه‌گذار و معامله‌گر را به ورود و خروج فرمان دهد. معامله‌گران بازار سرمایه اکنون خود صبوتر و ریسک‌گریزتر و حتی حرفه‌ای‌تر شده‌اند. مدیران بازار باید طراحی، تدبیر و مهارت مناسبی برای هدایت سرمایه‌گذاران انفرادی به سرمایه‌گذاری غیرمستقیم داشته باشند. وعده بازدهی قطعی در بازار سرمایه اشکالی ندارد، منوط به این‌که از طرف دولت یا مقام تنظیم‌گر داده نشود، و بخش خصوصی و ناشران خود در شرایط هیجانی و بی‌ثبات بازار چنین وعده‌هایی را بدهند، و مقام تنظیم‌گر هم مطمئن باشد که آنها توان ایفای تعهدات خود را دارند.

در شرایط بحرانی روزهایی که طی می‌کنیم، کماکان تورم از بزرگ‌ترین معضلات اقتصاد کلان ایران است. تلاش بانک مرکزی برای کنترل نقدینگی و مهار تورم به دلیل عوامل خارج از نظام بانکی و نیز عوامل درون‌آن، به نتیجه مطلوب نرسیده است. کسری بودجه، مداخلات دولت در بنگاه‌ها و بازارها (که آن‌چنان وسیع است که عبارت «اقتصاد دستوری» به گفتمان عمومی راه یافته است)، نظام اعتباری ناکارآمد، ضعف حاکمیت شرکتی، ضعف نظارت مقام تنظیم‌گر، شرکت‌داری بانک‌ها و تعارض منافع، و محدودیت ابزارهای اعمال سیاست پولی فعال همه و همه به وضعیتی انجامیده که نرخ تورم بالا برای چهار دهه ادامه یافته، و در هر چهار سال اخیر این نرخ بالای ۴۰ درصد مانده است.

برای این‌که بانک مرکزی ایران نیز بتواند توان انجام فعالیت‌های متعارف جهانی بانکداری مرکزی را داشته باشد، اصلاحات جدی در راهبردها و حاکمیت اقتصادی - سیاسی کشور ضروری به نظر می‌رسد. بانک مرکزی باید تبعات انتشار پول و اعطای اعتبارات بی‌کیفیت را بپذیرد. از این‌رو، نیاز می‌رود که در عرصه نظارت قادر مقتدر باشد، و دامنه نظارت خود را به هر نهاد بانکی و اعتباری بگسترده، و گرفتار کشمکش‌های خودی و غیرخودی نباشد. استانداردهای اعتبارسنجی باید فارغ از قدرت وام‌گیرنده به درستی اعمال شود، و استانداردهای حسابداری و اصول حاکمیت شرکتی در همه جا جاری باشد.

بانک‌ها نیز ناچارند از نظم بیشتری استقبال کنند تا در معرض اتهام پانزی‌بودن قرار نگیرند. بانک‌ها به ویژه در فاصله سال‌های

دارد. * درخواست از دولت برای جلوگیری از اظهارات حمایتی رسمی از بازار سهام و تبلیغات وسیع برای آن در رسانه‌ها. بازار سرمایه آن قدر بزرگ هست که در قبال سیاست‌های اتخاذی دولت یا مقام تنظیم‌گر عرض‌اندام کند، خودی نشان دهد، و بگوید که این سیاست نادرست و آن سیاست درست است. برای دولت‌ها، این بازار نقشی مشابه فیفا را بازی می‌کند که ناچار باید مقررات بین‌المللی مشخصی را دنبال کند. همان‌طور که نمی‌شود برای فوتبال هر مدیر دوست و آشنایی را انتخاب کرد، یا هرگونه که دوست داریم لیگ‌ها را برگزار کنیم، یا کلاً از خیر برگزاری لیگ زنان بگذریم، در بازار سرمایه نیز نمی‌توان به دلخواه عمل کرد. چند مثال بزنیم: به محض این‌که بحث ارقام بزرگ عرضه اوراق دولتی در بودجه می‌آید، واکنش بازار سرمایه آن است که این به معنای تنگنای اعتباری بیشتر برای شرکت‌های بورسی است، و متأثر از آن، سود شرکت‌ها کاهش می‌یابد. با این پیش‌بینی، شاخص بلافاصله عکس‌العمل نشان می‌دهد. یا به محض این‌که در شرکت بورسی بزرگی مدیری ناآشنا برای بازار انتخاب می‌شود، به یک‌باره عکس‌العمل و بازتاب‌های گسترده بازار در مقابل آن انتخاب قرار می‌گیرد. این انتخاب بلافاصله روی قیمت سهام تأثیر می‌گذارد، و سیاست‌گذار درمی‌یابد که انتصاب درستی انجام نداده است.

بازار سرمایه به سیاست‌گذار پیام می‌دهد که حداقل در این عرصه، کار کارشناسی مورد نیاز است، و موضوع با مدیریت در سایر بخش‌های اقتصاد و سیاست فرق دارد. این بدان معنا نیست که انتخاب‌های غلط در آن عرصه‌ها نتایج بسیار زیان‌بخشی برای کشور ندارد، بلکه بدان معناست که اشتباهات سیاست‌گذار در عرصه مرتبط با بازار سرمایه، صدای بازار را درمی‌آورد، و جایی هست که تصمیمات غلط را فریاد بزند. این صداها مایه نگرانی سیاست‌گذار است، و می‌تواند موقعیت شغلی سیاست‌گذار را با خطر همراه کند، و از این‌رو بی‌شک تصمیمات در انتصاب مقامات بر

قابل فهم است که در شرایط جاری، عامه سرمایه‌گذاران (و البته نه حرفه‌ای‌ها که همیشه به دنبال فرصت‌اند) محافظه‌کارانه عمل کنند، از سهام فاصله بگیرند، و به سمت ابزارهای با درآمد ثابت میل کنند. این روند را چندان نمی‌شود تغییر داد. ناشران نیز باید واقعیت این شرایط را درک کنند و با انتشار اوراق تبعی مناسب، از ریسک دارندگان سهام بکاهند.

برای حفظ این بازار، یعنی برای جلوگیری از ریزش‌های عمده‌ای که تلاش‌ها برای گسترش بازار سرمایه در ایران را به باد خواهد دهد، چه باید کرد؟ پیشنهادها متنوع است و طبعاً باید روی مهم‌ترین آن‌ها تمرکز یافت تا نتیجه مطلوب حاصل شود؛ باید تدبیر کرد و اولویت‌های این زمان بازار سرمایه را تشخیص داد. راه‌حل در این شرایط از اقتصاد ایران آن است که مجاری جذب این نقدینگی متعدد شود و کوشش شود که تا حد ممکن نقدینگی به مجاری تولید کالاها و خدمات و اشتغال با نرخ بازده بالاتر هدایت شود؛ نقدینگی باید به تشکیل سرمایه ثابت جدید منجر شود؛ و باید از فشار تقاضاهای سفته‌بازانه و تقاضاهای حفظ قدرت خرید بر بازار سهام کاست. باید بتوان نقدینگی را در حوزه‌های متنوعی از فعالیت توزیع کرد تا بازار سهام پایدار بماند و نقدینگی مدت طولانی‌تری در بازار سهام نگهداری شود.

برخی سیاست‌های قابل تعقیب در شرایط فعلی به شرح زیر است:

تشویق شرکت‌ها (به کمک نهادهای مالی) به انتشار اوراق تبعی (اختیارهای فروش) برای موفقیت افزایش سرمایه‌ها و حمایت از بازار در شرایط ریزش عمده آن.

* تسهیل انتشار اوراق با درآمد ثابت کوتاه و بلندمدت توسط بنگاه‌های بزرگ، و حذف الزام به داشتن ضامن بانکی در صورت داشتن رتبه اعتباری بالا.

* تسهیل حضور سرمایه‌های خرد و متوسط در بازار پیش‌فروش کالاهای پایه (commodity) از قبیل کالاهایی که در بازارهای سلف معامله می‌شود که بازده بالاتری

بازار سرمایه به سیاست‌گذار پیام می‌دهد که حداقل در این عرصه، کار کارشناسی مورد نیاز است، و موضوع با مدیریت در سایر بخش‌های اقتصاد و سیاست فرق دارد.

این بدان معنا نیست که انتخاب‌های غلط در آن عرصه‌ها نتایج بسیار زیان‌بخشی برای کشور ندارد، بلکه بدان معناست که اشتباهات سیاست‌گذار در عرصه مرتبط با بازار سرمایه، صدای بازار را درمی‌آورد



نهادهای مالی ایران باید جویای اعتبار براساس استعدادهای بازار سرمایه باشند؛ باید خود را نگهبان معیارهای فرهنگ کارایی در بازار سرمایه بدانند. نباید تسلیم رفتار و رسوم مبتدلی شوند که عده‌ای سوءاستفاده‌چی‌ها در بازار دنبال می‌کنند. اتفاقاتی که در آن ماه‌های در عین حال پرشور در بازار سرمایه رخ داد، باید بار عذاب وجدانی را بر دوش مدیران نهادهای مالی گذاشته باشد.

در تاریخ تحول بازارهای سرمایه، همواره منزلتی بالا برای نهادهای مالی قائل می‌شوند. مدیران نهادهای مالی باید انگیزه‌های پایداری در درون خود برای مسئولیت‌هایی بیابند که در قبال بازار و سرمایه‌گذاران عادی دارند. مدیران این نهادها باید دریافت‌های مشخصی از تعهد ملی و روشنفکرانه خود در قبال بازار سرمایه، بازار رقابتی در مفهوم عام و آزادی داشته باشند.

باید روشن باشد که معنویات آنان چگونه در نفس رسالتی که در قبال بازار دارند رسوخ کرده و آن را شکل می‌دهد. نفس احساس تعهد خود بدل به نوعی نقطه اتکا می‌شود که از آن نقطه بتوانند بهتر رابطه بازار سرمایه، بازار رقابت و آزادی را درک کنند.

بازارهای سرمایه تا حدودی با تأمل بیشتر و با وسواس بیشتری انجام می‌شود.

این محدودیت ظاهری برای دولت‌ها بی‌شک نعمت است. اشتباهات در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری سایر بخش‌ها شاخصی روشن ندارد که ناقوسی را به صدا درآورد. در بازار سرمایه، چنین سوت‌زنی‌هایی مرسوم است. سیاست‌گذار باید از این بازتاب‌های پرسروصدا و شفاف‌سازی‌ها که جلوی اشتباهات بیشتر را می‌گیرد، به شدت استقبال کند. این سروصداها به ارزیابی بهتر از عملکرد سیاست‌گذار نیز می‌انجامد؛ بنابراین، به قبول صدمات و سختی‌های شفاف‌سازی به دستاوردهای آن می‌ارزد.

برای نهادهای مالی فعال در بازار سرمایه، حفظ بازار غیر از تأمین سود بلندمدت؛ اهمیت فکری، اخلاقی، و ملی هم دارد. اگر به آزادی می‌اندیشیم، به بازار رقابتی، به تجارت آزاد، و به مالکیت خصوصی باور داریم، و ناچاریم به بازار سرمایه رقابتی و سالم بیندیشیم. آنچه در بخشی از سال‌های ۹۸ و ۹۹ بر بازار سرمایه گذشت، نشانی از بازار رقابتی نبود؛ نشانه‌ای از اهمال بود؛ نشانه‌ای از اعتقاد سرسختانه نهادهای مالی به حمایت از سهامداران ناآگاه و بخش واقعی اقتصاد ایران نبود.

شوند، زیرا بدون حداقلی از نظم بازار، انتخاب درستی در کار نخواهد بود.

سود را باید به نفع بلندمدت بازار تا حدی قربانی کرد. همه خیرهای بزرگ در کنار هم جمع نمی‌شوند. مدیران این نهادها محکوم به انتخاب هستند، و هر انتخابی طبعاً زبان‌هایی ممکن است داشته باشد. زیان کردن عامه مردم بیش از همه نوید به نزدیک‌بودن زبان خود نهادهای مالی را می‌دهد.

سود مردم و سود نهادهای مالی پیوندی شریف با هم دارند. زندگی اخلاقی نهادهای مالی در بازار سرمایه نباید متعارض با منافع بازیگران کوچک در این بازار باشد. دوام بازار وابسته به ملازمات اخلاقی آن دارد؛ این ملازمات جوهره راستین نگرش درست به بازار سرمایه است. زندگی بازار در زیستن درست آن شکل می‌گیرد.

مدیران نهادهای مالی چاره‌ای ندارند که معضلات امروز بازار را با روی خوش تحمل کنند، هر چند که ممکن است آن مشکلات آن‌قدر سخت باشد که ضمن تحمل، دیگر حفظ روی خوش محال باشد.

به نظر من نقش نهادهای مالی باید بیانگر این واقعیت باشد که در هنگامه وحشتی گسترده در بازارهای مالی، آرامش‌بخش و تسلادهنده باشند.

آرمان‌ها در موارد بسیار با هم در تعارض‌اند: آرمان کسب درآمد نهاد مالی نباید ناسازگار با هدف آن‌ها برای توسعه کشور و تلاش توده مردم برای مقابله با تورم تبدیل شود. انتخاب هر تصمیم درست طبعاً با خسران کوتاه‌مدتی همراه است. اما آیا به‌راستی نمی‌توانستیم بخشی از خسران کوتاه‌مدت نهادهای مالی در ماه‌های هیجانی نیمه دوم ۹۸ و نیمه اول ۹۹ را با سود معتدل‌تر بلندمدت سال‌های بعد (که در هم نشکستن و منافع سهامداران ناآگاه را بی‌هیچ نقص اخلاقی دربرداشت) تاخت بزنیم.

در شرایط دشوار امروز، مدیران نهادهای مالی برخلاف عامه مردم باید از آرامش آدم‌های بزرگ بهره برده باشند تا تعارض ارزش‌ها را به‌گونه‌ای حل کنند که از وقوع نتایج تراژیک‌گریز پذیر شود.

آنان باید از امکانات نهفته در نهادهای مالی در شرکت‌های خود باخبر باشند؛ استعدادها و ظرفیت‌های خود را برای آرامش بخشیدن و تثبیت بازار بشناسند و از شورش‌های بازار و سهامداران خردش بیم نداشته باشند و با آنها وسوسه نشوند، و خود را ملزم کنند که از حصار خرد اقتصادی و واقعیات بخش واقعی اقتصاد در بازار آشفته خارج نشوند. نهادهای مالی برای تثبیت و آرامش بازارها باید اولویت قائل





گناه بخت پریشان و دست کوتاه ماست

● حسین سلاح ورزی
نایب رئیس اتاق بازرگانی ایران

هنرمایی در زنجیره‌سازی برای خلق ارزش و تولید و عرضه محصول رقابت پذیر را می‌دهد. متأسفانه قطع دسترسی فعالان اقتصادی کشور به بازارهای بین‌المللی حوزه فناوری و خدمات تخصصی مربوطه، عملاً تولیدکنندگان ایرانی را از مسابقه جهانی تولید و تجارت بیرون گذاشته است. باید به این نکته توجه داشت که نظر به حساسیت شدید بهای تمام‌شده و قابلیت اتکای فناوری به مقیاس، برنامه‌های کلون کردن فناوری‌های روز که با نام «خودکفایی» در کشور انجام می‌شود، هیچ کمکی در این زمینه به صنعتگران و تولیدکنندگان نمی‌کند و اصولاً یکی از موانع کسب‌وکارهای دانش‌بنیان توسعه فناوری و دانش فنی در کشور نیز همین عدم دسترسی به زنجیره ارزش جهانی تولید و تجارت است.

۳- ضعف اثربخشی سیگنال بهره‌وری در اقتصاد ایران: تورم مزمن و نااطمینانی‌های شدید، اقتصاد ایران و الگوی تفکر حاکم بر آن را «کوتاه‌مدت» کرده است. روش‌های متنوع توزیع رانت و کیفیت بد محیط کسب‌وکار سبب شده تا انتخاب طبیعی در اکوسیستم تولید و تجارت کشور علیه ژن سرمایه‌گذاری و نوآوری برای ارتقای بهره‌وری مجموع عوامل تولید عمل کند. اقتصاد سیاسی بیمار و ضعف حاکمیت در تضمین اجرای قراردادهای مدنی و تجاری مقیاس‌پذیری را دشوار ساخته است. همه این عوامل و بسیاری از عوامل دیگر، سبب شده تا نقش سیگنال بهره‌وری در سازماندهی منابع و فعالیت‌های اقتصاد ایران بسیار ناچیز باشد و به این ترتیب کسب‌وکارهای فعال در این اقتصاد در میان‌مدت و درازمدت شناسی برای

رهایی اقتصاد کشور و معیشت ملت از وضعیت فلاکت‌بار موجود تقریباً هیچ چاره‌ای جز جهش صادراتی ندارد؛ چشم‌انداز تغییر وضعیت نابسامان صادرات در کشور نیز با موانع و چالش‌های بسیار جدی مواجه است. مشکلات پیش‌روی توسعه صادرات در ایران را می‌توان در یک نگاه کلی به دو دسته اصلی تقسیم کرد: الف) مشکلات ناشی از ضعف مزیت‌های رقابتی بالفعل در تولید محصول و سرویس

ب) مشکلات ناشی از بالا بودن هزینه مبادله برای تجار ایرانی در عرصه بین‌المللی و عدم دسترسی به ابزارهای مناسب این حوزه. «بی‌مایه زبون باشد؛ هر چند که بستیزد»

طبیعتاً اولین و اساسی‌ترین شرط توسعه صادرات برخورداری از توان و ظرفیت تولید محصول و خدمتی است که قابلیت رقابت‌پذیری در فضای تجارت بین‌الملل داشته باشد. فعالان اقتصادی ایرانی اما برای رسیدن به این نقطه با موانع بسیار زیادی مواجه‌اند که برخی از مهمترین آنها عبارتند از:

۱- بالا بودن هزینه-فرصت نقدینگی در اقتصاد ملی: بالا بودن هزینه-فرصت نقدینگی در اقتصاد ملی از یک سو مستقیماً هزینه‌های مالی تولیدکننده ایرانی را در تامین سرمایه در گردش افزایش می‌دهد و از سوی دیگر با کاهش تمایل به سرمایه‌گذاری‌های درازمدت در اکوسیستم تولید و تجارت، ارتقای کیفی محصول به‌واسطه توسعه زیرساخت‌های کسب‌وکار را با چالش مواجه می‌کند.

۲- نبود دسترسی کارآمد به فناوری: امروزه دسترسی کارآمد به بازار فناوری میدانی است که به مدیر و کارآفرین مجال

حکمرانی اقتصادی در باب ارز و قیمت آن در داخل کشور، هزینه مبادله و ریسکی به تولیدکننده ایرانی تحمیل می‌کند که حتی به فرض تولید کالای رقابت‌پذیر، عرضه رقابت‌پذیر آن را ناممکن می‌سازد.

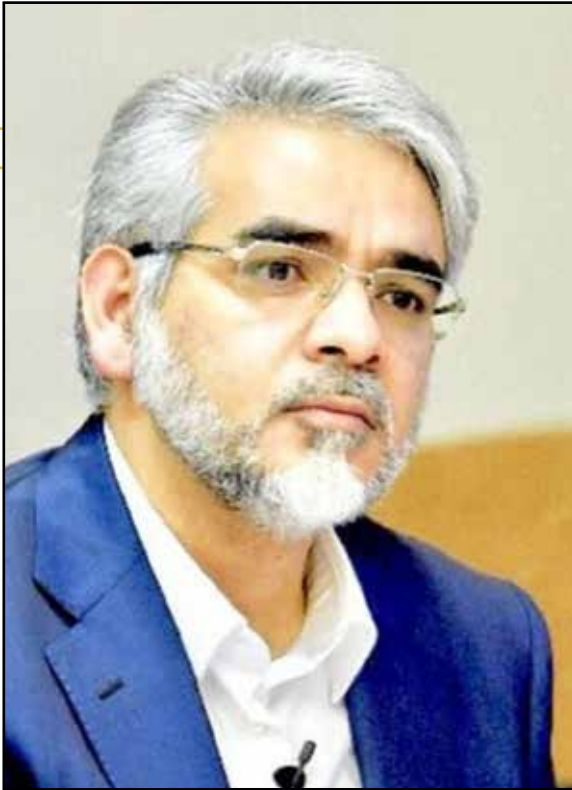
«چون جمع شد معانی گوی بیان توان زد»

کوتاه سخن آنکه هر چند جهش صادراتی برای کشوری با ظرفیت‌ها و امکانات ایران در شرایطی که تجارت جهانی از رشدی پایدار و قدرتمند برخوردار است، کاملاً امکان‌پذیر است؛ اما تحقق این امر نیازمند همت و عزمی راسخ برای بازنگری در اصول اقتصاد سیاسی، سیاست خارجی و حکمرانی اقتصادی کشور است. دوره‌ای که سازمان‌های تخصصی حوزه توسعه تجارت بتوانند تسهیلگری در حوزه موانع فنی صادرات کمک معناداری به تغییر وضعیت تجارت بین‌المللی کشور کند، گذشته است. امروز سیاستگذاران ارشد کشور باید یکبار برای همیشه تصمیم بگیرند که آیا توسعه اقتصادی را اولویت راهبردی امروز ایران می‌دانند؟ اگر پاسخ این سوال مثبت است؛ راه ساده‌ای برای گرفتن تصمیماتی دشوار پیش‌روی ماست که تنها شانس واقع‌بینانه ایران برای بازسازی این اقتصاد بحران‌زده است.

مواجهه با رقبای خارجی در بازارهای بین‌المللی نداشته باشند. «کشش چو نبود از آن سو، چه سود کوشیدن؟!»

فرض کنیم تولیدکننده ایرانی از هفت‌خوان موانع تولید رقابت‌پذیر در داخل کشور گذشته است و موفق به ساخت کالایی شده که در بازارهای جهانی می‌تواند نظر مشتریان را به خود جلب کند. در این مرحله هنوز عرضه رقابت‌پذیر منوط به کاهش هزینه مبادله در تجارت فرامرزی است. فعال اقتصادی ایرانی تحت تاثیر عواملی در حوزه سیاست خارجی و اقتصاد سیاسی ناچار به پرداخت هزینه‌های هنگفت و مواجهه با موانع بلندی در بازارهای فرامرزی است که فعالان سایر کشورها عملاً از آن معاف هستند. هزینه کار با دلانان غیرمعتبر (همان چیزی که به دور زدن تحریم‌ها معروف شده)، محرومیت از دسترسی به نظام مالی و اعتباری بین‌المللی، محرومیت از دسترسی به خدمات لجستیک و فروش بین‌المللی و البته ریسک‌گریزی شرکت‌های معتبر در مقیاس جهانی که سبب می‌شود تولیدکننده ایرانی شانس برای بهره‌مندی از مواهب قراردادهای درازمدت زنجیره ارزش بین‌المللی تولید و تجارت نداشته باشد در خارج از مرزها، و سیاست‌های واپس‌گرایانه‌ای همچون پیمان‌سپاری و نامشخص و متزلزل بودن اصول





الگوی بهینه واگذاری ها در خصوصی سازی

عوامل موفقیت یا شکست، اقدامات
نتایج و رویکردهای جدید

● حسین قربانزاده
رئیس سازمان خصوصی سازی

قانون و همچنین فرآیندهای اجرایی مترتب بر واگذاری ها، منجر به بروز چالشها و شکل گیری انتقاداتی به مجریان امر و فرآیند خصوصی سازی شده است؛ آسیب شناسی این فرآیند اقتصادی جزء اولویتهای دولت سیزدهم و همچنین مسئولین سازمان خصوصی سازی قرار گرفت. با توجه به این آسیب شناسی که با کمک نخبگان امر، صاحب نظران اقتصادی و دستگاههای اجرایی از طریق برگزاری نشست های علمی- تخصصی- کاربردی انجام پذیرفت، عوامل تاثیرگذار بر موفقیت یا شکست واگذاری دارائی دولت از طریق خصوصی سازی به شرح جدول زیر شناسایی شد:

باتوجه به بررسی جامع عوامل تاثیرگذار بر خصوصی سازی که در جدول فوق مورد اشاره قرار گرفت، نگرش اشتباه به واگذاری دارایی های دولت مهمترین چالش ۲۰ سال گذشته خصوصی سازی بوده است.

صرف خصوصی سازی هدف نیست، خصوصی سازی ابزاری برای بهبود کارایی بنگاه ها و بهره مندی عموم مردم از منافع آن است. این نگرش نادرست از سه جنبه قابل بررسی است:

- نگرش اشتباه به نقش دولت
- در مقوله واگذاری ها، دولت پدراقتصاد ایران است نه فروشنده بنگاه املاک.
- خط قرمز واگذاری ها باید سرنوشت بنگاه و رونق اقتصاد ملی باشد.
- سرنوشت بنگاه ها مهم تر از انتفاع دولت در قرارداد واگذاری ها است.
- نگاه درآمدی به واگذاری های دولت، سم مهلک است.

در حال حاضر برای تحول اقتصادی در کشور به یک خیزش خلق ارزش و ثروت آفرینی از طریق بهبود کیفیت حکمرانی دارایی های مشهود و نامشهود دولت، نیاز داریم؛ به گونه ای که مطمئن باشیم در تمامی اجزای اقتصاد ملی در حال حرکت و رشد هستیم.

اساساً خصوصی سازی و دولتی بودن یا ملی سازی، فرع بر یک موضوع مهم و اصلی تری است که به عنوان یک غایت، اول باید تعریف شود. آن غایت بهبود کیفیت حکمرانی دارایی های دولت است. بنابراین آن خصوصی سازی مورد پذیرش است که اقتصاد کشور را همراه با تحول مذکور یاری نماید؛ و در این چارچوب به سیاست گذاری هوشمندانه نه فقط در فرآیند واگذاری بلکه در نظارت پس از واگذاری که منجر به بهبود عملکرد بنگاه های واگذار شده بشود، نیاز است. باتوجه به این امر، پیش شرط اصلی خصوصی سازی، دستیابی به الگوی بهینه واگذاری ها، یعنی شفافیت، اطلاع رسانی، نظارت درست حین و پس از واگذاری و انجام واگذاری باتوجه به استراتژی سرنوشت بنگاه می باشد؛ که در این راستا باید سعی شود با بهره گیری از تجربیات گذشته و نگاه واقع بینانه، فرآیندهای اجرایی و سیاستهای مرتبط با خصوصی سازی در مسیر درست و صحیح خود قرار گیرد.

عوامل موفقیت یا شکست خصوصی سازی

با توجه به اینکه طی سالهای اخیر، اجرای قانون اجرای سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در زمینه خصوصی سازی بدلیل برخی ایرادات، خلاء ها و نارساییها در احکام

سامانه های پاسخ، صدور مجوزها، ناظر و سیما

- ساماندهی و ارتقاء انضباط شرکت های مشمول واگذاری، با هدف ارتقاء حاکمیت شرکتی و آماده سازی بنگاه ها برای واگذاری
- پذیرش باشگاه های پرسپولیس و استقلال در بازار سرمایه، پذیره نویسی آنها از محل صرف سهام و فراهم نمودن بستر واگذاری آنها
- ساماندهی سهام عدالت و فراهم کردن بستر واگذاری سهام عدالت تکمیلی

- شکل دهی رویکرد جدید به مقوله رد دیون دولت از محل واگذاریها
- فراهم نمودن بستر واگذاری شرکت های خودروسازی سایپا و ایران خودرو
- نظارت پویا بر شرکت های مشمول واگذاری و واگذار شده
- هم افزایی با نهادهای مالی بخش خصوصی و همفکری با صاحب نظران؛ در زمینه کلیه موضوعات مرتبط با خصوصی سازی از جمله «آماده سازی»، «ارزشگذاری» و «واگذاری» بنگاهها

نتایج حاصل از خصوصی سازی

با وجود اینکه واگذاری های چالشی خصوصی سازی، صرفاً حدود ۲ درصد تعداد کل بنگاه ها و کمتر از ۵ درصد ارزش واگذاری های ۲۱ سال گذشته را به خود اختصاص داده است؛ لیکن فضای رسانه ای و بزرگ نمایی مشکلات جانبی و طبیعی مورد انتظار از خصوصی سازی، موجب شکل گیری یک جو روانی نامناسب و القاء ناکارآمدی فرآیند خصوصی سازی به جامعه شده است؛ حال آنکه نتایج حاصل از ارزیابی شرکت های واگذار شده به صورت کنترلی از نظر شاخص های مهم عملکردی همچون "اشتغال"، "سودآوری" و "بهره وری"، به شرح نمودارهای زیر، نشان دهنده نزدیک شدن خصوصی سازی به اهداف واقعی آن می باشد.

۴) شکل گیری رویکردهای جدید جهت دستیابی به الگوی بهینه واگذاری ها در خصوصی سازی:

با توجه به تجربیات گذشته و نگاه واقع بینانه به عوامل مؤثر بر خصوصی سازی و در چارچوب اهدافی همچون:

- بهبود کیفیت حکمرانی دارائی های دولت؛ و
- ارتقاء کارائی و بهره وری شرکت های دولتی

نگرش ناقص به بیت المال

- بیت المال فقط درآمد حاصل از واگذاری نیست.
- بیت المال کمک زبان شرکت های دولتی هم هست .
- بیت المال ثروت پودر شده در شرکت های دولتی هم هست .
- بیت المال ثروت کسب نشده بدلیل عدم واگذاری بنگاه ها هم هست .
- بیت المال مالیات بدست نیامده از بهره وری شرکت های واگذار شده هم هست .

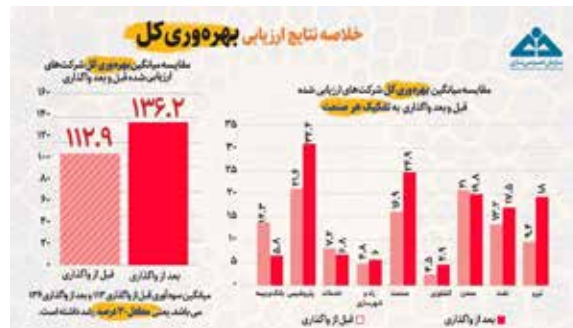
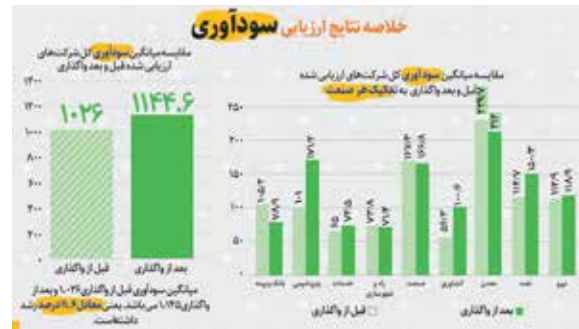
نگرش اشتباه به بخش خصوصی

- بخش خصوصی چون دنبال منفعت است لزوما دشمن نیست.
- بخش خصوصی واقعی کارآفرین است ولی سوپرمن نیست.
- بنگاه واگذار شده را به همین دریای پر تلاطم و نوسان اقتصاد ایران می سپاریم نه به ساحل امن و آرامش، ثبات و پیش بینی پذیری به همین اقتصادی که در آن تولید صرفه ندارد و فعالیت های موازی تولید بسیار سودآور است! پس توقع معجزه نداشته باشیم.

همین نگرش های اشتباه نظارت ها را مکانیکی و ناکارآمد کرده و جسارت را از مدیران گرفته است. لذا باید کیفیت سیاستگذاری اقتصادی را ارتقاء دهیم تا بنگاه واگذار شده در فضای رونق و پویایی تنفس کند. ریشه عدم توفیق واگذاری ها را باید در کیفیت سیاستگذاری و نحوه مداخله دولت قبل، حین و بعد واگذاری ها دانست.

۲) مهمترین اقدامات سازمان خصوصی سازی در یک سال اخیر: با هدف انجام خصوصی سازی در یک چارچوب بهینه و بر پایه قوانین و مقرراتی که ما را به اهداف واقعی خصوصی سازی یعنی سرنوشت بهینه بنگاه پس از خصوصی سازی از طریق ارتقاء شاخص های عملکردی آن همچون افزایش کارائی، بهره وری، سوددهی و سرمایه گذاری نزدیک نماید، سازمان خصوصی سازی در یک سال اخیر سعی نموده است با انجام اقدامات زیر، بستر را برای دستیابی به این مهم، فراهم نماید:

- آسیب شناسی خصوصی سازی
- اصلاحات تقنینی در زمینه موضوعات مرتبط با خصوصی سازی، از جمله تدوین پیش نویس «لایحه اصلاح قانون اصل ۴۴» و بازنگری مقررات مرتبط با «اصلاح ساختار»، «قیمت گذاری»، «سهام ترجیحی» و «واگذاری»
- هوشمندسازی و شفاف سازی واگذاری ها، از طریق راه اندازی



دستیابی به الگوی بهینه واگذاری‌ها از طریق شکل‌گیری رویکردهای زیر پیگیری می‌شود:

- اولویت دهی به واگذاری مالکیت در ازای مدیریت بهره‌ور؛ نسبت به تمرکز بر واگذاری مالکیت بدون توجه به بهبود شاخص‌های عملکردی بنگاه پس از واگذاری
- اولویت دهی به تامین منابع امور توسعه‌ای و زیرساختی از محل خصوصی‌سازی؛ نسبت به تامین هزینه‌های جاری کشور از این محل
- اولویت دهی به مولدسازی تمام دارائی‌های دولت؛ نسبت به محدود شدن به واگذاری شرکت‌های دولتی
- اولویت دهی به توانمندسازی بخش خصوصی پیش از واگذاری و حمایت از آن بعد از واگذاری؛ نسبت به رها نمودن خریداران و بنگاه‌ها پس از واگذاری
- اولویت دهی به فرهنگ سازی و شکل‌گیری اجماع عمومی در زمینه خصوصی‌سازی؛ نسبت به اقدامات منجر به ایجاد مقاومت در خواص و عوام نسبت به خصوصی‌سازی
- اولویت دهی نسبت به سرنوشت بنگاه پس از واگذاری؛ نسبت به حداکثر درآمد از محل خصوصی‌سازی
- اولویت دهی به وظیفه تنظیم‌گری دولت و مسئولیت طراحی سیستم‌های تشویقی و تنبیهی توسط دولت جهت سوق‌دهی بخش خصوصی به انجام فعالیت‌های مولد اقتصادی؛ نسبت به انجام وظایف تصدی‌گری توسط دولت در رقابتی نابرابر با بخش خصوصی
- اولویت دهی به شهروندان ساکن در محل فعالیت بنگاه و همچنین ذینفعان بنگاه جهت خرید و مدیریت بنگاه‌های دولتی؛ نسبت به سایر متقاضیان خرید

عوامل موثر بر موفقیت یا شکست خصوصی سازی

عوامل بیرونی	شرایط بنگاهها	عملکرد خریداران	فرآیند واگذاری	مداخلات مستقیم دولت در فعالیت بنگاهها پس از واگذاری	کیفیت سیاستگذاری حاکمیت در اقتصاد
آثار قیمت های جهانی (نهاده ها و محصولات)	به روز نبودن تکنولوژی	سوءمدیریت خریداران و مدیران منصوب	ارزشگذاری مغایر با هدف کارایی	قیمت گذاری دستوری در بازار	فقدان ارتباط سیاست های کلان اقتصادی (توسعه صنعتی) با سیاست های واگذاری
تحریم	مزد نیروی انسانی غیرماهر	مدیریت مطلوب و حرفه ای	شروط تحمیلی قراردادی مغایر با هدف کارایی	عدم حمایت هوشمند دولت بعد از واگذاری	عدم شکل گیری نهادهای تنظیم گر بخشی
کرونا	انحصاری بودن شرکت (محصول، مواد اولیه)	تضاد منافع سهامداران	غلبه نگاه درآمدی به واگذاری ها	بهره مندی از رانت و تسهیلات دولتی	بازده نامتعارف بازارهای نامولد
تغییرات بازارهای جهانی		رانت سیاسی	مزایده محوری به جای اهلیت سنجی	تصمیمات خلق الساعه و تحمیلی بر بنگاهها	پیش بینی ناپذیری اقتصاد
		رعایت اصولی حاکمیت شرکتهای	رددیون تحمیلی	چالش مدیریت سهام عدالت	فضای کسب و کار و صدور مجوزها
		شفافیت و انضباط مالی	عدم قاطعیت و جسارت دست اندرکاران امر واگذاری	نظارت پس از واگذاری	ناکارآمدی ساختار بودجه
		توسعه و سرمایه گذاری جدید	نوع واگذاری	عدم همراهی وزارتخانه های ذی ربط و شرکت های مادر تخصصی	سوء برداشت از احقاق منافع ملی و بیت المال
			عدم شناسایی فعالانه خریداران بنگاهها		عدم تخصیص در مراجع قضایی رسیدگی کننده
			عدم آماده سازی مناسب بنگاهها برای واگذاری		فقدان رویه ثابت نهادهای نظارتی
					عدم وجود بخش خصوصی توانمند
					عدم اعتماد بخش خصوصی
					عدم توفیق بخش تعاونی در بنگاهداری



پیامد تشدید تحریم‌ها

● محسن جلال‌پور
فعال اقتصادی
وزیر سابق اتاق بازرگانی ایران

کاهش درآمدهای نفتی در اداره کشور و همچنین بازار ارز باشیم.

اما سوال این است که تداوم تحریم‌ها چه اثری بر اقتصاد ایران می‌گذارد؟ بدون شک یکی از کلیدی‌ترین عواملی که در سال‌های اخیر عملکرد اقتصاد ایران را متاثر کرده تحریم‌های اقتصادی بوده است. به نظر می‌رسد در آینده نیز اگر مذاکرات هسته‌ای به نتیجه نرسد، تحریم‌های بین‌المللی بر عملکرد اقتصاد ایران اثری تعیین‌کننده خواهد داشت. در سال‌های گذشته همزمان با شدت گرفتن احتمال توافق در مذاکرات وین، تحرکات زیادی صورت گرفته تا برجام به نتیجه نرسد و حتی زمانی که به نتیجه رسیده و برجام امضا شده‌است، ذی‌نفعان تحریم موفق شده‌اند بازی را به هم بزنند. در حال حاضر نیز به نظر می‌رسد دشمنان برجام موفق شده‌اند یک‌بار دیگر این توافق را در آستانه نهایی شدن به شکست نزدیک کنند.

اقتصاددانان هشدار داده بودند که تحریم یک مکانیسم پیش‌رونده دارد و دشوار است که به‌صورت پایدار این مکانیسم پیش‌رونده را که متاثر از گسترش منافع گروه‌های ذی‌نفع در دو طرف بازی است، متوقف کرد. در تجربه قبلی هم چون مکانیسم‌های ایجادشده توسط تحریم قدرتمند بودند اقتصاد ایران مجدداً به حالت

برخی تحلیلگران معتقدند مذاکرات را باید «پایان یافته و ناکام» تلقی کرد و «دیگر امیدی به احیای برجام نیست». در همین شرایط رسانه‌هایی نظیر بلومبرگ از آمادگی و شاید برنامه‌ریزی دولت بایستن برای اعمال تحریم‌های جدید علیه ایران خبر می‌دهند. تحریم‌هایی که احتمالاً برنامه فروش نفت ایران را هدف قرار می‌دهد.

تحلیلگر بلومبرگ معتقد است صادرات نفت ایران که در اوایل دولت رئیسی رشد کرده بود، اخیراً از اوج یک میلیون بشکه صادرات عقب‌نشینی کرده، زیرا نفت روسی توانسته از ایران سهم‌ریایی کند.

کاخ سفید نیز در بیانیه‌ای که در همین زمینه صادر شد، نوشت: «از آنجایی که ایران در حال سرعت بخشیدن به برنامه هسته‌ای خود در تناقض با برجام است، ما نیز در اعمال شدیدتر تحریم‌ها علیه فروش نفت و محصولات پتروپالایشی ایران سریع‌تر اقدام می‌کنیم؛ تحریم‌هایی که می‌تواند تحت برجام برداشته شوند.»

اقدامات جدید دولت آمریکا اگرچه تازگی ندارد اما می‌تواند دو نتیجه به دنبال داشته باشد؛ یکی این‌که سیگنال مهمی برای شکست مذاکرات است و دیگر این‌که فروش نفت ایران را محدود می‌کند که در این صورت، باید منتظر انعکاس

**ابرچالش بزرگ
اقتصاد ایران در
حال حاضر تورم
است که بر آیند آن
را در اعتراض‌های
اخیر مشاهده
کردیم. دولت برای
این که تورم را
کاهش دهد باید
کسری بودجه را
کاهش دهد. اگر با
فرض تداوم تحریم
و کمبود درآمدهای
نفتی پیش برویم
راهی برای کاهش
کسری بودجه وجود
ندارد**

بخش اعظمی از سرمایه فعالان اقتصادی قریب به ۱۰۰ میلیارد دلار پول از کشور بودیم که صرف سرمایه‌گذاری و خرید ملک در کشورهای همسایه از جمله ترکیه و خالی شدن ظرفیت اقتصاد برای رشد و خلق ثروت شد. این امر موجب کاهش رفاه و رونق اقتصادی و افزایش فقر و نابرابری شد و در نتیجه رشد اقتصادی منفی را رقم زد.

ابرجالش بزرگ اقتصاد ایران در حال حاضر تورم است که برآیند آن را در اعتراض‌های اخیر مشاهده کردیم. دولت برای این که تورم را کاهش دهد باید کسری بودجه را کاهش دهد. اگر با فرض تداوم تحریم و کمبود درآمدهای نفتی پیش برویم، که حداقل اکنون به نظر می‌رسد توافقی در کار نباشد، راهی برای کاهش کسری بودجه وجود ندارد.

به خصوص این که دولت به خاطر کسری درآمدها و مدیریت غلط در صندوق‌ها و ناتراز کردن بانک‌ها تعهداتی در طول یک دهه تحریم به جا گذاشته که بدون رفع تحریم‌ها و دسترسی به درآمد کلان ناشی از صادرات نفت (سالانه در حد ۷۰ میلیارد دلار) بسیار بعید است که بتوانیم بر این مشکلات غلبه پیدا کنیم.

بعد از یک دهه رشد منفی ۴٫۵ درصدی تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی و یک دهه میانگین رشد اقتصادی نزدیک صفر (۰٫۵ درصد) چگونه می‌شود در زمانی کوتاه عقب‌ماندگی‌ها را ترمیم و جبران کرد و موتور اقتصاد را راه انداخت. تداوم تحریم فقط در درآمد دولت تاثیر ندارد، بلکه ارتباط ما با نظام بانکداری بین‌المللی را قطع کرده و سرمایه‌گذاری خارجی و هرگونه فاینانس را متوقف کرده است. هزینه مبادلاتی خارجی کشور را به شدت بالا برده است؛ همزمان هرگونه ارزش افزوده اقتصاد نیز با فرار سرمایه از کشور خارج می‌شود.

بنابراین تنها در میان‌مدت می‌توان برای حفظ وضع موجود تلاش کرد و امکان توسعه پایدار در رقابت جهانی و حتی با رقبای منطقه‌ای نظیر ترکیه، عربستان و نظایر آن اساساً فراهم نیست و کلاً شرایط سختی داریم.

تحریمی برگشت. بر این اساس، تا پیش از دور جدید مذاکرات به نظر می‌رسید که توافق دور از دسترس باشد اما تغییر دولت در آمریکا باعث شد اندکی خوش‌بینی به نتیجه ایجاد شود. اما در نهایت، این دشمنان تحریم بودند که موفق شدند مذاکرات این دور را در نطفه خفه کنند.

چرا به توافق نیاز داریم؟ در حال حاضر یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های اقتصاد ایران، منفی شدن مستمر سرمایه‌گذاری است. کاهش نرخ سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران متأثر از عوامل متعدد ساختاری، سیاست‌های داخلی و عوامل برون‌زاست که تحریم مهم‌ترین عامل آن به شمار می‌رود.

از نظر اقتصاددانان وضعیت فعلی چیزی شبیه به شرایط جنگی است، چون در جنگ هم موجودی سرمایه یک کشور از بین می‌رود و سرمایه‌گذاری هم متوقف می‌شود. این اتفاق از یک دهه پیش آغاز شده و همچنان ادامه پیدا کرده است به همین دلیل این دهه را دهه از دست‌رفته می‌نامند به این دلیل که خروجی رشد منفی سرمایه‌گذاری، فقر بیشتر مردم بوده است. اگر این روند معیوب درباره سرمایه‌گذاری تغییر نکند، برای جبران و اصلاح آن ممکن است سختی زیادی به کشور وارد شود.

ما همچنان تصور درستی از این اتفاق به صورت عمومی نداریم ولی می‌دانیم که تداوم وضعیت فعلی، پیامدهای غیرقابل‌جبرانی برای کشور به همراه دارد.

در دهه گذشته به جهت تحریم‌های ظالمانه علیه کشورمان و افزایش ریسک‌های سیستماتیک و نااطمینانی‌ها از یک‌سو و سیاست‌گذاری‌های غلط و عدم ثبات در قوانین و مقررات و نبود یک افق روشن پیش‌رو و عدم امکان پیش‌بینی شرایط آینده و نامناسب بودن فضای کسب‌وکار و افزایش هزینه‌های تولید از سوی دیگر، ما نه تنها شاهد سرمایه‌گذاری جدیدی که می‌توانست بخش‌های مختلف اقتصادی را در سطحی چشمگیر تقویت کند، نبودیم بلکه باعث خروج

**سوال این است که
تداوم تحریم‌ها
چه اثری بر اقتصاد
ایران می‌گذارد؟
بدون شک یکی از
کلیدی‌ترین عواملی
که در سال‌های
اخیر عملکرد اقتصاد
ایران را متأثر کرده
تحریم‌های اقتصادی
بوده است. به نظر
می‌رسد در آینده
نیز اگر مذاکرات
هسته‌ای به نتیجه
نرسد، تحریم‌های
بین‌المللی بر
عملکرد اقتصاد ایران
اثری تعیین‌کننده
خواهد داشت**



فسادزدایی از پایین به بالا

● بهزاد بهمن نژاد

دبیر تحریریه "فردای اقتصاد"

اطلاعاتی نسبت به مدیران، همواره در معرض ضایع شدن حقوقشان هستند. شاید تصور شود مدیر به دلیل حفظ اعتبار و چهره عمومی خود به سواستفاده از حقوق سهامداران نمی‌پردازد. اما تجربه جهانی و به طور خاص بنگاه‌های اقتصادی کشورمان خلاف این مساله را نشان می‌دهد و بسیاری از تصمیمات بنگاه‌ها کاملاً با منافع سهامداران خُرد غیرهم‌سو است. سواستفاده مدیران از روش‌های مختلفی صورت می‌گیرد شامل: دزدی، فروش محصول یا دارایی شرکت زیر قیمت به بنگاه وابسته به شخص مدیر، ایجاد رفاه شخصی (عمارت‌سازی) برای خود و سنگربندی (entrenchment) برای آنکه هزینه جایگزینی‌اش بالا رود.

هیات مدیره در خدمت مدیر یا سهامداران؟

جلوگیری از این سواستفاده‌ها به طور خاص بر عهده هیات مدیره است که به نیابت از سهامداران باید نظاره‌گر عملکرد مدیر باشد. وظایف اصلی هیات مدیره با عناوین «وظیفه وفاداری» (Duty of loyalty) و «وظیفه مراقبت» (Duty of care) شناخته می‌شود؛ اولی به معنای آن است که هر عضو «منافع شرکت را بر منافع شخصی ترجیح دهد» و دومی یعنی اعضا «در هر تصمیمی به اندازه یک «انسان محتاط» دقت نظر داشته باشند. اما در این نظاره‌گری یک پارادوکس وجود دارد. از یک سو، هیات مدیره از دل سهامداران انتخاب می‌شود و باید نظارت مستقلی بر مدیران داشته باشد. از سمت دیگر، عضو هیات مدیره نمی‌خواهد ارتباط خود با مدیران را مخدوش کند تا در شرکت‌های دیگر نیز پیشنهاد عضویت بگیرد. بنابراین و با توجه به آنکه نمی‌توان به سادگی اثبات کرد که هیات مدیره در نظارت بر عملکرد مدیران کوتاهی کرده است، مصادیق بسیاری وجود دارد که منافع هیات مدیره با سهامداران خرد هم‌سو نیست و بیشتر به زدوبند با مدیریت شرکت معطوف است.

گزارش فساد ۹۲ هزار میلیارد تومانی فولاد مبارکه تلنگری بود برای توجه به رتبه ضعیف‌تر ایران از نظر شاخص ادراک فساد در قیاس با کشورهایی مانند هند، عربستان و ترکیه. قریب به اتفاق کارشناسان، بستر فسادزا را قواعد حکمرانی اقتصادی کشور ارزیابی کردند؛ ساختاری که به امضاهای طلایی و رگولاتوری سلیقه‌ای معطوف است و تغییر آن نیازمند اصلاحاتی از «بالا به پایین» است. اما از لنزی دیگر می‌توان فساد را این‌گونه تعریف کرد که آنچه باید وارد شرکت شود و به اصطلاح به جیب همه سهامداران برود به جیب افراد یا گروهی خاص می‌رود. در این صورت‌بندی، وقتی جایگاه مدیر بنگاه مدیون گروه‌هایی غیر از سهامداران باشد و منافع وی نیز با سرمایه‌گذاران خُرد هم‌راستا نباشد، تکرار فساد امری ناگزیر است. بنابراین، ریشه‌کن کردن فساد می‌تواند از مسیری معکوس، یعنی «از پایین به بالا» نیز پیگیری شود؛ روشی که در ادبیات مالی تحت عنوان «حکمرانی شرکتی» شناخته می‌شود. بُب کلام آن است که چه کنیم اولاً منافع مدیران با سهامداران هم‌سو شود و ثانیاً در صورت تخطی مدیران چگونه هزینه آن را بالا ببریم. اهداف مزبور با سه پیشنهاد (۱) تغییر مدل پرداختی به مدیران (۲) نقش‌آفرینی نهادهای مالی به عنوان سهامدار فعال (۳) پیگیری حقوق سهامداران خرد با مکانیزم «دادخواهی جمعی»

دست بالای مدیران نسبت به سهامداران

هرچند تکرر سهامداران در ظاهر می‌تواند نظارت خوبی بر شرکت و عملکرد مدیران داشته باشد، اما عموماً افراد ترجیح می‌دهند «سواری مجانی» بگیرند. سرمایه‌گذار خُرد عموماً زمان و دانش کافی برای مسائل مختلف را ندارد و سهم آنها به حدی کم است که انگیزه‌ای نیز برای پوشش این خلا ندارند. بنابراین، سهامداران به دلیل عدم تقارن

فسادزدایی از پایین منجر شود. برای این منظور سه پیشنهاد را می‌توان مطرح کرد.

۱) یکی از گام‌های مهم هم‌راستا شدن منافع بلندمدت مدیر با سهامداران از طریق پرداخت بر مبنای عملکرد سهام شرکت‌هاست که در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ در دنیا بسیار رونق یافت. به این معنا که پرداختی به مدیران در بسته‌هایی صورت می‌گیرد که عملکرد سهام شرکت مبنایی برای دریافتی مدیر می‌شود. مثلاً سهام تشویقی به مدیر در صورتی که قیمت سهام بتواند از انتظارات بهتر عمل کند یا پاداش‌هایی از این نوع.

۲) مورد دوم با نقش‌آفرینی نهادهای مالی مانند صندوق‌های سرمایه‌گذاری به عنوان «سهامدار فعال» (activist investor) است. پژوهش‌های متعددی نشان می‌دهند که حضور یک سهامدار با درصد سهام قابل توجه باعث بهبود عملکرد شرکت‌ها می‌شود. علت این امر آن است که سهامدار در چنین حالتی دیگر دنبال «سواری مجانی» نیست و به علت پوست در بازی (skin in the game) قابل توجهی که دارد برای حداکثر کردن سودآوری خود حاضر به صرف وقت و هزینه است. سهامداران درصدی می‌توانند از یک سو ممکن است بتوانند در هیأت مدیره راه یابند و از سوی دیگر نیز برای پیگیری مشکلات و فسادهای پنهان شرکت‌ها انگیزه کافی دارند. پس راه مناسبی از جنس نظارت بهتر بر عملکرد مدیریت شرکت است.

۳) روش سوم که در آمریکا و کانادا با عنوان دادخواهی گروهی (class action) شناخته می‌شود برای احقاق حقوق سهامداران خرد است. فارغ از شکل ماجرا که می‌توان مدل‌های مختلفی را پیشنهاد داد، ایده این روش بسیار مناسب است. به این ترتیب، یک نفر به نمایندگی از سایر سهامداران خرد می‌تواند پیگیری نظارت بر عملکرد بنگاه را در اختیار بگیرد و در صورت اثبات انحراف مدیریت شرکت از عملکرد صحیح، درصد کوچکی از خسارت پرداختی به سهامداران خرد را برمی‌دارد. فرض کنید یک شرکت ۱۰ هزار سهامدار خرد دارد که به واسطه «سواری مجانی» به صورت فردی انگیزه‌ای برای نظارت دقیق بر شرکت ندارند؛ اما یک فرد می‌تواند به نمایندگی از این ۱۰ هزار نفر تخلف مدیریت شرکت را پیگیری کند. اگر در این پیگیری موفق شود مثلاً یک صدم درصد از سودی که به این ۱۰ هزار نفر می‌رسد را کسب می‌کند. مکانیزم‌هایی برای فعال شدن «دادخواهی گروهی» وجود دارد مانند آنکه فرضاً اگر ۱۰۰ نفر به یک نفر وکالت دهند، آن فرد می‌تواند در نقش دادخواه تمام سهامداران خرد وارد پروسه حقوقی شود. چنین روشی انگیزه کافی برای نظارت ویژه بر عملکرد شرکت‌ها را ایجاد خواهد کرد.

دیکتاتوری در شرکت‌ها

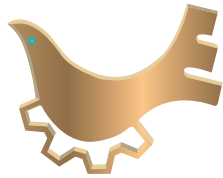
پرسش اینجاست که چه سازوکاری منجر به ناهمسویی منافع تیم مدیریتی با سهامداران خرد می‌شود. دلایل مختلفی برای این پدیده می‌توان مطرح کرد، اما مهم‌ترین مساله بورس تهران به پارادوکس سهامدار کنترلی و سهامدار خرد برمی‌گردد. سهامدار کنترلی، فرد یا گروهی است که با در اختیار داشتن اکثریت آرا، مدیریت شرکت را به طور کامل تصاحب می‌کند. در چنین حالتی، سهامدار کنترلی عملاً تصمیم‌گیر شرکت است؛ یعنی ۱۰۰ درصد اختیار عمل در تصمیمات دارد، اما در عواید شرکت سهمی کمتر از ۱۰۰ درصد دارد. به عبارت دقیق‌تر، تصمیمات را کاملاً خودمختار می‌گیرد ولی ریسک آنها را به همه سهامداران تحمیل می‌کند. از آنجایی که بخشی از سود نهایی شرکت را به دیگر سهامداران می‌دهد، گرایش پیدا می‌کند تا در تصمیمات، منافع فردی را جایگزین منافع شرکتی کند. یا به بیانی دیگر، پیگیری منافع گروه وابسته به خود را نسبت به حداکثرسازی منافع سهامداران در اولویت قرار می‌دهد.

ساختار سهامداری در بورس تهران به طور محسوسی متأثر از این مساله است. در برخی موارد شرکت مستقیماً تحت نظر دولت یا نهادی است که حداکثر سهامداری را دارد. نشانه واضح آن سهام شناور حدود ۲۰ درصدی شرکت‌های بورسی است. بنابراین، مدیران به جای آنکه دنبال حداکثرسازی منافع سهامداران باشند برای حفظ صندلی در اجرای خواسته‌های دولتی و نهادی می‌کوشند.

دسته دوم نیز در ادبیات مالی به گروه کسب و کار (Business Group) موسوم است؛ این عبارت به مجموعه‌ای از شرکت‌های عمدتاً بورسی گفته می‌شود که به صورت غیرمستقیم تحت کنترل یک سهامدار عمده هستند. شکل زیر به خوبی نشان می‌دهد که اگر حلقه‌های شامل ۶ شرکت وجود داشته و شرکت یک به صورت نیابتی حداکثر آرا (۵۱ درصد) سهام شرکت دو و شرکت دو ۵۱ درصد شرکت سه و الی آخر را داشته باشد، شرکت یک در عمل تعیین‌کننده تیم مدیریتی شرکت ششم است. حال آنکه از نظر سهم از سودآوری یا جریان نقدی شرکت ششم حدود ۳.۵ درصد در اختیار شرکت یک است. در گروه‌های کسب‌وکار شاید در ظاهر مالکیت شرکت بین افراد مختلف توزیع شده است، اما در عمل همه آنها در یک راستا عمل می‌کنند.

سه مسیر مدیریت مدیران

سواستفاده مدیران از قدرت خود خلاف منافع سهامداران نیازمند توجه بیشتری در بورس تهران است و همانطور که اشاره شد می‌تواند به



kish 2022 INVEX[®]

چهاردهمین نمایشگاه معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری کشور
نهمین نمایشگاه بین‌المللی بورس، بانک، بیمه و خصوصی سازی
14th Exhibition on Presenting Iran's Investment Opportunities
9th International Exhibition of Exchange, Banking, Insurance & Privatization

۲۵ لغایت ۲۸ مهر ماه ۱۴۰۱

مرکز نمایشگاه‌های بین‌المللی جزیره کیش
مرکز همایش‌های بین‌المللی جزیره کیش

17th October to 20th October 2022

Kish Island-Iran
Kish International Exhibition Center
Kish International Convention Center

www.kishinvex.com

تلفن ستاد برگزاری: ۹۰ ۹۷ ۱۷ ۸۸ - ۰۲۱ (۵ خط)



برگزار کننده



بهاران تدبیر کیش
BAHARAN TADBIR KISH



مشاوران اجرایی

اقتصاد سیاسی



تعظیم بازارهای جهانی مقابل فدرال رزرو

● سروش بهرامی

زیادی در جهت به چرخش درآمدن چرخ‌های اقتصاد کردند و همان موقع نیز انتظار می‌رفت که تورم به مرور افزایش یابد و باید اعتراف کرد که مهمان این روزهای اقتصاد جهانی به صورت کاملاً رسمی دعوت شده بود. پس از همه‌گیری کرونا و شروع فعالیت صنایع در سراسر دنیا به خصوص کشوری مانند چین که به عنوان اصلی‌ترین مصرف‌کننده کامودیتی شناخته می‌شود، تقاضا اوج گرفت و در آن زمان عرضه‌ها توانایی پاسخگویی به این تقاضا را نداشتند. همین عدم تناسب باعث شد که قیمت کامودیتی‌ها به سمت سقف‌های جدیدی نسبت به سال‌های گذشته حرکت کنند. از همان زمان بانک‌های مرکزی و در صدر آن‌ها فدرال رزرو در حال برنامه‌ریزی برای جنگی تمام عیار علیه اژدهای تورم بودند اما این تمام ماجرا نبود. شروع جنگ روسیه و اوکراین ضربه سنگین بعدی را به اقتصاد جهانی وارد کرد و سوخت جدیدی را بر آتش روشن تورم ریخت. از آنجا که روسیه سهم قابل توجهی از انرژی قاره اروپا را تامین می‌کرد و اوکراین نیز نقش مهمی در تامین مواد غذایی دنیا دارد، کاهش عرضه از سمت دو کشور، تورم را در این دو مورد حیاتی بسیار افزایش داد تا شرایط سخت‌تری را برای اقتصاد رقم بزند.



بازارهای جهانی سهام و کالایی مدت‌هاست از روزهای اوج خود فاصله گرفته‌اند و خود را درگیر سیاست‌های انقباضی بانک‌های مرکزی اقتصادهای بزرگ دنیا می‌بینند و باید قبول کرد که توانایی مقابله با آن را ندارند. این روزها که قطعاً آیندگان بسیار از آن صحبت خواهند کرد، نمونه کاملی از یک جنگ تمام عیار است که در یک سمت آن بانک‌های مرکزی و سیاستگذاران اقتصادی قرار دارند و در سمت دیگر اژدهای تورم که این بار با توانی دوچندان نسبت به قبل بازگشته است. بهتر است بگوییم که همه‌چیز از یک بیماری شروع شد. شیوع ویروس کرونا و همه‌گیری آن در اکثر کشورهای دنیا در سال ۲۰۲۰، به یک باره شوک سنگینی به اقتصاد جهانی وارد کرد و قرنطینه‌های سنگین در کشورهای توسعه یافته باعث کاهش تقاضای قابل توجهی در صنایع مختلف شد. این موضوع فشار سنگینی را بر قیمت سهام و به خصوص کامودیتی‌ها ایجاد کرد و حتی در برهه‌های شاهد ریزش قیمت نفت برنت تا حوالی ۲۰ دلار به ازای هر بشکه نیز بودیم. این موضوع که تا مدت‌ها نیز ادامه یافت، با شروع واکسیناسیون جهانی و رخت بر بستن کووید-۱۹ مسیر رو به بهبود خود را شروع کرد و پس از حدود یک سال شاهد اوج‌گیری قیمت‌ها حتی بالاتر از همه‌گیری نیز بودیم. اما چه شد که تورم اوج گرفت و چرا بازارهای جهانی مدتی است شرایط سختی را دنبال می‌کنند؟

مهمان خودخوانده اقتصاد جهانی

پول‌پاشی و ظهور تورم پس از آن یکی از مبانی علم اقتصاد است و شاید در کشور ما طی سالیان گذشته به جزئی جدایی‌ناپذیر از وضعیت اقتصادی و تورمی تبدیل شده است. همین مبحث ساده را می‌توان دلیل اصلی اوج‌گیری تورم در کشورهای توسعه یافته دنیا نامید. در زمان همه‌گیری کرونا اقتصادهای بزرگ دنیا برای کمک به تولید و صنایع شروع به پول‌پاشی‌های

نسبتاً زیادی از سقف‌های خود مواجه شدند. در زمان اوج قیمت کامودیتی‌ها در ماه‌های گذشته، مس توانست تا حوالی ۱۱ هزار دلار صعود کند، طلا به بالای ۲ هزار دلار رسید، نفت به بیش از ۱۲۰ دلار به ازای هر بشکه رسد و دیگر کامودیتی‌ها نیز شرایط یکسانی را دنبال کردند به طوری که شاخص کالایی بلومبرگ به عنوان نمادگری از وضعیت کامودیتی‌های مهم، اعداد بیش از ۱۳۶ واحد را نیز لمس کرد اما اکنون به حوالی ۱۱۴ واحد نزول کرده است. در این بین البته بحث افزایش نرخ بهره تنها دلیل افت قیمت کامودیتی‌ها نبود و کاهش تقاضای کشور چین نیز نقش مهمی را در این زمینه بازی کرده است. این کشور به دلیل سیاست کووید-صفر اقدام به قرنطینه‌های گسترده در بزرگترین شهرهای خود کرده و همچنان نیز ادامه دارد. از سمت دیگر رکود موجود در بازار مسکن آن نیز تا حد زیادی بر تقاضای کامودیتی به خصوص فلزات اساسی تأثیر گذاشته است و تداوم این موضوع همچنان می‌تواند سمت تقاضا را در برابر عرضه‌ها تضعیف کند.



اخیراً اما شرایط برای نفت تغییر کرده است. طلای سیاه نیز که همچون دیگر کامودیتی‌ها با کاهش قیمت زیادی مواجه شده و به زیر ۹۰ دلار به ازای هر بشکه نیز رسیده بود، چشم‌انداز مناسبی را تجربه می‌کند. اوپک پلاس در نشست اخیر خود برخلاف تلاش‌های آمریکا و اروپا، با کاهش ۲ میلیون بشکه در روز موافقت کرد. این میزان کاهش تولید از سال ۲۰۱۷ تاکنون بی‌سابقه بود و حتی در زمان قیمت‌های بسیار پایین در زمان کرونا نیز تکرار نشده بود. این موضوع باعث شده است که در زمان نگارش این گزارش و در حالی که اکثر کامودیتی‌ها رنگی سرخ به خود گرفته‌اند، با رنگ سبز به بیش از ۹۷ دلار به ازای هر بشکه برسد. در همین راستا بانک سرمایه‌گذاری گلدمن ساکس در آخرین پیش‌بینی خود اعلام کرده است که در ادامه سال نفت بار دیگر می‌تواند در قیمت‌های بالای بشکه‌ای ۱۰۰ دلار تثبیت شود.

نگاهی به روند تورم در ایالات متحده به خوبی نشان می‌دهد که این ویروس اقتصادی چگونه به شاخ و شانه‌کشی پرداخته است. شاخص قیمت مصرف‌کننده آمریکا در حالی که تا اوایل سال ۲۰۲۱ حوالی عدد ۱,۵ درصد نوسان می‌کرد، به یک باره اوج گرفت و در بالاترین سطح خود در ژوئن ۲۰۲۲، عدد ۹,۱ درصد را به ثبت رساند. در آخرین آمار منتشر شده برای ماه آگوست نیز ثبت عدد ۸,۳ درصدی که ۰,۲ درصد بالاتر از انتظارات بود، نشان داد که فعلاً جهان باید برای مدتی این مهمان را تحمل کند. این موضوع تنها مختص به آمریکا نیست و کشورهای دیگر نیز شرایط یکسان و حتی سخت‌تری را دنبال می‌کنند. برای مثال کشورهای اروپایی و حوزه یورو در حال حاضر تورم‌های دو رقمی را پشت سر می‌گذارند.

از همین رو فدرال رزرو نیز منفعل نبود و طی برنامه‌ریزی‌های قبلی خود، برای مقابله با اژدهای تورم اعلان جنگ کرد. بانک مرکزی آمریکا تاکنون طی ۵ مرحله از مارس ۲۰۲۲ نرخ بهره خود را به عنوان اصلی‌ترین سلاح برای تقابل با تورم، ۳ درصد افزایش داده و به ۳,۲۵ درصد رسانده است، عددی که از ابتدای سال ۲۰۰۸ تاکنون تکرار نشده بود. صحبت‌های اعضای فدرال رزرو طی مدت گذشته و به خصوص از زمان گردهمایی اقتصادی جکسون هول به خوبی نشان می‌دهد که انگیزه این سازمان برای کاهش تورم بسیار بالاست و حتی تبعات احتمالی آن را به جان خواهد خرید. این موضوع اکنون به اتحادی جهانی تبدیل شده است و در اکثر کشورهای توسعه یافته شاهد افزایش نرخ بهره هستیم و قرار است که این موضوع همچنان ادامه داشته باشد تا زمانی که تورم بار دیگر به هدف ۲ درصدی خود بازگردد.

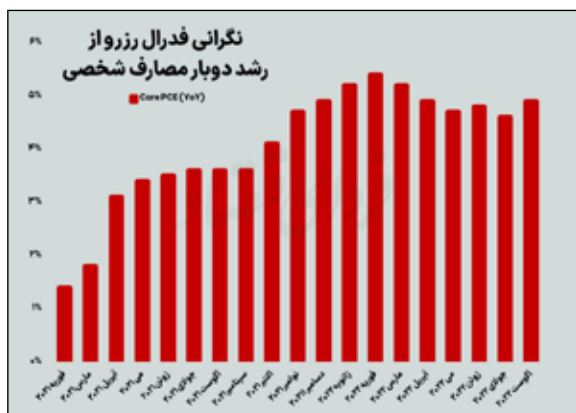


سایه فدرال رزرو بر سر کامودیتی‌ها

در این بین و با روند رو به افزایش نرخ بهره به واسطه سیاست‌های انقباضی، کامودیتی‌ها شرایط سختی را دنبال کردند و با کاهش قیمت

قرار می‌گیرد و شاهد افزایش نرخ بیکاری و کاهش روند استخدام در شرکت‌ها هستیم. آمار منتشر شده طی ماه‌های گذشته اما فعلا از داغ بودن بازار کار در آمریکا خبر می‌دهند. در زمان همه‌گیری کرونا و شروع قرنطینه گسترده در سراسر دنیا، نرخ بیکاری ایالات متحده طی دو ماه از ۳,۵ درصد در مارس ۲۰۲۰، به ۱۴,۷ درصد رسید که رکوردی جدید طی دهه‌های گذشته بود اما پس از بهبود شرایط اقتصادی، این متغیر روندی کاهشی به خود گرفت و با قدرت بسیار خوبی بار دیگر به ۳,۵ درصد کاهش یافت. البته حتی در سخنان سران فدرال رزرو نیز بارها شنیده شده است که تداوم افزایش نرخ بهره می‌تواند بر بازار کار تاثیر بگذارد و به مرور شاهد افزایش نرخ بیکاری باشیم اما فعلا این پارامتر نشانی از احتمال رکود را در خود منعکس نمی‌کند.

فارغ از نرخ تورم، شاخص دیگری وجود دارد که از اهمیت بالایی برای فدرال رزرو برخوردار است. شاخص مخارج مصرف شخصی (Personal Consumption Expenditure) یا به اختصار PCE، شاخصی است که وضعیت مصرف عموم مردم را نشان می‌دهد و از آنجا که هدف اصلی فدرال رزرو نیز افزایش نرخ بهره به امید کاهش مصرف و تقاضاست، تغییرات آن می‌تواند به خوبی وضعیت حرکت سیاست‌گذاری پولی را نشان دهد. چندی پیش عدد این شاخص برای ماه آگوست منتشر شد و برخلاف پیش‌بینی‌ها که انتظار عدد ۴,۷ درصد را می‌کشید، ثبت عدد ۴,۹ درصدی نشان داد که وضعیت تورمی از آنچه که انتظار می‌رود سخت‌تر است و به نظر نمی‌رسد که به زودی شاهد شکسته شدن شاخ این غول باشیم.



اما این تمام ماجرا نیست و به نظر می‌رسد که شرایط اقتصاد جهانی به مرور در حال ضعیف‌تر شدن است. روز دوشنبه شاخص مدیران خرید (PMI) برای حوزه یورو و آمریکا منتشر شد. اکثر کشورهای اروپایی

این موضوع البته می‌تواند به عنوان سیگنالی تورمی برای کشورهای همچون آمریکا و حوزه یورو قلمداد شود و دوباره شاهد اوج‌گیری متغیر انرژی در شاخص قیمت مصرف‌کنندگان باشیم.

پناهگاه بورسی آمریکایی‌ها خراب شد؟

پس از کاهش شدید قیمت سهام در زمان همه‌گیری ویروس کرونا و رشد تورم پس از آن، سهام به پناهگاهی برای سرمایه آمریکایی‌ها تبدیل شده بود. از آنجا که دارایی‌های دیگر همچون طلا و ارز عایدی‌های دوره‌ای برای سرمایه‌گذاران خود نداشتند از جذابیت کمتری نسبت به سهام برخوردار بودند. از طرفی وضعیت گزارش‌های منتشر شده از سمت شرکت‌ها نیز از وضعیت خوب فروش و سودآوری آن‌ها خبر می‌داد که بخشی از آن به دلیل تورم ایجاد شده بود و همه این عوامل دست به دست هم دادند تا در برهه‌ای شاهد رشد خوبی در قیمت سهام باشیم.

پس از گذشت مدتی اما این بازار نیز نتوانست در مقابل فدرال رزرو ایستادگی کند و همچون دیگر بازارها شاهد کاهش نسبتا زیادی در شاخص‌های خود بود. همانطور که در تصویر زیر پیداست، شاخص نزدک (Nasdaq) در حالی که در اوج خود در اواخر سال ۲۰۲۱ به بیش از ۱۶ هزار واحد نیز رسیده بود، با کاهش ۳۳ درصدی در حال حاضر پایین‌تر از ۱۱ هزار واحد نوسان می‌کند و قیمت سهام حاضر در این بازار نیز اغلب شرایط یکسانی را دنبال کرده‌اند. در شاخص S&P500 نیز با کمی تفاوت چنین وضعیتی را شاهد هستیم. این شاخص نیز از اوج خود تاکنون بیش از ۲۳ درصد کاهش یافته است و عمده دلیل افت کمتر آن نسبت به نزدک، وجود سهام شرکت‌های اصلی و بزرگی هستند که عمدتا تقاضای بهتری را نسبت به دیگر شرکت‌ها دارند.

رکود جهانی در پیش است؟

از زمان شروع سیاست‌های انقباضی بانک‌های مرکزی دنیا، همواره احتمال ورود اقتصاد جهانی به یک دوره رکودی، یکی از اصلی‌ترین مباحث مورد بحث در جمع‌های اقتصادی بوده است. بررسی اینکه آیا جهان به سمت رکود حرکت می‌کند یا خیر، کار ساده‌ای نیست و نیاز به تحلیل داده‌ها و آمار متفاوتی در زمینه‌های مختلف دارد. اما نکته جالب توجه طی مدت اخیر، سیگنال‌های متفاوتی است که از متغیرهای اقتصادی مخابره می‌شود.

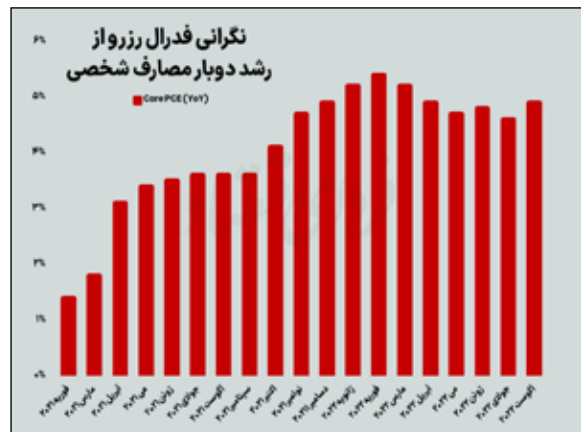
یکی از اصلی‌ترین متغیرها در این زمینه، وضعیت بازار کار و نرخ بیکاری است. در دوران رکود اقتصادی، بازار کار همواره تحت تاثیر

بالا ماندن وضعیت تورم و همچنین روند رو به تضعیف تولید، اقتصاد جهانی به سمت یک دوره رکود تورمی حرکت کند و قطعا این موضوع می‌تواند روند قیمتی کامودیتی‌ها و به تبع آن چشم‌انداز شرکت‌های بورس تهران را با چالش‌های جدی مواجه کند.

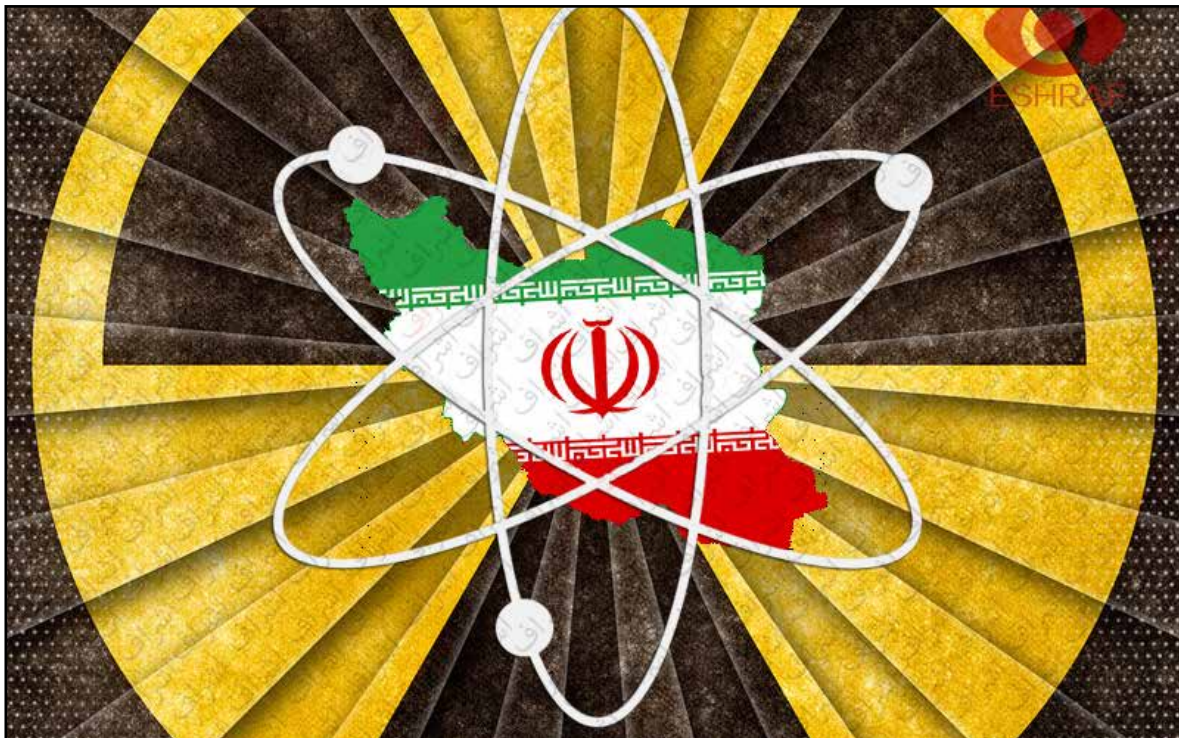
چشم‌انداز بازارهای جهانی

با تمام این تفاسیر شاید هنوز برای اعلام شروع یک دوره رکودی در اقتصاد دیر باشد و باید منتظر ماند و دید سیاست‌های انقباضی بانک‌های مرکزی در اقتصادهای بزرگ دنیا، تا چه حد می‌تواند بر بازارها و متغیرهای مختلف از جمله بیکاری تاثیرگذار باشد. طی آخرین نشست فدرال رزرو در ماه سپتامبر، این سازمان اعلام کرد که هدف نرخ بهره خود را برای سال آینده از ۳٫۵ درصد به ۴٫۵ درصد افزایش داده است اما اگر در ادامه سال شاهد روند رو به کاهش تورم باشیم، این تصمیمات می‌تواند تا حدی تعدیل شود. بنابراین به نظر می‌رسد که چشم‌انداز اقتصاد جهانی بسیار وابسته به آمارهایی است که در ماه‌های آینده منتشر خواهد شد اگرچه در این بین به خصوص در حوزه کامودیتی‌ها، عوامل دیگری همچون تداوم جنگ روسیه و اوکراین، سیاست کووید-صفر و وضعیت بازار مسکن کشور چین، مذاکرات هسته‌ای ایران و غرب، بحران انرژی اروپا، وضعیت تولید شرکت‌های کامودیتی و عرضه و تقاضا در کالاهای متفاوت و... می‌تواند بسیار تاثیرگذار باشد.

شرایط سخت‌تری از قبل را تجربه می‌کنند و شاخص برای آن‌ها به زیر مرز ۵۰ رسیده است که نشان از عملکرد ضعیف‌تر تولید نسبت به ماه گذشته دارد. در آمریکا تا کنون این شاخص توانسته است خود را بالای ۵۰ حفظ کند اما به صورت ماهانه روندی کاهشی را تجربه می‌کند. شاخص PMI ایالات متحده در ماه سپتامبر به عدد ۵۰٫۹ رسید درحالی که انتظارات عدد ۵۲٫۵ را پیش‌بینی کرده بودند. اگرچه همچنان بالای مرز ۵۰ قرار دارد اما روند رو به کاهش و نزدیک شدن به این مرز مهم، زنگ خطری را برای اقتصاد جهانی به صدا درآورده است که شاید در ماه‌های آینده شاهد نزول این شاخص به زیر عدد ۵۰ واحد باشیم. بنابراین می‌توان نگران این موضوع بود که با توجه به



سناریوهای دیپلماسی هسته‌ای در فضای ابهام و عدم اطمینان



دیپلماسی عمومی و فضای رسانه‌ساز شبکه‌های بین‌المللی مرتبط با نهادهای وزارت امور خارجه آمریکا و اتحادیه اروپا به این موضوع اشاره و توجه دارند که ایران تمایل چندانی به انعطاف‌پذیری و همکاری چندجانبه با بازیگران قدرتمند نظام جهانی ندارد، اما واقعیت آن است که جمهوری اسلامی تمامی تلاش خود را برای نیل به شکل خاصی از مصالحه به کار گرفته است.

فضای ابهام در دیپلماسی هسته‌ای ایران و گروه ۴+۱

واقعیت دیپلماسی هسته‌ای ایران و کشورهای گروه ۴+۱ بیانگر آن است که از مارس ۲۰۲۲ نشانه‌هایی از وقفه‌های تکرار شونده در روند همکاری‌های ایران با اتحادیه اروپا وجود داشته است. طولانی بودن فرآیند مذاکرات و ابهام در روند آینده بیانگر آن است که اولاً ایران و قدرت‌های بزرگ نظام جهانی تمایلی به نادیده گرفتن منافع اصلی خود در روند مذاکرات ندارند. الگوی موجود در دیپلماسی هسته‌ای

● ابراهیم متقی استاد دانشگاه تهران

مذاکرات هسته‌ای بخشی از ماراتن دیپلماسی ایران، ایالات متحده و کشورهای اتحادیه اروپا محسوب می‌شود. از سال ۲۰۰۳ به بعد همواره تروئیکای اروپایی نقش موثری در شکل‌بندی کنش سیاسی و دیپلماسی هسته‌ای با ایران ایفا کرده‌اند. در آن مقطع تاریخی، کشورهای روسیه و چین نقش محدودی در فرآیند دیپلماسی هسته‌ای و متقاعدسازی ایران به همکاری‌های چندجانبه جهانی ایفا می‌کردند. در حالی که نقش‌یابی بازیگران در اکتبر ۲۰۲۲ کاملاً متفاوت از سپتامبر ۲۰۰۳ به نظر می‌رسد.

واقعیت‌های کنش دیپلماتیک ایران بیانگر آن است که نشانه‌هایی از انعطاف‌پذیری سازنده در روابط ایران مشاهده می‌شود. اگر چه عرصه

الگوی کنش بازیگران در سیاست بین‌الملل همواره مبتنی بر نشانه‌هایی از ابهام و عدم اطمینان است. تاریخ روابط بین‌الملل بیانگر این واقعیت است که در بسیاری از مواقع مذاکرات سازنده و همکاری جویانه کشورها در نهایت با وقفه روبرو شده است. به همان گونه‌ای که برخی از مواقع شاهد دیپلماسی سخت‌گیرانه کشورها بوده و در نهایت زمینه برای همکاری متقابل در جهت نیل به اهداف مشترک فراهم می‌شود. چنین واقعیت‌هایی بخشی از مفروضه سناریوهای رفتاری محسوب می‌شود.

۱- سناریوی بدبینانه و انگاره تعلیق مذاکرات

انگاره اول مبتنی بر سناریوی بدبینانه است. سناریوی بدبینانه بیانگر آن است که سیاست‌های اسرائیل و قابلیت تاکتیکی برای بهره‌گیری از سازوکارهای تهاجمی علیه تاسیسات ایران بر الگوی رفتاری آمریکا و اتحادیه اروپا تاثیر به جای گذاشته است. در چنین شرایطی طبیعی به نظر می‌رسد که آمریکا تمایلی به همکاری‌های فراگیر با ایران نشان نخواهد داشت. بر اساس چنین انگاره‌ای، اتحادیه اروپا نیز انرژی مورد نیاز خود را از منابع دیگر تامین خواهد کرد.

انگاره تعلیق به موازات وقفه طولانی‌مدت در روند دیپلماسی وین می‌تواند پیامدهای پرمخاطره و محدودکننده‌ای را به وجود آورد. مذاکرات در شرایطی از اهمیت برخوردار است که زمینه برای نیل به توافق سازنده به وجود آید. توافق سازنده دارای ویژگی است که هر یک از کشورها تلاش کند تا خود را با انگاره عمومی بازیگران سیاست بین‌الملل هماهنگ سازد، در حالی که تعلیق در روند مذاکرات نشانه‌ای از فقدان اراده همکاری جویانه را منعکس می‌سازد.

سومین ویژگی انگاره تعلیق مربوط به شرایطی است که بازیگران اصلی سیاست بین‌الملل، ایران را در فضای بی‌ثباتی، فقدان اراده و آسیب‌پذیری راهبردی تحلیل کنند. در چنین شرایطی طبیعی به نظر می‌رسد که روند مذاکرات با نشانه‌هایی از ابهام و فقدان اراده سازنده بازیگران اصلی نظام بین‌الملل همانند آمریکا، اتحادیه اروپا، روسیه و چین روبرو شود. در چنین شرایطی آمریکا و اتحادیه اروپا تلاش خواهد داشت تا ایران را مقصر توقف مذاکرات معرفی کرده و از این طریق فضای رسانه‌ای و ارتباطی بین‌المللی را علیه ایران به عنوان بازیگری که از سازوکارهای استنفکاف بهره می‌گیرد، تهییج کند.

۲- سناریوی سوسیسی برشته و فرایندهای مرحله‌ای

دومین سناریو مربوط به شرایطی است که بازیگران از سازوکارهای «کژ دار و مریز» بهره می‌گیرند. این سناریو بر اساس سازوکارهای

به گونه‌ای است که هر یک از بازیگران ترجیح می‌دهند که به توافق خوب دست یابند.

گروه‌های مختلف مذاکره‌کننده در فضای دیپلماسی هسته‌ای نسبت به گذشته دیگری و برنامه‌های آینده آنان احساس نگرانی و ابهام دارند. از سوی دیگر فضای موجود نشان می‌دهد که روند فعالیت هسته‌ای ایران به گونه‌ای نیست که منجر به «گریز هسته‌ای» شود. از سوی دیگر نشانه‌هایی از موازنه ضعف در روابط ایران، اتحادیه اروپا و ایالات متحده وجود دارد. هر یک از بازیگران تلاش دارند تا به حداکثر منابع ممکن در فضای دیپلماسی هسته‌ای نیل شوند، در حالی که بازیگران طرف مقابل از سازوکارهای محدودکننده برای ناکارآمدسازی قابلیت و اهداف بازیگر رقیب بهره می‌گیرند.

مراحل واپسین از مذاکرات وین در اواسط مارس ۲۰۲۲ شکل گرفت و در تاریخ ۴ اگوست ۲۰۲۲ ترمیم، اصلاح و بازتولید شد. از آن مقطع زمانی به بعد زمینه برای «مذاکرات جانبی» در فضای دیپلماسی هسته‌ای به وجود آمد. نشانه‌های مربوط به مذاکرات جانبی در میانجیگری قطر و مذاکرات دوحه انعکاس یافت. بعد از آن جوزف بول، کمیساریای سیاست خارجی اتحادیه اروپا طرح پیشنهادی خود را مطرح کرد که ایران کلیات آن را با اصلاحاتی محدود مورد پذیرش قرار داد.

اگر چه بعد از طرح بول فرآیند دیپلماسی اعلامی ایران، اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا ادامه پیدا کرده است اما هنوز چنین فرآیندی به نتیجه قطعی منجر نشده است. به همین دلیل است که انگاره‌های متفاوتی در ارتباط با آینده مذاکرات و میزان امکان‌پذیری آن در اکتبر و نوامبر ۲۰۲۲ وجود دارد. هر یک از این انگاره‌ها بر نشانه‌های خاصی از کنش تاکتیکی ایران و سایر بازیگران تاکید دارد. سناریوهای موجود طیفی از احتمالات را منعکس می‌سازد که از تعلیق دیپلماسی تا اعاده برجام را در بر می‌گیرد.

انگاره‌ها و سناریوهای مذاکرات هسته‌ای

مبانی دیپلماسی هسته‌ای و چانه‌زنی در شرایط کنش بازیگران موثر در سیاست بین‌الملل به این موضوع اشاره دارد که توافق در زمانی محدود امکان‌پذیر نبوده و حل هر موضوع راهبردی نیازمند بررسی‌های چندجانبه و مذاکرات فشرده خواهد بود. تعلیق نسبی در مذاکرات موجود نشان می‌دهد که انگاره همکاری در بین مذاکره‌کنندگان به گونه‌ای است که امکان نیل به شرایط تعادلی و کنش همکاری جویانه برای شکل‌گیری توافق سازنده وجود نداشته یا اینکه از امکان‌پذیری محدودی برخوردار است.

راستی آزمایی و نظارت آژانس بر فعالیت هسته‌ای خود برخوردار است. اولیانوف چنین رویکردی را ناشی از تعهد ایران به قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت می‌داند.

بخش قابل توجهی از کارگزاران دیپلماتیک و تحلیلگران موضوعات راهبردی ایران نیز امیدوار هستند که سناریوی توافق سریع بر اساس همکاری سازنده تمامی کشورها و گروه‌ها به انجام رسد. این گروه از تحلیلگران اعتقاد دارند که وقفه طولانی در روند دیپلماسی هسته‌ای، چالش‌های بیشتری را برای بازیگران به وجود می‌آورد. در فضای موجود گروه مذاکره‌کننده ایرانی نشانه‌هایی از کنش همکاری جویانه در روند دیپلماسی وین و مذاکرات هسته‌ای را منعکس می‌سازند.

نتیجه

ابهام در فضای موجود دیپلماسی هسته‌ای بیانگر آن است که مذاکرات بر اساس سناریوی دوم در حال تداوم است. رسانه‌ای را به گونه‌ای علیه ایران سازماندهی کنند که جو روانی علیه ایران افزایش پیدا کند. هرگاه دیپلماسی هسته‌ای از امکان موفقیت بیشتری برخوردار بوده، واکنش دیپلماتیک و سیاست‌های تهاجمی این گونه از بازیگران منطقه‌ای علیه ایران افزایش قابل توجهی پیدا کرده است. واقعیت آن است که هنوز اختلاف‌های ادراکی ایران و سایر کشورهای غربی درباره سازوکارهای رسیدن به توافق و حل چالش‌های باقیمانده زیاد است. اگر چه اسرائیل و عربستان در فضای ناآرامی‌های اجتماعی ایران امیدوارند که زمینه برای شکل‌گیری بی‌ثباتی و تزلزل ساختاری در جمهوری اسلامی فراهم گردد، اما واقعیت آن است که تمامی جامعه ایران نسبت به ضرورت‌های اقتدار ملی و انسجام سرزمینی دارای انگاره‌های یکسانی هستند. برخی از ابهام‌های تراژیک در مدیریت چالش‌های اجتماعی ترمیم خواهد شد. قابلیت ایران برای بازتولید قدرت بازدارنده جهت نیل به توافق همکاری جویانه وجود خواهد داشت.

اگر چه آمریکا تلاش دارد تا ایران را در وضعیت فشار مضاعف قرار دهد و از این طریق به نتایج یک سو به روند مذاکرات نایل گردد، اما واقعیت آن است که ایران نیز از ابزارهای لازم برای مقاومت مرحله‌ای و چانه‌زنی دیپلماتیک برخوردار است. واقعیت آن است که مذاکره‌کنندگان آمریکایی بر موضوعات پادمانی مربوط به آژانس تاکید داشته اما هیچ گونه تضمینی در ارتباط با سازوکارها و فرآیند پایان یافتن تحریم‌ها ارائه نداده‌اند. شاید بتوان به این موضوع اشاره داشت که چالش اصلی عدم توافق و ابهام ناشی از عدم اعطای تضمین آمریکا درباره تعهدات اقتصادی به ویژه سوئیت مالی است.

کنش محافظه‌کارانه استوار است. سناریوی دوم مبتنی بر این واقعیت است که بخشی از گروه مذاکره‌کننده دارای انگاره مثبت و سازنده نسبت به مذاکرات بوده و درصدد هستند تا تفسیر سازنده‌ای از روند مذاکرات ارائه دهند، در حالی گروه بعدی از سازوکارهای مقابله جویانه بهره گرفته و نیل به توافق را با چالش روبرو می‌سازد.

روند موجود دیپلماسی وین و مذاکرات هسته‌ای بیانگر این واقعیت است که هر یک از بازیگران تلاش دارد تا الگوی محافظه‌کارانه را در دستور کار قرار دهد. الگوی محافظه‌کارانه به معنای آن است که تلاش برای تداوم دیپلماسی انجام می‌گیرد اما روند مذاکرات به نتیجه مطلوب نمی‌رسد. برخی از چرخش‌های شکل گرفته در روند مذاکرات نشان می‌دهد که هر یک از بازیگران اصلی دیپلماسی وین دارای «اراده مبهم و تردیدآمیز» برای نیل به توافق هستند. روند سناریوی سوسیال برشته به این موضوع اشاره دارد که هر یک از بازیگران در صدد بهره‌گیری از فرصتی هستند که اهداف خود را در لابه‌لای مذاکرات و توافق احتمالی منعکس سازند.

ویژگی اصلی این سناریو استناد به اطلاعات یا گزارش‌های جانبی است. در چنین شرایطی می‌توان به گزارش آژانس اشاره داشت. آژانس همواره یکی از بازیگران محدودکننده اراده ایران برای نیل به توافق خواهد بود. لازم به توضیح است که در چنین شرایط و فضایی، هر یک از بازیگران اصلی سیاست بین‌الملل وقفه در تصمیم‌گیری را ناشی از کسب اطلاعات مبهم می‌نمایند. ویژگی اصلی سناریوی دوم آن است که مطالبات بازیگر با قدرت بیشتر به گونه‌ای مرحله‌ای افزایش می‌یابد. شاید بتوان به این موضوع اشاره داشت که روند فعلی مذاکرات هسته‌ای بر اساس نشانه‌هایی از سناریوی محافظه‌کارانه در حال تداوم است. مذاکرات وین ۱۳ مردادماه ۱۴۰۱ در حالی شکل گرفت که اسرائیل، ایران را به انجام اقدامات فرآپادمانی متهم ساخت. در چنین شرایطی هر یک از بازیگران، تلاش دارند فضای سیاسی و بین‌المللی را به گونه‌ای تنظیم کنند که از آمادگی لازم برای همکاری چندجانبه برخوردار بوده در حالی که بازیگر طرف مقابل تمایلی به کنش سازنده ندارد.

۳- سناریوی توافق قطعی و همکاری‌های سازنده

جامعه ایرانی و بسیاری از شهروندان اروپایی تمایل دارند که مذاکرات در زمان محدودی به نتیجه سازنده منجر شود. در شرایط موجود نشانه‌هایی از همکاری سازنده در روابط ایران، آژانس، اتحادیه اروپا و سایر کشورهای شورای امنیت سازمان ملل مشاهده می‌شود. اولیانوف، نماینده روسیه در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ۱۳ سپتامبر ۲۰۲۲ به این موضوع اشاره داشت که ایران از آمادگی لازم برای

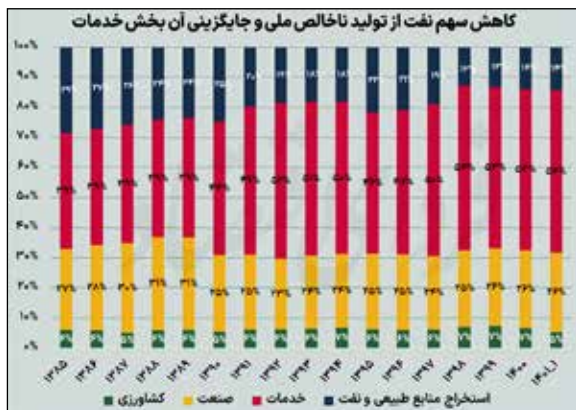
اقتصاد کلان

آخرین تصویر از شاخص‌های کلان اقتصادی

تداوم رشد مثبت اقتصاد در بهار می‌تواند با چالش مواجه باشد؛ از یک طرف رشد حقیقی بخش نفت در فصل اول ۱۴۰۱ بسیار اندک بوده است. از طرف دیگر افت نرخ رشد حقیقی تشکیل سرمایه ثابت تداوم داشته است. بخش کشاورزی نیز توان چندانی برای کمک به رشد اقتصادی ندارد و پنج فصل پیاپی با شیب تندی کاهش یافته که اثرات آن را در خروج حدود ۴۰۰ هزار نفر از شاغلین بخش کشاورزی در بهار ۱۴۰۱ نیز مشاهده می‌کنیم.

روندهای موجود در تولید ناخالص داخلی ایران

بررسی ترکیب تولید ناخالص داخلی نشان می‌دهد که حدود ۵۴ درصد تولید ناخالص داخلی ایران از بخش خدمات بوده و این سهم رو به افزایش است (نمودار بعدی). سهم نفت از یک اقتصاد ایران به تدریج کاهش یافته و علی‌رغم آنکه بخش مذکور یکی از بالاترین ارزش افزوده‌ها را ایجاد می‌کند (با توجه به نسبت ارزش افزوده به مانده سرمایه)؛ اما عملاً سهم خود را از اقتصاد ایران از دست داده است. سهم بخش صنعت و کشاورزی ناداشته و لذا طی سال‌های گذشته جایجایی بین بخش خدمات و نفت اتفاق افتاده است. از آنجا که در فرایند توسعه کشورها، ابتدا رشد کشاورزی، سپس رشد صنعت و در نهایت رشد خدمات زیاد می‌شود، می‌توان یکی از علل پیشی گرفتن رشد خدمات در اقتصاد ایران را هم روند معمول رشد در نظر گرفت.



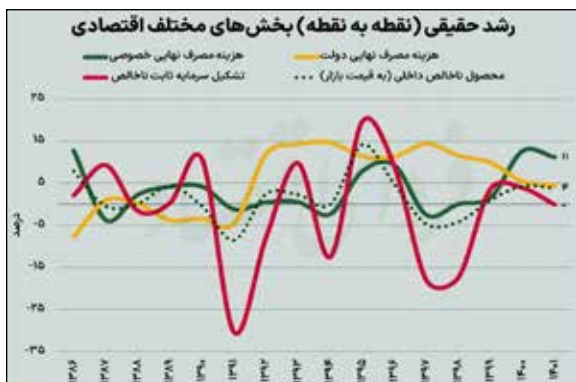
در نمودار زیر سهم هر یک از اجزای هزینه‌ها، شامل مصرف نهایی خصوصی، مصرف نهایی دولت، خالص صادرات و تشکیل سرمایه ثابت ناخالص نشان داده شده است. سهم مصرف از

اقتصاد ایران در میان حجم بی‌سابقه‌ای از شوک‌های مثبت و منفی است؛ از یک طرف شوک ناشی از کرونا در حال محو شدن است و لذا انتظار بهبود شرایط اقتصادی می‌رود. از طرف دیگر تداوم تحریم‌ها و افت درآمدهای نفتی فشار بسیار زیادی بر بودجه دولت و تراز پرداختها ایجاد کرده و سطح تورم و انتظارات تورمی را در محدوده بالایی تثبیت کرده است. در این میان فشار ناشی از کسری بودجه و بالا بودن تورم جهانی مواد غذایی، دولت را ناگزیر از حذف ارز ۴۲۰۰ کرد که شوک مضاعفی بر تورم کالاهای خوراکی بود و همچنین تغییر زیادی در قیمت‌های نسبی ایجاد کرد. رشد تولید ناخالص داخلی ۳.۸ درصدی نسبت به مدت مشابه در بهار سال جاری و افزایش اشتغال بخش خدمات را باید از جمله تأثیرات افول همه‌گیری کرونا دانست. هر چند که اشتغال در دو بخش صنعت و کشاورزی کاهش یافته است. تورم نقطه‌ای بالای پنجاه درصدی طی چند ماه گذشته نیز ماحصل مجموع شوک‌های وارده بر بدنه اقتصاد است که اگر چه از حذف ارز ترجیحی خوراکی‌ها اثر مهمی پذیرفته، اما عامل اصلی آن در میان مدت رشد بالای نقدینگی ناشی از عدم انضباط مالی دولت است.

۱. بخش حقیقی

رشد اقتصادی

بر اساس آخرین نتایج حساب‌های ملی فصلی مرکز آمار ایران، نرخ رشد محصول ناخالص داخلی (GDP) در سه ماهه اول ۱۴۰۱ با احتساب بخش نفت ۳.۸ و بدون نفت ۴.۳ درصد بوده است. رشد مثبتی که به دلیل رشد در بخش خدمات بوده است. بخش مذکور بیش از ۵۰ درصد اندازه اقتصاد ایران را تشکیل می‌دهد. در فصل بهار ۱۴۰۱ رشته فعالیت‌های گروه کشاورزی رشد منفی ۰.۸، گروه صنایع و معادن ۴.۲ و گروه خدمات ۳.۹ درصد نسبت به فصل بهار سال ۱۴۰۰، رشد داشته است. در میان زیرگروه‌های بخش خدمات، رشد ۶۴ درصدی خدمات اجتماعی، شخصی و خانوادگی بزرگ‌ترین افزایش ارزش افزوده تولیدی را داشته است. اما از سوی دیگر واسطه‌گری مالی با رشد منفی ۳.۵ درصدی همراه شده است. بخش مستغلات، کرایه و خدمات کسب و کار هم رشد ۶.۵ درصدی نسبت به بهار سال گذشته داشته است.



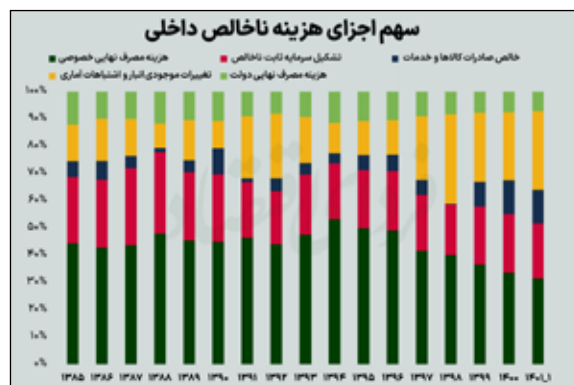
۲. تورم

بر اساس داده‌های مرکز آمار، شاخص قیمت‌ها در شهریور ۱۴۰۱ نسبت به مدت مشابه سال گذشته (تورم نقطه به نقطه) ۴۹.۷ درصد افزایش یافته است. در نمودار زیر تورم نقطه‌ای را برای ۱۰ سال گذشته مشاهده می‌کنیم. منظور از نرخ تورم نقطه‌ای درصد تغییر عدد شاخص قیمت، نسبت به ماه مشابه سال قبل است. نرخ تورم نقطه‌ای گروه عمده «خوراکی‌ها، آشامیدنیها و دخانیات» با کاهش ۵.۰ واحد درصدی به ۷۵.۴ درصد رسیده و گروه «کالاهای غیرخوراکی و خدمات» با کاهش ۱.۵ واحد درصدی به ۳۵.۴ درصد رسیده است. این در حالی است که نرخ تورم نقطه‌ای برای خانوارهای شهری ۴۸.۴ درصد می‌باشد که نسبت به ماه قبل ۲.۷ واحد درصد کاهش داشته است. همچنین این نرخ برای خانوارهای روستایی ۵۶.۳ درصد بوده که نسبت به ماه قبل ۲.۱ واحد درصد کاهش داشته است. در نتیجه تورم بخش خدمات و غیرخوراکی بسیار کمتر از تورم بخش خوراکی بوده که این وضعیت ناشی از تحولات قیمت کالاهای جهانی و حذف ارز ترجیحی است.



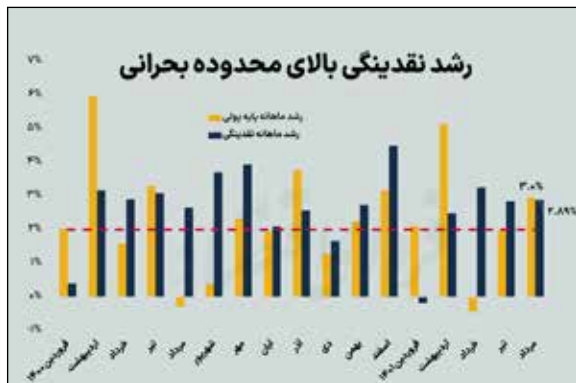
نرخ تورم ماهانه شهریور ۱۴۰۱ نیز به ۲.۲ درصد رسیده که در مقایسه با همین رقم در ماه قبل، ۰.۲ واحد درصد افزایش داشته است. نرخ تورم ماهانه بعد از افزایش شدید قیمت‌ها

تولید ناخالص داخلی تقریباً ثابت باقی مانده، اما تشکیل سرمایه ثابت ناخالص کاهش یافته و از ۲۴.۳ درصد سال ۱۳۸۵ به ۲۰ درصد در بهار ۱۴۰۱ رسیده است. در سال‌های اخیر کاهش سرمایه‌گذاری به عنوان یکی از مهم‌ترین تهدیدهای اقتصاد ایران مطرح شده است. افت سرمایه‌گذاری تحت تأثیر افزایش نااطمینانی‌ها به اندازه‌ای بوده که در برخی از سال‌های اخیر برای جبران استهلاک سرمایه هم کافی نبوده است.



همانطور که در نمودار بعدی مشاهده می‌کنیم، بیشترین نوسانات و کاهش‌ها مربوط به بخش سرمایه‌گذاری است. نوسانات رشد تولید ناخالص داخلی از هزینه مصرف نهایی خصوصی بیشتر بوده و از نوسانات رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص کم‌تر است. این شرایط ناشی از این است که اصولاً مصرف به سمت پایین چسبنده است و افراد هنگامی که با شوک درآمدی منفی مواجه می‌شوند، این شوک منفی را به سرمایه‌گذاری منتقل می‌کنند. به عبارت دیگر، در هنگام کاهش درآمد از مصرف خود نمی‌کاهند بلکه سرمایه‌گذاری خود را کاهش می‌دهند. بنابراین، نوسانات تشکیل سرمایه ثابت بیشتر است و عمده شوک‌های درآمدی افراد به این بخش وارد می‌شود. در این مورد مشخصاً به سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۱ می‌توان اشاره کرد که با بروز شوک‌های برون‌زا نوسانات سرمایه‌گذاری بسیار شدید بوده است. نوسانات هزینه مصرف نهایی دولت نیز وابسته به نوسانات بودجه است، چرا که اصولاً در بودجه‌ریزی اقتصاد ایران مساله اصلی هموارسازی تولید ناخالص داخلی نیست بلکه مساله اصلی چانه‌زنی نیروهای سیاسی برای کسب منفعت از عایدی‌های بودجه‌ای است.

بر اساس آخرین آمار بانک مرکزی، رشد نقدینگی با وجود ادعاهای سیاستگذار در مهار آن، همچنان در محدوده ۳۷ تا ۳۸ درصد قرار دارد و در این سطح بالا به ثبات رسیده است. پایه پولی یا پول پر قدرت که به تعبیری زاینده نقدینگی است، پس از یک روند نزولی چندماهه، تغییر مسیر داده و در عرض یک ماه به اندازه ۲۰ هزار میلیارد تومان رشد کرده است. این رشد ۳ درصدی مرداد به همراه رشد منفی پایه پولی در مرداد سال قبل باعث شده رشد این متغیر نسبت به ماه مشابه سال قبل دوباره به ۳۰ درصد بازگردد. این وضعیت در کنار فشاری که با تداوم تحریم‌ها، همچنان بر تراز پرداخت‌ها و بازار ارز حاکم است، کاهش تورم در کوتاه‌مدت و میان‌مدت را با چالش‌های جدی مواجه خواهد کرد.



همانطور که در نمودار فوق مشاهده می‌کنیم، رشد ماهانه پایه پولی نیز در محدود سه درصد بوده که این رشد سه درصدی در کنار رشد منفی پایه پولی در مرداد ۱۴۰۰ خبر از افزایش ۳۰ درصدی پایه پولی نسبت به مرداد سال گذشته می‌دهد. افزایش پایه پولی در تیرماه بیشترین تاثیر را از اضافه‌برداشت شبکه بانکی گرفته بود و با توجه به سیگنال بانک مرکزی مبنی بر کاهش حجم معاملات در بازار بین بانکی احتمال می‌رود تزریق پول به بانک‌ها همچنان بالا باشد. تایید دیگری در این مورد را می‌توان در قرض‌گیری ۹۳ همتی (هزار میلیارد تومانی) بانک‌ها از بانک مرکزی در ارائه تسهیلات قاعده‌مند دانست که نشان می‌دهد بانک‌ها حاضر شده‌اند در سقف دالان نرخ بهره (۲۲ درصد) از بانک مرکزی قرض بگیرند که خبر از نیاز بخشی از شبکه بانکی به نقدینگی دارد. موارد فوق حکایت از آن دارد که کاهش نقدینگی به محدوده سفت و سخت خود رسیده و ناترازی بخش مهمی از نهادهای مالی و غیر مالی کشور خود را در ارقام پولی و بانکی نمایان کرده است. با توجه به رشد سود سپرده‌ها و نیاز بانک‌ها به نقدینگی احتمال رخ دادن بازی پانزی در بازار

در خرداد (با توجه به حذف ارز ۴۲۰۰ ترجیحی و اعطای یارانه ریالی در قبال آن) و رسیدن به بیش از ۱۲ درصد در دو ماه اخیر به به ارقام حدود دو درصد رسیده است. اگر چه الگوی ماهانه تورم شهرپور به این صورت است که به دلیل بازگشایی مدارس معمولاً از ماههای قبل و بعد از خود بالاتر است، اما با این حال تداوم تورم بالای دو درصد ماهانه نشان می‌دهد که هنوز نشانه ای قوی از کاهش تورم وجود ندارد.

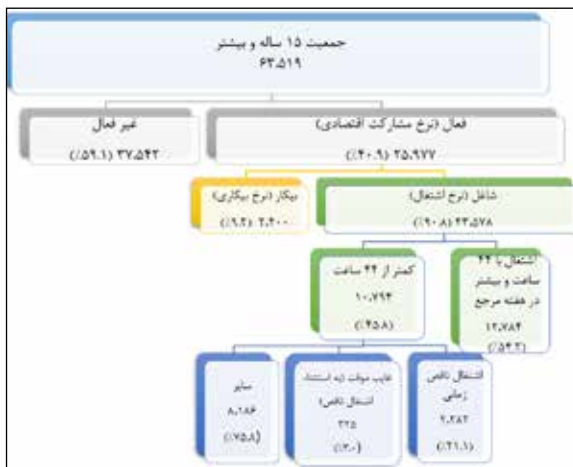


بررسی دقیق‌تر تورم شهرپور، نشان می‌دهد که تورم در دو گروه خوراکی‌ها و غیرخوراکی‌ها به یک محدوده رسیده است. در گروه عمده «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» بیشترین افزایش قیمت نسبت به ماه قبل مربوط به گروه «گوشت قرمز و گوشت ماکیان» (مرغ ماشینی) و گروه «سبزیجات» (کاهو، خیار، بادمجان) است. در گروه عمده «کالاهای غیرخوراکی و خدمات»، گروه «هتل و رستوران» (خدمات هتل‌ها و تالارهای پذیرایی) و اجاره‌ها بیشترین افزایش قیمت را نسبت به ماه قبل داشته‌اند. تورم ماهانه گروه گوشت قرمز و ماکیان در شهریور ۴.۷ درصد و تورم گروه سبزیجات ۴.۷ بوده است. در گروه غیر خوراکی‌ها هم تورم ماهانه گروه هتل و رستوران بیش از ۵ درصد و برای اجاره ۳.۵ درصد بوده است. از آنجا که دو زیرگروه خوراکی و غیرخوراکی وضعیت مشابهی در رشد ماهانه قیمت‌ها داشتند، می‌توان انتظار داشت که تورم شهرپور در سطوح بالا باشد.

۳. پایه پولی و نقدینگی



شغل هستند حدود ۲۳.۵ میلیون نفر شغل پیدا می‌کنند و حدود ۲.۴ میلیون نفر بیکار باقی مانده‌اند و نتوانسته‌اند شغل مدنظر خود را پیدا کنند. نکته جالب توجه آن است که از مجموع ۲۳.۵ میلیون شاغل تنها ۱۲.۸ میلیون نفر تمام وقت کار می‌کنند (منظور از تمام وقت، اشتغال با ۴۴ ساعت در هفته است) و ۱۰.۸ میلیون نفر کم‌تر از ۴۴ ساعت در هفته کار می‌کنند.



پول پررنگ‌تر شده است. مهار نقدینگی که در حال حاضر جهت کنترل تورم یک ضرورت است، به تصمیم سیاسی جدی نیاز دارد. از یک طرف دولت نیازمند بهبود شرایط رفاهی خانوار است که برای آن منبع کافی در اختیار ندارد، و از هر مسیری که حرکت کند نهایتاً به رشد پایه پولی و نقدینگی منجر می‌شود. از سوی دیگر این گزاره که رشد نقدینگی به تورم منجر می‌شود، میان بسیاری از سیاستگذاران و سیاستمداران پذیرفته شده و در نتیجه کاهش رشد نقدینگی هم به یکی از اهداف دولت تبدیل شده است. این تناقض را می‌توان از زاویه‌های دیگر هم مشاهده کرد. برخی از بخش‌های دولت مثل سازمان برنامه و بودجه و بانک مرکزی درباره مهار کسری بودجه و تورم وعده می‌دهند، اما هم‌زمان بخش‌های دیگری از دولت وعده‌هایی مثل پروژه عظیم مسکن‌سازی دولتی یا پرداخت تسهیلات تکلیفی برای «حمایت» از تولید می‌دهند. در چنین شرایطی، مهار رشد افسار گسیخته نقدینگی نیازمند عزم جدی سیاسی، هم از نوع هماهنگی ساختارهای داخلی است که تناقض‌های هدف‌گذاری‌های آن‌ها بیان شد، و هم از نوع تنش‌زدایی بین‌المللی است که به کنترل انتظارات تورمی و کسری بودجه کمک خواهد کرد.

۴. بازار کار

اشتغال نسبت به بهار سال گذشته حدود ۷۲۰ هزار نفر افزایش یافته که رشد ۱.۱ درصدی را نشان می‌دهد. با این حال نکته قابل توجه آن است که تنها ۱۰ هزار نفر به کسانی که خواهان اشتغال بوده‌اند اضافه شده است. نرخ مشارکت اقتصادی به اندازه ۰.۵ درصد کاهش یافته و از ۴۱.۴ به ۴۰.۹ درصد رسیده است.

مرکز آمار در آخرین گزارش خود از تحولات بازار کار بهار ۱۴۰۱ تعداد شاغلین کشور را ۱۰۰ هزار نفر کم‌تر از بهار ۱۴۰۰ اعلام کرده است. علی‌رغم آنکه بخش خدمات (منبعث از کم‌رنگ شدن آثار اقتصادی کرونا) در فصل اول سال افزایش ۵۲۰ هزار نفری را به خود دیده؛ اما بخش صنعت و کشاورزی به ترتیب کاهش ۱۶۰ و ۴۶۰ هزار نفری داشته است. همین عامل باعث شده نرخ بیکاری در بهار افزایش اندکی یابد و ساختار بازار کار بخش کشاورزی نیز زنگ خطر خود را به صدا درآورد. اگر چه ممکن است در نگاه اول به نظر برسد افزایش نسبتاً بالای حداقل دستمزد باعث کاهش شدید شاغلین بخش کشاورزی شده؛ اما شواهد نشان می‌دهد ریشه‌های افت ۱۱ درصدی تعداد شاغلین کشاورز را باید در خشکسالی و کم‌بازده بودن کسب و کار صنایع غذایی جستجو کرد.

بخش خدمات با افزایش اشتغال ۵۲۶ هزار نفری مواجه بوده و تعداد شاغلین آن از ۱۱.۵ میلیون نفر به ۱۲.۱ میلیون نفر رسیده است. با توجه به آنکه بهار ۱۴۰۰ محدودیت‌های ناشی از کرونا به صورت جدی وجود داشت، می‌توان افزایش مذکور را تحت تأثیر حذف اثرات کرونا دانست چرا که مهم‌ترین بخش‌هایی که از کرونا تأثیر گرفته‌اند، بخش‌های مربوط به گردشگری، هتل‌داری، حمل و نقل و رستوران‌ها بودند که در بهار ۱۴۰۱ با رونق نسبی نیز مواجه شده‌اند. اما بخش صنعت و کشاورزی کاهش در تعداد شاغلین را تجربه کرده‌اند. تعداد شاغلین بخش صنعت با کاهش ۱۶۰ هزار نفری مواجه شده و از ۷.۸ میلیون نفر در بهار ۱۴۰۰ به ۷.۷ میلیون نفر در بهار ۱۴۰۱ رسیده است. این کاهش در بخش کشاورزی بسیار شدیدتر بوده و حدود ۴۶۷ هزار نفر از شاغلین این بخش کاسته شده و از ۴.۲ میلیون نفر در بهار ۱۴۰۱ به ۳.۸ میلیون نفر در بهار ۱۴۰۰ رسیده است.

در نمودار بعدی تصویر بازار کار ایران در بهار ۱۴۰۱ را مشاهده می‌کنیم. جمعیت بالاتر از ۱۵ سال افرادی هستند که بالقوه می‌توانند در ازای دریافت دستمزد اشتغال داشته باشند که برای اقتصاد ایران تعداد آن‌ها حدود ۶۳.۵ میلیون نفر هستند. از این میزان تنها حدود ۴۱ درصد خواهان انجام کار اقتصادی هستند و مابقی (حدود ۳۷.۵ میلیون نفر) اساساً به دنبال یافتن شغل نیستند. از مجموع ۲۶ میلیون نفری که خواهان یافتن

جهت‌یابی دلار پس از رکوردشکنی



هزار تومان کاهش یافته بود، اما از اوایل شهریور پس از غرب آخرین دومین ارسالی ایران به متن پیشنهادی اتحادیه اروپا برای توافق را غیرسازنده خواند این و مدعی بازگشت به عقب شد، دلار به مدار صعودی برگشت. در آستانه نشست فصلی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ترس از اجماع بین‌المللی و صدور دومین قطعنامه علیه ایران موجب شد دلار به بالای مرز ۳۱ هزار تومان برگردد.

قیمت دلار به عنوان نمانگری که به خوبی انتظارات تورمی را نشان می‌دهد، تا این مقطع از سال ۱۴۰۱ دو بار سقف تاریخی خود را جابه‌جا کرده است. اگرچه روند صعودی شاخص ارزی کشور پس از رکوردشکنی در ۱۱ مهر، ادامه‌دار نشد اما عدم تکرار این روند وابسته به سرنوشت تحریم‌ها خواهد بود.

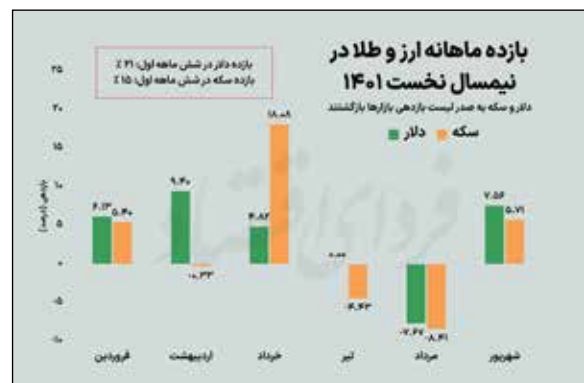


شاخص ارزی کشور از اواسط مرداد با خوشبینی معامله‌گران به احیای زود هنگام برجام از ۳۲ هزار تا ۲۸.۵

در بازار توافقی زد که حدود ۱۰ برابر میزان عرضه روزهای پیشین بود. ناگفته نماند بازار «توافقی» بازار رسمی معاملات «اسکناس» دلار است که از اواخر خرداد امسال راهاندازی شد و در آن صرافان ارز اسکناس صادرکنندگان را به نرخ توافقی از آنها می‌خرند تا آن را تحت قالب «فروش ارز سهمیه‌ای با کارت ملی» به مردم بفروشند. سامانه نیما نیز بازار رسمی معاملات حواله ارز محسوب می‌شود که تجار در آن به خرید و فروش می‌پردازند.



از اواخر تابستان با ناامیدی فعالان بازار ارز و طلا از مذاکرات هسته‌ای قیمت دلار دوباره به مدار صعودی بازگشت و تمام آفتی که در نیمه دوم مردادماه تجربه کرده بود را جبران کرد. دلار و سکه در شهریور حتی پربازده‌ترین بازارها شدند. در ادامه، با ادعای غرب مبنی بر آنکه مذاکرات در بن‌بست قرار دارد و در کنار آن ناآرامی‌های برخی شهرهای کشور، دلار در ۱۱ مهر رکورد تاریخی خود را جابجا کرد و حتی سقف ۳۳۵۰۰ تومان را تجربه کرد. هر چند با جدی‌تر شدن احتمال آزادسازی ۷ میلیارد دلار پول بلوکه شده ایران در کره جنوبی و برخی اخبار مثبت برجامی، قیمت ارز از سقف تاریخی خود عقب‌نشینی داشت.



پیش‌بینی آینده

رکوردشکنی اخیر دلار را می‌توان سومین هشدار نرخ ارز در دولت سید ابراهیم رئیسی دانست. در دو مرتبه پیشین هر بار پس از آنکه دلار از مرز حساس عبور می‌کرد به ناگهان تصمیمی مثبت در زمینه برجام موجب معکوس شدن مسیر دلار و عقب‌نشینی آن از سقف می‌شد. نخستین بار زمانی بود که همزمان با روی کار آمدن دولت سیزدهم و وقفه طولانی در مذاکرات وین دلار به سرعت در حال رشد بود. در آن زمان قیمت دلار تهران برای دومین بار در تاریخ به بیش از ۳۰ هزار تومان رسید و دولت رئیسی به سرعت مذاکرات را از سر گرفت. آژیر قرمز دوم نیز وقتی به صدا درآمد که دلار با شدت گرفتن اختلافات میان تهران و غرب دلار و صدور قطعنامه علیه ایران در شورای حکام به سقف تاریخی ۳۳۳۰۰ تومان رسید.

روش‌های تخمین قیمت دلار، قیمت منطقی آن را حوالی ۲۶ یا ۲۷ هزار تومان برآورد می‌کنند. در واقع این محدوده می‌تواند نرخی باشد که بدون آسیب زدن به تولید داخلی و تشدید خروج سرمایه و... رشد پایدار اقتصادی را امکان‌پذیر کند

البته نباید تاثیر عرضه بازارساز را نیز در کاهش نرخ ارز فراموش کرد. از زمان اعطای اختیارات ارزی سران قوا به بانک مرکزی و ورود این بانک برای مدیریت بازار در خرداد امسال، بازارساز عرضه خود را افزایش داده است. حتی بانک مرکزی از اواخر شهریور تصمیم به انتشار روزانه آمار حجم عرضه و معاملات دلار در بازار توافقی و نیمایی گرفت که تصور می‌شود در جهت به رخ کشیدن توان مداخله خود بوده است. طی هفته‌های اخیر متوسط حجم معاملات روزانه دلار در بازار توافقی حدود ۱۱ میلیون و در بازار ثانویه (نیما) ۱۴۰ میلیون دلار بوده است.

برای مثال، هشتم مهر زمانی که دلار از ۳۱ به ۳۲ هزار تومان تغییر کانال داد، بازارساز دست به عرضه سنگین ۱۰۰ میلیون دلاری

سال میلادی قرار داریم هنوز چنین اتفاقی نیفتاده است. برخی کارشناسان در ماه‌های اخیر تاکید داشتند هر چقدر احیای برجام بیشتر به تاخیر بیفتد به دلیل از دست دادن شانس فروش نفت در سطوح بالای قیمتی، کف قیمت دلار پس از احیای برجام بالاتر خواهد آمد.

ثانیا، به نظر می‌رسد مبنای این تخمین تکرار رفتار گذشته دولت ایران پس از ورود دلارهای نفتی بوده است. به عبارتی فرض شده که با برداشته شدن تحریم‌ها و ازسرگیری مبادلات بین‌المللی، سیاست‌گذار بار دیگر ارزیابی خواهد کرد و قیمت دلار سرکوب خواهد شد. اما کارشناسان امیدوارند دولت پس از احیای برجام در مسیر سیاست‌گذاری باکیفیت حرکت کند و دست به ارزیابی‌های نزنند. چراکه اولاً دولت هزینه افزایش قیمت کالاهای اساسی را داده و بعید است از این نظر به عقب بازگردد. ثانیا، سرکوب قیمت دلار از منظر اقتصادی پیامدهای منفی متعددی دارد که البته در سال‌های پیشین سیاست‌گذار نسبت به آن‌ها بی‌توجه بوده است. این پیامدها عبارتند از: ۱- افزایش شدید واردات (به دلیل ارزان شدن کالاهای خارجی برای ایرانیان) که مقادیر زیادی ارز از کشور خارج می‌کند ۲- تضعیف تولید داخلی (به دلیل گران‌تر بودن کالای داخلی در مقایسه با وارداتی) ۳- خروج سرمایه (چرا که در صورت کاهش شدید قیمت حقیقی دلار، برخی افراد تمایل بیشتری خواهند داشت تا سایر دارایی‌های خود همچون مسکن را به دلار تبدیل کرده و ثرویشان را به خارج از کشور منتقل کنند).

سرکوب نرخ ارز به دلایل مذکور می‌تواند با پریدن فنر دلار در بلندمدت همراه شود. از همین منظر برخی برای دلار پس از احیای برجام حتی سطوحی همچون ۳۰ هزار تومان یا بالاتر را متصورند.

از منظر تکنیکالی هم قیمت دلار از حوالی سال ۱۳۷۳ تا کنون در کانالی بلند مدت و صعودی قرار داشته و در طی این مدت طولانی تا به حال این کانال را به سمت بالا یا به پایین شکسته است. هر بار که قیمت دلار به سقف این کانال رسیده است به بهانه‌ای روندی کاهشی به خود گرفته و برخوردهای متعددی را به سقف و کف این کانال داشته‌ایم. در صورتی که شاهد اتفاقی فاندمنتال در حوزه سیاست‌های کلان اقتصادی و سیاسی باشیم، می‌توان انتظار برخورد مجدد این نرخ به کف کانال ترسیمی را داشت.

اندکی بعد خبر از سرگیری مذاکرات در قطر منتشر شد و دلار را پایین کشاند. هر چند این بار هم دوره‌های متعدد گفت‌وگو به نتیجه نرسید و شاهد اوج‌گیری مجدد نرخ ارز هستیم.

هر چند در کوتاه‌مدت احتمال دارد رشد دلار با عرضه بازارساز متوقف شود اما به باور کارشناسان، افت پایدار دلار در گروی رفع تحریم‌ها خواهد بود.



دلار تا کجا می‌ریزد اگر برجام احیا شود؟

با توجه به اخبار برجاسی هفته‌های گذشته، کارشناسان انتظار دارند تهران و واشنگتن از اواخر آبان به پای میز مذاکره بازگردند. اما در صورتی که مذاکرات برجام به نتیجه برسد، آیا افت دلار به ارقامی همچون ۲۰ هزار تومان ممکن است؟ رسیدن دلار به این کف چه ریسک‌هایی دارد؟ در ادامه به احتمال تحقق سه سناریو برای کف دلار پس از احیای برجام و همچنین مزایا و معایب آن‌ها می‌پردازیم.

دلار ۲۰ هزار تومانی؛ از شانس تحقق تا عواقب آن

برخی ناظران خارجی همچون واحد اطلاعات اکونومیست (EIU) در پیش‌بینی قیمت دلار با فرض احیای برجام حتی سطوح کمتر از ۲۰ هزار تومان را هم در سال ۲۰۲۳ میلادی ممکن دانسته‌اند. اما به دو دلیل باید در تحقق این پیش‌بینی تردید کرد:

اولاً، این گزارش در آذر ۱۴۰۰ منتشر شده و از آن پس به‌روز نشده است. واحد اطلاعات اکونومیست در زمان انتشار این پیش‌بینی انتظار داشت آمریکا در نیمه نخست ۲۰۲۲ برخی از تحریم‌های نفتی را بردارد. اما اکنون که در برج هشتم

برجام بهترین فرصت برای تک‌نرخی کردن دلار است و سطح کنونی دلار نیما می‌تواند همان نرخ باشد که دولت پس از افت دلار به این سطح، دست از مداخله در بازار ارز بکشد.

واردات کالاهای اساسی نیز پس از حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی بر مبنای نرخ‌های سامانه نیما انجام می‌شود. بنابراین، دولت هزینه افزایش قیمت کالاهای اساسی (ناشی از حذف ارز ترجیحی) را داده و همانطور که اشاره شد احتمالاً به عقب برنگردد. پس از تک‌نرخی شدن دلار، سیاست‌گذاری باکیفیت می‌تواند با هدف‌گذاری نرخ تورم به جای کنترل تورم با لنگر نرخ ارز ادامه یابد.

سناریوی میانه برای دلار

اگرچه دلار ۲۷ هزار تومانی می‌تواند نرخ منطقی برای حمایت از تولید داخلی پس از احیای برجام باشد، اما شوک به قیمت‌ها در نتیجه ارزپاشی شدید می‌تواند انگیزه سیاست‌گذار را برای انجام رفتار عامه‌پسند و کاهش قیمت ارز تا سطوح حتی زیر ۲۰ هزار تومان افزایش دهد. در واقع دلار ۲۰ هزار تومانی یا کمتر پس از احیای برجام غیرممکن نیست، اما این کیفیت سیاست‌گذاری دولت است که مقصد دلار را مشخص می‌کند. از این منظر، دسته سومی از کارشناسان وجود دارند که تصور می‌کنند دولت برای بهره بردن از مزایای هر کدام از دو سناریوی بالا، راه میانه (کاهش قیمت دلار تا نرخ بین دو حد مذکور) را در پیش بگیرد.

تثبیت دلار، ریسک مشترک همه سناریوها

اما دلار تا هر کدام از نرخ‌های مذکور کاهش یابد، هنوز یک ریسک بزرگ برای اقتصاد آن است که سیاست‌گذار تصمیم بگیرد نرخ ارز را در این کف‌های قیمتی ثابت نگه دارد. در این صورت، تنها تفاوتی که انتخاب هر کدام از سه سناریوی فوق ایجاد می‌کند در فاصله تا شوک بعدی است. فرضاً در سناریوی اول (ریزش دلار تا نزدیکی ۲۰ هزار تومان) اگر ارزپاشی برای تثبیت دلار به مدت طولانی ادامه یابد، انتظار می‌رود در فاصله کوتاه‌تری شاهد پریدن فنر نرخ ارز باشیم و هر چه شدت سرکوب قیمت کمتر باشد، احتمالاً با فاصله زمانی بیشتری جهش ارزی اتفاق افتد، هر چند در نهایت این اتفاق ناگزیر خواهد بود.

در صورتی که آهنگ کاهش قیمت دلار همانند دوره‌های پیشین باشد، می‌توان کف ۲۰ هزار تومانی را از نظر تکنیکالی برایش متصور بود.



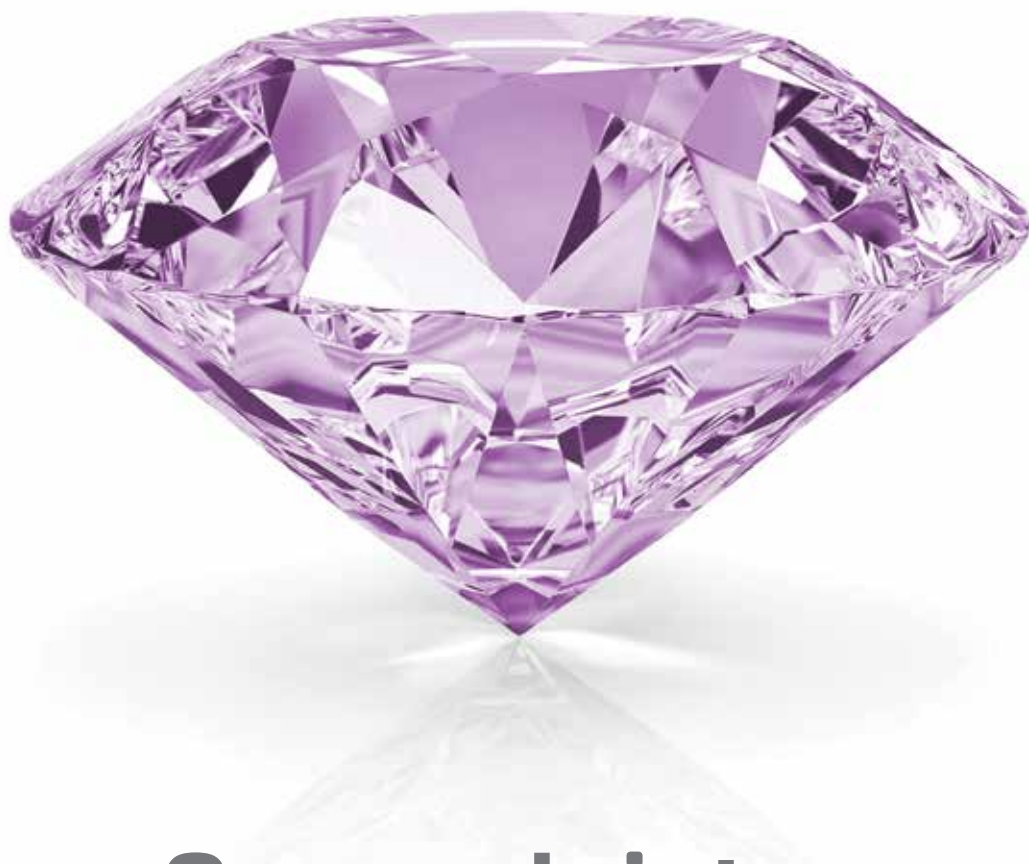
دلار نیما، نرخ منطقی دلار پس از توافق؟

روش‌های مختلفی برای تخمین قیمت دلار (همچون تخمین قیمت با استفاده از ارزش دلاری نقدینگی) قیمت منطقی آن را حوالی ۲۶ یا ۲۷ هزار تومان برآورد می‌کنند. در واقع این محدوده می‌تواند نرخ باشد که بدون آسیب زدن به تولید داخلی و تشدید خروج سرمایه و... رشد پایدار اقتصادی را ممکن کند.

برای مثال، در صورتی که میزان نقدینگی تا انتهای تابستان را ۵۵۰۰ هزار میلیارد تومان (همت) در نظر بگیریم، با فرض متوسط نقدینگی دلاری در ۱۰ سال گذشته (حدود ۲۰۰ میلیارد دلار)، می‌توانیم ارقام منطقی برابری دلار به ریال را حدود ۲۷ هزار تومان بدانیم.



کارشناسان همچنین سطوح حوالی ۲۷ هزار تومان را از این جهت منطقی می‌دانند که عقیده دارند پس از احیای



Q u a l i t y
Is not Only Our Priority
I t I s O u r
V a l u e

بهاران تدبیرکیش
BAHARAN TADBIR KISH

INTERNATIONAL EVENT ORGANIZER
برگزار کننده نمایشگاه‌ها و همایش‌های بین‌المللی
تلفکس: (۱۵ خط) ۰۲۱-۸۸ ۱۷ ۹۷ ۹۰
TEL/FAX: (+98 21) 88 17 97 90 (15 LINE)

WWW.BAHARANTADBIR.COM

اقتصاد دانش بنیان



اقتصاد دانش بنیان در ایران

● امیرمحمد مهرداد

غیرقابل تصور تلقی می شود. دانش، مهارت و تجربه یک فرد برای انجام انواع مختلف کارها در سطح عملی است. افراد تجربیات خود را در گروه هایی مختلف به اشتراک می گذارند، از این روست که سرمایه انسانی، شرکت های دانش بنیان را تشکیل می دهد.

در اقتصاد دانش بنیان، عقل انسان موتور کلیدی رشد اقتصادی است. این اقتصادی است که در آن اعضا دانش را برای تسهیل توسعه اقتصادی و اجتماعی کسب، ایجاد، انتشار و به کار می برند. بانک جهانی با مرتبط ساختن آن به یک چارچوب چهار ستونی که منطق اقتصادهای مبتنی بر سرمایه انسانی را تحلیل می کند، از اقتصادهای دانش بنیان چنین یاد می کند:

نیروی کار تحصیل کرده و ماهر: استقرار یک اقتصاد قوی مبتنی بر دانش مستلزم آن بود که کارگران توانایی یادگیری مستمر و به کارگیری مهارت های خود را برای ساختن و تمرین کارآمد دانش داشته باشند.

زیرساخت اطلاعاتی متراکم و مدرن: دسترسی آسان به منابع فناوری اطلاعات و ارتباطات به منظور غلبه بر سد هزینه بالای مبادلات و تسهیل اثربخشی در تعامل، انتشار و پردازش منابع اطلاعات و دانش است.

یک سیستم نوآوری مؤثر: سطح بالایی از نوآوری در شرکت ها، صنایع و کشورها برای همگام شدن با آخرین فناوری جهانی و هوش انسانی به منظور استفاده از آن برای اقتصاد داخلی.

رژیم نهادی که از مشوق های کارآفرینی و استفاده از دانش

همانطور که می دانیم و طبق تعریف سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، اقتصاد دانش بنیان اقتصادی است که بر اساس تولید و توزیع و کاربرد دانش و اطلاعات شکل گرفته و سرمایه گذاری در دانش و صنایع دانش پایه مورد توجه خاص قرار می گیرد. ارزش اقتصاد دانش بنیان به مالکیت و ایده افرادی است که در یک بستر ارزش زا سرمایه گذاری می کنند تا فرایند توسعه کسب و کار را طی کنند و به آن عمق بخشند.

اقتصاد دانش بنیان دارای نیروی کار بسیار ماهر در محیط اقتصاد خرد و کلان است. موسسات و صنایع مشاغلی را ایجاد می کنند که به مهارت های تخصصی نیاز دارند تا نیازهای بازار جهانی را برآورده کنند. از این روست که دانش به عنوان یک ورودی اضافی برای کار و سرمایه در نظر گرفته می شود.

در اقتصاد های دانش بنیان مهارت های فردی که در خدمت جمع باشند بسیار حائز اهمیت است. حل مسئله در تیم های دانش بنیان حرف اول را می زند. علاوه بر این تربیت نیروی ماهر هم به عنوان خروجی این حوزه بسیار مهم است.

اصطلاح اقتصاد دانش توسط پیتر دراکر در عنوان فصل ۱۲ در کتاب خود به نام «عصر ناپیوستگی» (۱۹۶۹) معروف شد، که دراکر خود آن را به اقتصاددانی به نام فریتز ماچلپوب نسبت داد که نشأت گرفته از ایده مدیریت علمی است که توسط فردریک وینسلو تیلور ایجاد شد.

از نظر آنها نظام اقتصادی که مبتنی بر دانش نباشد،

الزامات فناوری برای یک سیستم ملی نوآوری که توسط مؤسسه بانک جهانی توضیح داده شده است، باید قادر به انتشار یک فرآیند واحد باشد که از طریق آن یک روش کاری ممکن است راه‌حل‌های علمی و فناوری و راه‌حل‌های سازمانی را همگرا کند. با توجه به تعریف مؤسسه بانک جهانی، چنین نوآوری چشم انداز مؤسسه بانک جهانی را که در اهداف توسعه هزاره مشخص شده است، بیشتر می‌کند.

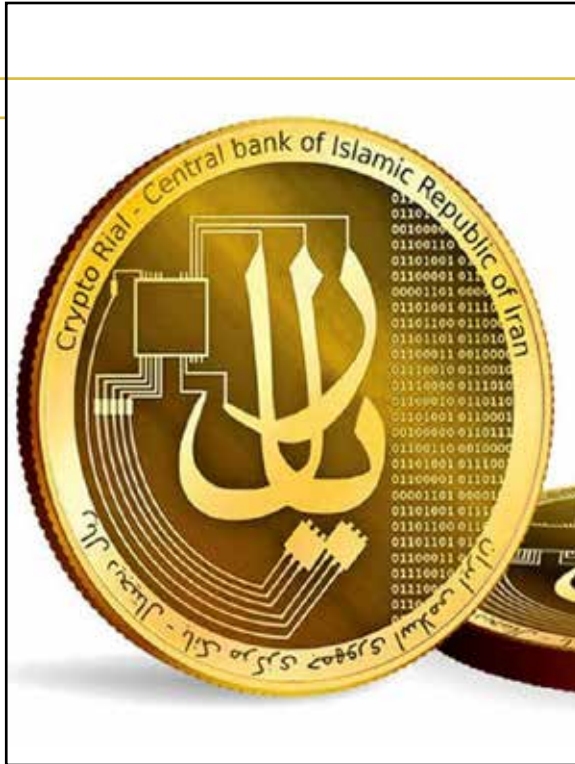
گزارش کمیسیون علوم و فناوری ملل متحد برای توسعه (UNCST، ۱۹۹۷) به این نتیجه رسید که کشورهای در حال توسعه برای ادغام موفقیت آمیز ICT و توسعه پایدار به منظور مشارکت در اقتصاد دانش بنیان، باید به طور جمعی و استراتژیک مداخله کنند. چنین مداخله جمعی پیشنهادی می‌تواند در توسعه سیاست‌های ملی ICT موثر باشد که از چارچوب نظارتی جدید حمایت می‌کند، تولید دانش بنیان انتخاب شده را ارتقا می‌بخشد، و استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات را ارتقا می‌دهد و تغییرات سازمانی آنها را در راستای اهداف توسعه هزاره مهار می‌کند. اقتصاد ایران این روزها نیازمند توجه ویژه مسئولان ذی ربط به جوانان، تیم‌ها و دانش بنیان‌هاست که امید می‌رود بیش از پیش به آن اهمیت داده شود.

حمایت می‌کند: یک سیستم اقتصادی باید مشوق‌هایی را ارائه دهد تا کارایی بهتری در بسیج و تخصیص منابع، همراه با تشویق کارآفرینی فراهم کند.

از این روست که پیشرفت اقتصاد مبتنی بر دانش زمانی رخ داد که اقتصادهای جهانی تغییراتی را در تولید مادی، همراه با ایجاد مکانیسم‌های غنی از نظریه‌های اقتصادی پس از جنگ جهانی دوم که تمایل به ادغام علم، فناوری و اقتصاد دارند، ترویج می‌کنند.

جهانی شدن سریع فعالیت‌های اقتصادی یکی از عوامل تعیین کننده اقتصاد دانش بنیان در حال ظهور است. در حالی که هیچ شکی در سایر مراحل باز بودن نسبی در اقتصاد جهانی وجود ندارد، سرعت و شدت جهانی‌سازی غالباً بی‌سابقه است. نیروهای اساسی اقتصاد خرد، محرک‌های مهم جهانی شدن فعالیت‌های اقتصادی و تقاضاهای بیشتر برای هوش انسانی هستند. نیروهایی مانند ادغام سریع بازار مالی و سرمایه جهانی از اوایل دهه ۱۹۸۰ که اساساً بر هر سطح از سیستم‌های مالی کشورهای توسعه یافته تأثیر می‌گذارد. افزایش منشأ چند ملیتی شرکت‌ها برای تولید کالاها و خدمات، انتقال فناوری و جریان اطلاعات هم به موتور اقتصادهای دانش بنیان سوخت رسانی می‌کند.





رمزریال چه چشم اندازی دارد؟

● ستاره منصوری

اما بلاکچین مورد استفاده در آنها به گونه‌ای است که تنها نهادهای مالی که توسط بانک مرکزی انتخاب می‌شوند به سوابق و دارایی افراد دسترسی دارند.

پشتوانه ارز دیجیتال ملی یک کشور، ذخیره پولی بانک مرکزی همان کشور است. در واقع هر واحد از ارز دیجیتال ملی معادل اسکناسی ارزش دارد که بانک مرکزی چاپ کرده است.

آنچه سبب شد بانک‌های مرکزی به فکر ایجاد ارزهای دیجیتال ویژه خود باشند، ترس از دست دادن کنترل بر عرضه پول و سیستم‌های پرداخت پس از اوج گرفتن محبوبیت ارزهای دیجیتال بود. بی‌شک، گسترش انواع پرداخت که تحت نظارت هیچ نهاد مرکزی یا دولتی نیست، می‌تواند تسلط بانک‌های مرکزی بر عرضه پول و ثبات اقتصادی را تضعیف کند.

در سال‌های اخیر تعداد کشورهایی که به بررسی و عرضه رمزارز ملی پرداخته‌اند رو به افزایش بوده است. اکثر کارشناسان معتقدند که ارزهای دیجیتال ملی در مجموع می‌توانند برای اقتصاد کشورها مفید باشند و به همین خاطر است که اهمیت این موضوع در چند سال اخیر برای دولت‌ها و بانک‌های مرکزی پررنگ‌تر شده است.

آخرین آمارهای منتشر شده نشان می‌دهد که تاکنون بیش از ۷۰ کشور و اتحادیه اقتصادی - سیاسی بین‌المللی برای راه‌اندازی ارز دیجیتال ملی خود اقدام کرده‌اند. در این میان، برخی از کشورها پروژه ارز دیجیتال ملی خود را به پایان رسانده و آن را در اختیار شهروندان قرار داده‌اند، تعداد زیادی درگیر تحقیقات اولیه هستند و بعضی از آنها هم ارز دیجیتال ملی خود را به صورت آزمایشی راه‌اندازی کرده‌اند و ممکن

حدود ۱۴ سال از عرضه اولین بیت‌کوین می‌گذرد. ارزی دیجیتال که با هدف ایجاد ابزار نوین پرداخت و ارائه یک سیستم مالی با کارایی بالا پا به عرصه گذاشت. در تمامی این سال‌ها اغلب کشورها با این حوزه نوظهور در کشمکش بوده و به گونه‌های مختلف با آن به مخالفت پرداخته‌اند. هرچند نهادهای مالی بزرگ چندان ارتباط مطلوبی با ارزهای دیجیتال نداشته‌اند اما از تکنولوژی مورد استفاده در آن استقبال می‌کنند. بلاک چین دسترسی انعطاف‌پذیر به خدمات مالی بسیار ایمن و شفاف و سریع را امکان‌پذیر می‌کند. از این رو، بسیاری از بانک‌های مرکزی باتوجه به ویژگی‌های متعدد بلاک چین، تلاش می‌کنند ارزهای دیجیتال مختص خود را عرضه کنند.

ارزهای دیجیتال ملی یا CBDC اما تفاوت عمده‌ای با رمزارزها دارند. آنها در واقع همان پول فیات هستند با این تفاوت که بر بستر بلاکچین قرار دارند. آنها برخلاف رمزارزها کاملاً متمرکز هستند. کسب‌وکارها و افراد با استفاده از رمزارز ملی می‌توانند پرداخت‌ها و نقل‌وانتقالات خود را انجام دهند.

ارز دیجیتال ملی واسطه‌هایی همچون بانک‌های تجاری را از میان برمی‌دارد و به مشتری اجازه می‌دهد ارتباطی بی‌واسطه با بانک مرکزی برقرار کند. بدین ترتیب، افراد می‌توانند تراکنش‌های خود را مستقیماً با یکدیگر انجام دهند و نگران خطرهایی مانند ورشکستگی واسطه‌های مالی نباشند.

در این سیستم دولت‌ها و بانک مرکزی بر تمامی تراکنش‌ها و سوابق افراد اشراف دارند. اغلب ارزهای دیجیتال بانک مرکزی از دفتر کل توزیع شده (DLT) استفاده می‌کنند

بود؛ لذا کلیه قوانین مربوط به انتشار اسکناس در کشور، بر ریال دیجیتال بانک مرکزی نیز مرتبط خواهد بود. از آنجا که ریال دیجیتال، به لحاظ ماهیتی همان ریال جاری کشور است، لذا هر واحد ریال دیجیتال همواره ارزشی معادل یک ریال خواهد داشت. بر اساس سند پیش نویس ارائه شده توسط بانک مرکزی، ریال دیجیتال بانک مرکزی همانند اسکناس و مسکوک، کاربری عمومی دارد، به صورت دیجیتال در کیف ریال دیجیتال مشتریان قرار می گیرد و به صورت همتا به همتا قابل انتقال است. نقل و انتقالات در این سیستم بدون کارمزد خواهد بود. به این سیستم مالی سود و بهره تعلق نخواهد گرفت و قابلیت سپرده گذاری نیز نخواهد داشت.

تهدیدها و مشکلات پیش روی رمزریال

بر اساس پیش نویس منتشر شده، یکی از نگرانی ها در خصوص تأثیرات احتمالی رمزریال بر متغیرهای پولی و واسطه گری بانکها است.

چنانچه مانده قابل توجهی از سپرده های بانکی به پول دیجیتال بانک مرکزی تبدیل شود، می تواند توانایی بانکها در وام دهی را کاهش دهند و موجب واسطه زدایی گردد. از آنجایی که بانک های مرکزی نمی توانند به بخش خصوصی اعتبار دهند، تأثیر آن بر نقش وام دهی بانکی باید به خوبی مورد بررسی قرار گیرد. علاوه بر این، از آنجایی که بانکها حجم قابل توجهی از سپرده های

معاملاتی کم هزینه خود را از دست می دهند، حاشیه سود آنها ممکن است تحت تأثیر قرار گیرد که منجر به افزایش هزینه های وام دهی آنها می شود. با این حال، این مورد به طور بالقوه می تواند در نمونه های بدون سود پول دیجیتال بانک مرکزی کاهش یابد. بنابراین، مردم انگیزه خواهند داشت تا پول خود را در سپرده های بانکی دارای بهره نگهدارند. تحقیقات صورت گرفته توسط بانک تسویه بین الملل و هفت بانک مرکزی دیگر بر روی پول دیجیتال بانک های مرکزی در معاملات خرده فروشی نشان می دهد که اگر مقادیر زیادی از سپرده ها به پول دیجیتال بانک مرکزی تبدیل شوند، می تواند خطراتی را برای ثبات مالی ایجاد نمایند، اما اگر به بخش بانکی زمان و انعطاف پذیری کافی برای تعدیل داده شود، این خطر را می توانند کنترل کنند. همچنین ریال دیجیتال می تواند بر ساختار سیستم بانکی و نحوه دستیابی بانک مرکزی به اهداف اصلی خود برای حفظ ثبات پولی و مالی تأثیر بگذارد.

است به زودی برای نهایی کردن پروژه خود اقدام کنند. باهاماس و نیجریه اولین کشورهایی هستند که ارز دیجیتال ملی خود را به طور کامل راه اندازی کرده و در اختیار شهروندان خود قرار داده اند. کشورهای زیادی هستند که رمزارز ملی خود را به طور آزمایشی راه اندازی کرده اند. در این بین یوان دیجیتال که متعلق به چین است، سر و صدای زیادی به پا کرده است. در سپیدنامه منتشر شده یوان دیجیتال، ۵ هدف برای این رمزارز ملی مطرح شده است. ایجاد یک واحد پولی در سطح بین المللی، امکان دسترسی بسیاری از افراد در شرق چین به خدمات مالی و کاهش استفاده از پول نقد و در نتیجه کاهش هزینه های مرتبط با آن، بخشی از اهداف مطرح شده بوده است. اپراتورهای بخش پرداخت در چین، در دست بخش خصوصی قرار دارد. آنها همواره در تلاش برای کاهش هزینه ها و در نتیجه افزایش سودآوری خود هستند.

لذا دولت چین نگران صرفه جویی در تامین امنیت شبکه پرداخت است. آنها با استفاده از یوان دیجیتال به دنبال ایجاد یک شبکه پرداخت هستند که امنیت بالایی داشته باشد.

یکی دیگر از اهداف ذکر شده برای ایجاد رمزارزهای ملی، کاهش پرداخت های خرد در شبکه بانکی است. اهداف ذکر شده در بسیاری از رمزارزهای ملی مشترک است.

رمزریال، رمزارز ملی ایران

طی یک سال اخیر بارها زمان های متفاوتی برای رونمایی از این رمزارز اعلام شد که مکررا به تعویق افتاد. اما در شهریور سال جاری نسخه آزمایشی رمزریال با همکاری دو بانک و دو فروشگاه آغاز شد. علی صالح آبادی، رئیس بانک مرکزی ایران، در این خصوص بیان کرده است که، در حال حاضر مرحله پیش از آزمایش رمزریال در حال اجراست و یک میلیارد تومان رمزریال توسط دو بانک ملی و ملت در اختیار تعدادی از افراد قرار گرفته است. دو فروشگاه نیز با ایجاد سامانه های مخصوص، در حال حاضر امکان خرید کالا با ارز دیجیتال ملی ایران را فراهم کرده اند و در آینده نزدیک مرحله آزمایشی گسترده تر رمزریال اجرایی خواهد شد.

ریال دیجیتال بانک مرکزی، شکل سوم پول بانک مرکزی است که منحصر توسط بانک مرکزی به صورت دیجیتال منتشر شده و بدهی مستقیم بانک مرکزی محسوب می شود. ریال دیجیتال بانک مرکزی پس از انتشار و عرضه به عنوان جزئی از پول محدود و همتای اسکناس و مسکوک خواهد

به ارائه اطلاعات دقیق درباره خود و تراکنشهایشان به بانک مرکزی نماید. این رویکرد مخاطرات پولشویی را به حداقل می‌رساند، اما نگرانی‌های قابل توجهی را در مورد حفظ حریم خصوصی افراد ایجاد می‌نماید. از طرف دیگر، یک پول دیجیتال بانک مرکزی می‌تواند به گونه‌ای طراحی گردد که طرفین اجازه داشته باشند تا به صورت کاملاً ناشناس با یکدیگر معامله نمایند. این رویکرد نگرانی‌های مربوط به حریم خصوصی را برطرف می‌کند، اما خطرات پولشویی قابل توجهی را به همراه خواهد داشت. انتخاب نقطه بهینه بین این دو مولفه، می‌تواند یکی از ملاحظات مطرح در توسعه ریال دیجیتال باشد.

علاوه بر مسائل مطرح شده، مجموعه‌ای از نکات فنی، امنیتی و ملاحظات حوزه پرداخت وجود دارد که در نبود تجارب غنی و جامع بینالمللی از اهمیت دوچندان برخوردار می‌شود.

حفظ امنیت، کارایی، و سرعت پرداخت‌ها، مدیریت تاب‌آوری پرداخت‌ها، انطباق نیازمندی‌های کارکردی حوزه پرداخت با ویژگی‌های ریال دیجیتال، مدیریت نیازمندی‌های مرتبط با وجوه نقد در کشور و برنامه‌ریزی در راستای طراحی زیست بوم و نقشه راه توسعه ریال دیجیتال در کشور از جمله این موارد هستند.

از طرف دیگر پول دیجیتال بانک مرکزی اگر به همان شیوه اسکناس عرضه شود، به طور بالقوه تأثیرات حداقلی را بر اجرای سیاست پولی خواهد داشت. چراکه بانک‌های مرکزی عرضه‌کننده انحصاری ذخایر، پول نقد و پول دیجیتال بانک مرکزی می‌مانند و بنابراین به تعیین شرایط و ضوابط مرتبط پرداخته و به کمک ابزارها به اجرای سیاستهای پولی ادامه خواهند داد. با این حال، پول دیجیتال بانک مرکزی ممکن است تغییرات قابل توجهی را در رفتار عموم مردم ایجاد نماید.

نگرانی بعدی مربوط به نوظهور بودن و عدم دانش کافی در این زمینه است. از آنجا که هنوز داده‌های جامعی برای تجزیه و تحلیل عملکرد پول دیجیتال بانک مرکزی به جز برخی مطالعات اندک وجود ندارد، نحوه اثر آن بر سیاستهای پولی و ثبات مالی و نیز قدرت بازاری بانک‌های تجاری به خصوص در مواجهه با شوک‌های خارجی در اقتصاد مانند تحریم‌های اقتصادی و غیره با ابهاماتی مواجه است. در حقیقت فقدان داده‌های تاریخی، خود می‌تواند به عنوان یک ملاحظه مهم تلقی شود.

حوزه مبارزه با پولشویی و حفظ حریم خصوصی داده‌ها از دیگر مشکلات موجود است. پول دیجیتال بانک مرکزی می‌تواند به گونه‌ای طراحی شود که دارندگان آن را ملزم



بازار، مهمترین نیاز زیست بوم نوآوری

● روح الله دهقانی فیروزآبادی
معاون علمی و فناوری رئیس جمهور



جدید موضوع دیگری است که باید بدان توجه شود. استفاده از دانش و دانش بنیان شدن است که ماندگاری و رقابت در بازار را ممکن می‌سازد. باید به فرآیندهای دانش بنیان توجه شود. در این راستا، باید نظام‌های ارزیابی و ارزش گذاری در اقتصاد، تحول یابد تا صنایع بزرگ به این حوزه ترغیب شوند. رشد و رونق شرکت‌های دانش بنیان و خلاق، با حضور و نقش آفرینی آن‌ها در بازار بورس شتاب بیش تری می‌گیرد که خوشبختانه این رویکرد که مهم‌ترین وجه ارزش گذاری و معیار سنجش شرکت‌های دانش بنیان و خلاق، نوآوری و سرمایه انسانی این کسب و کارها است، به مرور در حال ترویج است. گفتنی است سهم ۷ هزار شرکت دانش بنیان در اقتصاد به بیش از ۴۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده است.

تصویب قانون «حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش بنیان و تجاری سازی نوآوری‌ها و اختراعات» در سال ۱۳۸۹ سرآغاز گسترده‌ترین برنامه دولت برای حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش بنیان در سال‌های اخیر بوده است. در این قانون موضوعات مهمی نظیر تشکیل کارگروه ارزیابی شرکت‌های دانش بنیان، تشکیل صندوق نوآوری و شکوفایی و ارائه معافیت‌های مالیاتی و گمرکی به شرکت‌های دانش بنیان مورد تاکید قرار گرفته است. کارگروه ارزیابی شرکت‌های دانش بنیان به ریاست معاون علمی و فناوری رییس جمهور و عضویت وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های مرتبط و نمایندگان بخش خصوصی، شرکت‌های مشمول استفاده از مزایای این قانون را تایید می‌کند. علاوه بر حمایت‌های مورد نظر قانون، مرکز شرکت‌ها و مؤسسات دانش بنیان با استفاده از ظرفیت‌های موجود در سایر دستگاه‌ها اقدام به ایجاد حمایت‌های متنوعی به منظور توسعه کسب و کار دانش بنیان کرده است که در مجموع بیش از ۱۱۰ عنوان را شامل می‌شود.

قانون مترقی جهش تولید دانش بنیان که امسال تمام تلاش این است که به اجرا برسد، یکی از بسترهایی است که می‌تواند هدف ما را محقق و رسیدن به نظام ملی نوآوری را تضمین کند. تمامی بخش‌های کشور باید به سوی تحقق نظام ملی نوآوری و رسوخ فناوری در تمامی بخش‌ها حرکت کند.

واقعیت آن است که هنوز تا رسیدن به سهم واقعی از اقتصاد کشور از زیست بوم نوآوری راه بسیار زیادی دارد. بخش قابل توجهی از اقتصاد، همچنان دولتی است و دانش بنیان شدن این اقتصاد، اتفاق نمی‌افتد مگر آن که نهادهای تاثیرگذار از جمله وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های دولتی مختلف به طور جدی پای قضیه بیایند و از شرکت‌های دانش بنیان حمایت کنند. از اینرو پارک‌های علم و فناوری باید به سوی توسعه محتوایی حرکت کنند. پارک‌های علم و فناوری جذابیت‌های کالبدی و امتیازی خوبی دارند و شرکت‌ها نیز به خوبی از این بستر استقبال کرده‌اند همچنین توسعه زیرساختی خوبی در این حوزه رخ داده است؛ اما این پارک‌ها باید به محلی برای رفع نیازهای تمامی بخش‌های کشور تبدیل شوند.

پارک‌های علم و فناوری باید یک تغییر و تحول نگرشی صورت داده و سراغ بازارهای کلان برای ایده‌ها برود. تمام گردش مالی در شرکت‌های دانش بنیان به اندازه مسؤلیت اجتماعی چند شرکت بزرگ نبوده و لازم است اعداد و ارقام گردش مالی شرکت‌ها از این میزان فراتر برود.

نکته مهم دیگر آنکه بازار، مهم‌ترین نیاز زیست بوم نوآوری و نوآوری است. اقتصاد دانش بنیان اگرچه با استارت‌آپ‌ها آغاز می‌شود اما با شرکت‌های دانش بنیان بزرگ و توانمند است که می‌تواند سهمی از اقتصاد را کسب کند. پیاده سازی نگرش

جایگاه رمزارزها در ایران و جهان



داشته و تعداد افراد زیادی در سرتاسر دنیا به جرگه سرمایه‌گذاران این حیطه پیوسته‌اند، اما عمق این بازار همچنان اندک است. اگر میزان تراکنش‌های مستر و ویزا کارت را با بخش دیفای کریپتوکارنسی مقایسه کنیم، درمیابیم که تنها تراکنش‌های انجام گرفته در یک روز در این دو سیستم مالی چندین برابر ارزش کل دیفای است. این موضوع منعکس کننده کوچک بودن این بازار نسبت به سیستم مالی سنتی است.

پذیرش رمزارزها در کشورهای در حال توسعه

بر اساس گزارشی که توسط چین‌آنالیز (Chainalysis) منتشر شده است، در سال گذشته، ویتنام، هند و پاکستان کشورهای برتر در پذیرش جهانی رمزارزها هستند. بعد از آنها، اوکراین، کنیا، نیجریه، ونزوئلا، ایالات متحده آمریکا، توگو، آرژانتین در جایگاه‌های بعدی قرار دارند.

به طور واضحی کشورهای در حال توسعه در طی چند سال اخیر تمایل زیادی به این بازار نشان داده‌اند. دلایل مختلفی برای این موضوع مطرح است.

ثبات اقتصادی در کشورهای فوق در سطح بسیار پایینی قرار دارد. نوسانات در این کشورها به حدی بالا است که تقریباً در مواردی با نوسانات کریپتو همپوشانی دارد. در واقع برای سرمایه‌گذاران این مناطق ریسک‌پذیری و تطبیق با نوسانات شدید راحت‌تر از کشورهای پیشرفته است. همچنین به دلیل وضعیت اقتصادی نامساعد و تورم بالا در اغلب این کشورها، رمزارزها راهی برای فرار از بی‌ارزش شدن دارایی فرد محسوب می‌شود.

کشورهای فقیر با سرانه تولید ناخالص داخلی پایین، خرید

پذیرش بیت کوین و ارزهای دیجیتال در سال گذشته بیش از ۸۰۰ درصد رشد داشته است. به سبب رشد چشمگیر قیمت‌ها در این حوزه عده زیادی از افراد به این بازار متمایل گشتند. غیر از این مورد شاهد ورود بسیاری از شرکت‌ها، افراد مهم و کشورها به این بازار بودیم.

ارزش بازار کریپتوکارنسی در سال ۲۰۲۱ به حدود ۳ هزار میلیارد دلار رسید. نرخ رشد مالکیت کریپتوکارنسی در جهان تا سال جاری به طور متوسط ۴۲ درصد بوده است که منجر به یک جامعه ۳۲۰ میلیون نفری در سراسر دنیا شده است.

بر اساس آمارهای منتشر شده، ۱۶۷ میلیون نفر در ۵ کشور، بیشترین هولد بیت کوین در دنیا را در اختیار دارند. در این بین هند با ۱۰۰ میلیون سرمایه‌گذار با اختلاف در راس جدول قرار گرفته است. بعد از هند آمریکا با ۲۷ میلیون، روسیه ۱۷ میلیون، نیجریه ۱۳ میلیون و برزیل ۱۰ میلیون سرمایه‌گذار رتبه دوم تا پنجم را به خود اختصاص دادند.



مالیاتی است، در حالی که بر اساس تحقیقات انجام گرفته تنها ۴ درصد از کل پولشویی‌های انجام شده توسط بیت کوین و سایر رمزارزها صورت می‌گیرد.

یکی دیگر از نگرانی‌های جامع بین‌الملل در خصوص دور زدن تحریم‌ها توسط کشورهای درگیر تحریم مانند روسیه بوده است. روسیه یکی از کشورهایی است در صنعت ماین بیت کوین نیز بسیار فعال است. اما حجم استخراج بیت کوین در این کشور به حدی نیست که کل نیاز این کشور به واردات را تامین کند. همچنین مشکلات زیادی در مسیر تجارت کشورهای تحت تحریم وجود دارد که تئوری دور زدن تحریم‌ها توسط رمزارزها را تضعیف می‌کند. به طور مثال شرکت‌های کمی هستند که حاضر به معامله با این کشورها شوند، اگر هم حاضر شوند، تمایلی به استفاده از رمزارزها معمولاً ندارند. مشکل دیگر این است که این کشورها به دلیل موقعیت سختی که در آن قرار دارند مجبور هستند، بیت کوین‌های استخراج شده را با قیمت‌های پایین‌تری نسبت به بازار مورد معامله قرار دهند.

در تمامی موارد اشاره شده افت ۷۰ درصدی قیمت بیت کوین و سایر ارزهای دیجیتال نیز در کاهش اثر دور زدن تحریم‌ها توسط رمزارزها بسیار موثر است.

قانون‌گذاری

سایت مجمع جهانی اقتصادی گزارش جدیدی منتشر کرده که بر اساس نتایج آن مشخص شده اتحادیه اروپا و ایالت متحده در چارچوب بندی و قانون‌گذاری این صنعت بسیار جدی هستند. قانون‌گذاری رمزارزها در پذیرش بیشتر آنها نقش بسیار مهمی خواهد داشت.

بر اساس این گزارش از آنجایی که رمزارزها می‌توانند اثرات کلان اقتصادی داشته باشند، توافق نام‌های در اتحادیه اروپا در زمینه بازار دارایی‌هایی کریپتوکارنسی (MiCA) صورت گرفته است. تلاش‌های صورت گرفته در اروپا و آمریکا در جهت چارچوب بخشیدن به این بازار، نشان می‌دهد که این کشورها تمایل به ارائه شفافیت نظارتی در این فضا هستند. کنسرسیون حاکمیت ارز دیجیتال (DCGC) در مجمع جهانی اقتصاد، تحقیق و تحلیلی را در مورد تأثیرات اقتصادی ارزهای دیجیتال و استیبل کوین‌های با پشتوانه فیات منتشر کرده است.

در این تحقیق هدف اولیه مقررات مالی، حمایت از ثبات مالی، شفافیت، حمایت از مصرف کنندگان و سرمایه گذاران و ایجاد زمینه فعالیت برای شرکت کنندگان مختلف بازار، مورد بررسی قرار گرفته است.

بیت کوین را راهی مطلوب برای ارسال پول یا خرید کالا ارزیابی می‌کنند. در بررسی‌های انجام شده، ۴۵ درصد افرادی که در کشورهایی با نرخ تورم بالا مانند آرژانتین زندگی می‌کنند، از بیت کوین به عنوان ابزاری برای محافظت در برابر تورم استفاده کرده‌اند. پذیرش کریپتو در آرژانتین دو برابر نرخ سایر کشورهای منطقه است و بسیاری از آنها به بیت کوین روی آورده‌اند تا در برابر نرخ تورم نزدیک به ۶۰ درصد محافظت ایجاد کنند.

رابطه میان تحصیلات، درآمد و استفاده از رمزارزها در دنیا

بر اساس نظرسنجی انجام شده توسط شرکت بلاک، افرادی که از سطح دانش بیشتری در مورد کریپتوکارنسی برخوردار هستند، نسبت به رمزارزها دیدگاه مساعدتر و خوشبینانه‌تری دارند.

این نظرسنجی در ژانویه سال ۲۰۲۲ صورت گرفت و در آن ۹۵۰۰ نفر از سراسر جهان شرکت داشتند، که شامل حدوداً ۲۴۰۰ نفر آنها از قاره آمریکا، ۴۳۵۰ نفر از اروپا، خاور میانه، آفریقا و ۲۸۵۰ نفر نیز از آسیا و اقیانوسیه می‌شود.

این گزارش که در ۳۱ می منتشر شده است، ارتباط بین خوشبینی افراد در کشورهای مختلف و احتمال خرید آنها را بررسی می‌کند و نتیجه را با سطح دانش و اطلاعات پاسخ دهندگان در حوزه کریپتوکارنسی مقایسه می‌کند.

۴۱ درصد از افرادی که در زمینه کریپتوکارنسی دارای دانش و تخصص هستند، احتمالاً در ۱۲ ماه آینده اقدام به خرید در این بازار خواهند کرد اما این عدد در مورد افرادی که دانش محدودی دارند تنها حدود ۸ درصد است.

با وجود اینکه افراد با درآمد بالاتر نسبت به آینده بیت کوین خوش بین‌تر هستند، اما کشورهای کم درآمد همچون نیجریه، هند، ویتنام و آرژانتین بالاترین میزان خوش بینی را به این بازار ابراز می‌کنند و بالاترین سطح ادعا از دانش ارزهای دیجیتال را گزارش کرده‌اند.

به نظر می‌رسد آموزش و ارتقاء دانش، کلید پذیرش است. بزرگترین علت عدم پذیرش و خرید بیت کوین که توسط ۵۱ درصد پاسخ‌دهندگان ذکر شده، کمبود دانش است. در این بین ۳۲ درصد از شرکت‌کنندگان خطر بالقوه سرقت دارایی خود را مطرح کرده‌اند و ۳۰ درصد هم نوسانات بیش از حد بیت کوین را مانعی برای سرمایه‌گذاری دانسته‌اند.

استفاده از رمزارزها برای فعالیت‌های غیر قانونی در دنیا

یکی از اتهاماتی که به ارزهای دیجیتال وارد می‌شود استفاده از آنها در جهت پولشویی، فعالیت‌های غیرقانونی و همچنین فرار

نیاز به همکاری بین المللی در زمینه تنظیم قوانین وجود دارد.

تقریباً همزمان، وزارت خزانه‌داری ایالات متحده چارچوبی را برای تعامل بین‌المللی در مورد دارایی‌های دیجیتال صادر کرد که همکاری را در سراسر G7، G20، هیئت ثبات مالی (FSB)، گروه ویژه اقدام مالی (FATF)، گروه واحدهای اطلاعات مالی اگمونت (FIU)، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD)، سایر نهادهای تعیین استاندارد (SSBs)، صندوق بین‌المللی پول (IMF)، بانک جهانی و سایر بانک‌های توسعه چندجانبه (MDB) و سایر تعاملات منطقه‌ای و دوجانبه را سازمان‌دهی می‌کند. این چارچوب‌های نظارتی و همکاری کشورها می‌تواند در قانون‌گذاری رمزارزها در اقتصادها مفید باشد.

آنها همکاری جهانی را در ایجاد استانداردها ترویج می‌کنند، چرا که این عمل باعث تسهیل در میزان هماهنگی‌ها خواهد شد. اگر این چارچوب‌ها برای معیارهای اقتصاد کلان که در این گزارش بیان شده‌اند اعمال شوند، می‌توان اثرات کلان اقتصادی را پیش‌بینی کرد. با نگاه به آینده، هر توافق نظارتی آتی باید با در نظر گرفتن تأثیرات کلان اقتصادی ایجاد شود.

وضعیت رمزارزها در ایران

داستان محبوبیت کریپتوکارنسی در ایران با موضوع استخراج بیت کوین آغاز شد. از آنجایی که قیمت انرژی در ایران نسبتاً اندک است، ماینینگ بیت کوین سودآوری مطلوبی را برای مدتی ایجاد کرده و افراد زیادی را ترغیب به خرید دستگاه‌ها و استخراج بیت کوین کرد.

از طرف دیگر بهبود شرایط رمزارزها افرادی را در ایران به سمت این بازار سوق داد. سودهای نجومی در واقع علت اصلی ورود سرمایه‌های جدید را تشکیل می‌داد. صعود بیت کوین از ۱۰ هزار دلار به نزدیک ۷۰ هزار دلار و رشد چند هزار درصد برخی از آلت کوین‌ها انگیزه لازم برای همه‌گیری این بازار را فراهم کرد به طوری که در بهترین روزهای بازار کریپتوکارنسی، زمانی که اکثر افراد از بیت کوین ۱۰۰ هزار دلاری صحبت می‌کردند، در ایران حجم معاملات روزانه رمزارزها در برخی از صرافی‌ها، بالغ بر چند هزار میلیارد تومان بود، یعنی چند برابر ارزش معاملات در بازار سهام. این عدد تنها متعلق به حجم معاملات در ایران است، تقریباً نیمی از کاربران ایرانی فعال در حوزه ارزهای دیجیتال، از پلتفرم‌ها و صرافی‌های خارج از کشور استفاده می‌کنند، که اگر آنها را نیز در نظر بگیریم این عدد می‌تواند تا چند برابر افزایش یابد.

در پایان ژوئن ۲۰۲۲، پارلمان اروپا به یک توافق موقت در مورد بازار دارایی‌های ارزهای دیجیتال (MiCA) رسیدند. این توافق نامه رمزارزهای بدون پشتوانه، استیبل کوین‌ها، پلتفرم‌های معاملاتی و کیف پول‌هایی کریپتویی را پوشش می‌دهد. این چارچوب نظارتی برای محافظت از سرمایه‌گذاران و حفظ ثبات مالی و در عین حال امکان نوآوری و تقویت جذابیت بخش دارایی‌های کریپتو در نظر گرفته شده است. هدف این توافقنامه ارائه شفافیت لازم در حوزه رمزارزها در سراسر اتحادیه اروپا است، زیرا با وجود اینکه برخی از کشورهای عضو اتحادیه قبلاً قوانین ملی متفاوتی برای دارایی‌های رمزارزی تعیین کرده بودند، اما هیچ چارچوب قانونی خاصی در سطح اتحادیه اروپا وجود نداشت.

تا قبل از این توافق، قوانین و خدمات مالی اروپا، دارایی‌های رمزارزی را شامل نمی‌شدند.

در این توافق تلاش شده نظارت و قانون‌گذاری بر پلتفرم‌های معاملاتی، نگهداری، مدیریت دارایی‌های کریپتویی مد نظر قرار گیرد.

نقاط عطف به دست آمده در مقررات اخیر، با معیارهای اقتصاد کلان، مطابقت و تأثیر مثبت دارد. یکی از این اثرات مثبت اقتصادی است. همسویی فعالیت مؤسسات اعتباری و مؤسسات پول الکترونیکی و سایر ارائه دهندگان خدمات دارایی‌های رمزارزی می‌تواند ثبات اقتصادی را تسهیل بخشد. ایجاد قانون بر حفظ ذخایر بانکی مورد نیاز برای استیبل کوین‌ها و سقف تراکنش‌ها تا سطح ۲۰۰ میلیون یورو یکی دیگر از راهکارها برای حفظ ثبات اقتصادی است. یکی دیگر از مواردی که قانون‌گذاران به شدت به حفظ آن در کریپتوکارنسی و همچنین اقتصاد اعتقاد دارند حفظ و ارتقای نوآوری است، اما به طوری که زمینه سواستفاده ایجاد نشود. در این زمینه، قانون جدیدی تعریف شده است که طبق آن عرضه کنندگان یک رمزارز باید وایت‌پیپر مربوطه را در جهت مشخص کردن جنبه‌های فنی منتشر و ثبت کنند. توسعه پایدار یکی دیگر از موارد مهم در تمامی اقتصادها و همچنین یکی از بزرگترین نگرانی‌هایی است که توسط رمزارزها تا کنون وجود داشته است.

در راستای این هدف MiCA به طور گسترده مورد توجه این صنعت قرار گرفته است چرا که باعث افزایش اعتبار، ترویج پذیرش توسط بانک‌های مرسوم و ارائه مجوز برای فعالیت در سراسر اتحادیه اروپا خواهد شد. به گفته Mairread McGuinness از کمیسیون اروپا: ما خوشحالیم که در این زمینه پیشرو هستیم، چرا که فکر می‌کنیم که

ارزشی معادل ۱۰ میلیون دلار با موفقیت رقم خورد. ایران سعی دارد، استفاده از رمزارزها و قراردادهای هوشمند را به طور گسترده در تجارت خارجی با کشورهای دیگر به خصوص روسیه و چین تحقق بخشد. در واقع با توجه به تحریم‌ها و محدودیت‌هایی که برای نقل و انتقال پول به کشور وجود دارد، ایران سعی دارد از این روش به عنوان یکی از راهکارهای مهم موجود برای عبور از مشکلات استفاده کند. اما با این وجود اجرای نهایی آن نیاز به مقدماتی دارد که بسیاری از آنها هنوز فراهم نیست.

سطح سواد کریپتوکارنسی در بین سرمایه‌گذاران ایرانی

بر اساس گزارش سالانه منتشر شده توسط صرافی نو بیتکس، در سال گذشته دوج کوین بیشترین ارزش معاملات را داشته است که نشان دهنده محبوبیت این رمزارز در ایران است. با کم‌رنگ شدن اثر ایلان ماسک بر قیمت دوج کوین و روند نزولی قیمت آن، محبوبیت این رمزارز رو به کاهش رفت. بعد از دوج کوین، رمزارز شیبا اینو توانسته بود توجه بیشتر کاربران ایرانی را به خود جلب کند و به نظر می‌رسد که شیبا جایگزین دوج کوین شده است. هردوی این رمزارزها گرچه سود خوبی را نصیب عده‌ای از سرمایه‌گذاران کرده‌اند اما از لحاظ بنیادی بسیار ضعیف هستند. در واقع می‌توان از این موضوع دو استنتاج داشت، با اغلب کاربران ایرانی افرادی بسیار ریسک‌پذیری هستند و با بدون در نظر گرفتن عوامل بنیادی اقدام به سرمایه‌گذاری می‌کنند. معمولا افرادی که دانش لازم را دارا هستند سعی در به حداقل رساندن ریسک سرمایه‌گذاری خود دارند، لذا کمتر به سراغ این‌گونه رمزارزها خواهند رفت و یا درصد بسیار پایینی از پورتفوی خود را به آن اختصاص می‌دهند. از طرف دیگر بر اساس نظرسنجی انجام شده، در حدود ۷۰ درصد افراد در سرمایه‌گذاری رمزارزها، تحلیل تکنیکال و یا پیشنهادات انجام شده توسط دیگران را مبنای تصمیم‌گیری خود قرار می‌دهند.

به طور طبیعی افراد بر روی کارخانه در حال ورشکستگی سرمایه‌گذاری نمی‌کنند مگر اینکه نقص اطلاعات و کمبود دانش وجود داشته باشد. در مورد رمزارزها نیز دقیقا به همین صورت است. افراد با دانش کافی، رمزارزی را انتخاب می‌کنند که ریسک سرمایه‌گذاری پایین‌تر و پتانسیل رشد بیشتری از لحاظ بنیادی داشته باشد و از تحلیل تکنیکال صرفا برای نقطه ورود و یا خروج استفاده می‌کنند. بر اساس نتایج یک نظرسنجی، تنها ۱۵ درصد افراد از این بازار سود کسب کرده‌اند. این موضوع تایید دیگری بر کمبود دانش در بین اغلب سرمایه‌گذاران ایرانی است.

ورود سنگین سرمایه‌گذاران ایرانی در این بازار به سه دلیل اتفاق افتاد. اولین مورد روند افزایشی رمزارزها و کسب سود از آن بود. دلایل دیگر را می‌توان به تورم شدید و افسار گسیخته و تلاش برای نجات دارایی افراد از بی‌ارزش شدن و همچنین کسب درآمد دلاری عنوان کرد. نرخ ارز در طی چند سال اخیر بیش از چند برابر شده است. از آنجایی که خرید و نگهداری ارز در ایران غیرقانونیست، بسیاری برای حفظ ارزش دارایی خود به سمت رمزارزها و بعضا استیبل کوین‌ها متمایل گشتند. از طرف دیگر گرچه ماین بیت کوین در ایران به دلیل هزینه پایین انرژی به صرفه بوده است اما مشکلات زیادی در این زمینه وجود دارد. مدت زمان زیادی استخراج بیت کوین غیرقانونی بود. بعد از مدتی دولت به قانون گذاری و اعطای مجوز در این زمینه پرداخت اما قیمت برق به قیمت صادراتی محاسبه شده که تقریبا ۱۰ برابر هزینه بیشتری را به این صنعت تحمیل کرد.

در طی دو سال اخیر به دلیل کمبود برق در کشور، مزارع استخراج بیت کوین در ماه‌هایی از سال تعطیل بوده‌اند که این موضوع هزینه فرصت سرمایه‌گذاری در این حیطه را افزایش می‌دهد. همچنین یکی دیگر از مشکلات موجود در یک سال اخیر اعطای مجوز تاسیس فارم است که بسیار سخت و مشکل بوده و مسائل زیادی در این راه وجود داشته است. اینگونه مشکلات افراد را به سمت استخراج غیرقانونی سوق داده، به طوری که قسمت زیادی از استخراج صورت گرفته در ایران بدون مجوز است.

با وجود تمام مسائل گفته شده سهم ایران از استخراج بیت کوین رو به افزایش بوده، به طوری که از ۲ درصد در سال ۹۸ به ۳ درصد در مرداد ۱۴۰۰ رسید. حتی در تابستان ۱۴۰۰ که به دلیل فصل گرما و افزایش مصرف برق، استخراج بیت کوین ممنوع اعلام شد، سهم استخراج بیت کوین در ایران از بازار جهانی یک درصد افزایش یافت که می‌توان دلیل آن را به ممنوعیت استخراج این رمزارز در کشور چین و کوچ سرمایه‌گذاران این حوزه به مناطقی با تعرفه برق پایین‌تر نسبت داد.

در شهریور ماه سال جاری، رضا فاطمی امین، وزیر صنعت، معدن و تجارت، از تصویب بهره‌برداری و استخراج ارزهای دیجیتال خبر داد و گفت که از این پس می‌توان از ارزهای دیجیتال برای واردات استفاده کرد. در قانون جدید که فرآیند دریافت مجوز را ساده‌تر کرده است، افرادی که از رمزارز استخراج شده در جهت واردات کالاها استفاده کنند مشمول تخفیف هزینه برق مصرفی خواهند شد.

ایران به تازگی اقدام به استفاده از رمزارزها برای واردات کرده است. در مرداد ماه اولین ثبت سفارش رسمی واردات با رمزارز به



پایان دوران نزول بیت کوین؟!

از طرف دیگر به دلیل سیاست‌های در پیش گرفته شده فدرال رزرو به طور بی‌سابقه‌ای بازدهی اوراق قرضه ۱۰ ساله به بیش از ۳.۵ درصد افزایش یافته است. در شرایط پرریسک افراد تمایل به سرمایه‌گذاری‌های امن مانند اوراق قرضه دارند. در طی یک سال گذشته، بیت کوین بارها به انتشار خبر افزایش تورم و همچنین نرخ بهره واکنش داده و با ریزش همراه شده است. در آخرین گزارش شاخص CPI بیت کوین افت ۱۹ درصدی را ثبت کرد.

همچنین در طی چند هفته اخیر نرخ تورم اروپا منتشر شد که نشان دهنده شدت یافتن و حتی دو رقمی شدن تورم در اغلب کشورهای عضو بوده است. این موضوع تداوم روند افزایش نرخ بهره را در اروپا مطمئن تر می‌کند. انتشار خبر تورم اروپا باعث شد قیمت بیت کوین به عقب رانده شود اما مجدداً مانند دفعات قبلی از سطح ۱۸ هزار دلار مورد حمایت قرار گرفت. در تمام دوران رکودی اخیر، نهنک‌ها در قیمت‌های ۱۸ تا ۲۰ هزار دلار وارد بازار شده و با ایجاد فشار تقاضا از افت بیشتر جلوگیری کرده‌اند.

مهمترین تهدیدهای موجود در بازار

یکی از مهم‌ترین علت‌های ریزش قیمت بیت کوین به عوامل اقتصاد کلان و سیاست‌های انقباضی مربوط می‌شود. این تهدید همچنان پابرجا باقی مانده است.

اما پاول، رئیس فدرال رزرو، بارها تاکید کرده است که آنها تا دستیابی به تورم ۲.۵ درصدی، به سیاست‌های سخت‌گیرانه خود ادامه خواهند داد، حتی اگر این موضوع به قیمت پذیرفتن رکود اقتصادی باشد. از طرف دیگر وضعیت بازار کار در شرایط مطلوبی قرار دارد و کاهش بیکاری به ۳.۵ درصد دست فدرال رزرو در ادامه روند سیاست‌های انقباضی باز خواهد گذاشت.

در کنار سیاست‌های انقباضی و افزایش نرخ بهره، وقوع رکود اقتصادی در ایالت متحده و دنیا از دیگر تهدیدهای مهم است.

کل بازار کریپتوکارنسی و همچنین بیت کوین از دوران اوج تا کنون بیش از ۷۰ درصد ارزش خود را از دست داده اند. عوامل مختلفی در این ریزش‌ها نقش داشته‌اند که عوامل اقتصاد کلان از مهم‌ترین آنها هستند. در طی یک سال اخیر، بسیاری از رمزارزها درصد زیادی از ارزش خود را از دست داده‌اند و حتی برخی از آنها بیش از ۹۰ درصد از سقف قیمتی خود فاصله دارند. این عوامل در کنار فاجعه لونا باعث ورشکستگی بسیاری از پلتفرم‌ها و موسسات مالی مهم و مطرح کریپتوکارنسی مانند ویجرز، سلسیوس و .. شد و همچنین باعث شد درصد بالایی از سرمایه‌گذاران ضررهای دوچندانی را متحمل شوند.

در چند ماه اخیر به واسطه روند صعودی تورم و همچنین نرخ بهره، بازارهای پرریسک از جمله بازار سهام ایالت متحده و شاخص‌های S&P۵۰۰ و نزدک با افت زیادی مواجه شدند. بیت کوین وابستگی بالایی با این شاخص‌ها داشته و همواره شاهد ریزش قیمت بیت کوین با این دو شاخص بوده‌ایم. از طرف دیگر به دلیل سیاست‌های اجرا شده، شاخص دلار در روند افزایشی قرار گرفته است به طوری که در حال حاضر به سقف ۲۰ ساله خود نزدیک است. روند صعودی شاخص دلار به معنی تضعیف دیگر دارایی‌ها به خصوص دارایی‌های پرریسک از جمله رمزارزها است.



هستند. اکنون شاخص MVRV در منطقه ای قرار گرفته، که نشان دهنده ارزنده بودن قیمت بیت کوین است. بر اساس این شاخص در حال حاضر قیمت بیت کوین در زیر قیمت واقعی آن در حال معامله است و حساب منفی دارد. در سیکل‌های قبلی بیت کوین قبل از اینکه روند صعودی خود را آغاز کند مدتی در این ناحیه قرار داشته است و اکنون از لحاظ زمانی نیاز دارد مدتی در این ناحیه باقی بماند.



شاخص رزرو ریسک نیز اکنون در منطقه سبز رنگ قرار گرفته که نشان دهنده ریسک پایین در بازار است. این موضوع به این معنی نیست که بیت کوین بعد از این قیمت‌های پایین‌تر را نخواهد دید، بلکه به این معنیست که ریسک بازار نسبت به گذشته در سطح پایین‌تری قرار دارد.

با توجه به شرایط موجود همچنان احتمال افت قیمت بیت کوین وجود دارد. بسیاری از تحلیلگران اعتقاد دارند که بیت کوین احتمالاً تا حوالی ۱۴ الی ۱۵ هزار دلار افت را تجربه کرده و بعد از آن روند صعودی خود را شروع کند.



در حال حاضر ماینرهای بیت کوین نیز در نقطه سربه‌سری قرار دارند به این معنی که متوسط هزینه استخراج بیت کوین و قیمت بیت کوین تقریباً در یک سطح قرار گرفته‌اند. معمولاً این اتفاق در انتهای روندهای نزولی رخ می‌دهد، هرچند که ممکن است به چندین ماه زمان نیاز داشته باشد.

که بازارهای پرریسک مانند رمزارزها را تحت تاثیر قرار خواهد داد. بسیاری از تحلیلگران اعتقاد دارند با تداوم روند افزایش نرخ بهره، رکود اقتصادی رخ خواهد داد به طوری که بسیاری از نشانه‌های رکود نیز در حال حاضر دیده می‌شود.

قانون‌گذاری و احتمال اعمال محدودیت برای رمزارزها، عامل دیگریست که ممکن است سبب ایجاد نگرانی‌هایی در این زمینه گردد. هنوز اقدام مشخصی در این زمینه انجام نگرفته است اما پیش بینی می‌شود در سال پیش بخش‌نامه‌هایی در جهت سامان دادن به این بازار به تصویب رسد. گرچه این موضوع در ابتدا می‌تواند سبب نوساناتی گردد، اما در بلندمدت به نفع این بازار خواهد بود چرا که به آن چهارچوب خواهد بخشید. بسیاری از سرمایه‌گذاران تمایل دارند در یک فضای قانونی اقدام به سرمایه‌گذاری کنند و این مورد می‌تواند مشوقی برای آنها باشد.

جنگ روسیه و اوکراین در کنار بحران انرژی در اروپا، از دیگر تهدیدهای مهم در این بازار محسوب می‌شود.

در واقع در شرایطی که اقتصاد در شرایط نامساعدی قرار دارد و به طور کلی ریسک سرمایه‌گذاری در سطح بالایی قرار دارد، تمایل به بازارهایی مثل کریپتو که پرنوسان و بی‌ثبات است، بسیار اندک خواهد بود.

نبود تقاضای موثر در بازار

در روندهای صعودی سال ۲۰۱۷ و قبل از آن اغلب افرادی اقدام به سرمایه‌گذاری در این بازار کردند که دارای دانش در زمینه نرم‌افزار و رشته‌های مرتبط بودند. اکثر این افراد به سرمایه‌گذاری خود ایمان داشتند. در دوران صعودی که از سال ۲۰۲۰ سال آغاز شد سرمایه‌گذاران جدید و تازه نفس وارد بازار شدند که بسیاری از آنها تحت تاثیر موج صعودی شکل گرفته اقدام به سرمایه‌گذاری کردند. در حال حاضر درصد بالایی از این افراد در ضرر قرار دارند و یا با ضرر از بازار خارج شده‌اند. با توجه به شرایط اقتصاد کلان و ریسک‌های موجود و همچنین ضرر سنگینی بسیاری از سرمایه‌گذاران در آن قرار دارند، انگیزه لازم برای ورود سرمایه‌گذاران جدید به این بازار وجود ندارد. رمزارزها برای شروع روند صعودی قوی و با ثبات نیاز به یک موجی از تقاضای پایدار و همچنین ورود سرمایه‌های جدید دارند، اما در شرایط کنونی این مهم بسیار دور از ذهن به نظر می‌رسد.

بررسی داده‌های آنچین

در حال حاضر اغلب شاخص‌های آنچین در جایی قرار گرفته‌اند که بیت کوین در اواخر دوران نزولی خود در این نواحی قرار داشته است. شاخص MVRV و رزرو ریسک از جمله این شاخص‌ها

فردای اقتصاد

رسانه مرجع روندهای اقتصادی

www.fardayeeghtesad.com

بازارهای مالی



چالش‌های پیش‌روی نظام بانکی

● محبوبه داودی

پروژه‌ها و کسب سود از این طریق را انجام دهند و ترازنامه‌های آنها همواره با ریسک زیادی همراه است.

دوم اینکه بانک نیز به عنوان یک بنگاه اقتصادی مانند هر کسب و کار دیگری، به دنبال کسب سود است. در فضای تورمی تسهیلات‌دهی نمی‌تواند اولویت بانک باشد. مانند مردم که در فضای تورمی به جای سپرده‌گذاری در بانک یا سرمایه‌گذاری در دارایی با بازدهی ثابت، علاقه‌مند به خرید دارایی‌هایی هستند که ارزش دارایی‌های آنها را در برابر تورم حفظ می‌کند، بانک نیز چنین انتخابی خواهد داشت و این یک انتخاب طبیعی و عقلایی به عنوان یک نهاد اقتصادی است، و نمی‌توان بابت این عملکرد بانکها را مورد مواخذه قرار داد.

این شرایط در کنار اینکه در اقتصاد تنگنای مالی ایجاد می‌کند، و این تنگنای مالی مانعی برای توسعه کسب و کارهاست، سلامت نظام بانکی را نیز تهدید می‌کند و شبکه بانکی ناسالمی به جا می‌گذارد.

شبکه بانکی ناسالم خود زمینه‌ساز تورم می‌شود و این دور باطل ادامه دار می‌شود و در طول زمان به بحران تبدیل شده و مستمرا این بحران بزرگتر می‌شود.

نظام بانکی در اقتصاد ایران سالهاست که در چنین وضعیتی به سر می‌برد. اما چالش جدید پیش‌روی نظام بانکی بحرانی به نام قانون جدید بانکداری

نظام بانکی ایران در حال حاضر با چالش‌های بسیار زیادی مواجه است، اما در واقع می‌توان ریشه اصلی همه این چالش‌ها را ناشی از تورم دانست. واسطه‌گری مالی سالم، نیازمند فضای باثبات اقتصادی به ویژه تورم پایین است. تورم به دو دلیل عملیات اصلی شبکه بانکی که واسطه‌گری مالی است را مخدوش می‌کند؛

**در قوانین بانک‌های
مرکزی دنیا
کارشناسان در قبال
نظرات کارشناسی
خود مصونیت قانونی
دارند. این امر
باعث می‌شود که
کارشناسان که تنها
باید در قبال نتیجه
کار خود که ثبات
قیمت‌ها و سلامت و
پایداری شبکه بانکی
است پاسخگو باشند،
بدون نگرانی نظرات
کارشناسی خود را
اعلام کنند**

اول اینکه منجر به تصمیمات سیاسی و سیاستی می‌شود که سود بانکها و در میان مدت و بلندمدت سلامت آنها را دچار مشکل می‌کند. برای مثال در فضای تورمی، دولت برای جیره‌بندی اعتباری به بانکها فشار خواهند آورد، همچنین سرکوب مالی یکی از الزامات فضای تورمی برای سیاستگذار است. از طرف دیگر در فضای سرکوب مالی، همیشه اضافه تقاضای تسهیلات وجود دارد، و این اضافه تقاضای تسهیلات قطعا در دولتی که قادر به مهار تورم نیست، با فشار به بانکها برای اعطای وامهای ارتباطی همراه خواهد شد. وامهای اعتباری ریسک نکول بسیار بالایی دارند. همچنین فضای تورمی که به معنای فضای بی‌ثبات اقتصاد کلان است، احتمال شکست پروژه‌های کسب و کارها را افزایش می‌دهد که این نیز به نوبه خود ریسک نکول را افزایش می‌دهد. این موارد به این معناست که بانک قادر نخواهد بود که واسطه‌گری مالی به معنای تجمیع پول‌های خرد و تخصیص آن به بهترین

دارند. این امر باعث می‌شود که کارشناسان که تنها باید در قبال نتیجه کار خود که ثبات قیمت‌ها و سلامت و پایداری شبکه بانکی است پاسخگو باشند، بدون نگرانی نظرات کارشناسی خود را اعلام کنند.

در طرح مجلس امکان عزل کارشناسان منصوب مقامات سیاسی قبل از پایان دوره ماموریت آنها، بدون نیاز به توضیح به ذی‌نفعان اصلی بانک مرکزی یعنی مردم، فضای کارشناسی بانک مرکزی را کاملا مخدوش کرده است.

بدترین قسمت که فضای تخصصی و کارشناسی بانک مرکزی را به استهزا کشانده است، این است که رئیس کل موظف است، گزارش‌های خود برای ارائه به مجلس، مجمع عمومی و عموم را به تصویب نمایندگان منصوب وزیر امور اقتصادی و دارایی و رئیس سازمان برنامه و بودجه برساند.

این بدان معناست که کارشناسان و متخصصان بانک مرکزی نه فضایی برای اعمال نظرات تخصصی در جلسات خصوصی و نه فضای برای توضیح فضای اقتصادی و دلایل و نقد احتمالی آن به ذی‌نفعان دارند و رسماً چیزی بیشتر از عاملان دولت و مجلس نیستند. به ویژه که هیچ ساز و کاری برای پاسخگویی اصلی‌ترین عوامل تعیین‌کننده شرایط تورم و بانک‌ها که همان مقامات دولتی و مجلس حاضر در مجمع هستند، تعریف نشده است.

یکی دیگر از نشانه‌های بی‌توجهی به تخصص و تخصص‌گرایی در قانون بانک مرکزی الزام اعتقاد به مبانی بانکداری اسلامی به عنوان یکی از الزامات انتخاب رئیس‌کل، دو نفر اقتصاددان و دو نفر متخصص بانکی عضو هیات عالی است، که به نظر می‌رسد هدف آن اختصاص مهمترین نقش‌های بانک مرکزی به گروه و تفکری خاص است که لزوماً برترین اقتصاددانان کشور نیستند.

مجموعه این موارد باعث می‌شود که انتظار داشته باشیم، که طی سالها و دهه‌های آینده با فرض تصویب و اجرایی شدن این قانون، میانگین تورم افزایش یافته و این مهمترین چالش پیش روی نظام بانکی باشد.

همچنین تضعیف قدرت نظارتی بانک مرکزی کار را برای بانکها سالم و بهره‌ور سخت‌تر خواهد کرد.

است که در انتظار تصویب مجلس قرار دارد، و با قانونی کردن انحرافات بنیادین فراوان در نظام پولی و مالی کشور و ریل‌گذاری کژراهه‌های زیاد در مسیر سیاستگذاری پولی، ارزی و اعتباری و تنظیم‌گری و نظارت بر بانکها، ظرفیت قانونی موردنیاز برای کنترل تورم و تحقق سلامت بانکی را تا سال‌ها و بلکه دهه‌ها از کشور سلب خواهد کرد.

اساساً نگاه ناصحیح به ساختار بانک مرکزی باعث شده است که قانون مذکور هیچ کارکردی برای مقابله با تورم و پیاده‌سازی شبکه بانکی سالم نداشته باشد.

اصولاً هدف اصلی بانک مرکزی کنترل تورم و ثبات مالی است، و بنابراین مهمترین تصمیم‌گیرنده آن باید کمیته‌ای تخصصی به نام کمیته سیاست پولی و بخش نظارتی بانک مرکزی باشد و باقی

بخش‌ها در خدمت این بخشها باشند. اما در طرح جدید این بخشها در حاشیه و رکن اصلی مجمع عمومی است که وظیفه تصویب صورت‌های مالی، اتخاذ تصمیم در مورد گزارش‌های حسابرسی و تصویب و تفریغ بودجه بانک مرکزی را برعهده دارد. بنابراین بانک مرکزی در اجرای سیاستگذاری پولی و نظارتی (مانند تملیک یا مداخله در مدیریت بانک‌های در معرض ورشکستگی که بعضاً دارای مابه‌ازای مالی سنگین هستند) محدود بوده، تصمیم‌گیری تا تصویب مجمع امکان‌پذیر نخواهد بود و تصمیماتی که باید سریعاً و وابسته به شرایط اتخاذ شوند، به جلسات سالانه مجمع موکول می‌شوند.

از دیگر مواردی که بانک مرکزی را از تصمیمات سیاستی ضدتورمی و همچنین نظارت صحیح دور می‌کند، حضور وزیر امور اقتصادی و دارایی و رئیس سازمان برنامه و بودجه در مهمترین جلسات تصمیم‌گیری بانک مرکزی و در موقعیتی بالاتر است که سلطه مالی را که همیشه عامل اصلی تورم در اقتصاد ایران بوده است نه تنها تداوم می‌بخشد، بلکه به دلیل موقعیت بالاتر دو مقام دولتی نسبت به رئیس کل در مجمع، آن را تشدید می‌کند.

اصولاً در قوانین بانک‌های مرکزی دنیا کارشناسان در قبال نظرات کارشناسی خود مصونیت قانونی

تنگنای مالی ایجاد می‌کند، و این تنگنای مالی مانعی برای توسعه کسب و کارهاست، سلامت نظام بانکی را نیز تهدید می‌کند و شبکه بانکی ناسالمی به جا می‌گذارد. شبکه بانکی ناسالم خود زمینه‌ساز تورم می‌شود و این دور باطل ادامه دار می‌شود و در طول زمان به بحران تبدیل شده و مستمراً این بحران بزرگتر می‌شود



دشواری‌های تأمین مالی

● محبوبه داودی
مجتبی نظری

و کارهاست. بنگاهها برای تأمین مالی داخلی نیازمند سودآوری هستند. دوم این که بنگاهها همواره متمایل به تأمین مالی خارجی از طریق وام شبکه بانکی هستند چرا که چنانچه بنگاه بتواند از طریق وام بانکی تأمین مالی کند، در واقع در دریافت وام با سود پایین موفق شده است، چرا که یکی از سیاستهای حمایت از تولید در اقتصاد ایران اعطای وام ارزان قیمت است. این سیاست ناشی از انواع مداخلات دولت از جمله قیمت‌گذاری دستوری محصولات بنگاه است، که سودآوری شرکتها را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. دولت برای پاسخ به این مشکل، می‌کوشد به بنگاه انرژی و وام ارزان بدهد، وامی که در واقع نوعی رانت است و همواره میزان تقاضای آن از عرضه آن بیشتر است و لذا همه نمی‌توانند از آن بهره‌مند شوند. بهر حال دستیابی به این رانت به هر نوع تأمین مالی دیگری ارجحیت دارد.

مشکل تأمین مالی همواره یکی از چالش‌های مشترک بنگاهها در اقتصاد ایران بوده است. آن‌ها برای تأمین سرمایه در گردش و سرمایه‌گذاری برای توسعه فعالیت‌هایشان در بسیاری مواقع دچار کمبود منابع مالی هستند. بر اساس گزارش رقابت‌پذیری جهانی طی تمام سال‌های انتشار این گزارش، مهم‌ترین معضل بر سر راه تولید و کسب‌وکارها در اقتصاد ایران مشکل دسترسی به منابع مالی بوده است. این در حالی است که ناکارآمدی دولت، ناپایداری سیاست‌ها، ضعف زیرساخت‌ها و تورم نیز به حدی نامناسب هستند که به اندازه کافی راه تنفس را برای کسب‌وکارها مسدود کرده‌اند، با این همه هیچ‌کدام از این موارد به اندازه مشکل دسترسی به منابع مالی ویرانگر نبوده‌اند. اما چه شرایطی در اقتصاد ایران باعث دشواری همیشگی تأمین مالی بوده است؟

تأمین مالی از سود بنگاه

اولین روش تأمین مالی یک بنگاه، استفاده از سود حاصل در فعالیت‌های خودش است. این روش هزینه‌ها و ریسک‌های تأمین مالی از خارج بنگاه را ندارد و در نتیجه معمولاً اولویت اول است. اما در اقتصاد ایران کمتر بنگاهها چنین اولییتی دارند، که این ترجیح ناشی از دو مسئله است: مسئله اول پایین بودن سوددهی کسب

زیرساخت نهادی تأمین مالی

از آنجا که بنگاهها به دلیل محیط نامناسب کسب و کار قادر به تأمین مالی از محل سود خود نیستند، یا نیاز به تأمین مالی بیشتری دارند، باید از انواع شیوه‌های تأمین مالی خارج از بنگاه استفاده کنند که طبیعتاً گزینه‌های پیش روی آنها بانک و بازار سرمایه -شامل بازار بدهی و

بانک‌هاست، خود تقویت‌کننده این شرایط و از سوی خود نیز قربانی مدل حکمرانی است. بانک مرکزی قادر به کنترل تورم نیست که در نتیجه آن، دومینوی قیمت‌گذاری به راه می‌افتد، تعیین‌کننده دستوری نرخ‌های نامناسب سود است، که حلقه‌ای از زنجیره تخریب وضعیت دسترسی به منابع مالی است، از طرف دیگر قادر به تنظیم بازار پول نیست که به نوبه خود شرایط بانک‌ها را بدتر می‌کند و در فرآیند نظارت نیز بسیار ضعیف است چراکه عامل سومی به نام دولت و نهادهای حکومتی و نهادهای صاحب قدرت بر سر هر دو نهاد ناظر و بانک‌ها سایه انداخته است.

پیامدهای نرخ بهره دستوری

وام ارزان‌قیمت باعث شده با وجود رشد بالای نقدینگی و تزریق حجم بالای تسهیلات به بنگاه‌ها، باز هم عطش زیادی برای دریافت وام وجود داشته باشد. به ویژه که مداخلات دولت خود عاملی برای زیان به بنگاه‌هاست و در نتیجه این نقدینگی فزاینده مدام صرف جبران این ضررها می‌شود. برای مثال، اگر دولت خودروسازان را مجبور به فروش محصولاتشان با قیمتی می‌کند که ضررده می‌شوند، آن‌ها هم در طرف مقابل تسهیلات ارزان بیشتری طلب می‌کنند. یکی دیگر از پیامدهای نرخ وام دستوری هم این است که هدف برخی بانک‌ها، وام‌دهی به نهادهای خاص یا شرکت‌های مرتبط به خودشان است. چنین تعادلی باعث می‌شود بنگاه‌های بدون ارتباط و کوچک سهم چندانی از تأمین مالی با وام نداشته باشند. آن‌ها قدرت چانه‌زنی چندانی برای دریافت وام با چنین نرخ‌ی ندارند و در نتیجه از دور تأمین مالی جا می‌مانند.

در عمل با برهم خوردن تعادل در بازار تسهیلات با قیمت‌گذاری، بازار سیاه منابع مالی به وجود می‌آید، که نرخ در آن بسیار بالاتر از زمانی است که سرکوب مالی صورت نمی‌گیرد، بنگاه‌هایی که به صورت بالقوه بهره‌ورتر هستند، ناگزیرند در این بازار سیاه و با هزینه‌های بالا تأمین مالی کنند و این تأمین مالی با هزینه‌های بالا در حالی که در بازار محصول قیمت‌گذاری می‌شود، منجر به کاهش سودآوری و خارج شدن آنها از بازار می‌شود.

بازار سهام- هستند. در ایران به لحاظ حجم، روش تأمین مالی از بانک بیشترین کارکرد را دارد.

تأمین مالی در بازار سرمایه نیازمند زیرساخت‌های نهادی مثل قوانین مناسب حمایت از سرمایه‌گذاران و تنظیم‌گری کاراست؛ با توجه به ضعف فعلی این زیرساخت‌های نهادی در ایران، بانک به عنوان منبع اصلی تأمین مالی بنگاه قرار گرفته است. علت مهم دیگر هم همانطور که پیشتر گفته شد، قیمت‌گذاری دستوری و مداخله دولت در وام‌دهی بوده که باعث شده دریافت وام گزینه جذاب‌تری باشد.

شبکه بانکی در اقتصاد ایران یا دولتی است و یا به ظاهر خصوصی است اما در عمل به دلیل وابستگی به نهادهای مختلف صاحب قدرت، بهینه رفتار نمی‌کند و بنگاه‌های بهره‌ور را انتخاب نمی‌کند و به دلیل سرکوب مالی با انبوهی از اضافه تقاضا برای تسهیلات مواجه است. نهایتاً بخش عمده‌ای از منابع به بنگاه‌هایی تخصیص می‌یابد که بهره‌وری پایینی دارند و ماهیتاً بنگاه‌هایی هستند که در فضای رانتی اقتصاد ایران قابلیت ادامه حیات داشته‌اند. این بنگاه‌ها عمدتاً بنگاه‌های بزرگ دولتی و شبه دولتی هستند. دولت نیز به طور مستقیم با دریافت بخش مهمی از این اعتبارات و عدم بازپرداخت آنها به این فرآیند کمک کرده است. این موارد باعث می‌شود که کسب و کارهای کوچک و متوسط همیشه در انتهای صف دریافت وام قرار بگیرند و لذا همواره مساله تأمین مالی داشته باشند.

ماهیت وام گیرندگان (دولت و شرکتهای دولتی و رانتی) باعث شده که فرآیند وثیقه‌گذاری و بازپرداخت وام‌ها نیز به صورت بهینه صورت نگیرد و مطالبات غیرجاری آنها نیز بالا باشد. این وضعیت منجر به قفل شدن منابع مالی محدود و دارایی‌های بانک‌ها می‌شود. بانک‌ها با مشاهده وضعیت یخ‌زده بخش مهمی از دارایی‌هایشان، ناگزیرند که برای ادامه حیات به جای تسهیلات‌دهی، در سرمایه‌گذاری‌های دیگر صرف منابع کنند و با این سرمایه‌گذاری‌ها وارد فعالیت‌هایی می‌شوند که فعالیت‌های متعارف بانک‌ها نبوده و با این نوع از عملیات از یک طرف ارائه تسهیلات در اقتصاد دچار اختلال می‌شود.

در این میان بانک مرکزی که نهاد ناظر بر عملیات



گامی در جهت تغییر ساختار بازار اوراق بدهی

● محمد مهدی مومنزاده
مدیرعامل گروه توسعه مالی مهرآیندگان

کاهش یابد. انتظار می‌رود با کاهش تدریجی نرخ تورم در نیمه دوم سال و در نتیجه افزایش نرخ سود حقیقی اوراق، به تدریج شرایط فروش اوراق بهبود یابد و ارزش این بازار نیز در نیمه دوم سال رشد محسوسی را تجربه نماید. همچنین باید توجه داشت که با نزدیک شدن به ماه‌های پایانی سال و افزایش نیاز دولت به انتشار اوراق جهت مدیریت بودجه (به ویژه در ماه‌های بهمن و اسفند)، انتظار افزایش عرضه اوراق دولتی وجود دارد و به این ترتیب رسیدن ارزش بازار اوراق دولتی به محدوده بیش از ۶۰۰ هزار میلیارد تومان در سال جاری چندان نامحتمل نخواهد بود. در کنار تغییرات کمی بازار اوراق بدهی، ترکیب رشد این بازار نیز در نیمه اول سال ۱۴۰۱ با تغییراتی همراه بوده است؛ در ۶ ماه ابتدای امسال و برخلاف رویه معمول سال‌های قبل، رشد بازار به شکلی بوده که بیش از دو سوم از مجموع خالص انتشار اوراق انتشار منهای سرسید، مربوط به اوراق شرکتی بوده است و اوراق بخش دولتی سهم کمتری در رشد بازار داشته‌اند. این موضوع سبب شده تا در پایان شهریورماه ۱۴۰۱ سهم اوراق شرکتی از مجموع بازار اوراق بدهی به حدود ۱۹ درصد افزایش یابد که نسبت به سهم ۱۵ درصدی ابتدای سال، رقم قابل ملاحظه‌ای محسوب می‌شود و البته بالاترین سهم اوراق شرکتی در ۳۶ ماه اخیر است. لازم به ذکر است که مجموع ارزش بازار اوراق شرکتی در پایان شهریورماه معادل ۹۵ هزار میلیارد تومان بوده که نسبت به ابتدای سال بیش از ۲۳ هزار میلیارد تومان رشد را نشان می‌دهد. به این ترتیب می‌توان گفت ساختار بازار اوراق بدهی که در سال‌های اخیر به شدت به نفع اوراق

ارزش بازار اوراق بدهی در پایان شهریورماه ۱۴۰۱ به بیش از ۵۲۰ هزار میلیارد تومان رسیده است. از ابتدای سال ۱۴۰۱ تا این تاریخ، ارزش این بازار معادل ۷ درصد (۳۳ هزار میلیارد تومان) افزایش یافته است و نرخ رشد آن نسبت به شهریورماه سال گذشته نیز معادل ۲۵ درصد (۱۰۴ هزار میلیارد تومان) بوده است. با وجود آنکه ارزش اسمی این بازار طی سال‌های اخیر به صورت پیوسته افزایش یافته است اما باید توجه داشت که ارزش حقیقی آن (ارزش اسمی منهای نرخ رشد تورم) در برخی مقاطع از جمله سال جاری رشد چندانی نداشته است. طی نیمه اول سال ۱۴۰۱ شرایط به شکلی بوده که ارزش حقیقی بازار اوراق به صورت پیوسته کاهش یافته و در این دوره ۶ ماهه، کاهش معادل ۱۹ درصد ثبت شده است که این رقم، بیشترین میزان کاهش ارزش حقیقی بازار اوراق در یک دهه اخیر است. به بیان دیگر، رشد ارزش بازار اوراق بدهی در نیمه اول سال ۱۴۰۱ بسیار کمتر از رشد شاخص قیمت‌ها و نرخ تورم بوده است. این شرایط به معنای آن است که وضعیت این بازار در نیمه اول امسال، متفاوت از روند بلندمدت آن بوده است.

در رابطه با دلایل توقف روند رشد ارزش حقیقی بازار اوراق بدهی در نیمه اول سال به نظر می‌رسد که موضوع عدم جذابیت نرخ بازده اوراق (به دلیل رشد محسوس نرخ تورم) برای سرمایه‌گذاران، علت اصلی این موضوع بوده است. نرخ بازده حقیقی اوراق در نیمه اول امسال برای نخستین بار به محدوده کمتر از منفی ۳۰ درصد رسیده است و همین موضوع سبب شده تا جذابیت این اوراق برای خریداران و سرمایه‌گذاران بالقوه

کنترل مقداری ترازنامه بانکها توسط بانک مرکزی (مبنی بر سقف رشد ۲ تا ۳ درصدی ترازنامه بانک عامل به صورت ماهانه) نمی‌شود و به همین علت، بانکها نیز تمایل زیادی به انتشار این اوراق دارند. به این ترتیب، شرایط مذکور سبب شده تا رشد محسوسی در انتشار این اوراق طی نیمه اول سال صورت پذیرد و انتظار بر آن است که در نیمه دوم سال نیز با توجه به تداوم شرایط تنگنای نقدینگی، استفاده بنگاهها از این ابزار تامین مالی همچنان افزایش یابد.

نکته مهم دیگری که درباره اوراق گام باید مورد توجه قرار گیرد آن است که شرایط کمبود منابع اعتباری و اضطراب و نیاز بنگاهها برای تامین مالی و در نتیجه گرایش آنها به استفاده از اوراق گام در سال جاری سبب شده تا بنگاهها حاضر به پرداخت هزینه‌های بالاتر برای تامین مالی خود باشند؛ به شکلی که در حال حاضر میانگین نرخ بازده اوراق گام در محدوده بالاتر از ۲۴ درصد قرار دارد. از آنجا که این اوراق، ماهیتا مشابه اسناد خزانه اسلامی هستند، مقایسه نرخ بازده آنها با نرخ بازده اسناد خزانه نشان می‌دهد که در نیمه اول امسال همواره شکافی حدود ۲ واحد درصد میان این دو نرخ وجود داشته است و این موضوع نشانگر هزینه بالاتر تامین مالی بخش خصوصی با استفاده از اوراق گام است. البته باید توجه داشت که بنا به شرایط فعلی نرخ تورم، تامین مالی با نرخهای فعلی نیز برای بنگاهها جذابیت دارد و با توجه به انتظار کاهش تدریجی نرخ تورم در نیمه دوم سال، انتظار کاهش تدریجی نرخ بازده اوراق گام نیز وجود خواهد داشت.

دولتی در حال تغییر بود، در نیمه اول سال ۱۴۰۱ به سمت اوراق شرکتی و تامین مالی بخش خصوصی بهبود یافته است. در رابطه با دلایل تغییرات ایجاد شده در ترکیب و ساختار بازار بدهی طی نیمه اول امسال، باید توجه داشت که واکاوی ماهیت رشد اوراق شرکتی نشان می‌دهد افزایش سریع انتشار اوراق گام، نقش مهمی در رشد ارزش بازار اوراق شرکتی داشته است. اوراق گام یا گواهی اعتبار مولد که برای تامین سرمایه در گردش بنگاهها و تامین مالی طی زنجیره تولید یک محصول مورد استفاده قرار می‌گیرند، اوراق کوتاه‌مدت با سررسید کمتر از یکسال و بدون کوپنی هستند که در سال جاری به شدت مورد استقبال بنگاهها قرار گرفته‌اند و شرکت‌های متعددی در صنایع مختلف اقدام به انتشار و استفاده از این اوراق کرده‌اند. به نظر می‌رسد یکی از مهمترین دلایل استقبال بنگاهها از این اوراق در سال جاری، مساله تنگنای نقدینگی و کاهش پرداخت تسهیلات توسط نظام بانکی بوده است که شرکتها را مجبور کرده برای رفع نیازهای کوتاه‌مدت خود در حوزه نقدینگی، از ابزارهای بازار سرمایه بهره‌برداری نمایند. در واقع از آنجا که سیاست‌های پولی بانک مرکزی جهت کنترل متغیرهای پولی و نرخ تورم سبب شده تا پرداخت تسهیلات توسط نظام بانکی در ماههای اخیر به شدت کاهش یابد، برخی از بنگاهها برای رفع نیاز نقدینگی خود از نظام بانکی به سمت بازار سرمایه متمایل شده‌اند. لازم به ذکر است با توجه به آنکه اوراق گام در اقلام ترازنامه بانکهای عامل درج نمی‌شود و در اقلام زیرخط قرار می‌گیرد، عملا انتشار این اوراق مشمول سیاست‌های



کارنامه تامین سرمایه‌ها در تجهیز نقدینگی شرکت‌ها

افزایش پیدا کرد. به طوری که بر اساس آمار منتشر شده از شرکت مدیریت دارایی مرکزی بازار سرمایه به عنوان متولی انتشار اوراق بدهی در بازار سرمایه، عملکرد ۶ ماهه انتشار اوراق (از بهمن ماه ۱۴۰۰ تا پایان تیرماه ۱۴۰۱)، رشد قابل توجهی در این بخش را نشان می‌دهد؛ جایی که آمار تعدادی و حجم موافقت اصولی‌های صادر شده در این بازه زمانی به ترتیب با رشدی معادل ۷۰ و ۴۰ درصد در مقایسه با دوره مشابه در سال مالی گذشته روبرو بوده است. در این میان شرکت‌های تامین سرمایه فعال در بازار سرمایه ایران هر کدام سهمی در این رشد داشته و درصدی از تامین نقدینگی مورد نیاز بنگاه‌های اقتصادی را متقبل شده‌اند.

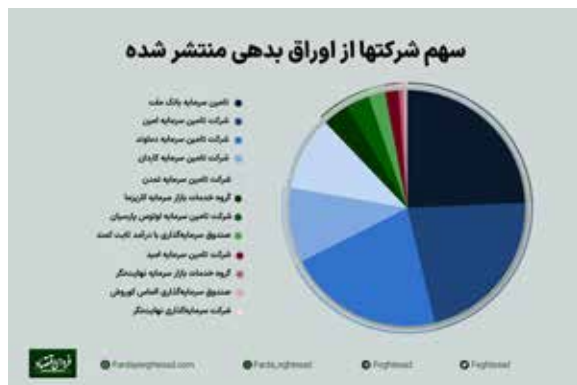
● مهتاب رحمتلی

نحوه تامین منابع مالی بنگاه‌ها یکی از مهمترین دغدغه‌ها و چالش‌های اصلی توسعه فعالان اقتصادی در شرکت‌ها به ویژه بخش خصوصی است. با اینکه گسترش روش‌ها و شیوه‌های تامین مالی از طریق بازار سرمایه در سال‌های اخیر به حل این چالش کمک شایانی کرده و خواهد کرد اما همچنان باید تاکید داشت که دسترسی به منابع مالی ارزان قیمت در فضای کسب و کار قابل اهمیت است.

با توجه به تغییرات به وجود آمده در فضای کسب و کار کشور و توجه آحاد مردم به بازار سرمایه که از سال ۹۹ شکلی جدی به خود گرفت، به عنوان گزینه مناسب برای سرمایه‌گذاری، فرصتی برای تعمیق هر چه بیشتر و گسترش روش‌های نظام تامین مالی از طریق بازار سرمایه فراهم شده است؛ به طوری که در این چند سال شاهد چرخش رویکرد به سمت استانداردهای بین‌المللی یعنی حرکت از تامین مالی بانک‌محور به سمت تامین مالی بازار محور هستیم. بخش عمده‌ای از تامین مالی بازار محور نیز بر عهده بازار سرمایه کشور است. افزایش کم‌نظیر تعداد درخواست تامین مالی از طریق انتشار صکوک از سوی بخش خصوصی در کنار افزایش حجم انتشار یافته، حاکی از توجه ویژه بخش خصوصی به بازار بدهی در جهت تامین نیازهای مالی است. توسعه ابزارهای مالی و به کارگیری روش‌های نوین تامین مالی، رشد سریع بازار سرمایه را در سال‌های اخیر به دنبال داشته است. بدین ترتیب بازار سرمایه توانسته در کنار بازار پول به تقویت و رشد بنگاه‌های اقتصادی و اجرای اثربخش سیاست‌های مالی و پولی دولت، کمک شایانی توجهی کند.

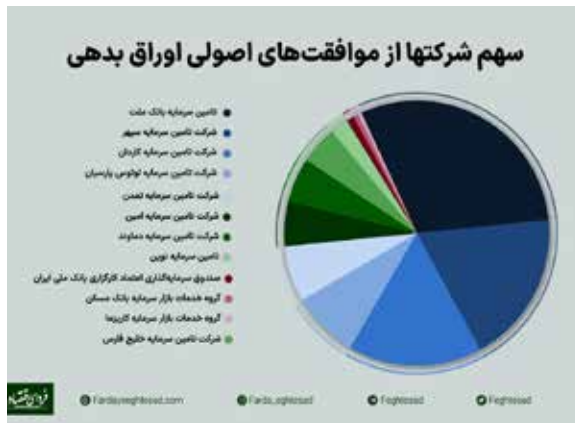
آمارها چه می‌گویند؟

پس از گذشت زمان و معرفی هر چه بیشتر بازار سرمایه و همچنین توسعه روش‌های نوین تامین مالی بنگاه‌های اقتصادی، حجم تامین مالی از بازار سرمایه نیز طی سال‌های گذشته



همچنین سازمان بورس و اوراق بهادار از ابتدای سال ۱۴۰۱ تا کنون (۲۰ مهرماه ۱۴۰۱) بالغ بر ۴۶ عدد موافقت اصولی انتشار انواع صکوک در مجموع به مبلغ بیش از ۳۶۷ هزار میلیارد ریال را صادر کرده است. در این میان، ۷۰ درصد از موافقت اصولی‌های صادر شده مربوط به متقاضیانی است که برای نخستین بار برای تامین مالی به بازار بدهی کشور رجوع کرده‌اند. در این میان طبق گزارش‌های منتشر شده، ۱۳ عدد از موافقت‌های اصولی صادره طی دوره مورد گزارش مربوط به بانیهایی است که برای تضمین پرداخت‌های مرتبط با اوراق خود از روش توثیق سهام، رتبه اعتباری یا ترکیب این دو استفاده کرده‌اند. همچنین در این مدت حدود ۲۱۹ هزار میلیارد ریال صکوک بدهی از بازار سرمایه منتشر شده است که در مقایسه

بنگاه‌های خصوصی در این دوره منتشر کند. عمده تامین مالی صورت گرفته از این تامین سرمایه در دو شرکت فولاد غدیر نیریز و آهن و فولاد غدیر ایرانیان بوده است. تامین سرمایه‌های کاردان و تمدن نیز هر کدام سهم ۱۰ درصدی از کل اوراق منتشره را بر عهده داشتند. تامین نقدینگی مورد نیاز شرکت‌های توسعه سرمایه‌گذاری سامان، صنعت غذایی کورش، گروه صنعتی پاکشو و دبش سبز گستر با همکاری شرکت تامین سرمایه کاردان و تامین مالی شرکت‌های سولیکو کاله، پدیده شیمی پایدار و کرمان موتور نیز از بستر تامین سرمایه تمدن صورت گرفته است.



همچنین از ابتدای سال جاری تا کنون (۲۰ مهرماه ۱۴۰۱)، موافقت اصولی برای انتشار ۴۶ عدد انواع صکوک به ارزش بیش از ۳۶۷ هزار میلیارد ریال از سوی سازمان بورس اوراق بهادار صادر شده است. در این میان بیش از ۱۱۱ هزار میلیارد ریال یعنی بالغ بر ۳۰ درصد از کل به تامین سرمایه بانک ملت، ۶۸،۵ هزار میلیارد ریال به تامین سرمایه سپهر و بیش از ۶۰ هزار میلیارد ریال به تامین سرمایه کاردان تعلق دارد. همچنین ۳۰،۲ هزار میلیارد ریال سهم تامین سرمایه لوتوس پارسین و ۲۵ هزار میلیارد ریال سهم تامین سرمایه تمدن بوده است. دو تامین سرمایه امین و دماوند نیز هر کدام موافقت اصولی برای انتشار ۲۰ هزار میلیارد ریال اوراق را دریافت کرده‌اند. در ادامه نیز ۱۷ هزار میلیارد ریال به تامین سرمایه خلیج فارس، ۸ هزار میلیارد ریال نیز به تامین سرمایه نوین و ۲،۳ هزار میلیارد ریال نیز به تامین سرمایه مسکن تعلق داشته است. مابقی موافقت اصولی‌های صادره نیز در اختیار صندوق سرمایه‌گذاری اعتماد کارگزاری بانک ملی ایران و گروه خدمات بازار سرمایه کاریزما قرار دارد.

با مدت مشابه سال گذشته، رشد قابل توجهی نشان می‌دهد. این در حالی است که آمارهای جهانی از میزان صکوک منتشر شده در دیگر کشورهای دنیا، روندی معکوس نشان می‌دهد؛ به طوری که در نیمه نخست سال ۲۰۲۲ مجموعاً ۱۰۰،۹ میلیارد دلار صکوک در جهان منتشر شد که نسبت به ۱۰۴،۲ میلیارد دلار دوره مشابه در سال گذشته اندکی کاهش داشت. با وجود شروع مقتدرانه سال ۲۰۲۲، برخی عوامل در کاهش شتاب انتشار صکوک جهانی تأثیر گذار بودند از جمله، سیاست پولی انقباضی فدرال رزرو و سایر بانک‌های مرکزی و همچنین افزایش قیمت نفت که نیازهای استقراری ناشرین دولتی صکوک را کاهش داد. همچنین حجم انتشار صکوک ارزی در نیمه اول سال میلادی جاری به ۲۲ میلیارد دلار رسید که نسبت به ۳۳،۲ میلیارد دلار دوره مشابه در ۲۰۲۱ کاهش ۱۰ درصدی داشت و در عوض ناشران صکوک بیشتر بر روی بازارهای داخلی خود متمرکز شدند. در این میان سهم سه کشور مالزی، عربستان سعودی و اندونزی از صکوک منتشره جهانی در سال ۲۰۲۱ و نیمه اول ۲۰۲۲ مجموعاً ۷۵ درصد بوده که آنها را به بزرگترین پایگاه‌های انتشار صکوک در جهان مبدل کرده است.

اما در ایران طی سال‌های گذشته وضعیت متفاوت بود و شاهد رشد تعدادی و ربالی در موافقت اصولی‌های صادره از سوی سازمان بورس برای انتشار اوراق بدهی بودیم. البته وضعیت به همین محدود نشد و انتشار اوراق نیز رکوردشکنی کرد. در این میان تامین سرمایه‌های فعال در بازار سرمایه نیز فعالیت قابل توجهی از خود نشان داده و توسعه چشمگیری داشتند. به طوری که بیش از ۲۴ درصد از مجموع ۲۱۹ هزار میلیارد ریال اوراق بدهی که از ابتدای سال جاری تا کنون در بازارهای بورس و فرابورس منتشر شده است، سهم انتشار اوراق در تامین سرمایه بانک ملت بوده است. این تامین سرمایه از ابتدای سال جاری تا کنون بالغ بر ۵۳ هزار و ۲۹۰ میلیارد ریال انواع صکوک را در بازار بدهی منتشر کرده که در این میان می‌توان به تامین مالی شرکت‌های بهمن دیزل، تولیدی فولاد سپید فراب کویر، کرمان موتور، کارخانجات تولیدی شیشه دارویی رازی و شرکت صنایع سلولزی ماریناسان اشاره کرد.

رتبه دوم به تامین سرمایه امین با سهم حدود ۲۲ درصدی از کل اوراق منتشر شده اختصاص یافت. این تامین سرمایه نیز از ابتدای سال جاری بالغ بر ۴۸ هزار میلیارد ریال اوراق برای تامین مالی سازمان تامین اجتماعی و سرمایه‌گذاری صندوق بازنشستگی کشوری منتشر کرده است. تامین سرمایه دماوند با اختلافی اندک در رتبه سوم قرار گرفت و توانست ۴۶ هزار و ۵۰۰ میلیارد ریال اوراق برای تامین مالی



چالش‌های پیش روی تأمین مالی در ایران

● علیرضا توکلی کاشی
معاون توسعه کانون
نهادهای سرمایه‌گذاری

راه‌حل آن است که نرخ تأمین مالی کاهش پیدا کند. برای کاهش نرخ تأمین مالی هم باید منتظر کاهش نرخ تورم و هم باید منتظر اقداماتی از سوی بانک مرکزی در زمینه نظارت بر سیستم بانکی و بازیگری بهتر بانک مرکزی در بازار بین بانکی و عملیات بازار باز باشیم؛ به‌گونه‌ای که همگام با کاهش نرخ تورم بتوان نرخ بهره یا سود اوراق را هم به ارقام زیر ۱۵ درصد کاهش داد که در این صورت تنها مانع تأمین مالی شرکت‌ها از طریق بازار سرمایه می‌تواند مرتفع شود.

چالش دومی که در زمینه تأمین مالی از بازار سرمایه با آن روبرو هستیم آن است که شرکت‌هایی که می‌خواهند از طریق بازار سرمایه با انتشار اوراق تأمین مالی کنند، باید صورت‌های مالی شفافی داشته باشند، دو دفتره نباشند و از شفافیت مالیاتی برخوردار باشند. این مسئله در رابطه با سیستم بانکی، نوعی آربیتراژ ایجاد می‌کند. بنابراین برای اینکه تأمین مالی از طریق بازار سرمایه توسعه پیدا کند، آربیتراژ مقرراتی و تفاوت برخورد با شخص تأمین مالی کننده، تغییر پیدا کند. البته در چند سال گذشته بانک‌ها سخت‌گیری‌هایی را دارند و به تدریج تأمین مالی را براساس مستندات و داده‌های مالی اقدام می‌کنند. با این حال همچنان تأمین مالی از طریق سیستم بانکی راحت‌تر و با سختی کمتری انجام می‌شود. حتی در برخی موارد مشاهده می‌شود که نرخ سود آن نیز پایین‌تر است. این تفاوت سبب می‌شود که تأمین مالی از طریق بازار بدهی توسعه پیدا کند، اما اگر این اختلاف مقررات از بین برود و مقررات یکسانی در هر دو بازار حاکم شود، مطمئناً تأمین مالی از طریق بازار بدهی، صرفه‌های زیادی را برای شرکت‌ها به همراه دارد و حتی شاید یکی از مزایای عمده تأمین مالی از بازار بدهی، آن باشد که در بازار بدهی، تأمین مالی بلندمدت تا پنج سال را به راحتی می‌توانیم انجام دهیم.

اوضاع تأمین مالی در ۱۰ سال اخیر پیشرفت خیلی خوبی داشته است، به‌گونه‌ای که حجم بازار بدهی که در پایان سال ۹۰ که چیزی حدود ۲۹ هزار میلیارد تومان بود، در شهریورماه ۱۴۰۱ به ۵۷۴ هزار میلیارد تومان رسیده است. از این اوراق، سهم بخش خصوصی که در انتهای سال ۹۰ در حدود ۲ هزار ۷۰۰ میلیارد تومان بود، در شهریور ۱۴۰۱ به حدود ۴۸ هزار میلیارد تومان رسیده است. بنابراین می‌توانیم بگوییم که بازار بدهی نقش خوبی را در تأمین مالی ایفا کرده است و رشد قابل توجهی داشته است.

بازار بدهی اکنون دارای تنوع بالایی برای تأمین مالی شرکت‌هاست، به‌گونه‌ای که یک زمانی تنها راه تأمین مالی شرکت‌ها از طریق بازار بدهی، اوراق مشارکت بود، اما اکنون اوراق متنوعی همچون صکوک اجاره، صکوک مرابحه، اوراق سلف، اوراق منفعت، اوراق استصنا، اوراق رهنی، اوراق گام و اوراق خرید دین در اختیار بخش خصوصی برای تأمین مالی قرار دارد.

علاوه بر این ایجاد سکوی تأمین مالی جمعی، این انعطاف‌پذیری را ایجاد کرده است که شرکت‌های کوچک‌تر که ریسک به نسبت بالاتری دارند یا تضامین کافی را ندارند، بتوانند ارقام کوچکی را در حد ارقام کوچکی در حد زیر ۲۰ میلیارد تومان تأمین مالی کنند.

شاید بتوان گفت در حال حاضر مهم‌ترین مسئله‌ای که در تأمین مالی با آن روبرو هستیم بحث نرخ آن است، به نحوی که بسیاری از کسب‌وکارها، نوع کسب‌وکارشان به‌گونه‌ای است که قادر به تأمین و پرداخت سودهایی بیش از ۲۰ درصد نیست، درحالی‌که با توجه به شرایط تورمی کشور و سود مورد انتظار سرمایه‌گذاران در بازار بدهی، چیزی در حدود حداقل ۲۵ درصد است و با توجه به ریسک شرکت و اندازه تأمین مالی، ممکن است این سود مورد انتظار تا ۳۵ درصد هم افزایش پیدا کند که فشار بالایی را به شرکت‌ها وارد می‌کند و طبیعتاً

بازار سرمایه



سرنوشت بورس چه می‌شود؟

● فاطمه اسماعیلی

که نماگرهای بورسی در این بازه ۲,۵ ساله حول و حوش ۳۰ درصد کاهش ارتفاع داده‌اند برخی از سهامداران بیش از نیمی از سرمایه خود را از دست داده‌اند. پاسخ به این سوال که آینده برای بورسی‌ها چگونه خواهد بود، چندان آسان نیست و به نظر محرک‌های بیم و امید در خصوص روند آتی این بازار خسته، از وزنی یکسان برخوردارند و باید دید کدام یک در این جدال، پیروز خواهند شد.

مسیر برجای بورس تهران

بیراه نیست اگر بگوییم که مهمترین دلیل نوسانات کم‌مقدار شاخص کل در ماه‌های گذشته، تداوم عدم قطعیت‌های فضای اقتصادی و سیاسی کشور است. جایی که با وجود شنیده شدن اخبار رسمی و غیررسمی که امیدواری به احیای برجام را افزایش داده‌اند، اما دوره انتظار طولانی شده و به نظر حوصله سهامدارانی که حالا بیش از دو سال است هر روز شاهد آب شدن ارزش سرمایه‌های خود در تالار شیشه‌ای هستند، را سر برده است. در چنین شرایطی نیز شاید منطقی‌ترین راه، استراتژی صبر و انتظار برای مشخص شدن چشم‌انداز آتی برای قابل پیش‌بینی شدن فضای اقتصادی کشور باشد. یعنی همان استراتژی که فعالان بورسی در پیش گرفته‌اند و از این رو ورود سرمایه‌های جدید به جریان معاملات سهام را به قطعی شدن سرنوشت برجام موکل کرده‌اند.

حدود ۷ ماه از سال ۱۴۰۱ می‌گذرد و آنگونه که آمارها نشان می‌دهد دماسنج اصلی تالار شیشه‌ای که در دو ماه نخست سال روندی صعودی را در پیش گرفته بود و حتی موقتا موفق به لمس مجدد ابرکانال ۱,۶ میلیون واحد پس از دوری ۱۹ ماهه شده بود، حالا بیش از ۴ درصد از نقطه شروع سال فاصله گرفته است و همزمان با آن شاهد خروج اندک سرمایه‌گذاران حقیقی باقیمانده در جریان دادوستد سهام هستیم.

ارزش معاملات نیز چنگی به دل نمی‌زند و از فضای رکودی حاکم بر بازار حکایت می‌کند. در توضیح اینکه چه شد بازار سهام که در روزهای ابتدایی سال رو به صعود گذاشته بود، تغییر مسیر داد، دلایل بسیاری را می‌توان مطرح کرد.

اما دو عامل اصلی این موضوع را باید در فضای مذاکرات هسته‌ای و البته چشم‌انداز نه چندان مطلوب بازار کامودیتی‌ها جستجو کرد.

تداوم عدم قطعیت‌ها با چاشنی ناامیدی از برخی گشایش‌های اقتصادی و سیاسی و همزمان با آن چالش بازارهای جهانی با تورم‌های رسوخ کرده در اغلب کشورهای دنیا و قاطعیت بانک‌های مرکزی در برنامه‌ریزی با مبارزه با شیطان تورم قبل از آن قدرت بیشتری بگیرد، از مهمترین دلایل ریزش قیمت سهام در روزهای سپری شده از سال جاری است. آن هم در دوره‌ای که حدود ۸۰۰ روز است سهامداران روی خوش بازار را حداقل به صورت پایدار ندیده‌اند و در شرایطی

(که وزن متناسبی از محصولات انرژی - ۲۹.۸۳ درصد، کشاورزی - ۲۲.۵۸ درصد، فلزات اساسی - ۱۵.۴۸ درصد، فلزات گرانبها - ۱۹.۷۵ درصد، مصنوعات کشاورزی - ۷.۰۳ درصد و مصنوعات دامی ۵.۳۴ درصد را پوشش می‌دهد) نشان می‌دهد متوسط قیمت کالاها به دلار طی ۶ ماه گذشته افت حدود ۷ درصدی را تجربه کرده و از اوج تجربه شده در سال جاری میلادی نیز بیش از ۱۴ درصد عقب نشسته است. اما اهمیت این موضوع در چیست؟ بورس تهران طی ۱۵ سال اخیر با ورود پرشمار شرکت‌های بزرگ معدنی، فلزی، پتروشیمی و پالایشی ارتباط مستقیم و مهمی با روند قیمت مواد خام در سطح جهانی پیدا کرده است.

هر چند انتظار می‌رود با بهبود حال و روز کرونایی چین و خروج بازار مسکن این کشور از رکود، کاهش آثار تنش‌های ژئوپلیتیک و البته مهم‌تر از همه توقف تورم جهانی زمینه رشد تقاض برای کامودیتی‌ها و افزایش قیمت آن‌ها را فراهم کند. به هر حال این یکی از موضوعات تعیین کننده روند آتی بورس کامودیتی محور تهران است و از این رو تحولات آن مورد رصد جدی فعالان بازار سهام قرار گرفته است.



ریسک دولت پایان می‌یابد؟

دخالت‌های بی‌پایان در سازوکار بازارها که عینی‌ترین نمونه آن قیمت‌گذاری دستوری در بسیاری از صنایع است، به کابوس همیشگی فعالان اقتصادی تبدیل شده است. اگر نگاهی به عملکرد شرکت‌های تولیدکننده داخلی بیندازیم حتما ردپایی از قیمت‌گذاری و دخالت‌های دولتی در آن یافت می‌شود. دخالت‌هایی

حالا دیگر از زبان هر کارشناسی می‌توان شنید که یکی از مهمترین مواردی که اقتصاد کشور و بورس تهران از آن رنج می‌برد، تحریم‌هاست.

تحریم‌هایی که رفع کامل آن‌ها می‌تواند چاشنی رشد واقعی شرکت‌های بورسی و در نتیجه رشد قیمت سهام باشد.

افزایش ریسک سرمایه‌گذاری که طی سال‌های اخیر به سبب تحریم به اقتصاد ایران تحمیل شد، انتظار سهامداران برای کسب سود را افزایش داد که حاصلی جز کاهش نسبت قیمت به درآمد بازار سهام نداشت. احیای برجام اما در وهله اول با کاهش ریسک‌های سرمایه‌گذاری، جذابیت بورس را به رخ سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی کشیده و می‌تواند رونق واقعی را برای این بازار به ارمغان بیاورد.

با این حال، پرونده برجام اگر بدون نتیجه نیز بسته شود می‌تواند به نوعی دیگر بورس را منتفع کند با این تفاوت که دیگر نمی‌توان انتظار رشدی واقعی را برای بازار سهام و شرکت‌های فعال در آن دانست. در واقع در صورت تحقق چنین سناریویی، بورس احتمالا مجددا شاهد سرریز شدن سرمایه‌های گریزان از تورم خواهد بود تا از این منظر رشدی اسمی که انتظار نمی‌رود پایدار باشد، بازار را در برگیرد. در حال حاضر اما نامشخص بودن سرنوشت احیای برجام است که بیشترین آسیب را به سهامداران و بازار زده است و به نظر می‌رسد تعیین تکلیف آن حالا هر چه که باشد می‌تواند روند بازار را تغییر دهد.

نگاه بورسی‌ها به بازارهای جهانی

یکی از متغیرهایی که همواره در روند معاملات سهام به‌خصوص سهام کالایی بورس تهران اثرگذار بوده، روند قیمتی فلزات در بازار جهانی است. جایی که شاهد ارتباط مستقیم بیش از ۶۰ درصد شرکت‌های بازار سهام با قیمت‌های جهانی هستیم. این در حالی است که روند رو به رشد تورم جهانی و قاطعیتی که فدرال رزرو و دیگر بانک‌های مرکزی دنیا برای مقابله با شیطان تورم در پیش گرفته‌اند، موجبات ریزش قیمت کامودیتی‌ها را فراهم کرده است. آنگونه که شاخص کالایی بلومبرگ، با پوشش سبد متنوعی از مواد خام



دوم سال وزن قابل توجهی به بودجه خواهد داد. اینکه بودجه ۱۴۰۲ به چه سیاستی بسته شود و انتظاراتی که سرمایه‌گذاران دارند آیا در آن لحاظ می‌شود یا خیر، از اهمیت ویژه‌ای برای کلیت بازار برخوردار است.

چشم‌انداز بورس با نگاه به رقبا

طی سال‌های گذشته افزایش ریسک‌های سیستماتیک و فضای تورمی سبب کوچ سرمایه‌ها به بازارهای سفته‌بازانه‌ای همچون ملک، دلار و خودرو شده بود. شرایطی که حباب قیمتی در این بازارها را هر روز بزرگ و بزرگتر کرد.

در بازار مسکن به سبب جهش قیمت و در کنار آن نبود مالیات موثر و اثرگذار و البته رکود بازارهایی همچون بورس، تقاضای مازادی ایجاد شد تا در نتیجه آن سرمایه‌گذاران به دنبال کسب سود حداکثری از جهش قیمت مسکن هستند و نه از اجاره‌بها. از این رو نسبت P/R که می‌تواند معیار مناسبی برای سنجش حباب در این بازار باشد در شرایط فعلی از ایجاد حباب جدی در این بازار حکایت می‌کند. بر اساس آخرین آمارها،

که جان تولیدکنندگان را به لب رسانده تا به عنوان نمونه در صنعت خودرو هر روزه شاهد انباشت بیشترین زیان باشیم و زبان تولیدکنندگان کالاهای اساسی نیز جز به گله نگردد. این مهم نیز تا حدودی به باز شدن گره برجام و رفع تحریم‌ها وابسته است. جایی که به نظر می‌رسد با باز شدن فضای اقتصادی و کاهش فشار بر دولت، شاهد پاپس کشیدن از سیاست‌های دستوری و دخالت در سازوکار بازارها باشیم که قطعاً سهامداران بورسی را بی‌نصیب نخواهد گذاشت. با این حال در صورت تداوم شرایطی که در چند سال گذشته، آسیبی جدی به اعتماد و سرمایه فعالان بازار سهام زده است، نمی‌توان انتظار داشت تا بورس تهران هیچگاه در مسیر رونق پایدار و واقعی که از کانال رشد و توسعه اقتصادی بگذرد، باشیم.

انتظار برای بودجه ۱۴۰۲

این روزها شاهد افزایش تحلیل‌ها از بودجه احتمالی سال ۱۴۰۲ و اثراتی که بر بخش‌های مختلف اقتصادی می‌تواند به جای بگذارد، هستیم. بازار سهام نیز در نیمه

همچنان خودرو حبابی حداقل ۱۵ درصدی دارد اما قیمت واقعی در شرایط متعادل و غیر تحریمی، حتما پایین تر خواهد بود.

در بازار سهام اما P/E فوروارد بر اساس آخرین گزارش اجماع تحلیلگران حدود ۵,۱ مرتبه است؛ این در حالی است که میانگین تاریخی این نسبت حدود ۷ واحد برآورد می شود. به این معنی که نسبت قیمت به درآمد بازار سهام بیش از ۲۷ درصد پایین تر از میانگین تاریخی خود قرار دارد.



با این تفاسیر انتظار می رود بار دیگر شاهد جابه جایی پول ها میان گزینه های سرمایه گذاری باشیم. در این میان اما به نظر می رسد بورس تنها بازار داخلی باشد که به دلیل هضم کردن تحولات برجامی و پتانسیل های نهفته، با احیای برجام به پناهگاه جدید سرمایه گذاران تبدیل شود.

البته اگر برجام مجددا احیای شود و گشایش های سیاسی و اقتصادی اثری واقعی بر رشد سودآوری بنگاه های بورسی به جای بگذارد.

بورسی ها هنوز خاطره رشد قیمت سهام به ویژه گروه های موسوم به صنایع برجامی را در دهه ۹۰ فراموش نکرده اند. دوره ای که با به ثمر نشستن برجام، صنایعی که بیشترین آسیب را از تحریم ها متحمل شده بودند، مورد توجه سرمایه گذاران قرار گرفتند؛ به طوری که شاخص صنعت خودرو در سال ۹۴، رشد بیش از ۱۱۵ درصدی را تجربه کرد. حالا پس از هشت سال باید دید آیا این تجربه شیرین تکرار می شود؟

نسبت قیمت یک متر مربع مسکن تهران نسبت به اجاره سالانه آن در زمستان ۱۴۰۰ به حدود ۲۸ مرتبه رسید؛ این در حالی است که میانگین متعارف این نسبت حدود ۲۱ واحد است.

در بازار ارز، بیشترین نوسانات حول اخبار و تحولات سیاسی می چرخد. جایی که شاهد ثبت رکورد قیمتی جدید دلار آزاد در روزهای نخست مهرماه بودیم و شکاف میان دلار فردوسی و نیما مجددا از ۲۰ درصد فراتر رفت. در این میان کارشناسان اقتصادی انتظار دارند در صورت حصول توافق و افزایش منابع ارزی، سیاستگذار برای دیگر تقاضاهایی که در حال حاضر از کانال بازار آزاد تامین می شود، ارز کافی در اختیار داشته باشد و این انگیزه ایجاد شود که نرخ دلار به سمت تک نرخی شدن حرکت کند. این تک نرخی شدن نیز می تواند روی دلار نیمایی اتفاق بیفتد.

در نتیجه می تواند این اختلاف ۲۰ درصدی را به عنوان حباب دلار تلقی کرد.

بازار سکه نیز وضعیت چندان متفاوتی ندارد. قیمت هر قطعه سکه در حال حاضر در نیمه بالایی کانال ۱۴ میلیون تومان در حال نوسان است؛ این در حالی است که ارزش ذاتی سکه، ۱۳ میلیون تومان برآورد می شود. یعنی سکه بیش از ۱۴ درصد بالاتر از ارزش ذاتی خود در حال معامله است.

ضمن اینکه در حال حاضر این ارزش ذاتی بر اساس نرخ فعلی دلار آزاد محاسبه شده است و کاهش نرخ اسکناس آمریکایی، خود می تواند حباب این ها را بزرگتر نیز کند.

خودرو نیز از این روند صعودی جانمانده است. عرضه خودرو در بورس کالا نشان داد که در حال حاضر این کالا نیز بالاتر از ارزش ذاتی خود در حال معامله است. با توجه به دادوستد خودروها در فضایی رقابتی و شفاف، می توان به جرات گفت که این بازار از حبابی حداقل ۱۵ درصدی برخوردار است و سه عامل آزادسازی واردات، کاهش تعرفه ها و کاهش نرخ دلار می تواند حباب خودرو را پتانسیل ویژه ای برای کاهش بسیار بیشتر حباب در این بازار فراهم کند. چرا که تحت شرایط فعلی یعنی ممنوعیت واردات، تعرفه های بالا و نرخ کنونی دلار آزاد



سهامداران و سازمان بورس

● مهدی طحانی
کارشناس بازار سرمایه

سال اخیر به دلیل سیاستهای پولی و ارزی نامناسب، کسری بودجه دولت و مشکلات سیستم بانکی که ناشی از عدم نظارت کافی بر سیستم پوسیده بانکهای ایرانی است، همواره نرخ تورم میانگین سالانه بیش از ۲۴ درصد و رشد اقتصادی حتی کمتر از صفر (به دلیل محاسبه استهلاک) بوده است. به عبارتی اقتصادی داریم که وزن تامین منابع مالی اداره کشور بر روی نفت و مشتقات نفتی و سپس مالیات و از طرفی در سمت هزینه‌ها، بیشتر هزینه‌های جاری قرار دارد. یعنی اینکه اقتصاد دارد به طور روزمره اداره می‌شود. حال پدیده‌ای به عنوان تحریم که شریان اصلی منابع مالی ایران را نشانه می‌گیرد، باعث می‌شود که دولت‌های ولخرج، در تخصیص منابع ناکارا دچار کسری بودجه شوند. از طرفی با توجه به اینکه برنامه‌ریزی‌های کافی نیز برای توسعه فضای کسب و کار در اقتصاد انجام نشده، رشد اقتصادی محدود شده، دولت‌ها برای استقراض ابتدا دست در جیب بانک مرکزی، سپس مردم و جیب شرکت‌ها می‌برند. یک بازی باخت-باخت در اقتصاد برای مردم و دولت و باخت-برد برای عده معدودی از دلان و رانت‌خواران ایجاد می‌شود. شکاف اجتماعی بین مردم بیشتر می‌شود. از سال ۹۸ تا کنون میانگین نرخ تورم سالانه در ایران بیش از ۳۸ درصد و فرایند تشکیل سرمایه همچنان بسیار اندک است. جهش‌های ارزی ممتد در اقتصاد اتفاق افتاده و به طور میانگین ماهانه بیش از ۸۰۰ میلیون دلار خروج ارز از کشور داریم. ایرانیان یکی از بزرگترین خریداران ملک در ترکیه هستند. به همراه مهاجرت منابع

جمله‌ای معروفی هست که عنوان می‌کنند نوسان ذات بورس است. به نظر می‌رسد که در این بیش از دو سال گذشته (از ابتدای سال ۹۹ تا کنون) این جمله در فضای اقتصادی ایران، دستمایه پوشاندن ناکارایی‌های حکمرانی و اشتباهات سیاستگذاری اقتصادی است که نتیجه آنها به ضرر شرکت‌ها، بورس و البته سهامداران بوده است. تا پیش از سال ۹۹، بورس ایران مکانی بود که اکثر افراد آشنا با این بازار در آن فعال بودند. هیجانات در بازار بود ولیکن بسامد این هیجانات در ارزش معاملات و تصمیمات سرمایه‌گذاری به مانند امروز نبود. سرمایه‌گذاران کم و بیش خود را با وضعیت جاری اقتصاد و کیفیت سیاستگذاری تطبیق داده بودند.



اقتصاد ایران در طول ۵۰ سال گذشته با درآمدهای نفتی که سهم بالایی در تامین منابع مالی دولت‌ها داشته به طور مکرر دچار تخصیص ناکارای منابع شده است. در ۱۰

نتیجه تشویق‌های دولتی و سلبریتی‌های بورسی و البته مردم هیجان زده که برای فرار از تورم به دنبال یک محل برای سودآوری بودند، در مرداد ۹۹ به یکباره دیوار اعتماد بورس ترک برداشت و ریزش قیمت‌ها در تالار شیشه‌ای شروع شد. جالب است که دولت عملاً از این صعود و داغ کردن بازار به نسبت منابعی که می‌توانست جمع کند و از ۴ صندوقی که قرار بود بفروشند، عملاً ۲ صندوق را توانستند به فروش برساند که در حال حاضر به نماد ناکارایی دولت در مواجهه با بورس تبدیل شده است.



مدیران سرمایه‌گذاری که عموماً در شرکت‌های خصوصی مشغول به فعالیت هستند، نیز عموماً نظاره‌گر این اتفاق بودند و در زمان ریزش بورس در ابتدا بزرگترین فروشندگان سهام و سپس با وضع قانون عجیب بازارگردانی، از بزرگترین خریداران شدند. به عبارتی کسانی که منفعل بودند را در جای دیگر تکلیف برایشان مشخص کردند. هر چه در مورد این روزها صحبت شود کم است.

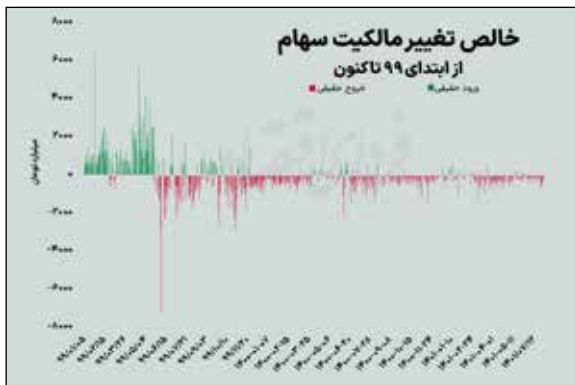
یکی از مشکلات آن دوران، حضور مستقیم مردم در بورس بود. یکی از علت‌های این اتفاق عدم توسعه نهادهای مالی در زمان ریاست آقای شاپور محمدی در بورس (ابتدای سال ۹۹ استعفا دادند) بود. در آن دوره عموماً جلوی صدور مجوز تاسیس نهادهای مالی گرفته می‌شد، افزایش سقف به صندوق‌های سرمایه‌گذاری به سختی اعطا می‌شد و همه این موارد باعث شد که وقتی مردم در سال ۹۹ به بورس آمدند، صندوق‌های سرمایه‌گذاری پر شدند و نهادهای مالی زیادی برای ارائه محصولات مالی وجود نداشته باشد. با استعفای ایشان فضای ارائه مجوزها باز شد ولی اصولاً به دلیل سیاست‌گذاری‌های ناکارا و عدم ارتباط مناسب بدنه سازمان بورس با بازار سرمایه و غافل

مالی، مهاجرت منابع کارای انسانی نیز افزایش داشته است. به گفته جامعه‌شناسان با توجه به بافت جمعیت ایران به نظر فرصت کار برای نیروی کاری که در دهه ۶۰ متولد شد، بیش از ۵ سال نیست؛ به عبارتی در ۲۰ سال آینده جمعیت ایران وارد کهنسالی خواهد شد و توان کار خود را از دست می‌دهد. به عبارتی از الان باید برای آن دوران برنامه‌ریزی کرد. حدود ۱۹ سال است که در فرایند مذاکرات هسته‌ای قرار داریم. نتیجه این اتفاق سیاسی، تحریم و دور کردن سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی از فضای کسب و کار ایران بوده است. جدای از مسئله تحریم که البته مسئله مهمی است، سیاست‌گذاری‌های اشتباه ممتد اقتصادی در ایران به بدنه کسب و کار لطمات بالا وارد کرده است. تصمیمات خلع‌الساعه اقتصادی و عدم وضع قوانین مالیاتی بر بازارهای سفته‌بازی، اقتصاد ایران را به بهشت سفته‌بازی در هر کالای غیرفاسدشدنی مانند مسکن، خودرو و ... تبدیل کرده است.

حال، در این فضا بود که سال ۹۹ دولت، توجه مردم را به بورس جلب می‌کند. بانک مرکزی نرخ‌های بهره بین بانکی را کمتر از ۱۰ درصد تعیین می‌کند. دولت سیاست فروش سهام (به دلیل پوشش کسری بودجه) را در پیش می‌گیرد و شعار سهام‌داری مردم در شرکتها را سر می‌دهد. از این دوران به عنوان تغییر نگرش در حکمرانی اقتصادی در زمینه اداره شرکتها و رویکرد جدید به بورس عنوان می‌شد. این فرایند توسط افراد موثر خارج از دولت نیز تشویق شد. تا مرداد سال ۹۹ بیش از ۱۲۰ هزار میلیارد تومان خالص ورود پول اشخاص حقیقی به بورس بود. هر روز نماگر بورس بیشتر ارتفاع می‌گرفت و با هر رشدی افراد بیشتری به سمت بورس می‌آمدند. مردم ایران که عادت دارند اصولاً در صف، کالاهای خود را بخرند این بار هم فرایند صف‌نشینی، علامت یک اتفاق خوب را به آنها می‌داد. صف برای مردم تصمیم می‌گرفت که چه باید انجام دهند. به دلیل ضعف نظارت‌ها در بورس در کنار تشویق‌های دولتی، سلبریتی‌هایی که مدعی مدرس کسب و کار بورس بودند، وارد ماجرا شدند. با برگزاری لایوهای اینستاگرامی و دیگر شبکه‌های اجتماعی و تحریک بیشتر مردم در راستای بالا بردن قیمت سهام خود و فروختن با بهایی گزاف به مردم بسیار فعال شدند (با ریزش بورس این افراد همین کار را عموماً در بازار رمز ارز انجام دادند).

توجه به اینکه در ایران همواره تورم داریم، عموماً تجدید ارزیابی دارایی در سرفصل ماشین‌آلات (به دلیل محاسبه استهلاک که کاهنده سود است) محاسبه نمی‌شود و اگر این اتفاق بیفتد عملاً بیشتر شرکت‌های ایرانی با قیمت روز ماشین‌آلات زیان‌ده هستند. به عبارتی اگر مینا را به جای سود حسابداری، سود اقتصادی در نظر بگیریم، با قیمت‌گذاری دستوری که در اقتصاد رخ داده عملاً بسیاری از شرکتها زیان‌ده هستند.

در زمان نگارش این نوشتار از ابتدای سال ۹۹ تا کنون خروج پول اشخاص حقیقی حدود ۵۹ هزار میلیارد تومان شده است.



فرصت بزرگ جلب اعتماد مردم به بورس (حداقل در میان‌مدت) از دست رفت. این عدم اعتماد باعث شد، مردمی که به دنبال سرپناه برای پس‌انداز ریالی شان بودند، بیشتر روانه به سمت بازارهای سفته‌بازی شوند. سرریز این اتفاق منجر به افزایش افسارگسیخته ارزش ملک و به تناسب آن افزایش هزینه اجاره شد. طبق آمارها، گفته می‌شود که بیش از ۵۰ درصد مردم تهران مستاجر هستند و بیش از ۵۰ درصد بخش عمده حقوق خود را بابت اجاره پرداخت می‌کنند. با قیمت‌گذاری دستوری و تخصیص ناکارآمد منابع، تولیدکنندگان در اجرای طرح‌های توسعه تعلل می‌کنند و اشتغال در وضعیت ناپایداری قرار می‌گیرد. مجموعه این اتفاقات یعنی کاهش رفاه اقتصادی. چنین جامعه‌ای مانند انبار باروت است و ممکن است هر آن یک جرقه، فضای اجتماعی را ملتهب کند. این موضوع یعنی یک ریسک جدید در اقتصاد. به عبارتی یک دومینوی خودتخریبی در اقتصاد. حال، سازمان بورس به عنوان متولی بازار سرمایه چه

گذاشتن فعالان بازار از تلاش‌های خود، فضای بورس روز به روز منفی‌تر می‌شد. از آنجایی که فرایند صف‌نشینی برای ورود سرمایه‌گذاران به بورس تصمیم گرفته بود، حال همین فرایند در صف‌های فروش دستور خروج سرمایه‌گذاران از بورس را می‌داد. از دولت دیگر خبری نبود و سلبریتی بورسی هم که با نعمت دامنه نوسان و حجم مینا دارایی‌های خود را عموماً به بازارگردان‌ها فروخته بودند یا وارد رمز ارز شدند یا وارد سایر بازارهای سفته‌بازی. بورس ماند با مردمی که از ترس تورم در آن بودند و فعالان قدیمی‌تر و بازارگردان‌هایی که حالا کیسه‌شان کامل از سهام پر شده است.

در ادامه رییس وقت سازمان بورس برای مدیریت بحران به وجود آمده تصمیم عجیب وضع دامنه نوسان نامتقارن را گرفت. صف‌های فروش مستحکم‌تر شد و اصلاح طولانی‌تر. مردم از نمایندگان مجلس و افراد خارج از دولت یاری طلبیدند. جلسات متعددی در مجلس و جاهای دیگر برگزار شد و رفتار دولت وقت مورد نکوهش قرار می‌گرفت.

کار دولت دوازدهم با تمام خاطراتش تمام شد. آقای رئیسی اولین رییس‌جمهوری بود که در دوران انتخابات پا به تالار بورس تهران گذاشت. با معامله‌گران دیدار کرد و قول مساعدت برای اوضاع بورس داد. یادمان نرود که بازار سرمایه معلول شرایط واقعی اقتصاد است و نمی‌توان بدون در نظر گرفتن سایر متغیرها برای این بازار رشد معناداری متصور شد. حال، سرمایه‌گذاران به بهبود کیفیت سیاست‌های اقتصادی امیدوار شدند. ولیکن تورم بالا بود و کسری بودجه دولت هم همچنان پا برجا. موتور تولید نقدینگی در ایران سالانه بیش از ۴۰ درصد به نقدینگی کشور اضافه می‌کرد. دولت به غیر از بورس درگیر موضوعات اجتماعی ناشی از گرانی کالاها، افزایش اجاره‌بها و البته برجام نیز بود. ناترازی بانک‌ها هم هر روز بیشتر از قبل شد. دولت با شعار مبارزه با تورم سراغ قیمت‌گذاری دستوری و قرار دادن مردم رو در روی هم (تولیدکنندگان گران فروش در مقابل مصرف‌کنندگان مظلوم) رفت. افزایش حقوق‌های سال ۱۴۰۱ را گردن بخش خصوصی انداخت. با قیمت‌گذاری دستوری، حاشیه سود شرکت‌ها را به بهانه مقابله با تورم تراشید و حاشیه سود بنگاه‌ها دچار چالش جدی شد. با

مبنا در راستای تعادل بخشی سریع تر بازار. ۵. جلسات ممتد با مدیران عامل شرکت های تولیدی در راستای پایش محیط کسب و کار این شرکت ها و کمک به رهاسازی اقتصاد از قیمت گذاری دستوری که نتیجه آن تخصیص بهینه منابع است. ۶. تسهیل فرایند افزایش سرمایه شرکت ها. بازار سرمایه ای خوب است که در خدمت اقتصاد کشور و شرکت ها باشد. در حال حاضر یک افزایش سرمایه از محل آورده نقدی بیش از ۶ ماه به طول می انجامد. این مدل انجام کار برای تامین مالی بسیار ناکارآمد است. ۷. ابزارسازی برای انجام معاملات در بازار. اگر بورس ایران بازاری دو طرفه بود و سایر ابزارهای معاملاتی هم در دسترس سرمایه گذاران قرار داشت، صحنه سرمایه می توانستند خود را سریعاً با اوضاع منطبق کنند. ۸. حضور موثر و آگاهانه تر کارشناسان نظارت بر ناشران سازمان بورس در مجامع شرکت های بورسی به عنوان ناظر و دفاع از حقوق سهامداران خرد. ۹. هماهنگی بیشتر با بانک مرکزی و وزارت اقتصاد برای جلوگیری از اتخاذ سیاست های پولی، ارزی و مالی نامناسب در اقتصاد.

اقداماتی برای برای آینده و برگردان اعتماد مردم به بورس و از طرفی کارآتر کردن بورس برای مردم و شرکت ها می تواند انجام دهد. گردونده ۲ ساله اخیر بورس درس های زیادی برای سیاستگذاران اقتصادی دارد. ۱. ارایه مجوز کسب و کار به نهادهای مالی معطل نگردد و ادامه داشته باشد. هر چقدر نهادهای مالی مختلف وجود داشته باشد به دلیل رقابت ایجاد شده در فضای کسب و کار می تواند برای سرمایه گذاران مفید باشد. البته در سمت دیگر، مشخص کردن ساختار نظارت در فضای مجازی، نهادهای مالی متخلف و برخورد با مدیران دارایی که پیش دستی در انجام معاملات دارند و سلبریتی های حوزه کسب و کار و بورس (سامان دادن به نظارت در فضای مجازی، البته از روش درست) ۲. پشتیبانی مادی و معنوی از نهادهایی که در راستای ارتقای فرهنگ سهامداری و سواد مالی و افزایش کیفیت حکمرانی اقتصادی تلاش می کنند. ۳. اطلاع رسانی شفاف تلاش های صورت گرفته از طرف سازمان بورس و ارکان بازار سرمایه در مورد حمایت از سهامداران خرد و مطالبی که در جلسات شورای عالی بورس پیگیری می شود. ۴. باز کردن تدریجی دامنه نوسان و تعیین تکلیف حجم





اطلاع رسانی هدفمند و هوشمند، یکی از ابزارهای مهم جهت رشد و توسعه کسب و کار شرکت ها و بنگاه های اقتصادی است. گروه "پارس رسانه امروز"، برای مشاوره و ارائه خدمات رسانه ای و روابط عمومی و رفع نیازها و تنگناهای این حوزه ها، در کنار شماست.



اقتصاد کارا
رسانه
مکتوب
و آنلاین

Efficient Economy

پایگاه
خبری اقتصادی
انگلیسی زبان

پیام ایران
پایگاه خبری
سیاسی، اقتصادی،
اجتماعی و فرهنگی

مدیریت رسانه

مرجع تخصصی
مدیریت رسانه و
ارتباطات اجتماعی

وب گلوبال

آژانس
دیجیتال
مارکتینگ

eghtesadkara.com

payameiran.com

webglobal.ir

efficienteconomy.ir

iranmediamanagement.com



تهران، خیابان سهروردی شمالی، خیابان ابن یمن
نشانی خیابان شانزدهم، پلاک ۱۸، واحد ۲



۰۲۱ ۸۸ ۵۳ ۰۴ ۹۱



۰۲۱ ۸۸ ۷۵ ۳۸ ۱۳

روند بازارها



پرنوسان‌ترین سال بازار نفت در سه دهه

● نسیم علایی

سال پرنوسان طلای سیاه

نفت سال ۲۰۲۲ را در حالی آغاز کرد که قیمت‌ها در مسیر افزایشی قرار داشت چراکه با پوشش گسترده واکسیناسیون، تقاضا برای طلای سیاه با سرعتی بیش از افزایش عرضه رشد کرده بود. در آغاز سال نفت برنت در محدوده ۷۹ دلار بر بشکه و نفت خام آمریکا در محدوده ۷۶ دلار بر بشکه معامله می‌شد. حالا قیمت این دو نفت شاخص به ترتیب حدود ۹۸ و ۹۳ دلار بر بشکه قرار دارد که رشد حدود ۲۶ درصدی این دو نفت شاخص را نمایش می‌دهد. با این حال این محدوده به تنهایی نوسان نفت را نشان نمی‌دهد؛ کف و سقف قیمت برنت در این سال ۶۲ دلار فاصله دارد و نفت خام آمریکا هم ۷۴ تا ۱۳۰ دلار معامله شده است.

علاوه بر این بررسی‌ها نشان می‌دهد که در ۹ ماه ابتدای سال تعداد روزهایی که نوسان نفت برنت بیش از ۵ درصد بوده ۲۱ روز است و از این بُعد سال ۲۰۲۲ جزء ۶ سالی (از جمله سال حمله عراق به کویت و بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸) است که طی ۳۰ سال اخیر نوسان زیادی داشته است.

بررسی تغییرات مطلق قیمت نفت حتی نوسان بیشتری را نشان می‌دهد. امسال در مجموع در ۲۴ روز میزان تغییر قیمت نفت بیش از ۵ دلار بوده است و از این منظر سال ۲۰۲۲ پرنوسان‌ترین سال در سه دهه اخیر است.

سال ۲۰۲۲ برای بازار نفت یکی از پرنوسان‌ترین سال‌های تاریخ نفت بوده است.

به طوریکه قیمت نفت شاخص برنت از ابتدای سال در محدوده ۷۷ دلار تا ۱۳۹ دلار معامله شده که به عبارتی به معنای فاصله ۶۲ دلاری کف و سقف قیمت برنت در سال ۲۰۲۲ است.

حمله روسیه به اوکراین، تلاش غرب برای محدود کردن درآمدهای مسکو با تحریم، گمانه‌زنی‌ها از رفع تحریم ایران، نگرانی از رکود جهانی به دنبال افزایش نرخ بهره در بسیاری از کشورهای جهان، تداوم سیاست کووید صفر در چین، آزادسازی ذخایر استراتژیک نفتی آمریکا و سیاست‌های اوپک پلاس برای کاهش یا افزایش تولید نفت مهمترین عوامل اثرگذار بر قیمت نفت در سال جاری میلادی بوده است.



خود در سقف قیمتی نشود و به جای آن عرضه خود را کاهش دهد. در این خصوص بانک مورگان استنلی پیش‌بینی می‌کند: «تولید نفت روسیه پس از اجرایی شدن تحریم واردات نفت اتحادیه اروپا بین یک تا ۱.۵ میلیون بشکه در روز کاهش خواهد یافت.»

نگرانی از کاهش تقاضا

در این میان تورم شدیدی سراسر جهان را در بر گرفته که بخش عمده‌ای از آن تحت تاثیر رشد قیمت حامل‌های انرژی بوده است. به طوریکه بعد از دهه‌ها بسیاری از کشورهای اروپایی تورم دو رقمی را تجربه کرده‌اند. از این رو بسیاری از بانک‌های مرکزی جهان به طور کم‌سابقه‌ای شروع به افزایش نرخ بهره کرده و اعلام می‌کنند این سیاست‌های انقباضی را مدامی که تورم کنترل شود ادامه خواهند داد حتی اگر بهای آن رکود اقتصاد جهانی باشد.

این سیاست به دو شکل بازار نفت را طی ۴ ماه اخیر تحت فشار قرار داده است، اول اینکه رکود اقتصاد جهانی به نوبه خود به معنای کاهش شدید تقاضا برای نفت خواهد بود و از سوی دیگر اعمال این سیاست موجب شده که شاخص دلار آمریکا سقف تاریخی خود را بشکند. رشد ارزش دلار به معنای گران شدن نفت و دیگر کالاهایی است که با دلار آمریکا معامله می‌شوند و تقاضا برای آنها را کاهش می‌دهد. در این میان قرنطینه گاه و بی‌گاه برخی شهرهای چین عامل دیگری بوده که جهان را نگران سمت تقاضا کند و قیمت نفت را از سقف خود به پایین بکشاند. چین سیاست کویید صفر را دنبال می‌کند و در شرایطی که بسیاری از کشورهای جهان عبور از بحران کرونا را جشن می‌گیرند هنوز چین برخی از شهرهای خود را با دیدن مواردی از بیماری کرونا به طور کامل قرنطینه می‌کند. این کشور بزرگترین واردکننده نفت جهان است و اعمال سیاست‌های محدودکننده در آن می‌تواند تقاضا برای نفت را تحت تاثیر قرار دهد.

انتظار برای بازگشت نفت ایران به بازار نفت

در این میان از ابتدای سال ۲۰۲۲ دو بار به طور خیلی



مهمترین عامل رشد قیمت نفت

در حالی که بازار نفت در ابتدای سال تحت تاثیر نگرانی‌ها از کمبود این ماده خام در بازار قرار داشت حمله روسیه به اوکراین در اواخر ماه فوریه در آتش قیمت‌ها دمید و سرعت رشد قیمت‌ها را بیشتر کرد. به طوریکه در فاصله کمتر از دو ماه از شروع جنگ قیمت نفت خام برنت برای لحظاتی به بیش از ۱۳۹ دلار و نفت خام آمریکا به بیش از ۱۳۰ دلار بر بشکه رسید. چراکه این نگرانی وجود داشت که غرب با تحریم خرید نفت روسیه به پوتین برای توقف جنگ فشار بیاورد.

اما به دلیل حجم بالای صادرات نفت این کشور تحریم آن چندان کار ساده‌ای نبود. آمریکا خرید نفت از سوی پالایشگران خود را از روسیه ممنوع کرد اما این کشور تا پیش از آن هم حجم محدودی از روسیه خریداری می‌کرد، از این رو این تحریم تاثیر چندانی بر بازار نداشت. از سوی دیگر بسیاری از پالایشگاه‌های اروپایی به طور خودکار خرید نفت از مسکو را محدود کردند با این حال نفت این کشور راهی بازارهای آسیا به خصوص چین و هند شد و از این رو جریان صادرات نفت روسیه تغییر چندانی نداشت.

حالا کشورهای گروه ۷ اعلام کرده‌اند که روی قیمت خرید نفت روسیه سقف قیمتی اعمال خواهند کرد، به این معنا که خرید نفت روسیه از سوی شرکت‌های اروپایی تنها در سطوح کمتر از سقف قیمتی ممکن است. هنوز تاثیر این محدودیت معلوم نیست و این نگرانی وجود دارد که روسیه حاضر به فروش نفت

پیش از کرونا باز گردانند و کمتر از سهمیه خود تولید می کنند. با این حال در شرایطی که کمتر از دو ماه قبل بایدن با سفر به عربستان از این کشور به عنوان بزرگترین تولیدکننده نفت اوپک خواسته بود که تولیدات خود را افزایش دهد، اوپک پلاس به رهبری روسیه و عربستان تصمیم به کاهش ۲ میلیون بشکه‌ای تولید گرفت. این اقدام نفت برنت را از حدود ۸۲ دلار بر بشکه به بیش از ۹۸ دلار بر بشکه رساند که نشان از رشد ۲۰ درصدی قیمت نفت در کمتر از دو هفته دارد.

چه چیزی در انتظار بازار نفت است؟

بسیاری از کارشناسان بر این باورند که در سه ماه پایانی سال ۲۰۲۲ بازار روند صعودی خواهد داشت و این پیش‌بینی بعد از اعلام تصمیم اوپک پلاس شدت بیشتری گرفته است. وارن پترسون، رئیس استراتژی کالا در آی‌ان‌جی بانک گفته است: «با توجه به کاهش شدید عرضه که اخیراً توسط اوپک پلاس اعلام شد، بازار جهانی احتمالاً در کل سال ۲۰۲۳ با کسری مواجه خواهد بود». این بانک در حال حاضر معاملات برنت را تا پایان سال جاری و تا نیمه اول سال ۲۰۲۳ غالباً در محدوده ۹۰ دلاری پیش‌بینی کرده و بر این باور است که قیمت‌ها در نیمه دوم سال ۲۰۲۳ تقویت می‌شود. گلدمن ساکس هم پیش‌بینی می‌کند برنت در سه ماهه پایانی سال به طور متوسط ۱۱۰ دلار معامله شود که ۱۰ دلار بیشتر از برآورد این بانک از برنت پیش از نشست اوپک پلاس است. این بانک پیش‌بینی می‌کند که رشد قیمت‌ها ادامه یابد به طوری که در سه ماهه اول سال ۲۰۲۳ به ۱۱۵ دلار در هر بشکه برسد. این بانک اعلام کرد که اگر اوپک پلاس توافق کاهش تولید خود را تا سال ۲۰۲۳ حفظ کند، ممکن است قیمت‌ها ۲۵ دلار بیشتر از پیش‌بینی‌ها افزایش یابد. بانک مورگان استنلی نیز پیش‌بینی قیمت نفت برنت را از ۹۵ دلار به ۱۰۰ دلار برای سه ماهه اول سال ۲۰۲۳ افزایش داد. طبق آخرین پیش‌بینی گلدمن، میانگین قیمت نفت برنت در سال آینده می‌تواند در نتیجه کاهش قیمت‌ها به ۱۱۰ دلار در هر بشکه برسد.

جدی احتمال توافق ایران و غرب مطرح شد و هر دو بار واکنش نسبی بازار نفت به این اخبار را شاهد بودیم. برآوردها بر این محور است که ایران ظرف ۶ ماه بعد از رفع تحریم‌ها به میزان صادرات پیش از تحریم‌ها می‌رسد. در حال حاضر میزان صادرات نفت کشور بین ۷۰۰ تا یک میلیون بشکه در روز برآورد می‌شود، این در حالی است که ظرفیت صادرات نفت خام و میعانات گازی ایران پیش از خروج ترامپ از برجام حدود ۲.۷ میلیون بشکه در روز بود. حتی گفته می‌شود ایران حدود ۹۰ میلیون بشکه نفت خام و میعانات گازی روی آب ذخیره کرده است که در صورت لغو تحریم‌ها به سرعت راهی بازار می‌شوند.

آزادسازی ذخایر نفتی آمریکا

در ۳۱ مارس ۲۰۲۲ بایدن برای مقابله با افزایش قیمت نفت و بنزین دستور انتشار روزانه یک میلیون بشکه نفت خام به مدت شش ماه از ذخایر استراتژیک آمریکا را صادر کرد. این اقدام موجب شده که ذخایر استراتژیک آمریکا از ۶۴۰ میلیون بشکه به ۴۵۰ میلیون بشکه کاهش یابد. این ذخایر در اوج خود در سال ۲۰۱۰ به ۷۲۶.۶ میلیون بشکه رسید و از دسامبر ۱۹۸۴، سطح ذخایر استراتژیک هرگز کمتر از ۴۵۰ میلیون بشکه نبوده است.

سیاست‌های اوپک پلاس

اوایل شیوع کرونا در سال ۲۰۲۰ مازاد عرضه قیمت نفت را برای اولین بار در تاریخ به قیمت‌های منفی کشاند. اینجا بود که کشورهای عضو و غیرعضو اوپک دست به دست هم دادند و با کاهش بیش از ۹ میلیون بشکه‌ای عرضه بازار نفت را احیا کردند. آنها هر ماه تشکیل جلسه داده و با رصد عرضه و تقاضا در صورت لزوم دستور افزایش عرضه را صادر می‌کردند. با این حال سرعت افزایش عرضه کمتر از رشد تقاضا بود و همین زمینه رشد قیمت نفت را ایجاد کرد. از لحاظ سهمیه‌ای هم این کشورها در دو ماه اخیر به سهمیه خود در پیش از کرونا رسیده‌اند، با این حال بسیاری از این کشور نتوانسته‌اند تولید خود را به سطح

شرح حال نیمسال اول تجارت خارجی



● غزاله طائفه

عبور تجارت از مرز ۵۰ میلیارد دلاری

بر اساس گزارش های ماهانه گمرک، در ۶ ماه منتهی به شهریور سال ۱۴۰۱، میزان صادرات قطعی کالاهای غیرنفتی کشور (به استثنای نفت خام، نفت کوره و نفت سفید، همچنین بدون صادرات از محل تجارت چمدانی) بالغ بر ۵۱ میلیون و ۷۸۳ هزار تن و به ارزش ۲۴ میلیارد و ۲۵۱ میلیون دلار بوده که در مقایسه با مدت مشابه سال ۱۴۰۰، کاهش بیش از ۱۲ درصدی در وزن و افزایش بیش از ۱۳ درصدی در ارزش دلاری داشته است. همچنین میزان واردات کشور در این مدت با کاهش حدود ۱۵ درصدی در وزن و افزایش بیش از ۱۳ درصدی در ارزش دلاری در مقایسه با مدت مشابه سال ۱۴۰۰، به ارقام ۱۶ میلیون و ۳۲۰ هزار تن به ارزش ۲۶ میلیارد و ۳۱ میلیون دلار رسیده است. داده های گمرک نشان می دهد که واردات در فصل تابستان امسال نسبت به فصل بهار بدون تغییر در وزن با ۹ درصد افزایش در ارزش همراه بوده است. واردات کالا در تابستان امسال نسبت به تابستان ۱۴۰۰ نیز کاهش ۲۴ درصدی در وزن و رشد ۵ درصدی در ارزش داشته است. در مجموع حجم تجارت خارجی در نیمسال اول ۱۴۰۱ به ۵۰ میلیارد و ۲۸۲ میلیون دلار رسیده است. میزان وزنی تجارت خارجی کشور در نیمه اول سال جاری نیز به میزان ۶۸ میلیون و ۱۰۳ هزار تن بوده است. بر این اساس، تراز تجاری کشور منفی یک میلیارد و ۷۸۰ میلیون دلار بوده است. روند ماهانه تجارت خارجی نیز نشان می دهد که تراز تجاری در ماه های فروردین و خرداد مثبت بوده و

نیمسال اول تجارت خارجی ایران چگونه به پایان رسید؟ رصد آمارهای گمرک در نیمسال اول نشان می دهد حجم تجارت خارجی کشور از مرز ۵۰ میلیارد دلار عبور کرده است که از این میزان ۲۴ میلیارد و ۲۵۱ میلیون دلار سهم کالاهایی است که صادر شده است. اگر هدف گذاری صادراتی را ملاک قرار دهیم (۵۵ میلیارد دلار)، در ۶ ماه منتهی به شهریور امسال، معادل ۴۴ درصد از هدف صادراتی محقق شده است.

نکته ای که در روند ماهانه صادرات مشاهده می شود این است که در تابستان ۱۴۰۱، صادرات کالا از کشور نسبت به فصل بهار امسال ۱۳ درصد در وزن و ۱۴ درصد در ارزش، کاهش داشته است. کالاهای صادراتی در تابستان ۱۴۰۱ نسبت به تابستان سال گذشته نیز ۲۰ درصد در وزن کاهش داشته است. اگر وضعیت کنونی اقتصاد تداوم یابد و مذاکرات برای احیای برجام زمان بر باشد، به نظر تحلیلگران اقتصادی، کندی روند صادرات در فصل پاییز نیز ادامه دار خواهد شد.



در بقیه ماه‌های نیمسال اول منفی ثبت شده است.

مقاصد صادراتی در نیمه اول

طی نیمسال اول ۱۴۰۱، بیشترین میزان صادرات کشور به مقصد کشورهای چین با رقمی بالغ بر ۷ میلیارد و ۸۴۲ میلیون دلار و سهم بیش از ۳۲ درصد از کل ارزش صادرات، عراق با ۳ میلیارد و ۳۸۲ میلیون دلار و سهم حدود ۱۴ درصد، امارات متحده عربی با ۳ میلیارد و ۱۱۲ میلیون دلار و سهم حدود ۱۳ درصد، ترکیه با ۲ میلیارد و ۶۲۶ میلیون دلار و سهم حدود ۱۱ درصد و کشور هند با ۹۰۴ میلیون دلار و سهم حدود ۴ درصد از کل ارزش صورت گرفته است. روند تغییرات پنج مقصد اصلی صادرات در تابستان نسبت به فصل بهار امسال نیز نشان می‌دهد که صادرات به کشور چین در دومین فصل سال کاهش ۱۴ درصدی، عراق کاهش ۱۵ درصدی، امارات کاهش ۱۱ درصدی، ترکیه کاهش ۴۹ درصدی و هند رشد ۱۳ درصدی را ثبت کرده است.

شده به ارزش ۲ میلیارد و ۱۷ میلیون دلار، متانول به ارزش یک میلیارد و ۳۳۵ میلیون دلار، بوتان مایع شده به ارزش یک میلیارد و ۱۶۵ میلیون دلار، گاز طبیعی مایع شده به ارزش ۹۷۷ میلیون دلار و پلی اتیلن گرید فیلم به ارزش ۹۷۶ میلیون دلار، ۵ قلم اول کالاهای صادراتی در این مدت بودند. حدود ۲۶.۵ درصد از ارزش کل کالاهای صادراتی ایران در این مدت به ۵ قلم کالای فوق الذکر اختصاص داشته است.

اقلام اول کالاهای وارداتی

براساس این گزارش ۵ قلم اول کالاهای وارداتی به کشور در نیمه اول امسال شامل برنج به ارزش یک میلیارد و ۲۱۸ میلیون دلار، گندم معمولی یک میلیارد و ۱۹۱ میلیون دلار، ذرت دامی یک میلیارد و ۱۷۱ میلیون دلار، دانه سویا ۹۲۵ میلیون دلار و گوشی تلفن همراه ۸۶۷ میلیون دلار بوده است. ۵ قلم اول کالاهای وارداتی حدود ۲۰.۶۳ درصد ارزش کل واردات را در این مدت به خود اختصاص داد.

فروشنندگان اصلی کالا به ایران

طی ۶ ماه منتهی به شهریور سال ۱۴۰۱، کشور امارات متحده عربی با اختصاص رقمی بالغ بر ۷ میلیارد و ۲۰۶ میلیون دلار و سهمی در حدود ۲۸ درصد از کل ارزش واردات در جایگاه نخست کشورهای طرف معامله قرار گرفته است. همچنین کشورهای چین با ۶ میلیارد و ۸۴۶ میلیون دلار و سهم بیش از ۲۶ درصد، ترکیه با ۲ میلیارد و ۶۸۰ میلیون دلار و سهم بیش از ۱۰ درصد، هند با یک میلیارد و ۳۸۰ میلیون دلار و سهم بیش از ۵ درصد و فدراسیون روسیه با ۸۷۶ میلیون دلار و سهم بیش از ۳ درصد از کل ارزش واردات، جزو کشورهای عمده طرف معامله واردات بوده‌اند. آمارهای گمرک نشان می‌دهد که در فصل دوم امسال واردات از کشور امارات نسبت به فصل بهار رشد ۱۰ درصدی، چین رشد ۱۹ درصدی، ترکیه رشد ۱۱ درصدی، هند رشد ۷۰ درصدی و روسیه رشد ۲۲ درصدی داشته است.

رکوردهای جدید در صادرات فروردین

تراز تجاری ایران در فروردین‌ماه امسال با سبقت ۸۷۵ میلیون دلاری صادرات از واردات، مثبت شد. ارزیابی‌ها نشان می‌دهد این رقم نسبت به بازه مشابه در سال‌های ۹۸، ۹۹ و ۱۴۰۰ رکورد جدیدی را ثبت کرده و به بیشترین میزان رسیده است. بررسی آمارهای گمرک نشان می‌دهد که صادرات در فروردین ۱۴۰۱ نسبت به مدت مشابه سال‌های قبل (از سال ۹۴ تا ۱۴۰۰) بیشترین ارزش را ثبت کرده است.

جهش واردات در ماه اردیبهشت

داده‌های گمرک در اردیبهشت ماه حکایت از آن دارد که تراز تجاری ماهانه منفی، ولی تراز تجاری دوماهه مثبت است. در اردیبهشت‌ماه امسال واردات از صادرات سبقت گرفت و کسری تجاری نیز به ۴۷۴ میلیون دلار رسید. در اردیبهشت سال جاری ۲ میلیون و ۹۳۰ هزار تن کالای خارجی به ارزش ۵ میلیارد و ۲۹۱ میلیون دلار وارد کشور شده است؛ این در حالی است که در فروردین امسال ۲ میلیون و ۲۵۲ هزار تن کالا به ارزش ۲ میلیارد و ۸۲۴ میلیون دلار از مرزهای کشور وارد ایران شده بود. ارزیابی‌های آمارهای رسمی بیانگر آن

پیش‌تازان صادراتی نیمسال اول

گمرک ایران در گزارش خود در خصوص ۵ قلم عمده صادرات در ۶ ماهه امسال اعلام کرد که پروپان مایع

سردی تجارت در میانه تابستان

آمار تجارت خارجی در مرداد ماه امسال هم نشان می‌دهد که در این ماه معادل ۳ میلیارد و ۶۸۴ میلیون دلار کالا صادر شده که نسبت به ماه گذشته آن معادل ۱۱ درصد افت داشته است. در مرداد ماه، ۴ میلیارد و ۴۲۵ میلیون دلار کالا نیز وارد شده که نسبت به تیرماه امسال ۱۲ درصد افت داشته است. تراز تجاری مرداد ماه نیز منفی ۷۴۱ میلیون دلار است. نگاهی به آمار ماهانه تجارت خارجی نشان می‌دهد که صادرات کشور از اردیبهشت ماه سیر نزولی را در پیش گرفته است.

شیب نزولی صادرات در شهریور

جزئیات آمار گمرک نشان می‌دهد که در شهریور ماه امسال معادل ۳ میلیارد و ۳۲۷ میلیون دلار کالا صادر شده که نسبت به شهریور ماه سال گذشته افت حدود ۲۵ درصدی داشته است. در شهریور ماه سال گذشته ۴ میلیارد و ۴۳۴ میلیون دلار کالا صادر شده بود. همچنین در شهریور ماه امسال ۴ میلیارد و ۳۶۶ میلیون دلار کالا وارد کشور شده است که در مقایسه با شهریور ماه سال گذشته افت بیش از ۱۷ درصدی داشته است. در شهریور ماه سال گذشته ۵ میلیارد و ۲۹۱ میلیون دلار کالا وارد کشور شده بود. تراز تجاری در شهریور ماه نیز منفی یک میلیارد و ۳۹ میلیون دلار ثبت شده است.

است که صادرات در ماه دوم امسال، وزنی معادل ۹ میلیون و ۶۹۰ هزار تن داشته و ارزش آن نیز به ۴ میلیارد و ۸۱۷ میلیون دلار می‌رسد؛ این در حالی است که در فروردین امسال، ۷ میلیون و ۳۲۴ هزار تن کالا به ارزش ۳ میلیارد و ۶۹۹ میلیون دلار به بازارهای هدف صادر شده بود.

ثبت تراز تجاری مثبت در آخر بهار

آخرین ماه فصل بهار امسال نیز همچون فروردین ماه تراز تجاری کشور مثبت ثبت شد. در این ماه ۴ میلیارد و ۵۵۳ میلیون دلار کالا از کشور صادر و در مقابل ۴ میلیارد و ۶۱ میلیون دلار کالا وارد کشور شد. بدین ترتیب تراز تجاری در ماه خرداد ماه مثبت ۴۹۲ میلیون دلار ثبت شد.

جاماندگی صادرات در تیر ماه

در تیرماه سال جاری تجارت ایران نسبت به ماه گذشته آن افت کرده است. در تیر ماه از مبدا ایران ۴ میلیارد و ۱۷۱ میلیون دلار کالا و خدمات صادر شده و در مقابل ۵ میلیارد و ۶۴ میلیون دلار کالا به مقصد ایران وارد شده است. این در حالی که در خرداد ماه ارزش صادرات ایران ۴ میلیارد و ۵۵۳ میلیون دلار و ارزش واردات ۴ میلیارد و ۶۱ میلیون بود. در تیرماه امسال تراز تجاری منفی ثبت شده است. این در حالی است که تراز تجاری ماه گذشته آن مثبت ۶۰۵ بود.





قصه ۵ سال تلاطم ملکی

● آرمان علایی

مسکن هم آرام گرفت و این فضا تا آخرین روزهای سال ۱۴۰۰ که بعد از آغاز جنگ روسیه علیه اوکراین، این کشور به طور ناگهانی مذاکرات را متوقف کرد، ادامه داشت. به طوری که تورم ملکی در ۱۴۰۰ به کمتر از ۲۰ درصد محدود شد؛ آن هم بعد از سه سالی که در آن قیمت ملک مجموعاً رشد ۴۳۰ درصدی داشته است.



اما از روزهای نخست ۱۴۰۱ چهره بازار مسکن عوض شد و آرام آرام وارد یک فاز صعودی شد. اوج این وضعیت در خردادماه بود که تعداد معاملات ماهانه املاک در تهران به رکورد ۱۴ هزار واحد رسید که از تیر ۹۹ بی سابقه بود. همچنین رشد متوسط قیمت مسکن به روایت بانک مرکزی در خرداد به بیش از ۸ درصد رسید که این هم از مهر ۹۹ بی سابقه بود. البته طبق گزارش‌های جدید مرکز آمار که از ابتدای امسال منتشر می‌شود، تورم ماهانه مسکن در خرداد ۶۰ درصد و در تیر به ۸۰۳ درصد می‌رسد. اما به هر حال اوج تلاطم بازار

برای این که ببینیم بازار مسکن الان در چه وضعیتی قرار دارد، لازم است در ابتدا نگاهی به وضعیت این بازار طی سال‌های اخیر بیندازیم. بازار مسکن بعد از یک رکود ۳-۴ ساله، از نیمه دوم سال ۹۶ مسیر صعودی در پیش گرفت. بعد از کاهش ناگهانی نرخ بهره به ۱۵ درصد در تابستان ۹۶، پول‌های پارک شده در بانک‌ها روانه بازارها شد و سرکوب چند ساله نرخ ارز و نگه داشتن دستوری فنر ارزی، از نیمه دوم ۹۶ قدرت خود را از دست داد. از ابتدای ۹۷ هم به واسطه خروج یک جانبه ترامپ از برجام تلاطم اقتصادی شکل گرفته شدت یافت. بازار مسکن هم در همین راستا در ۹۷ جهش تندوتیزی را تجربه کرد. در سال بعدی اما بازارها اندکی آرام گرفتند و تورم ملکی هم تا حدی فروکش کرد. به طوری که در حالی تورم مسکن در ۹۷ به ۹۲ درصد رسیده بود که در پایان ۹۸ به ۴۲ درصد کاهش یافت.

سال ۹۹ اما دوباره نوبت تلاطم بازارها بود، در این سال تمام بازارهای داخلی رکوردهای بی سابقه‌ای ثبت کردند. بورس در مرداد به سقف تاریخی ۲۰۱ میلیون واحدی رسید و هیچ‌گاه هم دیگر آن را پس نگرفت. قیمت دلار در آبان به سقف تاریخی ۳۲ هزار تومانی رسید که تا همین چند روز پیش بالاترین نرخ تاریخی دلار بود. بقیه بازارها هم چنین وضعیتی داشتند و بازار مسکن هم در این شرایط بازدهی ۹۴ درصدی را ثبت کرد و در پایان ۹۹ متوسط قیمت هر متر مربع مسکن در تهران به حدود ۳۰ میلیون تومان رسید.

از آبان ۹۹ که برخلاف انتظار بازارهای داخلی بایدن، ترامپ را شکست داد و رئیس‌جمهور آمریکا شد، بازارها به امید احیای زودهنگام برجام، وارد فاز نزولی یا رکودی شدند. در این میان

دومین عامل را خارج از دسترس شدن واحدهای شمال تهران برای قریب به اتفاق خریداران مصرفی و حتی اغلب سرمایه‌گذاران ملکی شده است. منطقه یک معمولاً بیشترین مترآژ واحد را دارد. به طوری که خانه‌هایی که پارسال در این منطقه معامله شدند میانگین مترآژ حدوداً ۱۲۵ متری داشتند. با رسیدن قیمت مسکن در این منطقه به بیش از ۸۷ میلیون تومان، یعنی متوسط قیمت یک واحد مسکونی در گران‌ترین نقطه کشور حدود ۱۱ میلیارد تومان است. عددی که با آن می‌توان بین ۵ تا ۱۰ واحد مسکونی ریزمترآژ در مناطق جنوبی و شهرهای اطراف تهران خرید. به این ترتیب به نظر می‌رسد قیمت عجیب غریب مسکن در این منطقه یکی دیگر از عواملی است که باعث شده خریدها در این مناطق کمتر و رشد قیمت هم کندتر شود.

بازدهی مسکن در مناطق مختلف تهران طی نیمه نخست سال

منطقه	قیمت هر متر مربع در دی ماه ۱۴۰۰ (میلیون تومان)	قیمت هر متر مربع در شهریور ۱۴۰۱ (میلیون تومان)	تغییر درصدی (میلیون تومان)	بازدهی نیمه اول (درصد)
۱	۲۱,۰۰۰	۲۱,۰۰۰	۰	۰%
۲	۲۰,۰۰۰	۲۰,۰۰۰	۰	۰%
۳	۱۹,۰۰۰	۱۹,۰۰۰	۰	۰%
۴	۱۸,۰۰۰	۱۸,۰۰۰	۰	۰%
۵	۱۷,۰۰۰	۱۷,۰۰۰	۰	۰%
۶	۱۶,۰۰۰	۱۶,۰۰۰	۰	۰%
۷	۱۵,۰۰۰	۱۵,۰۰۰	۰	۰%
۸	۱۴,۰۰۰	۱۴,۰۰۰	۰	۰%
۹	۱۳,۰۰۰	۱۳,۰۰۰	۰	۰%
۱۰	۱۲,۰۰۰	۱۲,۰۰۰	۰	۰%
۱۱	۱۱,۰۰۰	۱۱,۰۰۰	۰	۰%
۱۲	۱۰,۰۰۰	۱۰,۰۰۰	۰	۰%
۱۳	۹,۰۰۰	۹,۰۰۰	۰	۰%
۱۴	۸,۰۰۰	۸,۰۰۰	۰	۰%
۱۵	۷,۰۰۰	۷,۰۰۰	۰	۰%
۱۶	۶,۰۰۰	۶,۰۰۰	۰	۰%
۱۷	۵,۰۰۰	۵,۰۰۰	۰	۰%
۱۸	۴,۰۰۰	۴,۰۰۰	۰	۰%
۱۹	۳,۰۰۰	۳,۰۰۰	۰	۰%
۲۰	۲,۰۰۰	۲,۰۰۰	۰	۰%
۲۱	۱,۰۰۰	۱,۰۰۰	۰	۰%
۲۲	۰	۰	۰	۰%
۲۳	۰	۰	۰	۰%
۲۴	۰	۰	۰	۰%
۲۵	۰	۰	۰	۰%
۲۶	۰	۰	۰	۰%
۲۷	۰	۰	۰	۰%
۲۸	۰	۰	۰	۰%
۲۹	۰	۰	۰	۰%
۳۰	۰	۰	۰	۰%

سومین علت که به نوعی به همان عامل اول مرتبط است را می‌توان چشم‌انداز سودآوری از طریق اجاره‌دهی دانست. هر چند قیمت مسکن در مناطق شمالی تهران بیشترین بازدهی را داشته است، اما اگر نسبت اجاره‌بهای دریافتی از یک ملک را به قیمت خرید آن بسنجیم، می‌بینیم سود اجاره‌داری در مناطق شمالی تهران کمتر است. به طوری که در حالی متوسط نسبت قیمت به اجاره (P/I) در زمستان در کل پایتخت به عدد ۲۸ رسید، این نسبت در منطقه یک حدود ۳۸ واحد بوده است. در طرف مقابل هم کمترین نسبت قیمت به اجاره هم در منطقه ۱۰ بوده است که این نسبت روی عدد ۲۱ قرار گرفته است. این یعنی اگر فردی ۱۰ میلیارد تومان در بازار مسکن سرمایه‌گذاری کرده باشد، اجاره سالانه این سرمایه‌گذاری در منطقه یک حدود ۲۶۰ میلیون تومان است و در منطقه ۱۰ حدود ۴۸۰ میلیون تومان. حباب قیمتی شکل گرفته در مسکن مناطق شمالی به مراتب

مسکن در سال جدید طی ماه‌های اردیبهشت تا تیرماه بود. شروع دور جدید مذاکرات از اواسط تیر، آرام آرام حجم معاملات و تورم ماهانه فروکش کرد. به طوری که در شهریور رشد ماهانه متوسط قیمت مسکن (بانک مرکزی) به ۱.۱ درصد محدود شد. همچنین حجم معاملات هم به ۶ هزار واحد رسید که کمتر از نصف تعداد معاملات ماهانه مسکن در خردادماه است.

تغییر رویکرد سرمایه‌گذاری

در سال‌های پیش مناطق شمالی تهران به مناطقی با بیشترین حجم خریدهای سرمایه‌گذاری مشهور بود. سرمایه‌های بزرگ‌تر که قصد پارک شدن در بازار مسکن را داشتند، به جای چند خانه در مناطق جنوبی شهر، عمدتاً به سمت شمال تهران و واحدهای بزرگ‌مترآژ‌تر می‌رفت. در همین خصوص هم می‌توان به بازدهی مسکن در مناطق مختلف تهران در بازه مهر ۹۶ تا پایان سال ۹۹، یعنی یکی از متلاطم‌ترین بازه‌های تاریخ بازار مسکن، پرداخت. طی این حدود سه و نیم سال، دو ناحیه تهران رشد قیمت بیشتری نسبت به دیگر مناطق تجربه کردند. نخست مناطق شمالی تهران که پیشرو رشد قیمت مسکن بودند و سپس هم دو منطقه غربی ۲۱ و ۲۲ که به واسطه جدید بودن و سطح بالای ساخت‌وساز، سال‌هاست تبدیل به پاتوق سفته‌بازان ملکی شده است.

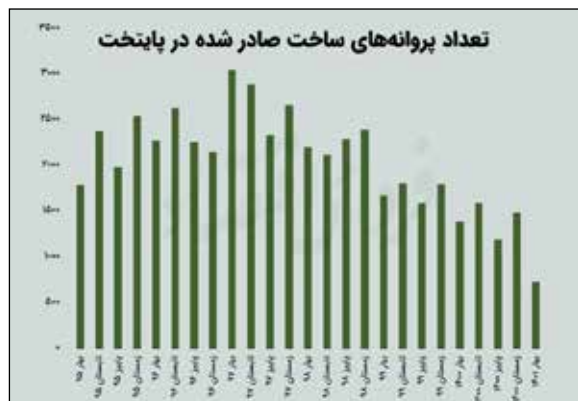
نکته جالب اما تغییر این روند در سال جدید است. برخلاف سال‌های پیش که مناطق شمالی تهران به واسطه تقاضای سرمایه‌ای زیادی که وجود داشت، بیشترین رشد را به ثبت می‌رساند، این بار این مناطق با رشد قیمت اندکی همراه شده‌اند. به طوری که در نیمه نخست امسال متوسط قیمت مسکن در منطقه یک تنها ۱۲ درصد و در منطقه ۳ حدود ۱۵ درصد رشد داشته است. این در حالی است که در همین بازه زمانی متوسط قیمت مسکن در تهران ۲۳ درصد افزایش یافته و در برخی مناطق مانند ۱۰ و ۱۷ میزان تورم ملکی در نیمه نخست سال به نزدیکی ۴۰ درصد هم رسیده است. به نظر می‌رسد سه عامل در کم شدن سرعت تورم در مناطق شمالی تهران اثر داشته است. عامل نخست را شاید بتوان اضافه پرش قیمت مسکن در این مناطق و نوعی استراحت برای این که دیگر مناطق جاماندگی خود را جبران کنند دانست. تا پایان سال گذشته سه منطقه نخست تهران به طور متوسط نزدیک به ۷۰ درصد بیشتر از میانگین کل شهر رشد کرده بودند.

بود که در دو سال قبل این مصوبه را ستاد کرونا ابلاغ می‌کرد و امسال با تایید سران سه قوه و مجلس کنترل دستوری اجاره وارد فاز جدیدی شد. فازی که با پایان یافتن فصل اسباب‌کشی مستاجرها به نظر می‌رسد موفقیت‌آمیز نبوده است و بیشتر باعث اختلال در بازار و حتی فشار بیشتر بر سطح اجاره‌بها شده است.

سقوط آزاد ساخت مسکن

یکی از مهم‌ترین حوزه‌های فعالیت در بخش مسکن برای سرمایه‌گذاران، ساخت‌وساز است. اما بررسی‌ها نشان می‌دهد که ساخت‌وساز در تهران به یکی از تیره‌ترین دوران‌ها رسیده است. طبق آخرین گزارش مرکز آمار از پروانه‌های ساختمانی، در بهار امسال در پایتخت تنها ۷۳۶ پروانه ساخت صادر شده است. از هنگامی که داده‌های فصلی پروانه‌های ساختمانی منتشر می‌شود، این کمترین میزان پروانه‌های صادر شده برای ساخت‌وساز در تهران در یک فصل است. تعداد پروانه‌های ساختمانی صادر شده در بهار امسال نسبت به فصل‌های پارسال تقریباً نصف شده است. این در حالی است که سال گذشته ساخت‌وساز در تهران به شدت کاهش یافته بود و رکورد کمترین میزان پروانه‌های صادر شده در تهران طی ۲۵ سال اخیر را شکست.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که تهران برای پذیرش این جمعیت انبوه و به منظور نوسازی آپارتمان‌های فرسوده، نیاز دارد که سالانه حدود ۱۰۰ هزار واحد جدید در آن ساخته شود. این یعنی هر فصل حدود ۲۵ هزار واحد. این در حالی است که این ۷۳۶ پروانه ساختمانی، برای ساخت تنها ۵۹۵۰ واحد مسکونی صادر شده است. چنین چیزی به این معنی است که تولید مسکن در پایتخت به کمتر از یک چهارم حداقل مورد نیاز رسیده است.



بیشتر از دیگر مناطق است و همین اتفاق می‌تواند سومین دلیل کاهش اقبال به خرید مسکن در مناطق شمالی باشد.



سبقت اجاره از تورم مسکن

بررسی روند سطح اجاره‌بها نشان می‌دهد که تغییرات آن تابعی از تورم عمومی و قیمت مسکن است. اما به نظر می‌رسد رفتار اجاره‌بها به تغییرات سطح عمومی قیمت‌ها نزدیک‌تر باشد تا تغییرات قیمت مسکن به عنوان یکی از مهم‌ترین بازارهای دارایی. این یعنی ممکن است قیمت مسکن طی یک سال بیش از دو برابر شود ولی چنین رفتاری در بازار اجاره کمتر به چشم می‌خورد. طی سال‌های گذشته که بازارها متلاطم شده بودند و قیمت مسکن به صورت افسارگسیخته افزایش می‌یافت، تورم اجاره از تورم ملکی جاماند. اتفاقی که باعث شد نسبت قیمت به اجاره مسکن در سال ۹۹ حتی به سطح بی‌سابقه ۴۰ واحدی هم برسد که نشان می‌داد قیمت نسبی مسکن به ۲ برابر میانگین تاریخی آن رسیده بود. اما در ۱۴۰۰ و همزمان با فروکش کردن تورم ملکی، این اجاره‌بها بود که با افزایشی تندتر سعی داشت سطح نسبت قیمت به اجاره مسکن را کم کند. به طوری که در پایان سال گذشته تورم عمومی حدود ۳۵ درصد، تورم مسکن در تهران کمتر از ۲۰ درصد و تورم سالانه اجاره‌بها به سطح بی‌سابقه ۶۰ درصدی رسید. چنین اتفاقی باعث شد تا نسبت قیمت به اجاره مسکن در سال گذشته تا عدد ۲۸ کاهش یابد و حباب قیمت مسکن از مسیری معکوس (افزایش اجاره به عنوان مخرج کسر) به سمت تخلیه شدن برود.

افزایش تندوتیز اجاره‌بها طی ۳ سال اخیر سیاستگذار را بر آن داشته تا سعی کند با اقدامات دستوری بازار اجاره را کنترل کند. به طوری که امسال برای سومین سال پیاپی، سقف افزایش اجاره در تهران ۲۵ درصد تعیین شد. البته تفاوت این



مسکن به کدام سو خواهد رفت؟

اگر بخواهیم مسیر بعدی بازار مسکن را جهت‌یابی کنیم، احتمالاً مهم‌ترین متغیرمان سرنوشت مذاکرات خواهد بود. طی ۲ سال اخیر هر گاه احتمال احیای برجام بالا رفته بازارهایی مثل ارز و سکه نزولی شده‌اند و رشد قیمت‌ها در بازار مسکن هم تقریباً متوقف شده است. سال ۹۹ که اوج تلاطم مسکن بود، با پیروزی بایدن در میانه آبان‌ماه و افزایش احتمال احیای برجام، تورم ماهانه‌های دو رقمی در آبان‌ماه به‌شدت کاهش یافت و حتی در آذر شاهد منفی شدن تورم ملکی در تهران بودیم. در همین راستا هم حجم معاملات به‌شدت کاهش یافت و با رسیدن به تنها ۲۵۵۰ معامله ملکی در ماه، شاهد ثبت رکورد کمترین معاملات ماهانه مسکن در ماهی جز فروردین بودیم. در طرف مقابل اما در خرداد امسال رکورد معامله نزدیک به ۱۴ هزار خانه ثبت شد که از حدود دو سال پیش بی‌سابقه بود. اما از تیر و همزمان با شروع دور آخر مذاکرات هسته‌ای، انتظارات تورمی هم آرام آرام کاهش یافت و همزمان ظرف ۳ ماه، حجم معاملات ماهانه مسکن نزدیک به ۶۰ درصد کاهش یافت.



زمین را به دو علت می‌توان مهم‌ترین علت کاهش شدید ساخت‌وساز در تهران دانست. عامل نخست را می‌توان کمبود زمین در تهران دانست. تهران طی چند دهه اخیر مدام شاهد کوچ مردم به این شهر بوده است. این افزایش مهاجرت به پایتخت و رشد جمعیت، طبیعتاً تقاضا برای خرید زمین و مسکن را هم افزایش می‌دهد. اتفاقی که در سال‌های دور با گسترش ناحیه شهری و سپس با تراکم‌فروشی سنگین توسط شهرداری سعی شد پاسخ داده شود. اما حالا تهران به مرز انفجار رسیده است و زمین دیگری هم برای گسترش ناحیه شهری وجود ندارد.



همین اتفاق باعث شده طی سال‌های اخیر قیمت زمین با شتابی بیشتر از قیمت ملک افزایش یابد. به طوری که در حالی طی دهه ۹۰ متوسط قیمت مسکن در تهران نزدیک به ۲۰ برابر شد، متوسط قیمت زمین رشد ۳۱ برابری داشته است. رشد بیشتر قیمت زمین نسبت به واحد مسکونی، باعث شده تا حاشیه سود ساخت‌وساز در تهران آب رود. اتفاقی که طبیعتاً جذابیت ساخت مسکن در پایتخت را کاهش و در پی آن عرضه را هم کم می‌کند. برآوردهای فردای اقتصاد نشان می‌دهد که در سال گذشته حاشیه سود ساخت‌وساز در تهران به کمتر از مرز روانی ۳۰ درصدی رسیده است. فعالان ملکی سال‌هاست که حداقل سود جذاب برای ساخت‌وساز را در محدوده ۳۰ درصد عنوان می‌کنند. حال با کاهش جدی این حاشیه سود، ساخت‌وساز هم در تهران به حداقل رسیده است.

است. این یعنی قدرت خرید مردم در بازار مسکن نصف شده و قیمت حقیقی مسکن ۲ برابر. رشد دو برابری قیمت حقیقی مسکن می‌تواند عامل اصلی ایجاد رکود در بازار مسکن شود. در این شرایط تقاضای مصرفی درمانده از خرید است و حتی تقاضای سرمایه‌گذاری هم کاهشی جدی خواهد داشت. به همین خاطر به نظر می‌رسد در صورت عدم احیای برجام بازار مسکن در ابتدا به واسطه هجوم پول‌های پارک شده با رونق همراه شود اما بعد از اتمام این موج، بازار به سمت رکود حرکت کند؛ البته احتمال دارد که این رکود خیلی شدید نباشد و سفته‌بازان با فعال شدن در سمت خرید حداقلی از تعداد معاملات را تضمین کنند، اما به نظر می‌رسد خریداران مصرفی و عمده خریداران سرمایه‌های از بازار حذف شوند.



رشد قیمت ملک چقدر خواهد بود؟

قیمت دلاری ملک در تهران سال‌هاست که برای بسیاری از ملک‌بازان یکی از شاخص‌های اصلی برای خرید یا فروش است. میانگین قیمت دلاری هر متر مربع ملک مسکونی در تهران طی دو دهه اخیر حدود ۱۱۰۰ دلار بوده است؛ هرگاه قیمت دلاری کمتر از ۱۰۰۰ دلار می‌شد سیگنال خرید بود برای سرمایه‌گذاران و هرگاه به بیش از ۱۲۰۰ دلار می‌رسید، سیگنال فروش محسوب می‌شد. اما در موج تورمی اخیر، مسکن سبقت معناداری از دلار گرفت. به طوری که در شهریورماه میانگین قیمت مسکن در تهران حدود ۴۳ میلیون تومان (روایت بانک مرکزی) و ۴۶ میلیون تومان (روایت مرکز آمار) بود. در همین ماه میانگین نرخ دلار حدود ۲۹ هزار تومان بود که به معنی قیمت دلاری ۱۵۰۰ الی ۱۶۰۰ دلاری ملک در تهران است. این بالاترین قیمت دلاری مسکن بعد از سال ۸۹ است. آخرین بار که قیمت دلاری مسکن به سطحی بالاتر رسید در سال ۸۷ بود که قیمت دلاری

دو راهی بازار مسکن

مسکن وسط بازی تفاهم یا تنش جدی برنده بازارها می‌شود. در شرایطی که ریسک تولید بالاست فردی دارایی‌هایش را به این سمت نمی‌برد. از جهتی دیگر هنوز تنشی جدی به وجود نیامده که نیاز باشد دارایی‌ها تبدیل به موارد نقدشونده‌تر شوند؛ پس در این شرایط مناسب‌ترین بازار، بازار مسکن است که هم به واسطه اجاره‌داری می‌توان یک جریان درآمدی ثابت و تقریباً مطمئن داشت - در عوض کسب سود از فعالیت‌های تولیدی و مولد- و هم بازدهی برابر یا بعضاً بیشتر از طلا و دلار، بر اصل سرمایه گرفت. حال اگر برجام احیا نشود و مذاکرات رسماً به پایان برسد، انتظار می‌رود که دوباره پول‌ها روانه مسکن شود و قیمت مسکن هم دوباره در مسیر صعودی قرار گیرد. اما آیا

این تورم با رکود معاملات خواهد بود یا رونق؟

طی ۱۳ سال اخیر، متوسط تعداد معاملات ماهانه مسکن در تهران حدود ۱۰ هزار واحد بوده است. یعنی می‌توان گفت بازار مسکن در ماه‌هایی که تعداد معاملات بیش از ۱۰ هزار واحد باشد، بازار در فاز رونق قرار دارد. طی سال‌های ۹۷، ۹۸، ۹۹ و ۱۴۰۰ میانگین تعداد معاملات ماهانه کمتر از سطح ۱۰ هزار واحدی بود.

همچنین برآوردهای فردای اقتصاد از ارزش معاملات مسکن تهران، نشان می‌دهد که تا سال ۹۶ در زمان‌هایی که بازار مسکن رونق داشت، ماهانه حدود ۲ میلیارد دلار ملک مسکونی در تهران معامله می‌شد و متوسط این عدد هم در یک دهه منتهی به این سال حدود ۱.۵ میلیارد دلار است. بعد از شروع بحران ارزی ۹۶ تنها در خرداد ۱۴۰۱ بود که ارزش معاملات ماهانه مسکن به بیش از ۱.۵ میلیارد دلار رسید.

حال اگر برجام احیا نشود و مذاکرات رسماً به پایان برسد، انتظار می‌رود که قیمت مسکن هم دوباره در مسیر صعودی قرار گیرد و با افزایش تعداد معاملات به سطح ۱۰ هزار واحدی در ماه، بازار مسکن وارد دوره‌ای رونقی شود. اما انتظار نمی‌رود که این رونق در تعداد معاملات، چندان ادامه‌دار شود و انتظار می‌رود که حجم معاملات بعد از چند ماه فروکش کند و بازار از رونق - تورم به رکود تورمی مبتلا شود. علت اصلی این را هم می‌توان گرانی بیش از حد مسکن طی سال‌های اخیر دانست. در فاصله سال‌های ۹۶ تا ۱۴۰۰ سطح عمومی قیمت‌ها که ناگرایی از متوسط درآمد هم هست حدوداً ۴ برابر شده است. ولی در همین مدت زمان قیمت مسکن در تهران تقریباً ۸ برابر شده

سرمایه‌گذاری خارجی باشد. مجموع اتفاقاتی که می‌تواند باعث تسکین التهاب شدید اقتصاد ایران شود. در این شرایط امید به جهش قیمت مسکن کاهش می‌یابد و در همین راستا هم پول‌های کمتری روانه این بازار می‌شود. بعد از تلاطماتی که اقتصاد ایران در اوایل دهه ۹۰ تجربه کرد، از سال ۹۲ بازارها در ایران بالاخره روی آرامش به خود دیدند. آرامشی که به واسطه توافق برجام در سال ۹۳ ادامه‌دار شد و حدود ۴ سال پابرجا بود. یکی از بخش‌هایی که در این دوره به شدت کم‌نوسان بود بازار مسکن بود. به طوری که در فاصله بهار ۹۲ تا بهار ۹۶ قیمت مسکن تنها ۱۷ درصد رشد کرد. نکته عجیب‌تر قیمت زمین بود که در این بازه افت ۶ درصدی را تجربه کرد. البته اگر بازدهی واقعی (تورم دررفته) را محاسبه کنیم نتایج از این هم جالب‌تر می‌شود به طوری که بازدهی واقعی زمین در این بازه ۴ ساله به منفی ۴۰ درصد می‌رسد. بازدهی واقعی مسکن هم در این دوره ۴ ساله به منفی ۲۵ درصد رسید. به این ترتیب به نظر می‌رسد در صورت احیای برجام احتمال افت قیمت حقیقی مسکن بسیار بالاست. از طرفی دیگر قیمت دلاری مسکن الان به سطوح بالایی رسیده است و در صورت احیای برجام احتمال افت نرخ ارز وجود دارد که این به معنی افزایش بیشتر قیمت دلاری ملک است. در این شرایط حتی ممکن است که شاهد افت قیمت اسمی و ریالی مسکن هم باشیم؛ مانند اتفاقی که در دور پیشین برجام برای زمین رخ داد. از نظر معاملات هم به نظر می‌رسد خریداران سرمایه‌های تقریباً کامل از بازار خارج شوند و خریداران مصرفی هم به حداقل برسند. اما انتظار می‌رود رفته رفته با ترمیم قدرت خرید، در میان‌مدت (یک الی دو ساله) شاهد افزایش معاملات مسکن باشیم. مانند اتفاقی که در سال‌های ۹۲ تا ۹۶ رخ داد.

مسکن در تهران به حدود ۲۵۰۰ دلار هم رسید. اما سپس در سال ۸۸ شاهد افت کم‌سابقه حدوداً ۲۰ درصدی قیمت ریالی مسکن بودیم. سپس در سال‌های بعد هم که شاهد بحران ارزی بودیم، میزان رشد قیمت مسکن به عنوان مخرج کسر کمتر از از رشد دلار بود و قیمت دلاری ملک کم کم تعدیل شد. حال به نظر می‌رسد در صورت عدم احیای برجام قیمت دلاری ملک در این سطوح پایدار نماند و مسکن حداقل تا سطح ۱۲۰۰ دلار بر متر مربع عقب‌نشینی کند. اما حتی اگر سطح ۱۲۰۰ دلار را برای مسکن در شرایط تحریم سطح تعادلی بدانیم، با قیمت‌های کنونی مسکن، قیمت دلار در بازار مسکن حدود ۳۸ هزار تومان است. این یعنی اگر قرار باشد مسکن به سطح ۱۲۰۰ دلار برگردد، تا زمانی که نرخ ارز کمتر از ۳۸ هزار تومان است، احتمالاً بازدهی مسکن کمتر از رشد نرخ ارز باشد.

اگر مذاکرات به سرانجام برسد بازار مسکن به کدام سو می‌رود؟

طی حدود ۲ سال اخیر، بازار مسکن حداقل سه مرتبه با «بوی برجام» آرام گرفته است. اولین و جدی‌ترین مرتبه در آبان و آذر ۹۹ بود که بالاتر توضیح داده شد چگونه تورم ماهانه‌های دو رقمی ناگهان منفی شدند. مرتبه دوم در نیمه دوم سال گذشته بود. بعد از عدم احیای برجام در دولت روحانی و طولانی شدن انتظار برای شروع مذاکرات در دولت جدید، تابستان سال گذشته تورم مسکن رو به افزایش گذاشت. اما با جدی شدن دولت جدید در بحث مذاکرات و سپس از سرگیری مذاکرات از آذرماه باعث شد تا موتور تورم ملکی پیش از آن که داغ شود دوباره خاموش شود. سومین باری هم که بازار مسکن با «بوی برجام» آرام گرفت در مرداد و شهریور سال جاری بود. تورم ملکی در سال جدید و در پی توقف مذاکرات در آخرین روزهای سال گذشته، اوج گرفته بود. اما با آغاز آخرین دور مذاکرات شاهد فروکش کردن تب تورم مسکن بودیم. به طوری که رشد بیش از ۸ درصدی متوسط قیمت ملک در خرداد به تنها ۱.۱ درصد در شهریور کاهش یافت و همچنین تعداد معاملات هم با افت حدوداً ۶۰ درصدی از ۱۴ هزار به ۶ هزار واحد مسکونی تقلیل یافت. به این ترتیب دیدیم که حتی «بوی برجام» می‌تواند بازار مسکن را تسکین دهد و رشد قیمت‌ها را متوقف کند. به نظر می‌رسد علت اصلی این اتفاق هم انتظار برای دسترسی ایران به منابع بلوکه شده، افزایش فروش و درآمدهای نفتی و کاهش تحریم‌ها و افزایش



سه گانه سرنوشت ساز خودرو در ابهام



به خود اختصاص داد. قیمت ده خودروی پرفروش داخلی در این سال ۴۵ درصد افزایش یافت. در حالیکه دلار ۴.۵ درصد، بورس ۵ درصد، سکه نزدیک به ۱۰ درصد، مسکن ۱۱ درصد، نرخ سود بدون ریسک حدود ۱۸ تا ۲۰ درصد بازدهی داشتند و بازدهی ریالی بیت کوین هم منفی ۱۱ درصد بود. رشد ۴۵ درصدی قیمت خودرو حتی بیش از تورم ۳۵ درصدی سال ۱۴۰۰ بود.

اما اردیبهشت امسال پایان ممنوعیت واردات خودرو در پس از چهار سال، آن هم در کنار شانس احیای برجام روند صعودی قیمت خودرو را متوقف کرد. هر چند درجه بالای ابهامات برجامی و فاصله گرفتن از توافق پس از نزدیکی به آن در اسفند گذشته، مانع افت شدید قیمت‌ها شد.

به طور کلی، سردرگمی برجام، ابهامات واردات خودرو و کاهش قدرت خرید مردم را می‌توان سه‌گانه‌ای دانست که رکود کنونی بازار خودرو را رقم زده‌اند و آینده قیمت خودرو هم عمدتاً در گروی همین موارد است.

● نگرین دوستدار صنایع

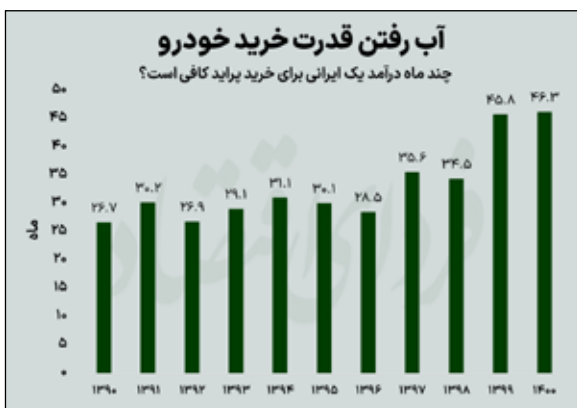
روند صعودی قیمت خودرو که سال گذشته حتی از تورم سبقت گرفت، از ابتدای سال ۱۴۰۱ با امید به احیای برجام، وعده ازسرگیری واردات خودرو و بهبود تولید خودروسازان، متوقف شد. هر چند قرار گرفتن هر دو موضوع در هاله‌ای از ابهام موجب شد تا شاهد رکود سنگین بازار خودرو در نیمه نخست امسال باشیم. با این حال، همچنان تصور می‌شود برجام برای بازار خودرو فرصتی شاید تکرارنشدنی در جهت کاهش التهاب موجود و برگرداندن ورق است.

مثلت رکودآور بازار خودرو

بازار خودرو سال گذشته عنوان پربازده‌ترین بازار سال ۱۴۰۰ را



در همین حال، دود قیمت‌گذاری دستوری خودرو علاوه بر خودروساز، به چشم مصرف‌کننده نیز رفته است. تورم مزمن اقتصاد کشور در کنار ناکامی سیاست‌گذار در تنظیم بازار خودرو بیش از یک دهه است که خرید خودرو را روز به روز دشوارتر ساخته است. برای مثال، قیمت پراید یعنی ارزان‌ترین خودروی داخلی طی دهه ۹۰ حدود ۱۶۶۰ درصد رشد را تجربه کرده در حالی که میزان درآمد سرانه ایرانیان تنها ۹۹۰ درصد افزایش داشته است. بر این اساس، یک ایرانی با درآمد متوسط اگر بخواهد پراید بخرد باید درآمد ۴۶ ماه خود را به طور کامل برای این منظور کنار بگذارد.



دولت رئیسی اگرچه از زمان روی کار آمدن گام‌هایی در جهت حذف قیمت‌گذاری دستوری خودرو برداشت اما این مسیر چنان کند طی می‌شود که نمی‌توان انتظار فروکش فوری تب بازار از این مسیر را داشت. وزارت صمت وعده داده است با افزایش تولید خودرو، فرآیند قرعه‌کشی خودرو بالاخره حذف خواهد شد. ورود خودرو به بورس گام مهمی بود که در این راستا طی ماه‌های

با این حال، علیرغم رکود معاملات، قیمت خودرو در یک مقطع طی سال جاری به خوشبینی‌های برجانی واکنش محسوس نشان داد. کاهش نرخ ارز از حوالی ۳۲ هزار تومان تا کف ۲۸.۵ هزار تومان در مرداد ۱۴۰۱ موجب افت حدوداً ۴ درصدی قیمت خودروهای داخلی در مدت تنها ۱۰ روز شد. به دنبال آن، تعداد آگهی‌های فروش خودرو افزایش یافت و حتی شاهد عرضه برخی خودروهای دپو شده در پارکینگها بودیم. هر چند این بار هم بن‌بست مجدد مذاکرات موجب ناکام ماندن روند نزولی شد.

عرضه در بورس؛ منجی خودروسازان و مردم؟

طی سال‌های گذشته حمایت‌های یک‌جانبه دولت تولید خودروسازان را ناکارا نگه داشته است و از سمت دیگر، قیمت‌گذاری دستوری شاید مهم‌ترین مانعی است که سیاست‌گذار مقابل تولیدکننده گذاشته است.

تا سال گذشته، شورای رقابت مسوولیت تعیین قیمت خودروهای داخلی را برعهده داشت و پس از کش‌وقوس‌های فراوان، این اختیار از شورا سلب و به ستاد تنظیم بازار محول شد. هرچند ستاد تنظیم بازار در مقایسه با شورای رقابت انعطاف بیشتری در مقابل خودروسازان نشان داده و این موضوع را می‌توان از صدور مجوز افزایش ۱۸ درصدی قیمت در آذر ماه سال گذشته متوجه شد، با این حال، کارشناسان معتقدند شیوه فعلی قیمت‌گذاری دستوری که منجر به زیان‌سازی شدید خودروسازان و در نتیجه کاهش تیراژ تولید آن‌ها شده است، باید حذف شود.

در نمودار زیر میزان زیان انباشته خودروسازان بزرگ کشور را می‌بینید. قیمت‌گذاری دستوری خودروهای داخلی موجب زیان شدید خودروسازان ملی شده تا حدی که بارها تا سر حد ورشکستگی پیش رفته‌اند، اما به روش‌هایی (همچون افزایش سرمایه از محل تجدید ارزیابی‌ها) فعلاً از این اتفاق قسر در رفته‌اند. زیان انباشته چهار خودروساز بزرگ ملی (ایران خودرو، سایپا، پارس خودرو و زامیاد) تا پایان سال گذشته به حدود ۷۴ هزار میلیارد تومان رسید. زیان انباشته ایران خودرو در بهار ۱۴۰۱ در حالی به ۴۳ هزار میلیارد تومان رسیده است که سرمایه شرکت حدود ۳۰ هزار میلیارد تومان است.

چهار مدل خودرو در بورس و تغییرات قیمت آن‌ها را مشاهده می‌کنید. برای مقایسه بهتر، قیمت خودروهای بورسی‌شده را شاخص یا نرمال کرده‌ایم. یعنی مبدا همه آن‌ها یکسان در نظر گرفته شده و هر واحد تغییر در شاخص قیمت این خودروها معادل یک درصد تغییر در قیمت این خودروهاست. در همین حال، قیمت دلار را نیز نرمال کرده و به همراه شاخص کل قیمت خودروی بورسان (شاخصی که تغییرات قیمت سبدي از خودروهای داخلی و چینی را اندازه‌گیری می‌کند) برای قضاوت بهتر آورده‌ایم. انتظار می‌رود با روان‌تر شدن فرآیند عرضه خودرو در بورس و ورود باقی محصولات خودروسازان، اختلاف باقی‌مانده میان قیمت خودرو در بورس و بازار آزاد در نهایت از بین برود.



عدم تحقق برنامه تولید با وجود بهبود عملکرد خودروسازان رئیس‌جمهور اسفند گذشته دستور افزایش حداقل ۵۰ درصدی تولید خودروسازان را صادر کرد. بر این اساس، وزارت صنعت، معدن و تجارت در اوایل سال جاری با تنظیم سند تحول صنعت خودرو، هدف‌گذاری تولید خودروسازان کشور را یک میلیون و ۶۰۰ هزار دستگاه قرار داد.

در نخستین ماه‌های سال ۱۴۰۱ شاهد جهش قابل توجهی در تولید خودروسازان نسبت به سال گذشته بودیم. برای مثال، ایران‌خودرو سال قبل ماهانه به طور میانگین حدود ۳۸ هزار خودرو تولید می‌کرد که این رقم در شش ماهه نخست امسال به حدود ۴۳ هزار دستگاه رسیده است. مجموع تولید سه خودروساز بزرگ (ایران‌خودرو، سایپا و پارس‌خودرو) در نیمسال ۱۴۰۱ هم ۴۷۸ هزار دستگاه بوده که مساوی با ۵۶ درصد کل تولید سال قبل است. اگرچه خودروسازان فاصله زیادی تا تحقق هدف تولید

گذشته انجام شد. عرضه خودرو در بورس کالا اگرچه با نقدهایی همراه است اما کارشناسان آن را گام مثبتی در جهت حذف لاتاری خودرو، حرکت به سمت آزادسازی قیمت‌ها و کوتاه‌کردن دست‌دلان از بازار خودرو می‌دانند.

شکست دلالی از بازار

تا کنون چهار مرحله عرضه خودروهای سواری در بورس کالا انجام شده است. این خودروها در بورس با قیمتی پایین‌تر از بازار آزاد به فروش رسیده‌اند؛ در برخی موارد به قیمت کارخانه و گاهی رقمی بین کارخانه و بازار آزاد.

عرضه خودرو در بورس کالا در همان اولین روز نشان داد که قیمت‌گذاری دستوری هیچ ثمری جز قیمت‌های نجومی نداشته و روی دیگر قیمت دستوری همان قیمت‌های نجومی بوده است. این در حالی است که قیمت کشف شده در بورس کالا که در ناقص‌ترین شکل ممکن اجرا شد بسیار پایین‌تر از قیمت‌هایی بود که در شرایط مداخله قیمتی دولت کشف شده است.

در نمودار زیر اختلاف قیمت معاملات خودرو در بورس کالا با بازار و کارخانه را طی اولین مرحله فروش خودرو در بورس مشاهده می‌کنید. مشاهده می‌شود دیگنیتی نزدیک به ۱۵ درصد ارزان‌تر از بازار آزاد معامله شد.



شوگ بورسی به قیمت خودرو

در پی این اتفاق، شاهد کاهش قیمت بازاری خودروهای بورسی‌شده بودیم. برای مثال، دیگنیتی به عنوان پرتقاضاترین خودروی عرضه شده در بورس، پس از ورود به این بازار با افت ۱۵ درصدی قیمت در بازار آزاد مواجه شد. در نمودار زیر، زمان عرضه

با واردات خودرو به شیوه تعیین شده فروکش کند، تردید دارند.

پنج ایراد آیین نامه جدید واردات خودرو

ایرادات این آیین نامه که منجر می شود برداشتن ممنوعیت واردات آنطور که باید نتواند از تب بازار خودرو را بکاهد و جوابگوی نیاز مصرف کننده باشد عبارتند از:

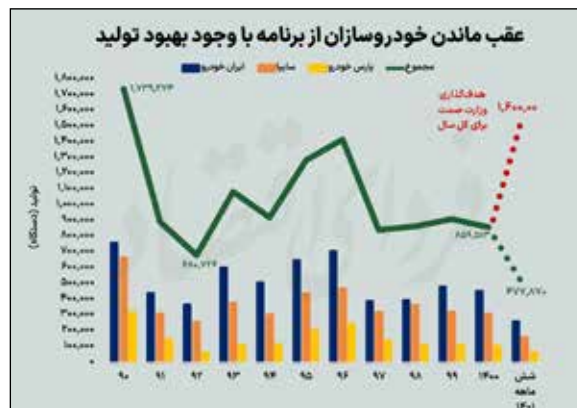
۱- اعمال سقف قیمت ۲۰ هزار دلار برای خودروهای وارداتی: کارشناسان از ابتدای تصمیم برای آزادسازی واردات هشدار می دادند سیاست تعیین سقف قیمت حداقل دو پیامد منفی به همراه خواهد داشت:
الف) محدودیت سقف قیمتی در کنار ممنوعیت واردات خودروهای کارکرده باعث می شود گزینه های بسیار اندکی برای واردات پیش رو باشد.

ب) عمده خودروهای خارجی موجود در بازار ایران که حدود ۴ الی ۵ برابر قیمت جهانی معامله می شوند، قیمتی بیش از ۲۰ هزار دلار دارند و آخرین مدل وارد شده آنها مربوط به سال ۲۰۱۷ است. منع واردات خودروهای گران تر از ۲۰ هزار دلار موجب می شود نه نسخه های جدید این خودروها وارد شود و نه جایگزین جدی برای خرید به جای آنها بیاید. بنابراین، قیمت خودروهای خارجی قدیمی و گران قیمت همچنان بالا خواهد ماند و احتمالاً حباب قیمت خودروهای خارجی گران قیمت تر به طور کامل تخلیه نشود.

۲- عدم پوشش نیاز بازار: اما جدا از اینکه تصمیم گیری دولت برای مردم در خصوص آنکه چه خودرویی تا چه سقف قیمتی وارد شود از اساس اشتباه است، سقف های اعمال شده و تعرفه های احتمالی (با فرض آنکه تعرفه خودروهای ۱۰ تا ۲۰ هزار یورویی همچون سابق حدود ۱۰۰ درصد تصویب شود) هم چندان مناسب نیست. در واقع دسته بندی قیمت به گونه ای صورت گرفته که انگار تلاش شده تا بازار بسیاری از خودروهای داخلی و چینی موجود در کشور حفظ شود.

اگرچه وعده کاهش جدید تعرفه برای خودروهای کمتر از ۱۰ هزار یورو داده شده است اما باید توجه داشت تعداد زیادی از خودروهایی که در این دسته قرار می گیرند احتمالاً نتوانند از سازمان استاندارد کشور مُمَر قبولی بگیرند. تعداد اندک این

امسال دارند، اما خبر خوب آن است که تصور می شود فرآیند تکمیل خودروهای کف پارکینگ خودروسازان از میزان تولید خودروهای نو کاسته باشد. به گفته عبدالله توکلی لاهیجانی، مدیرکل دفتر صنایع خودروی وزارت صمت تعداد خودروهای انباشته در کف پارکینگ شرکت های ایران خودرو و سایپا در پنج ماهه نخست سال جاری نسبت به مدت مشابه سال گذشته با کاهش ۹۴ درصدی از حدود ۱۳۱ هزار به کمتر از ۸ هزار دستگاه رسیده است. همچنین در این مدت شاهد کاهش ۸۵ درصدی تولید خودروی ناقص توسط این دو خودروساز از ۲۷۶ هزار به حدود ۴۲ هزار دستگاه هستیم. بنابراین، امکان دستیابی به هدف تولید غیرممکن نیست، هر چند که چندان آسان و در دسترس نیز به نظر نمی رسد. چنانکه خودروسازان باید در نیم سال دوم ۱۴۰۱ بیش از یک میلیون و ۱۰۰ هزار دستگاه تولید کنند.



تعویق آزادسازی واردات با بن بست برجام

آزادسازی واردات که یکی از مهم ترین ترمزهای قیمت خودرو در سال جاری بود، هم اکنون به دلیل تعلیق مذاکرات برجام بارها تاخیر را در مراحل مختلف خود تجربه کرده است. برای مثال، آیین نامه واردات که قرار بود خرداد منتشر شود، در شهریور نهایی شد. بسیاری از کارشناسان تصور می کنند به تعویق افتادن واردات خودرو ناشی از عدم حصول توافق وین است و از این رو باور دارند در صورت شکست مذاکرات احتمال لغو واردات خودرو نیز وجود دارد. هر چند وزارت صمت با رد این گمانه زنی از آغاز شدن فرآیند اجرایی واردات خبر داده است. با این حال، کارشناسان نسبت به آنکه قیمت خودرو تا چه حد

خودروها که می‌توانند معیارهای سازمان استاندارد را پاس کنند نیز کیفیتی در حد تیبیا یا نهایت پژو ۲۰۶ دارند. در خصوص خودروهای بالای ۱۰ هزار یورو نیز احتمالاً به دلیل بالا ماندن نرخ تعرفه، قیمت این خودروها بسیار بالا و خارج از قدرت خرید عموم مردم باشد. قشر متوسط که توان خرید این خودروها را دارد نیز برای خرید خودروهای فرضا کره‌ای با کیفیت متوسط باز هم باید چند برابر قیمت جهانی هزینه کنند. فراموش نکنیم طبق آمارهای وزارت صمت، ۵۰ درصد مردم ایران قدرت خرید خودروی بالای ۲۰۰ میلیون و ۸۰ درصد جامعه امکان خرید ماشین بالای ۴۰۰ میلیون تومان را ندارند.

در واقع باید بین وضعیت بازار خودرو در حال حاضر و سال‌های گذشته تمایز قائل شد. در سال ۹۶ که تعرفه ۱۰۰ درصدی داشتیم، دلار حدود ۴ هزار تومان بود. اما ۷ برابر شدن قیمت دلار در ۵ سال گذشته تا حدی از قدرت خرید مردم کاسته است که خود دلار ۲۸ هزار تومانی را می‌توان معادل تعرفه ۶۰۰-۷۰۰ درصدی دانست. بنابراین، بسیاری از کارشناسان تاکید دارند که در وضعیت کنونی التهاب قیمت خودرو، در نظر گرفتن تعرفه برای واردات اشتباه است و بهتر است برای تنظیم بازار داخلی، تعرفه واردات خودرو صفر شود.

۳- محدودیت تعداد واردات خودرو: با توجه به آنکه سقف ارز قابل تخصیص به واردات خودرو یک میلیارد یورو در نظر گرفته شده است. اگر تصور کنیم میانگین قیمت خودروهای وارداتی ۱۵ هزار دلار باشد کمتر از ۷۰ هزار خودرو وارد کشور خواهد شد. اگر هم فرض کنیم میانگین قیمت خودروهای وارد شده ۱۰ هزار دلار باشد نهایت می‌توان انتظار ورود ۱۰۰ هزار خودرو را داشت. این در حالی است که طبق آمار استارت‌آپ باما در سال گذشته یک میلیون خودروی نو در ایران معامله شده است. بنابراین ورود ۷۰ هزار خودرو مساوی است با تنها ۷ درصد از نیاز کشور به خودروی نو. در صورتی که کل معاملات (نو و کارکرده) را در نظر بگیریم که در سال ۱۴۰۰ حدود ۴.۵ میلیون دستگاه خودرو بوده، این رقم ناچیزتر هم خواهد شد.

بنابراین اثر کاهشی واردات بر قیمت خودرو می‌تواند توسط دو مورد بالا (عدم واردات خودروهای با قیمت بیش از ۲۰ هزار دلار و اندک بودن منابع اختصاص یافته به واردات) محدود شود و شاهد

شوک سنگین در کل بازار خودرو نباشیم.

۴- اجبار به عرضه تنها از طریق بورس کالا و قیمت‌گذاری دستوری خودروی وارداتی: اما غیرمنتظره‌ترین بند آیین‌نامه واردات، امکان فروش تنها از طریق بورس کالا و قیمت‌گذاری با تعیین دستوری سود بازرگانی بود. در آیین‌نامه واردات خودرو آمده است: «کارگروهی با مسئولیت وزارت صنعت، معدن و تجارت و عضویت وزارت امور اقتصاد و دارایی و سازمان برنامه و بودجه کشور، موظف است نرخ سود بازرگانی خودروهای وارداتی برحسب ارزش (فوب) را به گونه‌ای تعیین نماید که مابه‌التفاوت قیمت پایه با قیمت پایانی در بورس کالا، معادل سود عادلانه باشد. کارگروه مذکور مجاز به تعیین علی‌الحساب سود بازرگانی در زمان ترخیص و تعیین سود بازرگانی قطعی در زمان فروش است.»

محدود شدن عرضه کالا به بورس کالا این سوال را ایجاد می‌کند که با توجه به آنکه بخش خصوصی واردکننده خودرو است چرا باید مشمول قیمت‌گذاری دستوری شود و تنها از طریق بورس امکان عرضه خودرو را داشته باشد؟ و اصلاً فرآیند این کار چگونه خواهد بود؟

ثانیا، خودروهای وارداتی در کشور هیچگاه مشمول قیمت‌گذاری نبودند و با توجه به آنکه عرضه خودرو در بورس اساساً برای حذف قیمت‌گذاری دستوری و اعتماد به مکانسیم عرضه و تقاضا انجام می‌شود، اینکه ابتدا خودروی وارداتی مشمول قیمت‌گذاری دستوری شود و سپس در بورس عرضه شود از نگاه برخی کارشناسان کاری عبث به نظر می‌رسد.

در خصوص عوارض و سود بازرگانی هم در کوتاه‌مدت شبهات بسیاری به وجود خواهد آمد. دادفر، دبیر انجمن واردکنندگان خودرو نیز در این خصوص به ایلنا گفت «قرار است کارگروهی مابه‌التفاوت میان نرخ اولیه خودرو وارداتی با میزان و ارزش عرضه آن در بورس کالا را در نظر بگیرد و عوارض شناور اعمال کند. یعنی تا زمانی که واردکننده ماشین‌اش را نفروخته است، نمی‌داند تعرفه یا عوارض گمرکی چقدر است که به نوعی سردرگمی در بازار ایجاد می‌کند. چون ممکن است یک خودرو در ماه ۱۰۰-۵۰۰ دستگاه عرضه شود و در ماه بعد اصلاً عرضه نشود و این بلاکلیفی در عوارض و تعرفه یک مصیبت بسیار بزرگ است.» البته انتظار می‌رود پس از چند مرحله عرضه در بورس کالا،

کاهش نااطمینانی‌ها و انتظارات تورمی، تقاضای سرمایه‌های خودرو را پایین بیاورد. با توجه به شکل زیر که روند قیمت دلاری پراید را نشان می‌دهد، به نظر می‌رسد قیمت پراید می‌تواند به حدود ۵۵۰۰ دلار که در حوالی سال ۹۲ بوده برگردد، چرا که در این سال، اثر تورم روی نرخ ارز و خودرو تخلیه شده و قیمت نسبتاً پایداری شکل گرفته بوده است. با این حال این خودرو که به عنوان نمونه پرتقاضای سی سال گذشته مورد مقایسه قرار گرفته، به خاطر قدیمی شدن نرخ دلاری پایین تری هم می‌تواند داشته باشد.



اما باید دید برای دیگر عوامل مؤثر روی بازار خودرو در اثر توافق چه اتفاقی می‌افتد؟ آزادسازی واردات یک سیاست احتمالی است که عزم اولیه برای اجرایش مشاهده شد، اما به نظر می‌رسد با دلایلی مثل کمبود منابع ارزی به کما رفت. با توافق و رشد بزرگ درآمدهای ارزی، این مانع برطرف می‌شود اما مانعی دیگر بر سر راه قرار خواهد گرفت؛ احتمالاً با رشد منابع ارزی، دولت خواهد کوشید مواد اولیه وارداتی ارزان تر در اختیار خودروسازها قرار دهد تا به این صورت قیمت خودروی داخلی را کاهش بدهد و به جای آن سمت آزادسازی واردات نرود. پیامد احتمالی دیگر احیای برجام، مشارکت برخی خودروسازهای خارجی مثل رنو با تولیدکنندگان داخلی است که می‌تواند باعث تولید خودروهای باکیفیت تر -نسبت به سطح قیمت خودروهای داخلی- شود. این مشارکت همچنین از طریق رشد بهره‌وری تولید می‌تواند به کاهش سطح عمومی قیمت خودروها هم کمک کند.

واردکنندگان به تخمینی از میزان سود واردات برسند اما در هر صورت این موضوع در کوتاه مدت ابهاماتی ایجاد خواهد کرد. ۵- محدودیت عجیب واردات در مناطق آزاد: طبق این آیین‌نامه «واردات خودرو برای شماره‌گذاری در مناطق آزاد تجاری-صنعتی منحصر به خودروهای دنیرویی (هیبریدی) یا تمام برقی است. سرمایه‌گذاری و راه‌اندازی ایستگاه‌های شارژ برعهده واردکنندگان است». یعنی علاوه بر اینکه واردات خودروهای غیربرقی و غیرهیبریدی در مناطق آزاد ممنوع شده، از واردکننده خواسته شده تا خودش ایستگاه‌های شارژ موردنیاز برای خودروهایی که وارد می‌کند را ایجاد کند. موضوعی که با توجه به هزینه‌های بالا می‌تواند از جذابیت واردات در مناطق آزاد بکاهد.

هزینه ساخت هر ایستگاه شارژ خودروی برقی بسته به اینکه نوع ایستگاه سطح دو باشد (ایستگاه‌های شارژ عمومی که از برق ۲۴۰ ولت استفاده می‌کنند) بین ۱۲۰۰ تا ۶۰۰۰ دلار تخمین زده می‌شود و اگر سطح سه باشد (شارژهای سریع DC که با ولتاژ بیش از ۴۸۰ ولت شارژ می‌شوند و سریع‌ترین راه برای شارژ خودروهای برقی هستند) بین ۳۰ الی ۸۰ هزار دلار هزینه می‌برد.

سه گانه سرنوشت‌ساز آینده خودرو

سرنوشت برجام، واردات خودرو و قیمت‌گذاری دستوری، سه عامل تعیین‌کننده برای قیمت خودرو در نیمسال دوم ۱۴۰۱ و پس از آن هستند. با وجود این، در حال حاضر هر سه موضوع در نوعی ابهام قرار دارند. مذاکرات وین پس از یک سال و نیم هنوز موفق به احیای برجام نشده است، بسیاری نگران لغو واردات خودرو در صورت عدم توافق هسته‌ای هستند و حذف قیمت‌گذاری دستوری نیز بسیار کند پیش می‌رود.

اگر صنعت خودرو متحول شود به عبارتی ساختار ناکارآمد خودروسازان اصلاح گردد، سیاست‌گذار از دخالت در قیمت‌ها کناره‌گیری کند، مجوز ورود خودروها و خودروسازان خارجی به کشور داده شود و تعرفه واردات به حداقل برسد، می‌توان انتظار ریزش قیمت‌ها به ویژه خودروهای خارجی که هم‌اکنون تا ۴ برابر قیمت جهانی معامله می‌شوند را داشت.

خودرو در سال‌های گذشته به یک کالای سرمایه‌ای در دسترس تبدیل شده است. احیای برجام در وهله اول ممکن است از راه



رتبه اول گروه پتروشیمی کشور

توسعه و ارزش آفرینی پایدار در گروه صنایع پتروشیمی خلیج فارس



راهبردی برای خود و تمامی شرکت‌های زیر مجموعه، تنوع و سرمایه‌گذاری در سبد سرمایه جهت بالا بردن ضریب سود آوری تولید متنوع محصولات و فرآورده‌های شیمیایی و پتروشیمیایی، احداث مجتمع‌ها و طرح‌های استراتژیک پتروشیمی و پالایشگاهی در مناطق مختلف کشور در راستای توسعه پایدار و با دیدگاه صیانت از محیط زیست و اجرای استانداردهای ایمنی و بهداشت شغلی، در اختیار گرفتن فروش، صادرات و واردات محصولات بدون حضور واسطه، اجرای طرح‌های رفع تنگنای تولید در مجتمع‌های تحت پوشش، دستیابی حداکثر ظرفیت اسمی تولید در مجتمع‌ها و اخذ تسهیلات مالی و فاینانس را فراهم و در حوزه‌های مختلف به اجرای در آورده است.

تحریم، پاندمی کرونا و تلاطمات اقتصادی در عرصه جهانی، تنها بخشی از چالش‌های پر شمار پیش روی گروه صنایع پتروشیمی خلیج فارس در سال‌های اخیر بوده است؛ چالش‌هایی که نه تنها مانعی بر سر راه «فارس» که به نهنگ بازار سرمایه شهره شده، نشد که فرصت‌های جدیدی برای بزرگترین هلدینگ پتروشیمی ایران فراهم ساخت، از تلاش برای داخلی‌سازی تا افزایش تولید و سود خود زمینه‌ای شد برای ثبت رکورد‌های جدید چه آنکه بر اساس آخرین رده‌بندی معتبر جهانی ICIS این گروه بزرگ پتروشیمی به رتبه ۲۳ جهان جهش کرد و دستاوردی تاریخی برای صنعت پتروشیمی ایران به ارمغان آورد. این شرکت طی ده سال گذشته تحولات و تغییرات اساسی و مهمی از جمله، اعمال مدیریت سیستمی، تدوین برنامه‌های

عملکرد "شرکت سرمایه‌گذاری مدبران اقتصاد" در بازار سرمایه

- مدیریت بزرگترین صندوق بازاری گردانی در سال ارزش بالغ بر ۱۰۷۰۰ میلیارد تومان
- کسب بازدهی بیش از شاخص در سال ۱۴۰۱ تا تاریخ ۱۴۰۱/۰۷/۱۲
- خرید حدود ۱۱۰۰ میلیارد تومان سهام
- در قالب صندوق‌های بازاری گردانی در سال ۱۴۰۱
- انتشار اوراق تبعی (بیمه سهام) بر روی تمامی نماد‌های شرکت‌های تابعه در سال ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ و آمادگی برای انتشار در سال ۱۴۰۱

- گروه صنایع پتروشیمی خلیج فارس در برابر چالش هایی نظیر کاهش قیمت محصولات پتروشیمی، احتمال کاهش بیشتر نرخ های جهانی کالاها در اثر سیاستهای انقباضی آمریکا و افزایش ایندکس دلار، وجود شکاف بین دلار نیمایی و دلار بازار آزاد در فرایند قیمت گذاری در بورس کالا هستند. علاوه بر این کاهش اعتماد سهامداران به بازار سرمایه ناشی از عواملی مانند فرایند های حاکم بر بودجه ریزی دولت، افزایش نرخ خوراک مجتمع های پتروشیمی ناشی از اعمال نرخ هاب اروپایی در فرمول قیمت گذاری خوراک، عدم تعیین تکلیف وضعیت صندوق های بازارگردانی از لحاظ ثبت های حسابداری و حیس منبع در صندوق های بازارگردانی توانست رکوردهای بزرگی را در تاریخ عملکرد خود به ثبت رساند. دستاوردهای هلدینگ خلیج فارس به شرح ذیل است:
- تولید بیش از ۲۲ میلیون تن محصول در سال ۱۴۰۰
- فروش بالغ بر ۱۶ میلیون تن محصول در سال ۱۴۰۰
- صادرات حدود ۷ میلیون تن محصول معادل ۵ میلیارد دلار در سال ۱۴۰۱
- کسب سود ۹۵ هزار میلیارد تومان تلفیقی و ۵۶ هزار میلیارد تومان شرکت اصلی در سال ۱۴۰۰
- دارا بودن صندلی مدیریتی در ۱۳ شرکت بورسی و ۳۰ شرکت غیر بورسی
- کسب رتبه ۲۳ بین شرکتهای شیمیایی و پتروشیمی در آخرین رتبه بندی موسسه ICIS
- کسب رتبه بندی A توسط موسسه رتبه بندی پایا
- بزرگترین گروه بازار سرمایه با ارزش بیش از ۷۷۰ هزار میلیارد تومان
- بزرگترین شرکت بازار سرمایه با ارزش ۳۳۸ هزار میلیارد تومان
- دارا بودن سهم ۱۳ درصدی از ارزش بازار سرمایه

ردیف	شرکت	ارزش روز (هزار میلیارد تومان)
۱	صنایع پتروشیمی خلیج فارس	۳۳۸
۲	پتروشیمی پارس	۱۰۶
۳	پلیمر آریا سلسول	۹۰
۴	پتروشیمی نوری	۷۹
۵	مبین انرژی خلیج فارس	۴۷
۶	پتروشیمی بوعلی سینا	۳۳
۷	فجر انرژی خلیج فارس	۲۹
۸	پتروشیمی تندگویان	۲۰
۹	تکمیلی پتروشیمی خلیج فارس	۱۳
۱۰	کود شیمیایی لوره لردگان	۸
۱۱	تلمین سرمایه خلیج فارس	۳
۱۲	پتروشیمی ممسنی	۱
۱۳	صنایع پتروشیمی دهنشت	۱
۱۴	پتروشیمی کازرون	۱
۱۵	پتروشیمی ارومیه	۱
	جمع	۷۷۲

درصد	ارزش معاملات (هزار ریال) سال ۱۴۰۰	نام شرکت
۰.۶۳٪	۳.۴۶	پلیمر آریا ساسول
۰.۰۳٪	-۰.۱۳	پتروشیمی ارومیه
۱.۵۵٪	۸.۶۹	پتروشیمی اروند
۰.۱۷٪	-۰.۵۹	پتروشیمی ایلام
۱.۹۵٪	۱۰.۹۰	پتروشیمی بندر امام
۰.۰۶٪	-۰.۳۴	پتروشیمی بوعلی سینا
۱.۰۴٪	۵.۸۳	پتروشیمی پارس
۲.۹۳٪	۱۶.۳۴	پتروشیمی تندگویان
۰.۲۴٪	۱.۲۳	پتروشیمی خوزستان
۰.۱۵٪	-۰.۸۴	پتروشیمی نوری
۰.۳۹٪	۲.۲۰	پتروشیمی کارون
۰.۰۰٪	۰.۰۱	کود شیمیایی اوره لردگان
۹.۰۴٪	۵۰.۶۶	جمع شرکت های تابعه گروه
	۵۶۰.۲۷	کل بورس کالا

بازدهی (درصد)	شرکت
۳/۹	صنایع پتروشیمی خلیج فارس
۱۲/۳	پتروشیمی پارس
-۲/۳	پلیمر آریا ساسول
۵/۱	پتروشیمی نوری
۳۸/۱	مبین انرژی خلیج فارس
۴۸	پتروشیمی بوعلی سینا
۷۱/۱	فجر انرژی خلیج فارس
-۸	پتروشیمی تندگویان
-۱۳/۴	تکمیلی پتروشیمی خلیج فارس
-۲۱/۳	کود شیمیایی اوره لردگان
۸۲/۲	تامین سرمایه خلیج فارس
۱۲/۱	پتروشیمی کازرون
۱۰/۱	پتروشیمی ممسنی
۲/۶	پتروشیمی ارومیه
-۷/۹	صنایع پتروشیمی دهدشت
۱۰/۴	میانگین موزون
-۵/۵	بازده شاخص کل
۱/۹	بازده شاخص شیمیایی
۱/۶	بازده شاخص ۵۰ شرکت

- بزرگترین عرضه کننده محصولات در بورس کالا (گروه محصولات پتروشیمی)
- دارا بودن سهم ۹ درصدی در عرضه های بورس کالا
- عرضه ۵۰ هزار میلیارد تومان محصول در سال ۱۴۰۰ و ۳۰ هزار میلیارد تومان در سال ۱۴۰۱ از طریق بورس کالا
- دارا بودن سهم ۲۵ درصدی در بورس کالا (گروه محصولات پتروشیمی)



تأمین سرمایه خلیج فارس

اولین تامین
سرمایه صنعتی ایران

از نقد شونددگی سرمایه گذاری خود مطمئن شوید
عملیات سرمایه گذاری را به تیم خبره سرمایه گذاری خلیج فارس واگذار کنید
و از هیجانان در تصمیم گیری به دور باشید

- تأمین سرمایه خلیج فارس ، همراه شما در توانمند سازی مالی
- صندوق مختص اوراق دولتی نماد ساحل
 - صندوق سرمایه گذاری با در آمد ثابت خلیج فارس نماد نخل
 - صندوق سرمایه گذاری مبتنی بر گواهی سپرده طلا نماد آفتاب
 - صندوق اهرمی نماد موج



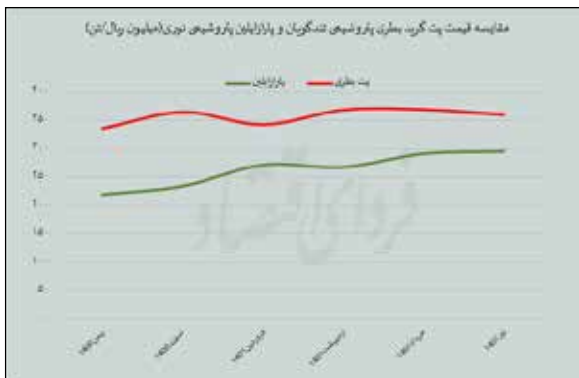
www.pgibc.ir



عملکرد با ثبات پتروشیمی شهید تندگویان



که قیمت آن‌ها در بهای تمام شده محصولات این شرکت تاثیر بسزایی دارد.



وضعیت فروش محصولات اصلی پتروشیمی شهید تندگویان

اسید ترفتالیک، گرید پتری و گرید الیاف ۳ محصول اصلی تندگویان هستند که عمده تولید و فروش این شرکت را شامل می‌شود. اسید ترفتالیک بیشترین حجم تولید این شرکت را شامل می‌شود که به عنوان ماده اولیه ساخت پت گرید پتری

فردای اقتصاد: پتروشیمی شهید تندگویان به عنوان تنها شرکتی که محصول مهم و استراتژیک PET گرید پتری را در ایران تولید می‌کند، نقش مهمی در صنعت پتروشیمی، پلیمر و پلاستیک ایران ایفا می‌کند. این شرکت در سال ۱۳۷۷ با هدف تولید PET (پلی اتیلن ترفتالات) با ظرفیت اسمی ۸۸۷ هزار تن در سال و PTA (اسید ترفتالیک خالص) با ظرفیت اسمی ۷۰۰ هزار تن در سال تاسیس شد. پتروشیمی شهید تندگویان زیر مجموعه هلدینگ بزرگ خلیج فارس می‌باشد و ۴ محصول، اسید ترفتالیک، گرید پتری، گرید الیاف و مواد نخ پلی استر را در سبد فروش این شرکت می‌توان مشاهده کرد.

این شرکت همچنین مواد اولیه خود را که ۸۱ درصد بهای تمام شده محصولاتش را شامل می‌شود از سه پتروشیمی نوری، فناوران و مارون تامین می‌کند. مواد اولیه‌ای که این شرکت به صورت مستقیم در ساخت محصولاتش به کار می‌برد، شامل پارازایلن پتروشیمی نوری (۶۳ درصد سهم مواد اولیه PET را شامل می‌شود) و منواتیلن گلایکول پتروشیمی مارون (۲۷ درصد مواد مصرفی محصولات این شرکت را شامل می‌شود) می‌شود



بررسی حواشی پیرامون پتروشیمی شهید تندگویان

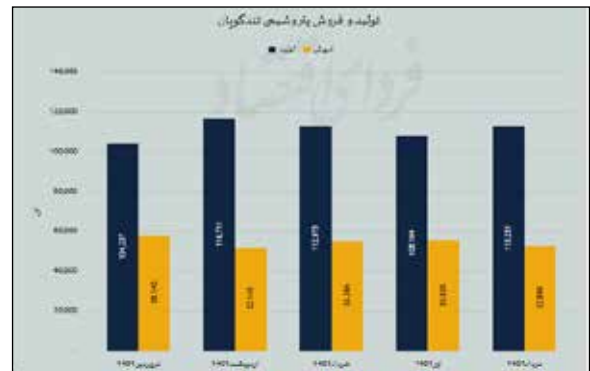
همواره شایعاتی مبنی بر صادرات محصولات پتروشیمی تندگویان به خارج از کشور مطرح بوده است. شایعاتی که این شرکت را به تخطی از دستورالعمل وزارت صمت که این شرکت را موظف کرده است تمامی محصولات خود را در بورس کالا عرضه کند، محکوم می‌کند. بررسی‌های مقایسه‌ای از میزان معاملات بورس کالا و گزارش‌های ماهانه این شرکت در سامانه کدال نشان می‌دهد که این شرکت در ۵ ماهه نخست سال جاری ۲۵۰ هزار و ۸۲۰ تن در بورس کالا تحویل محصول را ثبت رسانده است اما در گزارش‌های ارسالی روی سامانه کدال، ۲۱۷ هزار تن فروش محصول را در این بازه زمانی ثبت کرده است. بررسی‌ها اما نشان می‌دهد تفاوت ۳۳ هزار تنی در نوع معاملاتی که به صورت سلف در بورس کالا منعقد می‌شوند عمدتاً ناشی از معاملاتی است که زمان تحویل آن‌ها در ماه‌های آتی ثبت شده است و یا از تاخیر در تحویل کالاهایی است که زمان تحویل آن‌ها روزهای آخر ماه ثبت شده و با تاخیر چند روزه در فروش ماه بعد ثبت می‌شود.

از سوی دیگر به نظر می‌رسد شایعات پیرامون این شرکت مبنی بر صادرات پت نساجی به دلیل اشتباه محاسبه قراردادهای این شرکت در آمار معاملات فیزیکی صورت گرفته است که زمان تحویلشان مربوط به ماه‌های آینده است؛ به دلیل اینکه حجم فروش با تاخیر و پس از تحویل به مشتری در صورت‌های مالی و گزارشات فروش ماهانه شرکت خود را نشان می‌دهد.

و پت گرید الیاف استفاده می‌شود. گرید بطری و گرید الیاف نیز ۴۹ درصد تولید و بیش از ۹۰ درصد فروش این شرکت را شامل می‌شود و دو محصول اصلی این شرکت برای عرضه در بورس کالا به حساب می‌آیند.

وضعیت فروش این شرکت در مرداد ماه با میزان ۵۲,۹۹۹ تن، نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۳۳ درصد رشد را ثبت کرده است. شرکت در روند فروش خود از ابتدای سال ثبات پایداری مناسبی را در کانال ۵۰ هزار تن حفظ کرده است.

وضعیت تولید این شرکت در مرداد ماه نیز با ۱۱۳ هزار تن نسبت به اوج تولید این شرکت در اردیبهشت‌ماه تنها ۳ هزار تن فاصله دارد.



پتروشیمی تندگویان در فروش گرید الیاف در مرداد ماه توانسته ۸۰ درصد میزان فروش ماه گذشته خود را تکرار کند. از سوی دیگر در اطلاعیه‌ای که این شرکت در ۱۵ مرداد منتشر کرد، صادرات گرید الیاف بنا بر دستور نهادهای نظارتی به دلیل تقاضای بالا و ایجاد رقابت در بازارهای داخل ممنوع اعلام شد؛ اما از آنجا که این شرکت از ابتدای سال جاری صادرات قابل توجهی در این زمینه ثبت نکرده است به نظر نمی‌رسد اثر قابل توجهی روند فروش و تولید ماه‌های آینده این محصول را شاهد باشیم. وضعیت سودآوری این شرکت در ماه‌های آینده باید نگاهی به مواد اولیه داشت که در صورت تامین به موقع و مناسب آن میتوان احتمال ادامه روند تولید و فروش این شرکت با روند کنونی را در مرداد ماه پیش‌بینی کرد.

درآمدزایی پتروشیمی شهید تندگویان در سال ۱۴۰۱

پتروشیمی شهید تندگویان در مرداد ماه با کسب درآمد یک هزار و ۹۴۲ میلیارد تومانی توانست درآمدهای خود تا پایان مرداد ۱۴۰۱ را به ۹ هزار و ۵۱۲ میلیارد تومان برساند؛ نرخ فروش گرید بطری نیز در مرداد ماه با افزایش ۱۰ درصدی مواجه شد تا روند رشد ۱۴ درصدی قیمت این محصول از ابتدای سال تا مرداد ۱۴۰۱ را شاهد باشیم.



روزهای روشن «حکشتی»

● **محمدرضا مدرس خیابانی**
مدیرعامل گروه کشتیرانی
جمهوری اسلامی ایران

بر این اساس، درآمد ریالی گروه کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران از این میزان حمل بار، ۳۸۲ هزار میلیارد ریال بوده و میزان درآمد عملیاتی نسبت به سال ۹۹، رشد ۱۵۱ درصدی داشته که این رقم نیز رکوردی تاریخی در بخش درآمدی به شمار می‌رود و با توجه به روندی که در سال جاری داریم، رکورد تاریخی سال ۱۴۰۰ را در سال ۱۴۰۱ نیز تکرار خواهیم کرد. همچنین در این سال، مجموعاً بالغ بر ۱.۶ میلیارد دلار درآمد کسب شده؛ در حالی که این رقم در سال ۹۹ به ۷۷۰ میلیون دلار محدود شده بود؛ ضمن اینکه سود خالص ارزی گروه کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۴۰۰ نیز، ۴۷۰ میلیون دلار بوده که نسبت به ۲۹ میلیون دلار سال ۹۹، رشد بسیار قابل توجهی داشته است.

بر این اساس، حاشیه سود گروه کشتیرانی در سال مالی ۱۴۰۰ معادل ۲۸ درصد بوده؛ ضمن اینکه باید به این نکته هم اشاره کرد که یکی دیگر از دستاوردها طی سال مالی ۱۴۰۰ ساماندهی بدهی‌های معوقه ای بوده که از دوره‌های گذشته باقی مانده که بر این اساس با سازماندهی، ساماندهی و شفاف سازی که صورت گرفته، تاکنون ۶۲۰ میلیون دلار از این بدهی‌ها بازپرداخت شد و گروه کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران، به عنوان یکی از مشتریان خوش حساب بانک‌ها و صندوق توسعه ملی مطرح گردیده است.

در این میان، بخش اعظم هزینه‌های گروه کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران مربوط به تامین سوخت مورد نیاز

کارنامه عملکرد کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۴۰۰ که با نماد «حکشتی» در بازار سرمایه ایران فعالیت می‌کند، منتشر شد. کارنامه ای پررونق که نشان می‌دهد با برنامه ریزی دقیق و مدونی که در سال‌های گذشته صورت گرفته، روند رو به رشد آغاز شده و پیش بینی هم بر این است که در سنوات پیش رو نیز، این حرکت پرشتاب ادامه یابد.

در واقع، سال ۱۴۰۰ سالی پررونق برای مجموعه حمل‌ونقل دریایی کشور بود و طی سال گذشته، ناوگان کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران در مجموع، موفق به حمل و جابه‌جایی بالغ بر ۷۱۹ هزار TEU کانتینر شد که نسبت به سال ۹۹، از ۶۹ درصد رشد برخوردار بوده؛ ضمن اینکه در بخش حمل کالای فله نیز، در سال ۱۴۰۰، بالغ بر ۱۴.۵ میلیون تن کالا از سوی گروه کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران جابه‌جا شده که این رقم نیز نسبت به سال ۹۹، رشد ۲۸ درصدی را به ثبت رسانده است.

گروه کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران در سال گذشته در مجموع بالغ بر ۲۶.۷ میلیون تن بار حمل کرده که این رقم، بیانگر رشد ۴۱ درصدی نسبت به سال ۹۹ و ثبت رکوردی تاریخی در حوزه حمل بار از سوی ناوگان بوده است. از میزان تناژ حمل یاد شده، بالغ بر ۱۰.۳ میلیون تن کالای صادراتی بوده که ۹ درصد رشد نسبت به سال ۹۹ را تجربه کرده؛ همچنین بالغ بر ۸.۶ میلیون تن کالای وارداتی از سوی ناوگان گروه کشتیرانی در سال ۱۴۰۰ حمل شده که نسبت به سال قبل ۷۴ درصد رشد داشت.

شرکت تعمیرات کشتی، به زودی تمامی تعمیرات شناورها را در داخل کشور انجام دهیم. همچنین با بهره‌گیری از مؤسسه با سابقه آموزشی گروه کشتیرانی نسبت به تربیت کادر دریایی مجرب اقدام شده است و اکنون نیز اعلام می‌کنیم، تقریباً تمامی ۳۶۷۸ پرسنل دریایی گروه کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران از جوانان غیور و توانمند ایرانی هستند.

نکته حائز اهمیت دیگر، شفافیت مالی به عنوان مهم‌ترین دستاوردهای شرکت طی سال‌های اخیر است؛ به نحوی که طی دو سال اخیر تمامی شرکت‌های گروه حسابرسی شده‌اند در کنار آن پرونده‌های مالیاتی نیز با موفقیت مختومه شده‌اند.

و در نهایت، همانطور که در رابطه با کریدور شمال-جنوب اشاره شد، ارتقای فرآیند جذب محمولات ترانزیت خارجی از طریق جاده و ریل در راستای گسترش این کریدور عملیاتی شده، ضمن اینکه در جهت تقویت بندر چابهار نیز، خط مستقیم کانتینری از این بندر به بنادر هند ایجاد شده و برنامه توسعه گروه کشتیرانی به نحوی است که برای خرید و ساخت ۸۰ فروند شناور اقدام خواهد شد، ضمن اینکه ۶۵ هزار کانتینر خریداری می‌شود و ساخت دو فروند شناور ۴۰ هزار تُنی در کشتی‌سازی‌های داخلی نیز انجام خواهد گرفت، همچنین احداث یارد لجستیک کانتینر در بندر چابهار و خرید واگن مورد نیاز جهت تقویت شبکه حمل و نقل ترکیبی و مواردی از این دست که منجر به توسعه ناوگان خواهد شد، در دستور کار قرار دارند.

به هر حال امسال، مجمع عمومی عادی سالیانه گروه کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران منتهی به سال مالی ۳۱ خرداد ۱۴۰۱ در شرایطی برگزار شد که به ازای هر سهم، ۲۹۰۰ ریال و در مجموع ۶۲۵۲ میلیارد تومان بین سهامداران تقسیم گردید و این در حالی است که سال گذشته در مجمع عمومی عادی سالیانه حکشتی ۷۳ ریال سود به ازای هر سهم توزیع شده که در مجموع سود توزیع شده با رشد ۴۰ برابری به ۲۹۰۰ ریال رسیده است.

کشتی‌ها است که بر این اساس، در سال گذشته ۳۶۸ هزار تُن سوخت به ارزش ۲۵۲ میلیون دلار برای ناوگان خریداری شده که به همت وزارت نفت، بخش بسیار بزرگی از این حجم سوخت، در داخل تولید و به ناوگان تحویل شده است که این اقدام وزارت نفت و پالایشگاه‌های کشور، شایسته تقدیر است.

به موازات، گروه کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران، بر تأمین نیازهای خود از داخل کشور، اصرار دارد و هم اکنون ۸۰ درصد از نیازهای ناوگان از تولیدکنندگان داخلی تأمین می‌شود که از این طریق، از خروج ۳۰۰ میلیون دلار ارز از کشور جلوگیری شده و در این راستا، قرارداد ساخت دو فروند شناور رو-رو کانتینری و دو فروند شناور چندمنظوره با سازندگان داخلی کشتی منعقد شده است؛ همچنین دو دستگاه لندینگ کرافت نیز خریداری شده که تعمیرات آن‌ها در یاردهای داخلی انجام خواهد شد که تمامی این شناورها با توجه به تأکیدات مقام معظم رهبری نسبت به راه‌اندازی و توسعه فعالیت‌ها در کریدور شمال-جنوب، در این مسیر به ناوگان ملی کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران ملحق می‌شوند. در این میان البته، همکاری‌هایی را با شرکت‌های دانش بنیان در راستای تولید سوخت کم سولفور در جنوب کشور صورت داده‌ایم و در کنار آن، در زمینه‌های تولید قطعات و تعمیرات نیز، با این شرکت‌ها در حال همکاری هستیم.

همچنین انعقاد قرارداد ساخت کانتینر با تولیدکنندگان داخلی نیز در دستور کار قرار گرفته و بر این اساس، قرارداد خرید ۴۰ هزار و ۸۰۰ TEU کانتینر با تولیدکنندگان داخلی منعقد شده که بیش از نیمی از آن‌ها یعنی ۲۰ هزار و ۷۰۰ TEU تحویل ناوگان شده؛ ضمن اینکه شرکت تعمیرات کشتی پرشیا هرمز که شرکت مشترک گروه کشتیرانی و ایزوایکو است، در این زمینه بیش از پیش فعال شده است و هرگونه تعمیرات شناورهای که در داخل کشور امکان انجام داشته باشد را در کنار دیگر یاردهای تعمیراتی بر عهده گرفته است که امیدواریم با به روزرسانی امکانات و تجهیزات این

**سال ۱۴۰۰ سالی
پُر رونق برای
مجموعه حمل و نقل
دریایی کشور بود
و طی سال گذشته
ناوگان کشتیرانی
جمهوری اسلامی
ایران در مجموع،
موفق به حمل و
جابه‌جایی بالغ بر
۷۱۹ هزار TEU
کانتینر شد که
نسبت به سال ۹۹
از ۶۹ درصد رشد
برخوردار بوده است**



ایران خودرو در مسیر پیشرفت و تحول

رشد کمی و کیفی تولید دستاورد ۶ ماهه در بزرگترین خودروساز خاورمیانه

تولید بر خط را برای جلوگیری از زیان بیش‌تر و بهبود کیفیت محصولاتش در دستور کار قرار داد. در ادامه، خبر خوش پایان یافتن خودروهای ناقص و به صفر رسیدن آن در پارکینگ‌های گروه صنعتی ایران خودرو در سطح کشور که در سال ۱۴۰۰ به بیش از ۸۲ هزار دستگاه رسیده بود به گوش رسید. در حال حاضر، پارکینگ‌های ایران خودرو در سایت‌های تولیدی سطح کشور نیز به صفر رسیده و با برنامه‌ریزی صورت گرفته تولید برخط و عبور مستقیم محصولات از تحمیل هزینه و افت کیفیت محصولات جلوگیری کرده است.

از رشد تولید تا افزایش صدور سند

افزایش ۵۰ درصدی تولید کامل و عبور مستقیم خودرو سواری و سنگین و نیمه سنگین از خطوط تولید موجب بهبود عملکرد گروه صنعتی ایران خودرو در عمل به ایفای تعهدات به مشتریان شده است، به نحوی که تازه‌ترین آمارها از رشد ۳۵ درصدی تحویل خودرو به مشتریان حکایت دارد. با این روند تعداد تولید کامل در گروه صنعتی ایران خودرو در نیمه نخست امسال در دو حوزه سواری و تجاری با رشد ۵۰ درصدی به تعداد ۲۹۰،۲۳۱ دستگاه رسید. این در صورتی است که تولید در نیمه نخست سال گذشته ۱۹۳،۲۵۴ دستگاه بوده است. علاوه بر آن تعداد اسناد صادر شده خودرو نیز از ابتدا تا پایان شهریورماه امسال در حالی با رشد ۴۷ درصدی به ۲۸۵،۲۸۰ دستگاه رسید که این عدد در شهریورماه سال گذشته ۱۹۳،۷۶۷ دستگاه بود. تعداد تحویل خودرو به مشتریان نیز در نیمه نخست امسال نسبت به مدت مشابه سال گذشته با رشد ۳۵ درصدی از عدد ۲۱۳،۸۲۱ دستگاه به ۲۸۷،۵۹۶ دستگاه رسیده است.

با آغاز به کار مدیرعامل گروه صنعتی ایران خودرو در بهمن‌ماه سال گذشته، عملکرد این گروه خودروسازی در محورهای تولید، افزایش کیفیت، خدمات پس از فروش، توسعه محصول و رضایتمندی کارکنان بهبود چشم‌گیری داشته است.

ایکوپرس - با پایان یافتن نیمه نخست امسال، حدود هشت ماه از آغاز فعالیت مدیرعامل گروه صنعتی ایران خودرو در این بنگاه اقتصادی می‌گذرد. در بهمن‌ماه سال گذشته بود که مهدی خطیبی در شرایطی سکان هدایت این گروه خودروسازی را در دست گرفت که انباشت خودروهای ناقص، تعهدات معوق مشتریان، گلايه‌ها از شرایط کمی و کیفی تولید و خدمات پس از فروش و سهم بالای خودروهای قدیمی از تیراژ تولید از چالش‌های مبتلابه این گروه خودروسازی بود.

اکنون ایران خودرو در حالی وارد نهمین ماه از فعالیت خود با مدیریت خطیبی شده که بررسی عملکرد این خودروساز حاکی از بهبود شاخص‌های کمی و کیفی تولید است. گزارش‌های رسمی شرکت بازرسی کیفیت و استاندارد ایران و سایر مراجع ذی‌صلاح قانونی و تغییر نوع نگرش کارکنان و مشتریان این گروه خودروسازی بیانگر شکل‌گیری رویه‌ای جدید در ایران خودرو برای غلبه بر تنگناهای داخلی و بین‌المللی تولید است.

پایان سناریوی تولید خودرو ناقص

با آغاز سال ۱۴۰۱ و با توجه به انتقادهای مقام معظم رهبری از کیفیت خودروهای داخلی و صدور فرامین هشت ماده‌ای رییس‌جمهوری به شرکت‌های خودروساز برای ارتقای کیفیت افزایش میزان رضایتمندی مشتریان، مدیرعامل گروه صنعتی ایران خودرو که برنامه‌ای توسعه‌ای را برای رفع مشکلات پیش رو در دستور کار قرار داده بود، توقف تولید خودروهای ناقص و

سایپا قرار خواهد گرفت. این همکاری ها در زمینه سایت های تولیدی خارجی، طراحی، تامین و سایر موارد نیز در دستور کار قرار دارد. در گامی دیگر حوزه خدمات پس از فروش دو خودرو ساز بزرگ کشور نیز در حال تشریک مساعی در جهت ارائه خدمات مطلوب تر به مشتریان است.

ایران خودرو پاورترین

با توجه به توسعه نسل های نوین قوای محرکه در گروه صنعتی ایران خودرو و ظرفیت های موجود در این بخش، مدیرعامل این گروه صنعتی، تاسیس ایران خودرو پاورترین و تبدیل این گروه به قطب تامین قوای محرکه در کشور و منطقه خاورمیانه را هدف گذاری کرده است و بر همین اساس علاوه بر تولید موتور و قوای محرکه برای سایر خودروسازان داخلی، صادرات را نیز در دستور کار قرار خواهد داد.

مهدی خطیبی مدیرعامل ایران خودرو بارها به صادرات پیشرفته، گیربکس و به طور کلی قوای محرکه خودروهای سبک و سنگین به کشورهای دیگر را نیز مد نظر قرار داده و سرانجام توانسته این هدف را در مسیر اجرا قرار دهد.

دانش بنیان ها، یار اصلی ایران خودرو در توسعه

توسعه همکاری با دانش بنیان ها از رویکردهای اصلی مدیرعامل گروه صنعتی ایران خودرو برای طرح های توسعه ای است. هر چند همکاری با شرکت های دانش بنیان در گذشته نیز سابقه داشته، اما در حال حاضر با جدیت بسیار بالاتری دنبال می شود و بر همین اساس نخستین همایش شناسایی ظرفیت های همکاری ایران خودرو با دانش بنیان ها برگزار شد که طی آن ۵۴ قرارداد همکاری با این شرکت ها منعقد شد.

جهش کیفیت و بهبود رضایت مشتریان

در کنار توسعه سبد محصولات و توقف تدریجی خودروها بر روی پلتفرم های قدیمی، گروه صنعتی ایران خودرو از ابتدای تیرماه امسال مرحله نخست بهبود کیفیت و ارتقای خدمات را با اجرای طرح ویژه موتور و گیربکس خودروهای تارا آغاز کرد. اجرای این طرح با هدف جلب حداکثری رضایت مشتریان کلید خورده و به مدت شش ماه یا ۱۰ هزار کیلومتر موتور و گیربکس این خودروها به صورت کامل ضمانت می شود و در نظر است که تا پایان امسال این طرح به سایر محصولات این گروه صنعتی تسری یابد.

این طرح ویژه در حوزه موتور و گیربکس نتیجه برنامه ریزی های دقیق و اجرای پروژه های کیفی مختلف، تحقق تولید عبور

توسعه سبد محصولات صادرات محور

روز دهم مهرماه، صنعت خودرو کشور با حذف دو محصول قدیمی و کم کیفیت سمند و ۴۰۵، گام بزرگی در مسیر تحول برداشت. ایران خودرو که توسعه و تنوع بخشی به محصولات را در دستور کار قرار داده، با حذف این دو خودرو از خطوط تولید، توانست مسیر توسعه را هموار کرده و به دنبال عرضه خودروهای به روز و مدرن به بازار باشد.

می توان گفت توسعه سبد محصولات گروه صنعتی ایران خودرو با ایجاد تحول در طراحی با طرحی محصول ری، محصول پروژه TF21 رقم خورده که در سال آینده وارد بازار خواهند شد. عرضه هفت محصول بهبود یافته از جمله تیپ جدید تارا شش سرعته دستی، تارا شش سرعته اتوماتیک، دنا پلاس شش سرعته دستی، ۲۰۷ در دو نوع بهبود یافته دو رنگ با گیربکس اتوماتیک و وانت آریساندو نیز دیگر اقدامات توسعه ای برای تنوع سبد محصولات این گروه صنعتی است. محصول جدید هایما S8 نیز در آبان ماه امسال به تولید خواهد رسید.

در تازه ترین موفقیت نیز رانا پلاس موفق به پاس کردن استاندارد روز اروپا (ECE R 127) در زمینه ایمنی عابر پیاده شده است.

تغییر و بهینه سازی ترکیب تولیدات ایران خودرو گام مهمی در کاهش زیان دهی تولید و جایگزینی خودروهای سودده و با کیفیت با خودروهای زیان ده و کیفیت پایین بوده است. مدیریت گروه صنعتی ایران خودرو با تکیه بر تولید خودروهای جدید، برنامه صادرات ۱۵ هزار دستگاه خودرو در سال جاری را هدف گذاری کرده است که رشد بالغ بر ۳۰۰ درصدی صادرات نسبت به سال گذشته را به دنبال خواهد داشت.

اتحاد استراتژیک دو خودروساز

از دستاوردهای مهم اخیر گروه صنعتی ایران خودرو اجرا و عملیاتی کردن اتحاد استراتژیک با شرکت سایپا است. این موضوع به عنوان یکی از راهکارهای کاهش هزینه تولید با تشریک مساعی خودروسازان در بهره برداری از امکانات و ظرفیت ها عنوان شده، اما هیچ گاه به مرحله عملیاتی نرسیده است. اما گروه صنعتی ایران خودرو، با پشتکار و پی گیری های متعدد صورت گرفته، توانست به این موضوع جامه عمل پوشانده و گام بزرگی در همکاری های مشترک بردارد.

بر این اساس همکاری دو خودروساز در بخش های مختلف طراحی و تولید خودرو در دستور کار قرار گرفته و با توجه به توانمندی و ظرفیت های گروه صنعتی ایران خودرو، در گام نخست، ۱۰ هزار دستگاه موتور مناسب محصول شاهین در اختیار

صنایع دفاع، شرکت‌های دانش بنیان با رویکرد فناوری تعمیق یافته است.

در تازه ترین اقدام، گروه صنعتی ایران خودرو بر اساس استراتژی مدیرعامل این شرکت، به دانش فنی طراحی و توسعه قوای محرکه خودروهای الکتریکی و همچنین ساخت نخستین نمونه نیمه صنعتی خودرو تارا تمام برقی دست یافته است و این آمادگی را دارد تا با حمایت نهادهای حاکمیتی و ایجاد زیرساخت استفاده از خودرو برقی، این محصول را به تولید انبوه برساند. همچنین گروه صنعتی ایران خودرو علاوه بر تاکید بر انجام واردات خودرو به عنوان محرکی برای رقابت پذیری محصولات خودروسازان داخلی، با توسعه محصولات، صادرات را نیز در دستور کار قرار داده که بر همین اساس صادرات ۱۵ هزار دستگاهی خودرو در سال جاری انجام خواهد شد.

نوسازی ناوگان حمل و نقل عمومی نیز از دیگر فرامین رییس جمهوری برای تحول صنعت خودرو بوده است. هدف گذاری ایران خودرو در این زمینه تحقق دست کم ۵۰ درصد از دستورات ریاست جمهوری، معادل نوسازی ۱۰ هزار دستگاه ناوگان حمل و نقل بار و مسافر است. برنامه های عملیاتی شرکت ایران خودرو دیزل در این زمینه، افزایش ظرفیت مونتاژ خطوط تولید، افزایش ظرفیت و توانمندی شرکت‌های زیرمجموعه متناسب با برنامه تولید شرکت ایران خودرو دیزل و تامین به موقع و اقتصادی قطعات مورد نیاز است. تاریخ انجام این تعهد شش ماه پس از انعقاد قرارداد با سازمان‌ها و ارگان‌های مربوطه (شهرداری ها و سازمان راهداری و ...) پیش بینی شده است.

افزایش کیفیت محصولات نیز از محوری ترین فرامین رییس جمهوری بوده که در این زمینه نیز طرح جامع کیفیت و تولید در قالب ۲۷۹ برنامه بهبود در دستور کار قرار گرفت، این برنامه‌ها که در طول زنجیره ارزش و در حوزه‌های کیفیت تامین، کیفیت مهندسی و طراحی، کیفیت ساخت و تولید، کیفیت فروش و خدمات پس از فروش و کیفیت لجستیک طرح ریزی و در حال اجراست و نتایج آن به مرور برای مشتریان نمایان خواهد شد. فرمان هشتم رییس جمهوری نیز در خصوص واگذاری سهام شرکت های متعلق به ایران خودرو به مرحله اجرایی رسیده و فراخوان عمومی برای آن منتشر شده است.

مجموع کارکنان خدمت گروه صنعتی ایران خودرو با مدیریت و راهبری مدیرعامل پرتلاش و با انگیزه، افق های روشنی را برای توسعه صنعت خودرو کشور ترسیم کرده اند که به طور حتم، با حمایت های دولت‌مردان و سیاست‌گذاران، می توانند گام‌های بلند و موثری را برای اعتلای نام ایران در بازارهای جهانی بردارند.

مستقیم، تدوین و پیاده سازی ۲۷۹ برنامه و پروژه کیفی بوده که همگی با هدف افزایش رضایت مشتریان محصولات این گروه صنعتی اجرایی شده است.

رتبه یک خدمات پس از فروش

طبق جدیدترین ارزیابی شرکت بازرسی کیفیت و استاندارد ایران، شرکت ایساکو با سیزده سال صدرنشینی در حوزه خدمات پس از فروش صنعت خودرو کشور، امسال نیز با کسب امتیاز ۸۵.۹۲ برای نخستین بار، «رتبه یک» این حوزه را بلامنزاعانه به خود اختصاص داد.

هشت فرمان رییس جمهوری

بازدید سرزده رییس جمهوری از ایران خودرو در اسفندماه سال گذشته، حکایت از وجود نگرانی‌های عمیق در سطح جامعه برای وضعیت تولید و عرضه خودرو به بازار داشت. ایجاد حواشی مختلف برای مسائلی قابل حل در صنعت خودرو، سبب حضور سرزده رییس جمهوری در ایران خودرو و صدور فرامین هشت گانه متعاقب آن شد.

گروه صنعتی ایران خودرو، در هشت‌ماهه اخیر، با درک ضرورت اصلاح وضعیت ایجاد شده در خودروسازی، اصلاح روش‌ها و رویکردها را در دستور کار قرار داد و اینک توانسته به این نگرانی‌ها پاسخ شایسته ای دهد.

از فرامین هشت گانه صادر شده، علاوه بر افزایش ۵۰ درصدی تولید خودرو سواری و تجاری سنگین و نیمه سنگین در نیمه امسال و به صفر رساندن خودروهای ناقص متوقف در پارکینگ های ایران خودرو و تجاری سازی آن‌ها، خروج دو محصول ۴۰۵ و سمنند محقق شده است و براساس برنامه ریزی صورت گرفته، این دو محصول از خط تولید برای همیشه خارج شده‌اند.

همچنین در نخستین گام پس از بازدید رییس جمهوری از ایران خودرو و صدور فرامین هشت گانه، گارانتی محصولات تولیدی ایران خودرو از ابتدای امسال از دو سال یا ۴۰ هزار کیلومتر پیمایش به سه سال یا ۶۰ هزار کیلومتر افزایش یافت.

عرضه هفت محصول بهبودیافته که پیش از این گفته شد، در راستای فرامین رییس جمهوری در سال جاری انجام خواهد شد، همچنین علاوه بر محصول جدید هایما S8، ایران خودرو در برنامه تهاجمی خود، عرضه محصول هایما X7 را نیز در دستور کار قرار داده و در صورت انجام توافقات با شرکای تجاری، محصولات جدید دیگری را نیز به خطوط تولید اضافه خواهد کرد. از سوی دیگر، پروژه‌های نمونه‌سازی محصولات هیبریدی و برقی نیز در دست اقدام است که در این زمینه برای تسریع در فرآیند طراحی و صنعتی سازی، همکاری با

تپسی، تخت گاز وارد بازار سرمایه شد

از ایجاد کسب و کار مبتنی بر سوپراپلیکیشن و ادامه توسعه جغرافیایی تاکسی اینترنتی طی چند ماه آینده خبر داد و گفت: میلاد منشی پور به کسب درآمد ۶۸۰ میلیارد تومانی این شرکت پس از بازگشایی سهام تپسی برای سرمایه گذاران حرفه ای تا پایان سال اشاره کرد و گفت: رشد تپسی هم در هسته اصلی کسب و کار یعنی تاکسی اینترنتی و هم در حوزه های جدید مثل فین تک اتفاق خواهد افتاد. همچنین سرویس لاین، سرویس های بین شهری و فرودگاهی و سرویس حمل بار درون شهری (تپسی پک) طی چند ماه آینده نیز آغاز به کار خواهند کرد.



وی نیاز مردم به کسب و کارهای پلتفرم محور را مهمترین سرمایه این نوع شرکتها دانست و گفت: کسب و کارهای پلتفرم محور هرچند ابتدا در کشورهای غربی ایجاد شدند اما برای کشورهایی مثل ایران، مصر و پاکستان که بهره روری پایینی از ثروت دارند بسیار مناسب است.

بنیانگذار تپسی با اشاره به اینکه سوپراپها در تمام کشورهای دنیا از جمله همسایگی ایران در حال رشد هستند، گفت: که بسیاری از سرویسهایی که مردم به صورت آفلاین از آنها خدمات می گیرند قابلیت ارایه به صورت آنلاین را دارد از خرید دارو در داروخانه گرفته تا انواع خریدهای دیگر.

منشی پور در مورد نقش رانت در رشد شرکتها در ایران و همچنین آگاهی مردم در استفاده از اپلیکیشن ها گفت: در حال حاضر شرایط به گونه ای شده که اگر در کسب و کارهای پلتفرمی سرویس مناسبی به کاربران ارایه نشود دیگر از آنها استفاده نمی کنند و عقل جمعی با کسی تعارف ندارد. به گفته وی، بررسی نمونه سرویسهایی در ایران که ممکن است بر اساس رابطه شکل گرفته و حتی تبلیغات وسیع تلویزیونی هم کرده باشند نشان میدهد مردم تا زمانی که سرویس خوب بدهید از سرویس شما استفاده می کنند. وی پایه استارت آپهایی چون تپسی را بر اساس نیروی انسانی دانست و گفت: نیروی انسانی تعیین کننده رشد است و ما تا جایی که در توانمان بوده در راندهای مختلف کارکنان را سهامدار کرده ایم که این شامل بیش از ۷۰ نفر از پرسنل تپسی می شود. به گفته منشی پور مجموع سهام پرسنل و مدیران تپسی به ۴۳ درصد سهم شرکت می رسد که از این میان سهم پرسنل ۶ تا ۷ درصد است.

برنامه های توسعه ای تپسی با ورود به بازار سرمایه وارد فاز جدی شد، این شرکت با ورود خود صنعت جدیدی را در بازار سهام اضافه کرده و شروعی بر ورود استارت آپها به بازار سرمایه خواهد بود. شرکت پیشگامان فن آوری و دانش آرامیس که با نام تجاری تپسی شناخته می شود در مرحله اول عرضه اولیه در خرداد ماه، کل مبلغ حاصل از عرضه ۵۵ درصد سهم را وارد شرکت کرده و این مبلغ صرف افزایش عمق بازار خواهد شد. فاز نخست عرضه اولیه این شرکت، خرداد ماه امسال به منظور کشف قیمت به انجام رسید و فاز دوم عرضه با هدف افزایش سرمایه و به روش سلب حق تقدم انجام شد که در نتیجه

این افزایش سرمایه، سرمایه شرکت از ۱۱۷ میلیارد تومان به ۲۴۶ میلیارد تومان خواهد رسید. پس از افزایش سرمایه نیز تمام مبلغ به دست آمده برای افزایش عمق بازار وارد شرکت خواهد شد، که شامل ادامه توسعه جغرافیایی و ورود به کسب و کارهای جدید است. برنامه ای که از آغاز سال ۱۴۰۱ در دستور کار مجموعه بوده و ادامه خواهد داشت.

در مرحله اول عرضه ۵ درصد از سهام تپسی با قیمت ۹۳۹ تومان و ارزش بازار هزار میلیارد تومان تنها به صندوقها تخصیص پیدا کرد و پس از آن سهم برای افزایش سرمایه ۱۱۰ درصدی متوقف شد. در ادامه روز شنبه ۱۶ مهر ماه توسط سهامداران حرفه ای در ۵۳۹ تومان کشف قیمت شد.

در ادامه روز دوشنبه (۱۸ مهرماه) نیز ۱۰ درصد مابقی سهام تپسی به روش سلب حق تقدم پذیرهنویسی شده و این بار علاوه بر سهامداران حرفه ای، صندوق های سرمایه گذاری نیز امکان خرید سهام این شرکت را پیدا کردند.

بر این اساس، پذیرهنویسی عمومی سهام استارت آپ تپسی (شرکت پیشگامان فن آوری و دانش آرامیس) از روز دوشنبه مورخ ۱۸ مهر ۱۴۰۱ آغاز یافته و مقرر بود تا پایان وقت اداری تاریخ ۱۷ آبان ماه به مدت یک ماه ادامه داشته باشد که به دلیل استقبال سرمایه گذاران، تنها در ۸ دقیقه پایان یافت و تمام سهام آن توسط سهامداران حرفه ای و صندوقها خریداری شد.

در این پذیرهنویسی معادل ۱۰ درصد از حق تقدم های «تپسی» عرضه شد و ۱۷ درصد از خریدها توسط کدهای حقوقی و ۸۳ درصد کدهای حقیقی انجام شد.

در همین راستا مدیرعامل تپسی در تشریح برنامه های این شرکت

فولاد مبارکه

بر مدار نوآوری و توسعه پایدار



رشد چشمگیر تولید در فولاد مبارکه

در شش ماهه نخست امسال نسبت به دوره مشابه سال قبل، میزان تولید گندله در فولاد مبارکه ۵/۲ درصد رشد داشته و به عدد ۳ میلیون و ۷۸۹ هزار تن رسیده این در حالیست که سال گذشته این عدد ۳ میلیون و ۵۹۸ هزار تن بود. در همین حال در دوره یاد شده ۴ میلیون و ۷۹۸ هزار تن آهن اسفنجی تولید شد که در سال ۱۴۰۰ این رقم معادل ۱۹/۱ درصد رشد را تجربه کرده است.

در تولید تختال نیز این شرکت در ۶ ماهه نخست امسال به ۴ میلیون و ۵۵۱ هزار تن رسیده در حالیکه در مدت یاد شده سال قبل این رقم ۳ میلیون و ۷۸۹ هزار تن بود که از رشد ۲۰/۱ درصدی برخوردار شده است.

تولید کلاف گرم نیز در شش ماهه نخست امسال به ۳ میلیون و ۳۵۱ هزار تن رسیده این در حالیست که در مدت یاد شده این رقم معادل ۲ میلیون و ۹۱۶ هزار تن بود که بدین ترتیب حاکی از رشد ۱۴/۹ درصدی است.

شرکت فولاد مبارکه اصفهان به عنوان بزرگترین تولید کننده ورق های فولادی تخت در خاور میانه و شمال آفریقا (MENA) با سهم حدود ۲۰ درصدی بشمار آمده و همچنین در زمره بزرگترین تولید کنندگان آهن اسفنجی در جهان با ظرفیت ۱۱ میلیون و ۴۰۰ هزار تن در سال است، که سهم ۱/۵ درصدی در تولید ناخالص داخلی (GDP) د کشور را داراست و دارای شبکه گسترده مشتریان و زنجیره تامین کنندگان با بیش از ۳ هزار و ۵۰۰ کارخانه، کارگاه و تامین کننده خدمات و کالا بوده، ارزش فعلی بازار فولاد مبارکه در حدود ۳،۰۰۰،۰۰۰ میلیارد ریال بوده که سهم ۸ درصدی در تولید ناخالص داخلی را در بخش صنعت داراست.

جهت گیری مدیریت فولاد مبارکه

استفاده حداکثری از ظرفیت های موجود، توسعه سرمایه های انسانی، تمرکز بر نوآوری و فناوری های نوین، توسعه کمی، کیفی و متوازن و تبدیل شدن به صنعت سبز کشور از جمله مواردی است که در مدیریت جدید فولاد مبارکه در دستور کار قرار گرفته است.

میزان افزایش تولید در شرکت های تابعه

همچنین در گروه شرکت های فولاد مبارکه نیز در شش ماهه ابتدای سال شاهد رشد در تولید کنسانتره توسط شرکت فولاد سنگان به میزان ۱۲۶۲ هزار تن بودیم که نسبت به مدت مشابه سال قبل از رشد ۱۰۷ درصدی برخوردار بود. همچنین در این شرکت تولید گندله در مدت مذکور با رشد ۱۷/۵ درصدی به ۲۳۷۰ هزار تن رسید.

در شرکت فولاد سفید دشت نیز تولید آهن اسفنجی به میزان ۴۶۵ هزار تن رسید که حاکی از رشد ۲ درصدی در دوره شش ماهه نسخت امسال نسبت به مدت یاد شده سال قبل بود. تولید تختال در شرکت فولاد هرمزگان نیز در مدت یاد شده به ۶۶۳ هزار تن رسید که رشد ۷/۵ درصدی را تجربه کرده است.

در شرکت فولاد امیر کبیر کاشان نیز تولید کلاف سرد در بهار و تابستان امسال به ۱۲۵ هزار تن رسید که از رشد ۱۱/۶ درصدی برخوردار بود.

همچنین در شرکت فولاد تاراز تولید ورق گالوانیزه با رشد ۶ درصدی به رقم ۸۷ هزار تن در نیمه نخست امسال رسید.

ثبت رکورد های تولید در بهار و تابستان

در راستای تحقق راهبرد استفاده حداکثری از ظرفیت های موجود در شرکت فولاد مبارکه رکورد هایی ثبت شد که از جمله این رکورد ها ثبت رکورد ماهیانه تولید احیاء مستقیم ۱ بعد از ۱۲ سال بود که از عدد ۷۲۹ هزار و ۲۵۴ تن در سال ۱۴۰۰ به عدد ۷۵۲ هزار و ۳۵۰ تن در فروردین سال ۱۴۰۱ رسید و این عدد در اردیبهشت ماه امسال نیز با تداوم رشد به ۷۸۳ هزار و ۲۸۰ تن رسیده است.

میزان تولید آهن اسفنجی نیز در شرکت فولاد سبا با رکورد تولید همراه بوده و از ۱۳۱ هزار و ۶۵۸ تن فروردین سال ۱۴۰۰ به ۱۳۳ هزار و ۶۹ تن در فروردین امسال رسید همچنین این روند صعودی در سال جاری ادامه داشته و در شهریور ماه نیز تولید آهن اسفنجی در فولاد سبا به میزان ۱۴۰ هزار و ۱۰ تن ثبت شد.

در فولاد سبا همچنین شاهد کسب رکورد های ماهانه نیز بودیم که از ۱۳۱ هزار و ۱۹۰ تن تولید کلاف گرم در فروردین ماه سال ۱۴۰۰ به ۱۴۰ هزار و ۳۵ تن رسید، این رکورد در اردیبهشت ماه نیز تداوم یافته و به عدد ۱۴۰ هزار و ۱۱۰ تن رسید.

همچنین فولاد مبارکه اصفهان در تولید تختال طی اردیبهشت ماه سال ۱۴۰۱ به ۷۸۲ هزار و ۷۵۲ تن رسید این در حالیست که این میزان در فروردین ماه ۱۴۰۰ معادل ۷۰۰ هزار و ۲۱۶

تن بود.

همچنین در تولید کلاف گرم نیز فولاد مبارکه پس از ۳ سال رکورد ۵۰۶ هزار و ۳۹۵ تنی را در اردیبهشت ماه امسال کسب کرد این در حالیست که در میزان تولید در فروردین ماه سال ۱۳۹۸ معادل ۵۰۰ هزار و ۲۷۲ تن بود.

این شرکت همچنین در تولید ورق اسید شویی موفق به ثبت رکورد تازه ای در ۲۹ فروردین ماه با ثبت عدد ۵ هزار و ۲۱۲ تن شده است.

از دیگر رکورد های ثبت شده در فولاد مبارکه، تولید ورق گالوانیزه با ثبت عدد ۹۹۰ تن در ۳۰ خرداد ماه، تولید ورق قلع اندود در فروردین و شهریور امسال با رسیدن به عدد ۱۰ هزار و ۴۶۰ تن بود.

ورق سرد نیز در فروردین ماه به عدد ۲۰ هزار و ۷۱۶ تن رسید که باعث ثبت رکوردی جدید در این حوزه بود.

رکورد های تولید در شرکت های تابعه

علاوه بر کسب رکورد های تولید در فولاد مبارکه در سال جاری نیز شاهد ثبت رکورد تولید تختال در فولاد هرمزگان به میزان ۱۶۵ هزار و ۵۲۳ تن در فروردین ماه امسال بودیم. از دیگر رکورد های ثبت شده در شرکت های تابعه ثبت رکورد تولید آهن اسفنجی در فروردین و اردیبهشت ماه امسال در فولاد سفید دشت و ثبت رکورد تولید روزانه در ۹ فروردین سال جاری بود که ثبت شد. در فولاد امیر کبیر کاشان نیز رکورد های تازه ای در تولید ورق سرد و همچنین ورق اسید شوئی در فروردین و اردیبهشت ماه امسال بوده است. فولاد سنگان در تولید گندله رکورد تولید روزانه را در تاریخ های ۸، ۲۳ و ۲۴ فروردین ماه امسال ثبت کرده، همچنین در شرکت ورق خودرو چهارمحال بختیاری نیز شاهد ثبت رکورد تازه ای در تولید ورق گالوانیزه در فروردین ماه امسال بودیم.

گريدهای جدید فولادی

این شرکت همچنین در سال جاری موفق به توسعه محصولات جدید شده است که می توان به کلاف گرم مقاوم در برابر خوردگی به ویژه خطوط انتقال نفت و گاز ترش X52MS، ورق الکتریکی نیمه آماده جهت استفاده در موتور های الکتریکی M470، ورق سرد با استحکام نسبتا بالا ویژه خودرو سازان 340YC، ورق گالوانیزه استحکام بالا ویژه خودرو سازان با مشخصات فنی S250GD، کلاف سرد شکل پذیر دارای استحکام بالا برای مصارف خودرویی HX220YD، کلاف گرم دارای استحکام بالا برای مصرف خودرویی 1550YC، تسمه برای بسته بندی کلاف ها و محصولات، کلاف گرم دارای

فناوری ساخت ورق کورتن شده است ، اصلاح خط گالوانیزه جهت افزایش تولید محصولات با کیفیت ویژه و توسعه کوره پیش گرم شماره ۳ جهت بهبود کیفیت محصولات و مصرف گاز نورد گرم نیز از دیگر دستاورد های این شرکت بوده ، تولید ورق آجدار شطرنجی نیز برای اولین بار در مجتمع فولاد سبا ثبت شده و همچنین رکورد کمترین میزان مصرف آب از آغاز دوران بهره برداری تاکنون از دیگر دستاورد های این شرکت بوده است . این شرکت در میزان مصرف الکتروود گرافیتی نیز با اجرای پروژه پایش هوشمند الکتروود به کمترین میزان ثبت شده دست یافته است .

استحکام بالا قطعات ضربه گیر بدنه خودرو HCT600X اشاره کرد.

اهم اقدامات و دستاوردهای ویژه تولید

از اهم اقدامات و دستاوردهای ویژه تولید در فولاد مبارکه میتوان به تولید تختال فولاد ضد زنگ نزن برای اولین بار در منطقه جنوب غرب آسیا و شمال آفریقا اشاره کرد. همچنین تولید تختال فولاد الکتریکی نیز برای اولین بار در کشور محقق شده است و راه اندازی واحد VOD فولاد سبا نیز با تکیه بر دانش کارشناسان شرکت انجام گرفته است. همچنین در مجتمع فولاد سبا موفق به دستیابی

اهم پروژه های توسعه در گروه فولاد مبارکه

اهم پروژه های توسعه در گروه فولاد مبارکه

ردیف	عنوان	زمان راه اندازی		مخرج سرمایه ای (میلیون ریال)		میزان اشتغال زایی (نفر)	
		آغاز	پایان	آغاز	پایان	مستقیم	غیر مستقیم
۱	پروژه نورد گرم ۴ شرکت فولاد مبارکه (تکمیل ذخیره تولید ۷/۴۲۱ میلیون تن)	۱۴۰۳	۱۴۰۳	۳۵۵	۳۷۰	۱۰۰۰	۷۰۰۰
۲	احداث نیروگاه ۱۴ مگاواتی	۱۴۰۲	۱۴۰۲	۴۴۲	۴۴۲	۳۰۰	-
۳	طرح توسعه شرکت فولاد آبروکیر کاشان (تغییر نوع)	۱۴۰۲	۱۴۰۲	۵۰	۵۰	۸۰	۸۰۰
۴	افزایش ظرفیت زیرسقف از ۱۷۵ به ۲ میلیون تن تختال فولاد هرزگان (۲۷۵ میلیون تن تختال)	۱۴۰۳	۱۴۰۳	۳۰۲	۳۰۲	۵۰۰	۴۰۰۰
۵	تامین مان تکمیل و بهره برداری تاسیسات فاضلاب شهرهای مجاور	۱۴۰۲	۱۴۰۲	۷۰	۷۰	۴۵	۱۰۰۰
۶	طرح فرآوری همانیت و زیرساخت های معدن گازی شرکت صنایع معدنی فولاد سنگن فراسان	۱۴۰۳	۱۴۰۳	۴۴	۴۴	۲۰۰	۱۰۰۰
۷	فولاد سازی و ریخته گری تختال شرکت فولاد سفیدرنگ چهارمحال و بختیاری (۸/۸ میلیون تن تختال)	۱۴۰۲	۱۴۰۲	۵۱	۵۱	۱۰۰۰	۸۰۰۰
۸	تکمیل خطوط تولید الکتروود ذغال سنگ شرکت نوین الکتروود اردکان	۱۴۰۴	۱۴۰۴	۳۹۵	۳۹۵	۵۸۰	۴۰۰۰
۹	تکمیل ناوگان حمل و نقل ریالی فر برق تأمین ۵۰ دستگاه لوکوموتیو سازنده داخلی	۱۴۰۲	۱۴۰۲	۷۳	۷۳	-	-
۱۰	مشارکت در طرح انتقال آب دریای عمان به استان اسفهان	۱۴۰۴	۱۴۰۴	۳۳۰	۳۳۰	-	-
جمع کل		۱۳۸۴	۱۳۸۴	۵۲۰	۵۲۰	۳۲۸	۲۳۰۴۰
جمع کل ریالی مخرج سرمایه ای				۱۴۵۰	۱۴۵۰	۶۸۲	۶۸۲

۱- فاز اول پروژه های فوق عملیاتی و آغاز شده است و با پروژه های در دست مطالعه نظیر طرح توسعه میدانی گازی، احداث نیروگاه خورشیدی ۶۰۰ مگاواتی و بادی ۲۰۰ مگاواتی، و طرح های توسعه تولید ورق های کبشی سرمایه گذاری های فوق به رقم ۳۰۰ هزار میلیارد تومان (قدرت سهم شرکت فولاد مبارکه) افزایش خواهد یافت.

میدان گازی مشترک) برای تولید تحویل اسلب گاز ترش X65 برگزاری پنج همایش تخصصی با طیف های مختلف مشتریان با حضور مدیر عامل و در راستای تعامل رو در رو و افزایش رضایت مشتریان ، رشد ۲۳ درصدی تحویل محصولات در بازار داخلی در ۶ ماهه ابتدای سال ۱۴۰۱ نسبت به مدت مشابه سال قبل در راستای تأمین حداکثری نیاز بازار داخلی ، تحقق شاخص رضایت ۸۶ درصدی و افزایش ۲ درصدی رضایت مشتریان از عملکرد فولاد مبارکه بر اساس نتایج سنجش رضایت مشتریان (مشارکت ۷۷ درصدی مشتریان) ، افزایش رضایت مشتریان از قیمت و شرایط پرداخت بواسطه ایجاد تنوع شرایط پرداخت خصوصاً اعتبارات اسنادی ریالی را برشمرد.

افزایش عرضه محصول

این شرکت در سال جاری ۳ میلیون و ۸۸۴ هزار تن محصول در بازار های جهانی و داخلی تحویل داده که افزایش عرضه محصولات عمدتاً به دلیل عرضه بیشتر محصولات نهایی و با ارزش افزوده بیشتر بوده است.

اقدامات و دستاوردهای فروش و بازاریابی

از جمله اقدامات و دستاوردهای فروش و بازاریابی این شرکت میتوان تأمین حداکثری نیاز بازار داخلی از طریق واردات محصولات گرم و عرضه تلفیقی در بورس کالا ، بازاریابی و پیگیری برای جلب توافق شرکت نفت و گاز پارس (جهت

وضعیت پروژه های ۵ گانه در قالب گروه پیشران پیشرفت ایران اسلامی

عنوان طرح	پیشرفت برنامه‌ای	پیشرفت واقعی	مزایای اجرای پروژه
پروژه نورد گرم ۲ شرکت فولاد مبارکه تکمیل زنجیره تولید تا ۷/۴ م تن	۴۳٪	۴/۵٪	<ul style="list-style-type: none"> تولید ورق‌های فولادی در بیش‌ترین جهت تولید لوله‌های انتقال آب، نفت و گاز و سایر کشتی‌های فولاد این نوع و سایر تولید ورق‌های فولادی با ضخامت پایین و استحکام بالا جهت مصرف ساختمان و صنایع لوله و پروفیل تولید ورق‌های استحکام بالا ویژه شاسی خودروهای سبک و سنگین، صنایع ماشینکاری و ادوات کشاورزی
احداث نیروگاه ۱۲ مگاواتی	۳۸/۷۱٪	۴۰٪	<ul style="list-style-type: none"> ایجاد زیرساخت لازم برای تامین پایدار انرژی مورد نیاز تولید و کاهش فشار بر شبکه تامین برق ایجاد امکان افزایش ظرفیت تولید
طرح توسعه شرکت فولاد امیرکبیر کاشان فاز اول	۱۰۰٪ فاز مهندسی پایه و مطالعات فنی	۱۰۰٪ فاز مهندسی پایه و مطالعات فنی	<ul style="list-style-type: none"> افزایش تولید محصولات گرمی و متنوع نورد سرد ایجاد امکان اسید شوین محصولات نورد سرد
افزایش ظرفیت زیرساخت از ۱/۵ به ۲ میلیون تن تختال فولاد هرمنگان (۵/۷ م تن تختال)	۱۰۰٪ فاز مهندسی پایه و مطالعات فنی	۱۰۰٪ فاز مهندسی پایه و مطالعات فنی	<ul style="list-style-type: none"> ایجاد توازن در زنجیره تولید فولاد
تامین مالی تکمیل و بهره برداری تاسیسات فاضلاب شورهای مجاور	-	-	<ul style="list-style-type: none"> کاهش وابستگی برداشت آب خام از رودخانه زاینده رود و تولید پایدار کمک به توسعه شبکه فاضلاب شهرستانهای مجاور و کمک به بهداشت منطقه

صرفه جویی حاصل از بومی سازی قطعات از مهر ماه ۱۴۰۰ تا شهریور ۱۴۰۱

راهبرد شرکت در توانمند سازی سازندگان داخلی و افزایش پایداری کسب و کار در شرکت فولاد مبارکه منجر به صرفه جویی حاصل از بومی سازی قطعات به میزان یک هزار و ۳۴۵ مترتال کد، ۲ هزار و ۹۰۰ میلیارد ریال، ۲۴ میلیون یورو، ۴ هزار و ۷۰۰ میلیارد ریال شده است که نسبت به قیمت تمام شده قطعات و تجهیزات بومی سازی به قیمت خارجی بوده است.

اقدامات و دستاوردهای حوزه تکنولوژی

واکنش سریع به حمله سایبری و بازگشت ایمن به شرایط عادی تولید با رعایت ملاحظات امنیتی و تدوین سند ارتقای امنیت و تاب آوری، طرح جامع معماری سازمانی با هدف یکپارچگی در گروه فولاد مبارکه (استراتژی "ساختار" فرایند - سیستم) و توسعه حکمرانی سازمانی، فعال سازی مرکز نوآوری فولاد مبارکه، بازنگری در فرایند های کلیدی (تامین، اجرای پروژه، فناوری اطلاعات) با هدف چابک سازی فعالیت ها، تدوین سند اقتصاد چرخشی و سند پایداری کسب و کار (اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی) تدوین

اقدامات و دستاوردها در حوزه مسئولیت های اجتماعی

از اقدامات و دستاوردها در حوزه مسئولیت های اجتماعی این شرکت میتوان به طرح تدوین و اجرای الگوی جامع پیشرفت و آبادانی مناطق محروم با تمرکز بر اشتغال و بهبود معیشت و همچنین آغاز انتقال آب دریای عمان به اصفهان با مشارکت فولاد مبارکه به منظور انتقال ۲۰۰ میلیون متر مکعب آب در سال اشاره کرد. همچنین آزادی زندانیان جرائم غیر عمد (گلریزان) مشارکت داشته و حمایت از باشگاه فرهنگی و ورزشی سپاهان و سرمایه گذاری به منظور ارتقاء ورزش استان و

اقدامات و دستاوردهای توسعه و سرمایه گذاری



کرده است از سویی اصلاح فرایند و افزایش نظارت بر شرکت های تابعه خصوصا در موضوعات عملکرد مالی و تجاری را نیز در سرلوحه خود قرار داده است.

تعریف پروژه های توسعه ای در سطح گروه فولاد مبارکه در نقاط مختلف کشور و سرعت بخشیدن به شروع و مراحل اجرایی آن ها ، نظام مندی فرایند مسئولیت های اجتماعی ، طرح جامع معماری سازمانی در سطح گروه فولاد مبارکه ، با هدف ارتقاء یکپارچگی (استراتژی ، فرایند ، ساختار ، سیستم) و توسعه حکمرانی سازمانی ، تنظیم سند پایداری اقتصادی ، اجتماعی و زیست محیطی شرکت با هدف توجه بیشتر به انتظارات ذینفعان و تبدیل شدن به الگوی صنعتی سبز در کشور، تنظیم خط مشی ، شفافیت و فساد ستیزی در سطح گروه فولاد مبارکه ، برنامه ریزی بازسازی تصویر سازمانی با تمرکز بر نقش فولاد مبارکه به عنوان مولود انقلاب اسلامی و سازمانی متعالی ، برنامه توسعه نوآوری و حمایت از شرکت های دانش بنیان در زنجیره کسب و کار فولاد مبارکه از دیگر اقدامات توسعه ای شرکت فولاد مبارکه طی یک سال اخیر بوده است.

سند جامع برند سازمانی و تعیین استراتژی برند شرکت ، توسعه رصد استراتژیک و ایجاد پلتفرم دیدوان ، تهیه نقشه های دانشی فرایند های تولید و تعمیرات ، ارائه ۳۶ هزار پیشنهاد در نظام پیشنهادات با مشارکت حدود ۷ هزار نفر را می توان از جمله اقدامات و دستاوردهای حوزه تکنولوژی در شرکت فولاد مبارکه برشمرد.

مهمترین اقدامات اصلاحی انجام شده شرکت فولاد مبارکه

از مهر ماه سال ۱۴۰۰

از مهم ترین اقدامات اصلاحی که در فولاد مبارکه از مهر ۱۴۰۰ تا کنون انجام شده اصلاح مدیریت و هیئت مدیره های شرکت های تابعه با هدف تعهد و تخصص گرایی و برطرف کردن برخی مغایرت های گذشته ، افزایش میزان عرضه محصولات فولادی در بازار داخل و پاسخگویی به کلیه تقاضاهای دریافتی در بورس کالا، افزایش نظارت بر شرکتهای خارجی و حساب های ارزی است.

همچنین این شرکت آیین نامه معاملات و بازبینی لیست تامین کنندگان مجاز را از طریق فراخوان عمومی اصلاح

WEBGLOBAL

DIGITAL MARKETING AGENCY

 www.webglobal.ir

 info@webglobal.ir

 (+98) 21 88 75 38 13

 (+98) 937 557 39 92



برای مشاهده اطلاعات بیشتر
بازکردن را اسکن کنید





"میدکو" به سوی توسعه پایدار

که در سال ۱۴۰۰ این عدد به ۴۱۱۵ میلیارد تومان رسیده است. رشد بیش از ۸۰۰ درصدی سود خالص شرکت در کمتر از ۵ سال بر پایداری این شرکت در زمینه فاکتورهای که آنها را در مدل کسب و کار خود نهادینه کرده است دلالت دارد.

حال و روز سرمایه‌گذاری‌های میدکو

یکی از عمده‌ترین تفاوت‌های «میدکو» با دیگر شرکت‌های سرمایه‌گذاری، عدم وجود هیچگونه شرکت بورسی در پرتفوی سرمایه‌گذاری آن است. از سویی دیگر اما در بخش غیربورسی سبد سرمایه‌گذاری این شرکت، نام‌های مهمی وجود دارد که جزو تولیدکنندگان مهمی معدنی و فلزی کشور به حساب می‌آیند و به احتمال زیاد در آینده‌ای نه چندان دور برخی از آنها وارد بازار سرمایه خواهند شد. بر اساس آخرین گزارش «میدکو» از وضعیت پرتفوی خود در تابستان ۱۴۰۱، شرکت در حال حاضر، ۱۱ شرکت اصلی را در سبد خود دارد و مابقی شرکت‌ها که از اهمیت کمتری برخوردارند را در بخش «سایر شرکت‌های خارج از بورس» جای داده است. از آنجا که این شرکت‌ها هنوز در بورس تهران حضور ندارند و سهام آن‌ها معامله نمی‌شود، محاسبه ارزش پرتفوی میدکو نیاز به زمان زیاد و استفاده از روش‌های مختص به خود است.

نقش «میدکو» در تولیدات معدنی و فلزی کشور

از آنجا که شرکت‌های زیرمجموعه میدکو نقش فعالی در تولید و فروش محصولات معدنی و فلزی کشور را دارند، این شرکت به عنوان یکی از اصلی‌ترین بازیگران این حوزه شناخته می‌شود. در جدول زیر سهم «میدکو» در تولید صنعت معدنی و فلزی کشور به خوبی نشان داده شده است. همانطور که پیداست «میدکو» به ویژه در زمینه محصولات معدنی یکی از بزرگترین و مهم‌ترین هلدینگ‌های فعال کشور به حساب می‌آید که با سهم بالا از کل ظرفیت تولید کشور، در زمینه ارزآوری نیز نقش قابل قبولی را رقم می‌زند.

هدف‌گذاری‌های میدکو در جهت توسعه

هلدینگ میدکو همواره با تمرکز بر اهداف توسعه محور که در چشم انداز خود قرار داده است برنامه‌های خود را منتشر کرده است؛ یکی از این برنامه‌ها حرکت در جهت بهره‌گیری از انرژی‌های کم کربن بوده که به دلیل حساسیت بالای موضوع انرژی در صنایع موجب شده است میدکو با دقت بیشتری به رصد فناوری‌های نوین این حوزه بپردازد. میدکو همچنین در برنامه هدفگذاری توسعه نگر خود به دنبال اولویت دادن به تامین و فروش از شرکت‌های دوستدار محیط زیست محلی و فناوری‌های بومی سعی در توازن توسعه در سطوح مختلف بنگاهی و منطقه‌ای را پیش‌ببرد.

مهمترین اقدام شرکت مادر تخصصی (هلدینگ) توسعه معادن و صنایع معدنی خاورمیانه (میدکو) برای قرارگیری در مسیر توسعه پایدار، طراحی الگویی ویژه برای توسعه کسب و کار خود توجه ویژه به منابع انسانی و توسعه و تعامل با جوامع محلی است. میدکو با اتخاذ رویکردهای توسعه گرایانه مشارکتی و حمایتی مبتنی بر پایداری در ارتباط با جوامع محلی نخستین گام را برای پیشبرد اهداف کلان خود در پیش گرفته است.

میدکو توسعه پایدار را علاوه بر دو آیتیم یاد شده در گرو عواملی نظیر حرکت به سمت فناوری کم کربن، همکاری با نهادها و سازمان‌های متولی، حمایت از مشتریان و تامین کنندگان متعهد و سهامداران می‌داند. این شرکت در سال‌های اخیر با تحقق اصول هشت گانه توسعه پایدار توانسته است خود را به عنوان یک هلدینگ توسعه محور معرفی کند. برخی از این اقدامات در حوزه مدیریت آثار زیست محیطی شامل اقدامات جبرانی شرکت به منظور حفاظت از محیط زیست و اکو سیستم اشاره دارد. میدکو در ارتقا عملکرد با ارائه مستمر گزارش‌های پایشی و بهبود برنامه‌ها، ایجاد مدل شرکتی در توسعه پایدار با استانداردهای جهانی با انتشار گزارش‌های عمومی، ایجاد انگیزه عمومی در سطح ملی به منظور افزایش اقدامات در نایل آمدن به اهداف پایداری گام برداشته است. این شرکت فعال در بخش معدن و صنایع معدنی، بیشتر بنگاه‌های اقتصادی که متعهد به اهداف توسعه پایدار هستند را در دایره تامین کنندگان خود قرار می‌دهد. میدکو حفظ و بهبود سودآوری کسب و کارها در هماهنگی با اهداف توسعه پایدار مطابق با مدل‌های جهانی، حفظ رقابت پذیری در کسب و کار با تمرکز بر مدل‌های تامین و زنجیره ارزش پایدار، بهبود شاخص‌های مالی و سودآوری از طریق افزایش بهره‌وری را جملگی با هدف دستیابی به رشد در شاخص‌های عملکرد اقتصادی و بهبود ارزش افزوده دنبال می‌کند.

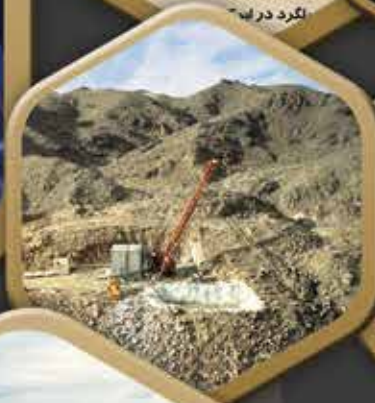
از سویی دیگر این شرکت با هدف تامین پایدار انرژی، بهینه‌سازی مصرف و اجرای برنامه‌های افزایش بهره‌وری و بازیافت انرژی در زمینه‌های مدیریت مصرف مواد اولیه، مدیریت تامین و مصرف آب و مدیریت پسماند اقداماتی را صورت داده است.


با این تفاسیر می‌توان گفت که هلدینگ میدکو در سال‌های اخیر با تمرکز بر تولید پایدار توانسته است به اصل مهم توسعه دست یابد. این در حالی است که میدکو در ۴ سال اخیر با پیشبرد پروژه‌های خود و رسیدن به ظرفیت‌های تولید و سودآوری بالا در شرکت‌های زیرمجموعه، روند صعودی قابل توجهی را در سودآوری سالانه خود داشته است. این گزارش حاکی از آن است که سود خالص میدکو در سال ۹۶ بیش از ۴۵۳ میلیارد تومان بوده است

اولین شرکت پروژه محور پذیرفته شده
در سازمان بورس اوراق بهادار کشور



شرکت تجلی توسعه معادن و فلزات (سهامی عام)
TAJALI Mines & Metals Development Co.



 www.tajalimmd.ir

 info@tajalimmd.ir

معیار صنعت پارس
شرکت سرمایه گذاری (سهامی عام)



فعال در بازار فرا بورس ایران با نماد

"معیار"

- ارائه دهنده کلیه خدمات مالی نوین
- عرضه اولیه شرکت گندله سازی مادکوش (در حال پذیرش)
- عرضه اوراق سلف و گواهی سپرده شرکت گندله سازی مادکوش

tel/fax: ۰۲۱-۲۲۶۵۱۶۲۰-۲۵

WWW.MEYARHOLDING.IR

شهرهای جدید و دویست و چهل فرصت سرمایه گذاری به ارزش ۵۰ هزار میلیارد تومان

**New towns and
investment opportunities
1.5 billion euros**

وزارت راه و شهرسازی

شرکت مادر تخصصی عمران شهرهای جدید

Ministry of Roads & Urban Development New Towns Development CO.



تهران، خیابان ولی عصر، بالاتر از میدان ونک، خیابان شهید خدای، پلاک ۲۵

تلفن: ۸۹۳۵۶۰۰۰

No. 25, Shahid Khodami St. Vanak Sq. Tehran - Iran

Tel :+98 21 8935 60 00

 [new_towns_](https://www.instagram.com/new_towns_)

www.ntdc.ir





مجتمع فولاد صنعت بناب
Bonab Steel Industry Complex

تولید کننده میلگرد، تیر آهن، نبشی، ناودانی و شمش فولادی

- ✓ دارنده مقام اول بزرگترین تولید کننده بخش خصوصی کشور
- ✓ دارنده نشان عالی کیفیت
- ✓ ارائه کننده سبد کامل محصولات فولادی

www.mfbco.ir

info@mfbco.ir

BonabSteel



ایستاد بازار

آدرس کارخانه: آذربایجان شرقی، بناب، شهرک صنعتی بناب
دفتر تهران: سعادت آباد، بلوار فرهنگ، ساختمان گروه مالی گردشگری، طبقه ۲

بازرگانی:	۰۴۱ - ۴۱۲۴۴۱۱۱
فروش:	۰۴۱ - ۴۱۲۲ - ۳۷۷۸۰۶۴۴
فکس:	۰۴۱ - ۳۷۷۸۰۶۴۳
تلفن گویا:	۰۴۱ - ۳۷۷۸۰۶۱۰
تلفن دفتر تهران:	۰۲۱ - ۸۷۷۰۰۰۹۶



برای عضویت در کانال اعلام قیمت محصولات
مجموع بارکد را اسکن فرمائید.

LAMERD

Special Economic Zone



WWW.LAMERDSEZ.IR



- متمرکز شدن صنایع انرژی بر کشور در جهت صرفه جویی در مصرف و هزینه انرژی
- امضاء تفاهم نامه همکاری فی مابین منطقه ویژه لامرد و مرکز همکاریهای تحول و پیشرفت ریاست جمهوری با هدف فعال نمودن ظرفیت های منطقه ویژه از طریق:
- ۱: بهره گیری از تعاملات ملی بین المللی به منظور برقراری ارتباط موثر بین گیرندگان و دارندگان توانمندیها و دانش های فنی مربوطه
- ۲: تسهیل تامین مالی طرح ها و پروژه های سرمایه گذاری در حوزه های فناورانه و نو آورانه
- ارائه تسهیلات خرید ماشین آلات صنعتی ساخت ایران به سرمایه گذاری
- تامین سرمایه ثابت و در گردش طرح های سرمایه گذاری فعالین اقتصادی طی تفاهم نامه با شرکت تامین سرمایه خلیج فارس

- مجاورت با فرودگاه بین المللی لامرد و نزدیکی با فرودگاه خلیج فارس عسلویه
- همجواری با پارس جنوبی و پارس شمالی (عسلویه)
- واقع شدن در مسیر کریدورهای مهم ترانزیتی زمینی و هوایی کشور
- برنامه ریزی برای عبور خط ریلی راه آهن از مجاورت منطقه ویژه
- نزدیکی به کشورهای عربی جنوبی حوزه خلیج فارس
- استقرار و فعالیت گمرک مستقل
- تامین آب ، برق و گاز مورد نیاز در دوران ساخت و بهره برداری متقاضیان سرمایه گذاری
- معافیت از پرداخت مالیات و عوارض گمرکی
- دسترسی به بندرهای تخصصی (عسلویه - پارسیان)



انتخاب با شماست

نرخ تسهیلات • مدت اقساط • مبلغ تسهیلات

(طرح فرزانه ارزش آفرین)

بانک دی
DAY BANK



بانک دی، بانک ارزش آفرین



بانک کارآفرین
KARAFARIN BANK

کارآفرینی زیباست

۲۳/۹۴٪

سود مؤثر یکساله

کیان

درآمد پایدار با صندوق ندای ثابت کیان

✓ سود روز شمار

✓ معاف از مالیات

✓ پرداخت سود ماهانه معادل ۲۱/۶۶٪ (منتهی به ۱۵ مهر)

✓ سود مرکب سالانه شده ۲۳/۹۴٪ (منتهی به ۱۵ مهر)

✓ نقدشوندگی در یک روز کاری



کیان دیجیتال



خرید فوری در اپلیکیشن کیان دیجیتال

www.kiandigital.com

۰۲۱ ۸۸ ۷۷ ۰۱۲۳



SCAN ME

شرکت فولاد هرمزگان

حضور مؤثر در بازارهای داخلی و
صادراتی با رشد ۷ درصدی عرضه
محصولات ویژه

kish 2022
INVEX

International Exhibition of Exchange, Banking,
Insurance and Privatization

نهمین نمایشگاه بین المللی بورس، بانک، بیمه و خصوصی سازی (کیش اینوکس ۲۰۲۲)

۲۵ لغایت ۲۸ مهرماه ۱۴۰۱ جزیره کیش



شرکت فولاد کاوه اروند

ARVAND KAVEH STEEL.CO



اولین کارخانه نورد میلگرد و مفتول مناطق آزاد تجاری کشور
با سرمایه گذاری بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی ایران

تولید سالانه ۶۰۰ هزار تن میلگرد و مفتول در کلیه سایزها



شرکت فولاد کاوه اروند
Arvand Kaveh Steel Co.
1397



بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی



Kaveh-pars Mining Industries
Development Company
شرکت توسعه صنایع معدنی کاوه پارس، اصفهان

📍 **دفتر تهران:** بزرگراه رسالت، ابتدای
خیابان آفریقا، ساختمان مرکزی بنیاد
مستضعفان انقلاب اسلامی، طبقه ۹
📞 **تلفکس:** ۵-۸۸۸۸۱۶۸۴-۲۱

📍 **کارخانه:** خرمشهر، منطقه آزاد اروند،
جاده امام صادق (ع)، شهرک صنعتی
📞 **فکس:** ۰۶۱-۵۳۵۴۶۴۵۹
📞 **تلفن:** ۰۶۱-۳-۵۳۵۴۶۴۶۰